حل مسائل صنفی دانش آموزان فقط در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی امکان پذیر است

مجاهد - سال اول
ش ۱۵ - ۵۸/۷/۲۱

سلطهٔ بی رحمانه و همه جانبهٔ امپریالیسم، بردوش توده‌های زحمتکش ما سنگینی می کند

این روزها در گوشه وکنار کشورمان زمزمه‌ها وصحبت‌ها و نارضایتیهایی در غالب موارد دیده و یا شنیده‌ایم، که از یک طرف حکایت از سلطهٔ بی رحمانه و همه جانبهٔ امپریالیزم و دیکتاتوری وابسته به آن در زمانی طولانی بردوش توده‌های زحمتکش ما دارد، و از طرف دیگر نشانگر ضعف وناتوانی سیستم فعلی برای حل انقلابی مشکلات وگرفتاریهای دامنگیر اقشار وطبقات گوناگون می باشد.

در این میان دانش جویان و دانش آموزان یعنی قشر آگاه و روشنفکر این جامعه نیز با مسایل حادتر و پیچیده‌تری روبرو هستند. و این نارضایتیها در شکل راهپیمائی ها، تحصن ها، درگیریها خودنمائی میکند.

به این خاطر و به مناسبت یادی مجدد از ۱۳ آبان، روز دانش آموز، که یادآور افتخارآفرینی شما عزیزان در راه آزادی و اعتلای میهن مان است، بر آن شدیم که در رابطه با مسایل بالا خط اصولی حرکت شما را که امید انقلاب ما هستید مشخص نمائیم. باشد که با بکار بستن این شیوه‌ها سدهای راه تکامل و اصلی‌ترین آن امپریالیزم را از سر راه برداشته، و بسوی جامعهٔ توحیدی بی طبقه پر بگشائیم.

از آموزش و پرورش دوران انقلاب چه انتظاری میرفت

حاکمیت فرهنگ سرمایه داری و شرک وجود تبعیض و اختلافات طبقاتی در رژیم شاه خائن روشن تر از آن است که نیازی به بحث داشته باشد.

بدون شک تعداد بسیار زیادی از شما طعم اختلافها و تفاوتها را چشیده ومیچشید. اگر در شرایط اسفبار تحصیلی ودر مدارسی که ویرانه‌ای بیش نیستند وبه بیغوله ها بیشتر شباهت دارند تا به محیط کسب علم ودانش، مستقیماً درس نخوانده‌اید حتماً شاهد این تضادها بوده‌اید. آنهم نه در فلان روستای دورافتاده بلکه درجنوب شهرها!! در کنار ساختمانهای سربفلک کشیده، با مدرنترین وسایل راحتی ورفاه!! وبا جو فشار وخفقان ودیکتاتوری حاکم برمدارس، وآموزشهای بی محتوای فرهنگ امپریالیستی که هدفی جز تبلیغ نظام سرمایه‌داری وهرچه بیشتر استثمار توده‌ها ندارد آشنا هستیم با تاریخی که فقط از پادشاهان دم میزند، ودر آن توده های مردم هیچکاره‌اند آشنائی دارید. علمی را که تنها در مالکیت سرمایه‌داران قرار می‌گیرد و توده هارا بهره‌ای از آن نیست میشناسید... و... ولی هیچکدام از شما انتظار ادامهٔ چنین شرایطی را در رژیم انقلابی! آنهم به نام جمهوری اسلامی!! نداشتید. چرا که شما با دلاوریها وجانبازیهایتان در جریان انقلاب نارضایتی خود را از آن شرایط نشان دادید، و به خاطر

بقیه در صفحه ۱۲

درهم کوبیدن فقر، دیکتاتوری، قلدری وبنای ساختمان آزادی مبارزه کردید. وبهای کمی نیز نپرداختید ده‌ها هزار شهید، و متجاوز از صد هزار زخمی و معلول ونقص عضو. درشرایط کنونی استمرار همان فرهنگ استعماری، دیگر برای جوانان مبارز ما پذیرفتنی نیست. مگر نه اینست که برطرف نشدن نارضایتی‌ها یعنی پایمال شدن خون شهدا؟ مگر نه اینست که اسلام انقلابی مخالف با هرگونه نابرابری و استثمار و استعمار وحق کشی می‌باشد؟ مگر نه این است که در دیدگاه توحیدی، اظهار عقیده آزاد می‌باشد (لااکراه فی الدین)؟ پس برخوردهای امروزی نشانگر کدام اندیشه است؟!

شناخت درد مهم است، ولی شیوه درمان از آن مهمتر می باشد

متأسفانه بعد از انقلاب نیز، شاهد همان وضع با اندک تغییری هستیم مدارس شمال وجنوب همچنان با همان وضع سابق باقی است. شهریه همان طور، تبلیغ سیاسی ممنوع، وبحث سیاسی مشروط و در کادر منافع حزب حاکم آزاد می باشد، کتابها همان کتابهای سابق، حتی عکس شاه خائن هنوز در اول کتب بعضی کلاسها باقیست و...

این درست است که تا به حال هیچگونه تغییری بنیادین درنظام و سیستم آموزشی ایجاد نشده، و هم چنان فرزندان زحمتکش خلق ما مجبورند که از نعمت سواد بی بهره باشند. درست است که رایگان شدن آموزش بمفهوم واقعی کلمهٔ آن انجام نگردیده، آزادی سیاسی بطورکامل در مدارس وجود ندارد، وسیستم سانسور وانحصار طلبی هم درجای خود فعال است. و اینهمه بر شما سخت گران می آید، وباید از در چاره جوئی برآمد. ولی مسئلهٔ مهم تر اینست که چگونه این دردها را درمان نمائیم. شناخت درد مهم است ولی شیوهٔ درمان مهمتر از آن می‌باشد.

مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان تنها راه حل تضادهای جامعه، واصلی ترین وظیفه نیروهای انقلابی

کشورهای جهان سوم سالها ست که در زیر ضربات گوناگون امپریالیستها خرد میشوند. میهن ما نیز بعلت وابسته بودن به کشورهای جهان سوم در همهٔ شئون اقتصادی، اجتماعی، وفرهنگی به زیر سلطهٔ امپریالیستها ودر رأس آن آمریکا کشانیده شده‌است. بسیار روشن است که با نابودی دیکتاتوری ریشه‌های امپریالیزم از جامعه کنده نخواهد شد. او در فکر این است که بعد از رفتن نوکر سرسپرده‌اش شاه جلاد با چه شیوه جدیدی منافعش را حفظ کند لذا همه نیروهای مردمی وانقلابی باید که کوشش خود را وقف نابودی این غول جهانخوار بنمایند. ودر صفی واحد علیه این دشمن اصلی خدا وخلق بجنگند.

"ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص"

"خداوند مبارزینی را که در صفوف متراکم وبهم فشرده در راه خدا وخلق مبارزه می کنند دوست دارد."

امپریالیزم چگونه از منافع خودش در کشورهای جهان سوم بعد از سقوط نوکرانش دفاع می کند؟ از طریق پایگاه داخلی خود یعنی سرمایه‌داری وابسته و ارتجاع. همان نیروی روبه‌فنی ومربوط به گذشته‌ای که ادامهٔ انقلاب را در خدمت منافع خود نمی‌بیند. بنابراین مبارزهٔ ضد امپریالیستی جدا از مبارزه، با ارتجاع مفهوم ندارد، ولی هم چنان اولویت وکار اصلی، مبارزهٔ با امپریالیزم است. ومبارزه با ارتجاع نیز باید در خدمت مبارزهٔ ضد امپریالیستی قرار گیرد. درغیر اینصورت دور افتادن از کار اصلی وکشیده شدن به انحراف می باشد.

پس اگر پذیرفتیم که وظیفهٔ اساسی کلیهٔ نیروهای انقلابی مبارزه ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی است، بایستی همه حرکتها وخواستهای ما در رابطه با این وظیفه قرار گیرد. و یا بهتر بگوئیم هرخواستی را تا آنجا تعقیب کنیم که به مبارزهٔ اصلی لطمه نزند، ونیروهای اجتماعی را از مسیر اصلی پراکنده نکند، وبرامهای فرعی نکشاند. بدرستی روشن است که با بیان این قانون نمی‌خواهیم مشکلات صنفی را نادیده بگیریم. بلکه حل اساسی وواقعی مشکلات شما را در بثمر رسیدن مبارزه ضد امپریالیستی میدانیم بعبارت دیگر حل مشکلات صنفی شما بعنوان بخشی از مشکلات جامعهٔ ما، در گرو پیروزی مبارزهٔ ضد امپریالیستی است مبارزه‌ای که حل مشکلات اولیهٔ کلیهٔ اقشار جامعه وطبقات خلق می باشد. به بیان دیگر حل قطعی مشکلات صنفی را درگرو حل مشکلات سیاسی می بینیم. زیرا که حل گره‌های کوچکتر منوط به حل گره ومشکل اصلی می باشد.

بدیهی است همانطوریکه در "پیام مجاهدین به دانش جویان و دانش آموزان" درآغاز سال تحصیلی اشاره شد، ما علی‌الاصول نمی‌توانیم و نبایستی درصحت شیوه‌هائی که دانش جویان ودانش آموزان آگاه وانقلابی در جهت کسب این خواستهای صنفی و حقوق حقهٔ خود بکار می‌برند تردید کنیم. بلکه طرح این خواستها (که در شماره‌های بعد راجع به این خواستها بیشتر با شما صحبت می‌کنیم)، درعین حقانیت آنها تا آنجا بایستی دنبال شود و از تاکتیکهائی باید استفاده شود که به حرکت اصولی وکلی که یک مبارزه تمام عیار ضد امپریالیستی است لطمه‌ای وارد نکنند.

چه کسانی از اتخاذ شیوه‌های ناصحیح وغیر اصولی سود می برند

بدون شک نیروهائی که از این رهگذر سود می‌برند در درجه اول امپریالیستها وبعداً " نیروهای دست راستی ومرتجعی که پایگاه امپریالیزمند می‌باشند. ارتجاعی که کمین کرده تا جاده صاف کن امپریالیستها باشد، و در فکر استفاده از حرکت غیر اصولی نیروهای انقلابی برای رسیدن به خواستهای خودمی باشد. چه نیروهائی که ناآگاهانه وبعلت عدم درک صحیح شرایط وندیدن دشمن اصلی وافتادن به چپ روی، عملاً " درجهت منافع آنها قدم برمیدارند. وچه نیروهای فرصت طلبی که با اتخاذ شیوه های چپ روانه، انتظار کشیده شدن توده‌ها را بسمت خود میکشند

بنابراین هرگونه حرکت صنفی اعم از تظاهرات، تحصن، و.... که درجهت مبارزه ضد امپریالیستی نباشد از نظر ما انحرافی و ثمره‌ای جز آب به آسیاب دشمن ریختن نمی‌باشد. و حاصلی جز نابودی دستاوردهای انقلاب وپایمال شدن خون شهدای خلق نخواهد داشت.

برادران وخواهران دانش آموز

پیچیده ترشدن شرایط از یکطرف نیازمند شیوه‌های پیچیده درمبارزه با ارتجاع است واز طرف دیگر نشان دهنده وظایفی خطیر می باشد وظایفی که تاکنون به بهترین وجهی آنرا انجام داده‌اید.

لذا در شرایط خطیر فعلی بایستی هرچه بیشتر به وظایف خطیر و انقلابی خود آشنا گردیده وباعمق بخشیدن به مطالعات خود ودرک رابطه صحیح خواستهای خود با نیازهای جنبش انقلابی خلق درمبارزه ضد امپریالیستی وتشکل هرچه تمامتر نیروهای انقلابی وضد امپریالیست وظیفهٔ خود را انجام دهید، راهی است بس سخت و دشوار که انواع خطرها وتهمتها ومارکها را نیز بهمراه دارد ولی هراسی بدل راه ندهید چراکه ارادهٔ پولادین انسان از همه آنها سخت تر است راهی که علاوه بر ایمانی پولادین پشتوانه آن خدا وتوده های مردم می‌باشند.

فتوکل علی الله

باسلام به همهٔ دانش آموزان رزمنده و انقلابی



بمناسبت سالروز آغاز تهاجم مزدوران رژیم به خوابگاههای دانشجویان در ۱۵ خرداد ۵۹

کمبود مسکن و خوابگاه مشکل روز دانشجویان و مسئله‌ای برای رژیم

۱۵ خرداد ۵۹، مزدوران پاسدار و کمیته‌چی‌های منطقه‌ی قلهک به خوابگاه دانشجوئی دختران و پسران مدرسه‌ی عالی ترجمه‌ی مفیدی یورش بردند و دانشجویان هر دو خوابگاه را به شکلی زننده از اطاق‌ها بیرون انداخته و به بازرسی اطاق‌ها پرداختند. این یورش وحشیانه سرآغاز تهاجمات ضدانقلابی رژیم به خوابگاههای دانشجوئی بود و از آن پس بتدریج کلیه‌ی خوابگاههای دانشجوئی به سردمداری پشت پرده‌ی بهشتی معدوم و حزب منفور او و بوسیله‌ی تهاجمات و تاخت‌وتاز چماقداران حرفه‌ای رژیم، تخلیه گردید. این توطئه‌ی ضدانقلابی در زمانی انجام پذیرفت که هنوز بیش از یک‌ماه‌ونیم از جنایت ارتجاع، موسوم به "انقلاب فرهنگی" نگذشته بود و ایادی رژیم آشکارا این عمل را مکمل "انقلاب فرهنگی" خود قلمداد می‌کردند! گواینکه در همان زمان، تهاجمات وحشیانه‌ی مزدوران ارتجاع به خوابگاههای دانشجوئی دختران و پسران، برای همگان ماهیت "انقلاب فرهنگی" خمینی و دارودسته‌ی مرتجعش را برملا نمود و نشان داد که هدف از این ترکتازی‌ها و به خون کشیدن صحن دانشگاهها تنها و تنها محدود کردن آزادی‌ها و فشار هرچه بیشتر به‌نیروهای انقلابی بوده است.

از آن پس، خوابگاههای دانشجوئی عملا در اختیار نهادهای ضدانقلابی رژیم گذاشته شد و طبق گفته‌ی معاون "وزارت فرهنگ و آموزش عالی"، خمینی با شروع جنگ، کلیه‌ی امکانات و تجهیزات دانشگاه (از جمله خوابگاههای دانشجویان) در اختیار جبهه‌ها قرار گرفت!

(اطلاعات ــ اول/آذر/۶۲)

اما پس از تصمیم رژیم مبنی بر باصطلاح نوگشائی دانشگاهها، فقدان مسکن و خوابگاه دانشجوئی همواره بصورت معضل بزرگی برای رژیم جلوه کرده است. حتی کارگزاران دانشگاهی رژیم در تلاشند تا از طریق چانه‌زدن با ستادهای جنگی ارتجاع، برخی ساختمان‌ها و خوابگاههای دانشجوئی، علی‌الخصوص در استان‌های جنگ‌زده را در اختیار خود بگیرند. از فقدان امکانات دولتی که بگذریم، در زمینه‌ی تهیه‌ی مسکن خصوصی و فردی نیز، دانشجویان با مشکلات متعددی روبرو می‌باشند. زیرا در سال‌های اخیر، مهاجرت روستائیان و ساکنان شهرهای کوچک‌تر به مراکز استان‌ها و بویژه تهران، تقاضا برای مسکن را در این مناطق بسیار افزایش داده است. این تقاضای دائم‌التزاید با توجه به اینکه در این سال‌ها در سایه‌ی حاکمیت ویرانگر و نکبت‌بار ارتجاع، هیچگونه خانه‌سازی اساسی صورت نگرفته، جبرا منجر به افزایش سرسام‌آور اجاره‌ی مسکن گردیده است، بنحوی که پیدا کردن یک خانه و یا حتی یک اطاق کوچک برای یک خانواده و یک فرد، جزو کارهای شاق و گاه غیرممکن درآمده‌است و در صورت پیدا شدن نیز، اجاره‌ی سنگین آن، بخش عمده و اساسی از درآمد متقاضی را به خود اختصاص می‌دهد.

دانشجویان غیر بومی عموما با چنین مشکلاتی مواجه می‌باشند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که طرح ضدانقلابی موسوم به "مالک و مستاجر" که دادستانی ضدانقلاب رژیم در شهریور سال ۶۱ برای دستیابی به رزمندگان مجاهد خلق در سرتاسر کشور و بویژه در تهران، به اجرا درآورد، اینک به مشکلی برای خود رژیم نیز تبدیل شده است، زیرا هر چند رزمندگان مجاهد خلق و هسته‌های مقاومت موفق شدند با اتخاذ تاکتیک‌ها و شیوه‌های مناسب مسئله‌ی استقرار خود را حل نمایند اما بهرحال جوّ اختناق و سرکوبی که رژیم در این رابطه براه انداخت و جریمه و مجازات سنگینی که برای صاحبخانه‌های "متخلف"! در این زمینه در نظر گرفت و در موارد متعددی نیز به اجرا گذاشت، تاثیر اختناق‌آلود اجتناب‌ناپذیر خود را بر روی برخی صاحبان خانه‌ها و اطاق‌های خالی باقی گذاشت و لذا وسواس و سختگیری اجتماعی در این زمینه، اینک حتی دامن وابستگان رژیم را نیز گرفته است! از سوی دیگر شیوه‌های مسخره‌ی رژیم در زمینه‌ی حل مشکل مسکن دانشجویان نیز نتیجه‌ای عاید رژیم نکرده است. براساس یکی از این تاکتیک‌ها، طی بخشنامه‌ای در ۲۷ بهمن‌ماه ۶۲ اعلام گردید که دانشجویان می‌توانند برای چند ترم تحصیلی، براساس ضوابط ساده‌ای بصورت "میهمان" به دانشکده‌ای دیگر بروند و مفهوم آن نیز اینست که فی‌المثل دانشجوی اهل تبریز که در یکی از دانشگاههای تهران قبول شده ــ در صورت پیدا نکردن مسکن ــ می‌تواند به محل سکونت خود (و یا شهری که احیانا برای دانشجو مسئله‌ی مسکن چشم‌انداز دارد) رفته و در یکی از دانشکده‌های آن شهر که با رشته‌ی درسی‌اش همخوانی دارد، "فقط چند ترم" تحصیل کند! در آئین‌نامه‌ی مذکور دلیل اینکار، منجمله "کاهش مشکلات مربوط به تامین خوابگاه دانشجویان جدید" ذکر گردیده است. در شیوه‌ی دیگر اتخاذ شده از سوی رژیم، دانشجویان هم‌رشته از دو شهر مختلف می‌توانند، جای خود را با یکدیگر عوض کنند. آئین‌نامه‌ی این طرح که در ۱۶ اسفند سال گذشته به تصویب "ستاد انقلاب فرهنگی" رژیم رسید، به همراه طرح قبلی موسوم به "دانشجوی میهمان" آنارشی مضحکی را در کلیه‌ی دانشگاهها ایجاد کرده است، بنحوی که همه جا آگهی‌های انتقال و مبادله دیده می‌شود و حتی پای آن به روزنامه‌های رژیم نیز کشانده شده است. در حالیکه این قبیل طرح‌های ارتجاعی، نه تنها هیچ مشکلی را از رژیم در زمینه‌ی مسکن دانشجویان حل نکرده، بلکه هرج و مرج ناشی از آن، مشکلات رژیم در دانشگاهها را دوچندان کرده است! در همین رابطه رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعه‌ی هفته‌ی آخر اردیبهشت امسال، ضمن اینکه اعلام کرد رژیم قصد دارد برای حل تنگنای خوابگاه دانشجوئی "بنیاد مسکن دانشجو" درست کند، از مردم خواست تا به دانشجویان اطاق اجاره دهند و یا آنها را بصورت پانسیون در خانه‌ی خود بپذیرند. بلافاصله نیز "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" رژیم اطلاعیه‌ای صادر کرد و اعلام کرد برطبق سخنان رفسنجانی، بزودی جهت ایجاد بنیاد مسکن کذائی، شماره حسابی افتتاح خواهد شد! ولی تا اجرای این طرح‌ها، وزارتخانه‌ی فوق، در رابطه با اجاره‌ی اطاق به دانشجویان، "ضمانت‌های حقوقی لازم" را عهده‌دار می‌شود!

(جمهوری ــ اول/خرداد/۶۳)

ضمنا بدنیست به این نکته هم اشاره کنیم که با نزدیک شدن ماه مبارک رمضان، رژیم درمانده‌ی خمینی، در عجز کامل از حل مسکن دانشجویان شهرستانی، به کلیه‌ی دانشگاهها و موسسات آموزش‌عالی تهران دستور داده است، به مدت ده روز (اول تا دهم ماه رمضان برابر با ۹ تا ۱۹ خرداد) "امکانات لازم جهت اقامت" این قبیل دانشجویان را "در محلی نزدیک کلاس‌های درس فراهم نمایند"! در رابطه با این اقدام مشعشع و البته مفلوکانه‌ی رژیم، بایستی توضیح دهیم که اسکان ۱۰ روزه‌ی دانشجویان شهرستانی به این خاطر است که آنها بتوانند باتوجه به تامین شدن محل اقامت برای ۱۰ روز، روزه‌های خود را کامل گرفته و در تهران باقی بمانند و پس از آن دیگر می‌توانند به امان خدا، با دهان روزه در تهران رها شوند، چرا که مرتجعین دین‌فروش و عوامفریب بزعم خود با این تاکتیک جلوی شکسته شدن روزه‌های آنها را گرفته‌اند!!

(کیهان ــ ۲۹/اردیبهشت/۶۳)

در خاتمه بایستی تاکید کنیم که رژیم فقط از سرلاعلاجی به پراکنده کردن دانشجویان در شهرها و خانه‌ها تن داده است وَاِلّا علیرغم مشکلات متعددی که گریبانگیر رژیم می‌باشد، سردمداران ارتجاع ترجیح می‌دهند که دانشجویان را در خوابگاههای کنترل‌شده و شبه‌نظامی دانشجوئی جمع‌آوری کنند تا از طریق وابستگان و جاسوسان خود که اینک بصورت "سهمیه‌ی نهاد"های سرکوبگر، بخش قابل توجهی از دانشجویان را تشکیل می‌دهند، به کنترل و مراقبت آنها بپردازند. در این زمینه اظهارات رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعه‌ی ۲۸ اردیبهشت، بخوبی گواه این نیت و هدف اختناق‌آمیز رژیم می‌باشد؛ وی از جمله گفت: "*... اگر ما چنین کاری بکنیم، واحدهای خوابگاه در سراسر کشور بوجود بیاوریم، دانشجویانمان ضمن اینکه در دانشگاه تحت تربیت هستند، در خوابگاهها هم تحت تربیت‌اند. مخصوصا اگر این خوابگاهها دست آنچنان نهادی باشد. (!) اداره بکند، برای آنجا برنامه بگذارد، اخلاق و رفتار و معاشرت و نماز را مواظب باشند، شرایطی برای پذیرش قرار بدهند. یک‌چنین برنامه‌ای می‌تواند دانشجویانی که در کلاس تربیت می‌شوند اما در منزل و جاهای دیگر منحرف می‌شوند را نجات بدهد*"!●

فقدان مسکن و خوابگاه دانشجوئی همواره بصورت معضل بزرگی برای رژیم جلوه کرده است. حتی کارگزاران دانشگاهی رژیم در تلاشند تا از طریق چانه‌زدن با ستادهای جنگی ارتجاع، برخی ساختمان‌ها و خوابگاههای دانشجوئی، علی‌الخصوص در استان‌های جنگ‌زده را در اختیار خود بگیرند.

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاحها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه رویم!



کشمکش بین "جهاد دانشگاهی" و مدیریت سرسپرده در دانشگاهها

اواسط بهمن‌ماه سال گذشته منتظری جنایتکار، جانشین سفیه خمینی، طی حکمی آخوند هادی خامنه‌ای (برادرِ رئیس‌جمهور خمینی) را به عنوان نماینده‌ی خود، در شورای مرکزی "جهاد دانشگاهی" برگزید.

این اقدام که در بحبوحه‌ی چانه‌زدن و کشمکش بین جناح‌های درونی رژیم، بر سر تعیین تکلیف وضعیت مزدوران "جهاد دانشگاهی" و حل تضاد آن با مدیریت سرسپرده‌ی دانشگاهها و مشخص نمودن حد و مرز و چارچوب فعالیت‌های این نهاد سرکوب انجام گرفت، گامی درجهت کنترل بیشتراین مزدوران محسوب می‌شد. در رابطه با این معضل درونی رژیم، ذکر این نکته ضروری است که اگر چه یکی از جناح‌های درونی رژیم، خواستار تقویت مدیریت در دانشگاهها و تضعیف رقبای خود و منجمله باصطلاح انجمن‌های اسلامی و جهادهای دانشگاهی می‌باشد، اما تضاد بین "جهاد دانشگاهی" و "مدیریت"، معضلی است که از حیطه‌ی مجموعه مسائل مورد اختلاف بین دو جناح اصلی رژیم فراتر رفته و ضمن گسترش یافتن در میان یکی از جناح‌ها (موسوم به خط امام) بگونه‌ای در میان خود این جناح نیز چنددستگی ایجاد نموده است. موضوع مورد مشاجره نیز اینست که آیا به جاسوسان "جهاد دانشگاهی" برای کنترل دانشگاهها قدرت عمل بیشتری داده شود و یا دانشگاهها عمدتا از طریق دولت (وزارت فرهنگ و آموزش عالی) اداره گردند. مهمترین وجه این کشمکش بر سر محدوده‌ی اختیارات در دانشگاهها، نحوه‌ی مدیریت آنست. "جهاد دانشگاهی" تحت شعار مدیریت شورائی خواستار سهیم‌شدن فعال در اداره‌ی دانشگاههاست، اما جناح دیگر بر روی اِعمال نفوذ دولت از طریق گماردن رؤسا برای دانشگاهها تاکید می‌کند. در این میان ملغمه‌هائی که ارتجاع پوسیده‌ی خمینی در قلمرو دانشگاهها ایجاد کرده، فقط به تشدید تضادهای موجود کمک می‌کنند، نظیر: "دفتر تحکیم وحدت"، "انجمن‌های اسلامی"، "جهاد دانشگاهی"، "ستاد انقلاب فرهنگی"، "دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه"، "نمایندگان منتظری در دانشگاهها"، "وزارت فرهنگ و آموزش عالی"، ... که هر کدام سهم خود را در اِعمال حاکمیت بر دانشگاهها طلب می‌کنند و هر چقدر هم که رژیم و سردمداران آن تاکید و توصیه و موعظه کرده و یا نهیب می‌زنند که الان همه چیز دست ارتجاع است و باید از بالا به هر چه مستحکم‌تر کردن چفت و بست دیکتاتوری کمک کرد، گوئیا به گوش جناح‌هائی از اعوان و انصار و ایادی و مزدوران خمینی فرو نمی‌رود! ناگفته پیداست که تقریبا در تمامی بخش‌ها و نهادهای تحت کنترل و حاکمیت ارتجاع، اعم از وزارتخانه‌ها، ادارات، کارخانجات و ... چنین مشکلی برای رژیم وجود دارد. چرا که چماقداران و قداره‌بندانی که تحت پوشش انجمن‌های ضداسلامی، تا دیروز (قبل از ۳۰ خرداد و یکپایه شدن رژیم) بطور غیررسمی عامل اجرای مقاصد پلید رژیم در محو آزادی‌ها و سرکوب نیروهای انقلابی و همچنین اِعمال فشار بر جناح رقیب در حاکمیت، بودند و همه‌جا را مورد تاخت و تازهای جنایتکارانه‌ی خود قرار می‌دادند، امروز که دیکتاتوری مطلق‌العنان خمینی مملکت را به زیر مهمیز خود کشیده، هنوز در سودای حفظ قدرت درمحدوده‌ی ملوک‌الطوایفی خود می‌باشند و پیوسته با بوروکراسی و نهادهای رسمی رژیم (دولت، وزرا، مدیران، رؤسا و ...) در تضاد و اصطکاک هستند و بخش عمده‌ای از پند و اندرزها، جوشکاری‌ها، عتاب و خطاب‌ها و برگزاری "نماز وحدت"های کارگزاران رژیم در طول این مدت نیز به منظور پرده‌پوشی و کنترل این تضاد و نهایتا یافتن راه‌حلی برای خروج از درماندگی و بن‌بست بوده است؛ از جمله در زمینه‌ی موضوع مورد بحث ــ دانشگاهها ــ نیز تلاش رژیم اینست که اداره‌ی آنها را مستقیما به "وزارت علوم و آموزش عالی" وصل نماید تا از طریق آن، دولت کنترل کاملی بر دانشگاهها داشته باشد. ضمن آنکه به لحاظ اجرائی نیز، مسائل و تضادهای گوناگون ارگان‌های خمینی‌ساخته در دانشگاهها، صرفا از کانال وزارتخانه‌ی مربوطه به کابینه آمده و نهایتا دولت (قوه‌ی اجرائیه) به تنهائی در قبال مسائل دانشگاهها، پاسخگوی "مجلس" (قوه‌ی مقننه) باشد. اینکه هرازگاهی مشاهده می‌شود چه در رابطه با دانشگاهها و چه دادگستری و... وزرای درمانده‌ی رژیم در قبال سؤالات اعضای مجلس ضدخلقی از خود سلب مسئولیت می‌کنند و تنها به ذکر این کنایه اکتفا می‌کنند که مسئولیت فلان "نهاد انقلابی"!! با این وزارتخانه نیست، در این رابطه می‌باشد.

پروسهٔ تضاد

بهار ۵۹، رژیم خمینی جنایت موسوم به "انقلاب فرهنگی" را براه انداخت تا با تعطیل کردن کامل دانشگاهها، دامنه‌ی فعالیت نیروهای انقلابی را هر چه تنگ‌تر کند و از این گذشته نیروها و ایادی مزدور خود را که بالاجبار وقتشان در دانشگاهها مصروف مقابله با دانشجویان مبارز و هوادار نیروهای انقلابی می‌شد، برای مقاصد ارتجاعی دیگر آزاد کند. به این منظور رژیم خمینی دانشگاهها را به خاک و خون کشیده و آنها را تعطیل نمود و سردمداران رژیم سعی کردند به این مقاصد سیاسی خود پوشش فرهنگی نیز داده و ضمن اطلاق "انقلاب‌فرهنگی" و "اسلامی‌کردن دانشگاهها"، به جنایت خود، کسوت "فرهنگی"! بپوشانند. به دستور خمینی دجال در تاریخ ۲۵/تیر/۵۹ "ستاد انقلاب فرهنگی" تشکیل گردید و باز به دستور خمینی و درهمان زمان، باصطلاح شورای انقلاب لایحه‌ای را تصویب نمود که براساس آن ۵۰۰ میلیون تومان بودجه در اختیار این ستاد گذاشته شد تا بوسیله‌ی مزدورانی که عامل اجرای جنایات رژیم در دانشگاهها بودند، دانشگاهها و مدارس عالیِ تعطیل شده را در اختیار گرفته و با حیف و میل امکانات آنها و تحت پوشش اسلامی کردن دروس، مقاصد رژیم را پیش ببرند. در همین رابطه در ۱۶/مرداد/۵۹، "ستاد انقلاب فرهنگی" اقدام به تشکیل "شورای مرکزی جهاد دانشگاهی" نمود و وظیفه‌ی آن را تشکیل شوراهای مشابه "جهاد دانشگاهی" در تمامی دانشگاهها و مدارس عالی قرار داد. (کیهان ــ ۱۷/دی/۶۲).

از جمله کارهای این مزدوران شناسائی و پرونده‌سازی برای کلیه‌ی دانشجویان جهت تصفیه و تعقیب تمامی دانشجویان مجاهد و مبارز و آماده‌سازی‌های لازم برای پُر کردن دانشگاهها از وابستگان و ایادی رژیم بود. ضمن اینکه با شروع جنگ ایران و عراق، ایادی رژیم در دانشگاه با حیف و میل کردن بسیاری از امکانات، کارگاههای فنی دانشگاهها را نیز به تعمیرگاههای پشت جبهه تبدیل نمودند. (مراجعه شود به نشریه‌ی "مجاهد" شماره‌ی ۱۹۶ ــ مقاله‌ی "پیرامون تحقیقات و اکتشافات جهاد دانشگاهی".)

بدین ترتیب نورچشمی‌های مزدور خمینی که "انقلاب فرهنگی"! او را عملی ساخته بودند، به مرور یکّه‌تاز فضای آموزش عالی کشور شده و خودسرانه هر کاری را انجام می‌دادند. این مسئله بویژه در رابطه با باصطلاح نوگشائی دانشگاهها که جزو وظایف وزارت علوم و آموزش عالی بود و همچنین مسئله‌ی اداره‌ی دانشکده‌های بازسده، در تضادی آشکار قرار داشت. اولین تلاش رژیم درجهت حل این معضل، انحلال بی‌سروصدا و محترمانه‌ی "شورای مرکزی جهاد دانشگاهی" و ایجاد "ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگی" بجای آن در "وزارت فرهنگ و آموزش عالی" بود که هر چند این طرح که در اواخر ۵۹ تهیه شده بود. نقش چندانی را به وزارتخانه نمی‌داد، با اینحال با اعتراضات بسیار زیاد "جهاد دانشگاهی" روبرو بود و بحث‌ها و اختلافات زیادی را در میان ایادی رژیم و حتی درون شعبات مختلف "جهاد دانشگاهی" برانگیخت. "جهاد دانشگاهی" پافشاری می‌کرد که باید *"وظایف وزیر فرهنگ و آموزش عالی و ستاد انقلاب فرهنگی وجهاد دانشگاهی دقیقا تفکیک شود"*. با اینحال طرح مزبور در اواسط سال ۶۰ تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد ("دانشگاه و انقلاب" شماره‌ی ۲۶ و کیهان ــ ۱۸/مرداد/۶۲). اما این مصوبه مسئله‌ای را حل نکرد و لذا در مهر ۶۱ با درخواست دولت، مصوبه‌ی دیگری توسط "ستاد انقلاب فرهنگی" تهیه شد که بر مبنای آن "ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگی" زیر نظر "وزارت علوم" قرار می‌گرفت. اما "جهاد دانشگاهی" و انجمن‌های ضداسلامی تن به آن ندادند و نجفی خائن "وزیر فرهنگ و آموزش عالی رژیم" در این رابطه بعدها اعتراف کرد که: *"متاسفانه برادرانی که در جهاد بودند، عده‌ای در دفتر مرکزی و عده‌ای در دانشگاهها، این مصوبه را عملا نپذیرفتند و حاضر نشدند زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی فعالیت‌هایشان را ادامه بدهند"*. (کیهان ــ ۱۷/دی/۶۲)

از آن تاریخ به بعد اختلافات و کشمکش‌ها همچنان ادامه داشته و جناح‌های مختلف و متضاد رژیم برای یافتن راه‌حلی جهت آن، تلاش کرده‌اند. سردمداران رژیم سعی می‌کنند با دجالگری ضمن دست کشیدن به سروگوش "جهاد دانشگاهی" و تمجید از نقش

بقیه در صفحه‌ی ۲۳

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحلهٔ کنونی

مبارزهٔ انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحلهٔ کنونی

کشمکش بین "جهاد دانشگاهی" و مدیریت سرسپرده در دانشگاهها

بقیه از صفحه‌ی ۶

آن در "انقلاب فرهنگی"، دست و پای این دسته از مزدوران خود را جمع‌تر کرده و آنهارا از دخالت در امور اجرائی و اداری دانشگاهها باز دارند. متقابلا عناصر "جهاد دانشگاهی" نیز دست سردمداران خود را خوانده و در مورد تعارفات آنان صریحا می‌گویند که: *"این تائید و تمجیدها بیشتر جنبه‌ی خطابه‌ای و شعاری داشته تا اینکه بخواهد به تثبیت و تقویت عملی جهاد دانشگاهی بیانجامد."* و با اصرار بر این مسئله که: *"قریب یکسال است جهادهای دانشگاهی از بلاتکلیفی رنج می‌برند"*، خواستار تدوین قوانین صریحی در جهت تعیین حدومرز قدرت و محدوده‌ی اختیارات خود می‌باشند (کیهان ـ ۱۸/مرداد/۶۲). در این میان "ستاد انقلاب فرهنگی" نقش دلّال و واسطه را بازی می‌کند. این ستاد ضمن اینکه از یکسو با "وزارت علوم و آموزش عالی" تضاد دارد، اما از سوی دیگر خودسری‌ها و نافرمانی‌های نوچه‌های خود در "جهاد دانشگاهی" ـ که به عنوان بازوی اجرائی ستاد قلمداد شده ـ را نمی‌پسندد. شریعتمداری خائن (از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی) که روزی عناصر "جهاد" را فرزند "نهاد" خوانده بود، بعدها در رابطه با افسار گسیختگی این مزدوران گفت: *"این فرزندان الان بزرگ شده‌اند و حالت استقلال پیدا کرده‌اند و زیاد نمی‌خواهند با برادران بزرگتر خودشان به آن صورت ارتباط داشته باشند"* جالب اینجاست که خود "ستاد" هم از قضا از همین زاویه زیر علامت سوال است و نجفی وزیر "فرهنگ و آموزش عالی" اخیرا در چهارمین سالگرد جنایت فرهنگی خمینی موسوم به "انقلاب فرهنگی" اعتراف کرد که حل تضاد بین وزارتخانه‌اش و "ستاد انقلاب فرهنگی" با ایجاد تغییرات هرازگاهی در ترکیب عناصر ستاد، قابل حل نیست. وی سپس با تاکید بر این مسئله که جایگاه "ستاد" در مجموعه‌ی نظام فرهنگی ارتجاع مشخص نیست، از یکی از وجوه تضاد، یعنی دخالت‌های بیجای "ستاد" در کارها و تصمیمات "وزارت فرهنگ و آموزش عالی"، پرده برداشت و با اشاره و کنایه گفت: *"ستاد انقلاب فرهنگی باید شأن دیگری جز آنچه که الان برای خودش در نظر دارد، در نظر داشته باشد و از مسائل جزئی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسائل بسیار ریز و اجرائی خودش را فراتر بکشد و موضع خودش را به مسائل تعیین خط مشی‌های کلی و عمومی فرهنگ و تعلیم و تربیت در کشور بپردازد."* (جمهوری ـ ۴/اردیبهشت/۶۳ و "دانشگاه و انقلاب" شماره‌ی ۲۴/خرداد/۶۲)

تازه این اعتراف در شرایطی است که خمینی در سال گذشته برای مهار کردن کارهای بی‌دروپیکر و خودسرانه‌ی "ستاد انقلاب فرهنگی"، نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ و آموزش عالی را در ترکیب شورای "ستاد" وارد نمود (*) اما به‌هر حال علیرغم این چاره‌جوئی برای "ستاد"، برای مزاحمت‌های "جهاد"! چاره‌ای اساسی پیدا نشد. در طول این مدت عناصر منفور "جهاد دانشگاهی" تلاش کردند با حیف و میل کردن میلیون‌ها تومان بودجه‌ی بیت‌المال و تخریب اموال و وسائل دانشگاهها، تحت عنوان تحقیقات علمی و اختراعات و اکتشافات و کمک‌های فنی به جبهه‌ها، در میان اعوان و انصار خمینی و جناح‌های مختلف رژیم، جا باز کنند و آنها را به حمایت از خود وادار کنند (مراجعه شود به مجاهد ۱۹۶). به موازات آن، مزدوران فوق‌الذکر تضادهای خود را با مدیران سرسپرده و کادرهای آموزشی دانشگاهها تشدید نمودند. این تضادها بویژه در دانشگاههای تهران و "تربیت معلم" به اوج خود رسید. از جمله در دانشگاه تربیت‌معلم دراثراین درگیری‌ها، در طول سال گذشته و در طی کمتر از ۵ ماه، ۳ بار روسای آن بیرون رانده شدند. مسئله به قدری حاد شد که موسوی تبریزی از اعضای مجلس ضدخلقی، نجفی وزیر "فرهنگ و آموزش عالی" را برای سوال به "مجلس" خواند و اعمال "جهاد دانشگاهی" را شدیدا مورد حمله قرار داد و از وزیر درمانده‌ی خمینی پرسید: *"اصلا جهاد دانشگاهی روی چه موازین قانونی یا حتی "فرمان امام" تشکیل شده؟ مسئول عملکرد جهاد مزبور چه شخصی و چه مقام رسمی است؟ بودجه‌ی آن از چه ردیف و به چه ملاک پرداخت می‌گردد؟ صورت هزینه‌ها تحویل چه مقامی داده می‌شود؟ در سال ۶۲ از طریق جهاد دانشگاهی چه اقدامات مفیدی برای جمهوری اسلامی انجام شده است؟"!!* و نهایتا اینکه: *"مسئول دخالت جهاد دانشگاهی و احیانا "ایجاد نابسامانی‌ها در اداره و مسئولیت دانشگاهها از آن طریق با چه کسی و چه مقامی است؟"*. (اطلاعات ـ ۱۲/آذر/۶۲ و کیهان ـ ۱۷/دی/۶۲)

بدنبال آن رژیم برای تخفیف بحران، موقتا "جهاد دانشگاهی" و "انجمن اسلامی تربیت معلم" را منحل کرد و ۱۰ تن از اعضای "انجمن اسلامی" و ۵ تن از "جهاد" گرانش را از دانشگاه بیرون انداخت و تنها بدین‌نحو از جناح مقابل و مدیران سرسپرده‌اش دلجوئی به عمل آورد!

دیگر اقدامات رژیم

از مردادماه سال گذشته در شرایطی که "جهاد دانشگاهی" بر ضرورت ایجاد "مدیریت شورائی" در دانشگاهها پافشاری می‌کرد، مسئله‌ی "مدیریت دانشگاهها" مورد بحث مدیران سرسپرده‌ی دانشگاهها قرار گرفت. به همین دلیل طرحی که در همین زمینه "ستاد انقلاب فرهنگی" تهیه کرده و در آن "تا حدود زیادی استقلال دانشگاهها از وزارت علوم" در نظر گرفته شده بود، از طرف رژیم معوق ماند و متقابلا همچنانکه اشاره کردیم، خمینی، هم به منظور کنترل بیشتر "ستاد" وهم برای‌خارج کردن‌آن از حالت رکود و تعطیلی (چه بدلیل تضادهای درونی آن و چه بدلیل روی خوش نشان ندادن دولت به آن و عدم اجرای تصمیماتش توسط وزارت علوم)، در ۸/شهریور/۶۲ نخست‌وزیر و وزیر علوم را در شورای آن شرکت داد. این ستاد در تاریخ ۲۶ آبان سال گذشته، "اساسنامه‌ی مدیریت دانشگاهها" را تصویب نمود. اساسنامه‌ی فوق هر چند در واقع *"اساسنامه‌ی گسترش اختناق در دانشگاهها"* محسوب می‌شد (مراجعه شود به مجاهد شماره‌ی ۱۸۳)، اما به هر حال گامی در جهت کنترل فعالیت‌های "جهاد دانشگاهی" به حساب می‌آمد. یک ماه پس از تصویب این اساسنامه، رؤسای سرسپرده‌ی دانشگاهها در جلسه‌ی "ستاد انقلاب فرهنگی" شرکت کردند و طی بحث‌هائی، سهمیه و اختیارات بیشتری را طلب نمودند. (کیهان ـ ۲۴/آذر/۶۲)

خامنه‌ای رئیس‌جمهورجنایتکار خمینی نیزدراین‌میان‌مخالفت‌های خود را با دخالت‌های "جهاد دانشگاهی" در اداره‌ی امور دانشگاهها اعلام نمود و ضمن تاکید بر "ضرورت مدیریت علمی دانشگاهها"! گفت که: *"با مدیریت شورائی برای اداره‌ی امور دانشگاهها صددرصد مخالف می‌باشد."* (کیهان ـ ۲۹/دی و ۲۰/بهمن/۶۲)

به هر حال در جریان پیشروی‌های "وزارت علوم و آموزش عالی"، نهایتا در اواخر دی‌ماه سال گذشته، ۲ ماده از اساسنامه‌ی مدیریت دانشگاهها، به ضرر "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" تغییراتی پیدا نمود؛ از جمله براساس این تغییرات: *"رئیس دانشگاه توسط وزیر فرهنگ و آموزش‌عالی منصوب می‌شود و نصب و عزل هر یک از اعضای هیئت رئیسه‌ی دانشگاه نیز با حکم رئیس دانشگاه خواهد بود."* (ماده‌ی ۳ اساسنامه). در حالیکه قبل از این تغییر، رئیس دانشگاه می‌بایستی ابتدا به "ستاد انقلاب فرهنگی" معرفی شده و مورد تائید آنها قرار می‌گرفت و سپس نخست‌وزیر بطور فرمالیته حکم وی را امضاء می‌نمود. در تغییر دیگر اساسنامه، نماینده‌ی "جهاد دانشگاهی" در هیئت رئیسه‌ی دانشگاه نیز مستقیما با حکم رئیس دانشگاه تعیین می‌شود. (ماده‌ی ۵) و در اصلاحیه‌ی ماده‌ی ۴ عزل و نصب معاونین نیز به رئیس دانشگاه واگذار گردیده است. نجفی، سمت و سوی این تغییرات را چنین توضیح داده است: *"جهاد دانشگاهی در مدیریت دانشگاه دخالت مستقیم نخواهد داشت و فعالیت‌های آن یکسری فعالیت‌های فرهنگی و تحقیقاتی زیر نظر نماینده‌ی آیت‌الله منتظری می‌باشد."* (اطلاعات ـ ۲۰/دی و ۵/بهمن/۶۲)

و نهایتا همچنانکه در ابتدای بحث گفتیم، منتظری در نیمه‌ی بهمن‌سال گذشته هادی خامنه‌ای را به عنوان نماینده‌ی خود در شورای مرکزی "جهاد دانشگاهی" منصوب نمود تا ضمن "نظارت بر جریان فکری و سیاسی" آنها، به این جاسوسان و مزدوران خمینی در دانشگاهها تذکر دهد که "از مرز قانونی خود" خارج نشوند! (اطلاعات ـ ۱۵/بهمن/۶۲)

در پایان تاکید بر این نکته ضروری است که رژیم با این اقدامات تنها و تنها قصد دارد تا از مشکلات سرگیجه‌آور دستگاههای اجرائی و از بار تضادهای درونی خود بکاهد، و اِلّا تا آنجا که بکرات و تا همین اواخر مرتبا سردمداران رژیم بر آن تاکید نموده‌اند، از اهمیت و نقش مزدوران انجمن‌های ضداسلامی و باصطلاح "جهاد دانشگاهی"، در شناسائی و تعقیب دانشجویان مبارز و هوادار نیروهای انقلابی ذره‌ای کاسته نشده و بویژه با توجه به تحرکات هسته‌های مقاومت دانشجوئی سازمان مجاهدین خلق در دانشگاهها، بر نقش جاسوسی و اختناق‌آفرین این مزدوران تاکید وافری شده است. از جمله نهاد جاسوسی و چماقداری موسوم به "دفتر تحکیم وحدت" که آنهم به نوعی مزدوران و وابستگان رژیم در دانشگاهها را تحت پوشش خود دارد، در اطلاعیه‌ی خود به مناسبت سالگرد باصطلاح "انقلاب فرهنگی" ارتجاع (مندرج در اطلاعات ۳/اردیبهشت/۶۳)، ضمن اینکه خواستار دادن "نقش موثر در اداره و رهبری مراکز آموزش عالی" به این قبیل مزدوران شده، از مسئولین داخل و خارج دانشگاهها خواسته است تا با "جلوگیری از حذف تدریجی این نیروها و تقویت و ترغیب‌آنها"، "سد مقاومی را جلوی دشمنان در کمین نشسته"، منجمله "منافقین"، ایجاد نمایند. و صادرکنندگان اطلاعیه‌ی فوق به منظور دست‌یابی به این نیت پلید خود، بلافاصله نیز "کمک در تثبیت و رشد نهاد جهاد دانشگاهی" را اولین‌قدم در این راه دانسته‌اند!

* * *

پاورقی:

* *مدتهاست رژیم پوسیده‌ی خمینی برای خروج از تنگناها و تضادهای لاینحل بوروکراسی مسخره و عقب‌مانده‌اش، سعی می‌کند نهادهای دست‌پخت خودش را با ارگان‌های اجرائی پیوند دهد و از این طریق بنحوی آنها را از کانال‌های واحدی تحت مهار و کنترل خود دربیاورد. از جمله‌ی این کارها تاکنون ارتقاء ارگان‌های ضدخلقی از قبیل "سپاه" و "جهاد سازندگی" در حد وزارتخانه بوده و یا اینکه وزراء و کارگزارانی از ارگان‌های اجرائی را در شوراهای عالی این قبیل نهادها شرکت داده است.*

مجاهد - ش ۹ - ۱۴، ۸، ۵۸

مجاهد - سال اول - ش ۹ - ۱۴ آبان ۵۸

دانشگاه وانقلاب (۴)

هشیاری انقلابی خود را با گزینش تاکتیکهای مناسب سیاسی حفظ کنیم

"نگاهی تحلیلی به اشغال ساختمانهای بزرگ توسط دانشجویان"

برخوردی انتقادی بخاطر هرچه اصولیتر کردن تاکتیکهای مبارزهٔ ضدامپریالیستی وضدارتجاعی

دیدیم که انقلاب دمکراتیک ، یعنی تنها الگوی اصولی مبارزهٔ ضدامپریا ـ لیستي خلقهای تحت سلطه برای خروج کامل از حاکمیت امپریالیسم ، ایجاب میکند که وحدت تمام اقشار وطبقات خلق ـ که صلاحیت شرکت درمبارزهٔ ضدامپریالیستی رادارند ـ حفظ شود . و دراین میان نیروهای انقلابی یعنی معتقدین به نفی استثمار انسان از انسان برپایهٔ نفی مالکیت خصوصی ابزار تولید ، و درراٴس همهٴ آنها نیروهاي اصیل توحیدی بیشترین مسئولیت را دارند . ویکی از اصول اساسی که نباید نقض شود همین اصل است .

بجاست که دراین چهارچوب ، یکی از تاکتیکهائی را که از طرف دانشجویان

بقیه در صفحه ۸

رزمنده وانقلابی ما مورد استفاده قرارگرفته ، یعنی مساله اشغال ساختمان های بزرگ برای استفاده بعنوان " خوابگاه دانشجویان " را درهمین چهارچوب مورد بررسی قراردهیم . وبدین ترتیب عام را درخاص پیاده کنیم ، وازجریان عمل برای ارتقاء نگرش سیاسی خودمان سود بریم . طبیعی است که درجریان این بررسی رابطهٔ بین تاکتیکهائی را که انتخاب میکنیم ، با استراتژی مبارزه دراین مرحله درک خواهیم کرد . وتاکتیک انتخاب شده تا آنجا اصولی خواهد بود که تناقض اصولی با طرح کلی مبارزه دراین مرحله نداشته باشد .

دانشجویان هرگز حاضر نیستند ساده اندیشانه به شیوه های رفرمیستی دلخوش کنند

قبل از ورود به بحث تذکر یک نکته نیز لازمست واینکه ما صرفا "مسائل را در چهارچوب دیدگاه نیروهائی که مبارزه با امپریالیزم و ارتجاع را محتوای اصلی مبارزه دراین مرحله میدانند ، وامپریالیزم جهانخوار درراٴس آن آمریکا را دشمن اصلی تلقی میکنند ، موردبررسی قرارمیدهیم .

محتوای اشغال ساختمانها ازطرف دانشجویان درجوهرخود بیانگر شورانقلابی دانشجویان ماست . دانشجویانی که درسراسر مبارزات خود از دانشگاه به عنوان پیشروترین سنگر برای ارائهٔ انقلابی ترین اقدامات استفاده کرده اند . این عمل نشان میدهد که دانشجویان ما هرگز حاضر نیستند ساده اندیشانه به شیوه های رفرمیستی دل خوش کنند . آنها درک کرده اند که دراین مقطع تاریخی اقشار و طبقات استثمارگر صلاحیت رهبری جامعه را درحرکت تکاملیش ندارند . ومیدانند که با ظهور طبقهٔ کارگر ، بحق این طبقه توان آن را دارد که با قرارگرفتن درصفوف مقدم انقلاب زنجیرها را یکی پس از دیگری بگسلد ، وسدهای تکامل اجتماع را درهم بشکند . وهمین درک انقلابی درمورد نظام حاکم وقائل نبودن صلاحیت تاریخی برای آن ، مبنای تن در ندادن به رفرمیسم است . تن ندادن به رفرمیسم در واقع محصول این اعتقاد است که :

بورژوازی وخرده بورژوازی ماهیتا" توان حل مسائل اقتصادی ـ اجتماعی و سیاسی جامعه ما را ندارد .

این تاکتیک بازتابی جز هرج و مرج ندارد

ضمنا" شکی هم نیست که یک بعد دیگر اشغال ساختمانهای بزرگ خواسته های صنفی دانشجویان ، یعنی مساله مشکل مسکن است ، که مشخصا" از خواسته های بحق دانشجویان ومخصوصا دانشجویان شهرستانی میباشد . مشکلی که باید حل شود .

ولی همچنانکه اشاره شد ، این تاکتیک صرفا" وقتی بطور کامل قابل پذیرش است ، و واقع بینانه بوده وبرای شرایط موجود مناسب خواهد بود ، که دراین مرحله درخدمت مبارزهٔ ضدامپریالیستی قرارگیرد . اینجاست که نقاط ضعف این تاکتیک میتواند درچهارچوب انقلاب دموکراتیک مورد بررسی واقع شود .

می دانیم که مبارزهٔ ما با امپریالیزم دربطن خود حاوی مبارزهٔ طبقاتی است ، ولی ما درمرحلهٔ کنونی بطور عمده درمرحلهٔ مبارزهٔ بین "کاروسرمایه" بسرنمیبریم . به عبارت دیگر برای نفی استثمار وپایه گذاری جامعه ای که درآن بهرکس به اندازهٔ کارش برسد ، باید مرحلهٔ فعلی راکه عمدتا "مبارزهٔ بین" خلق وامپریالیزم "است ، نه بین " کارگر وسرمایه دار " ، پشت سر بگذاریم .

حال ، اگر باتوجه به این مساله شیوه هائی راپیش بگیریم و ازتاکتیک هائی استفاده کنیم که در واقع برای مرحلهٔ مبارزهٔ بین " کاروسرمایه " و عمده شدن تضاد " کارگر وسرمایه دار " مناسب است ، بدون شک این تاکتیک دراین مرحله مفید نخواهد بود ، وچپ روی بحساب خواهد آمد .

مخصوصا "اگر توجه کنیم که بدلیل حادبودن مساله مسکن ممکن است این تاکتیک از طرف کلیهٔ اقشار بدون خانه پیش گرفته شود ، و موج آن گسترش پیداکند

وبازتابی جز هرج ومرج نداشته باشد . ودقیقا" درهمین شرایط نیروهای مرتجع به سوء استفاده و تفرقه افکنی میپردازند . حال ببینیم این هرج ومرج سیاسی به کجا می انجامد .

تشدید یک تضاد فرعی ما را بسادگی از توجه به مسائل اصلی باز خواهد داشت

طبعا "اساسی ترین نقطهٔ ضعف این تاکتیک به وحشت افتادن تولیدکنندگانی است که " بازار ملی " را سرپا نگهداشته اند . آنهم نه به آن لحاظ که این سرمایه داران خرده پا در مالکیت ساختمانهای اشغال شده سهمی دارند ، بلکه ازآن روکه دیگر محیط را برای فعالیت اقتصادی شان " ناامن " خواهند یافت .

مشخص است که با پیش گرفتن چنین شیوه هائی نه تنها برپا نگاهدارندگان بازار ملی را بطور مرحله ای درکنار خلق نگاه داشته ایم ، بلکه آنها را یک گام بیش از بی تفاوت بودن ، بسمت امپریالیزم رانده ایم . واین بدون شک دراین مرحله به نفع انقلاب ما نیست .

بلحاظ اقتصادی هم ثمرهٔ این اقدام افت رونق فعالیتهای اقتصادی خواهد بود . واین چیزی نیست که امپریالیزم زیاد ازآن بدش بیاید (۱) . چرا که یک گام او را به تکرار تجربهٔ "شیلی" نزدیک خواهد کرد .

اینجاست که بازهم می بینیم که بطور عملی تشدید یک تضاد فرعی ما را به سادگی از توجه به مسائل اصلی بازخواهد داشت .

تاکتیکهای حرکتهای دانشجوئی را اصولیتر کنیم

امروزه بطور اصلی باید انگشت روی مسألهٔ وابستگی به امپریالیزم آمریکا بگذاریم :

افشا نشدن قراردادهای امپریالیستی تحمیلی والغاء نشدن آنها ، تداوم جریان نفت مثل قبل از انقلاب ، استوار شدن پایه های مرتجع ترین وفاشیست ترین جناحها دربطن نیروهای مسلح وتثبیت آنها ، ونیز تصویب شدن قوانینی درمجلس خبرگان که اصلا "جوهر ضدامپریالیستی ندارد وهمچنین غیر دموکراتیک ترین نهادها را قانونی میکند ، و . . . ازجمله مسائلی هستند که باید بیشترین توجه را جلب کنند و بیشترین انرژی مبارزاتی را بخود اختصاص دهند .

بنابراین بنظر ما بهترین شیوهٔ عملی درشرایط فعلی اینست که نمایندگان شوراهای دانشجوئی باجدّیت به مذاکره با دولت بنشینند ، وتلاش کنند که دریک رابطهٔ منطقی ، شکل قانونی برای خوابگاه هائی که دردست دانشجویان است ایجاد شود . وسعی کنند که درهمین مذاکرات و درچهارچوب کلی ، مسألهٔ خوابگاه همهٔ دانشجویان راحل کنند .

یادآوری این نکته نیز ضروری است که خیلی ها ممکن است مسألهٔ اشغال ساختمانها را مورد انتقاد قراردهند . ولی طبعا " انتقاد میتواند از مواضع کاملا " متفاوت انجام شود . انتقاد ما طبعا " از موضع حفظ وضع موجود نیست ، بلکه به خاطر هرچه اصولی تر کردن تاکتیکهای مبارزهٔ ضدامپریالیستی وضدارتجاعی برای همه خلق ماست .

" به امید هرچه اصولی ترشدن تاکتیکهای حرکتهای دانشجوئی "

مجاهد . ۱۴، ۹، ۵۸ - ش ۹ سال اول

دانشگاه در سیزدهم آبان میعادگاه انقلابیون جوان بود

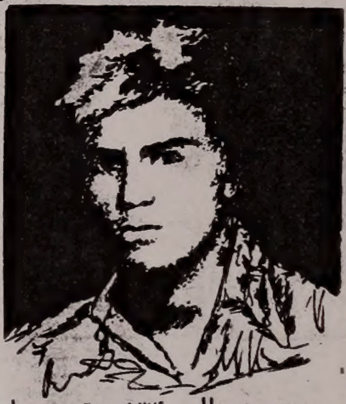
مجاهد ش ۹ سال اول ۱۴ آبان ۵۸

روز ۱۳ آبان یکی ازدهها روز حماسه‌آفرین خلق قهرمان ماست. این واقعه دردوره حاکمیت ژنرالهای فاشیست شاه اتفاق افتاد. دوره‌ای که آخرین تیرهای زهرآگین دیکتاتوری شاه به‌سوی قلبهای پرطپش خلق انداخته‌میشد.

لیکن چیزی که این روز را از سایر روزها متمایز میکند، ترکیب حماسه‌آفرینا ن آنست. جوانان وبه‌ویژه دانش‌آموزا ن قهرمان که براستی فرزندان خشم توده‌ها بودند، درخلق حماسه‌آفرینانهٔ این روز پرشکوه‌نقش عمده‌را داشتند. وبی‌جهت نیست که این روز رابعنوان روز حضور فعال وزنده‌بودن انقلابیون پاک‌باخته‌ای بدانیم که‌عطش عشق به خلق و آزادی، تمامی بندهای اسارت آنان را پاره‌کرد. این جوانان انقلابی با خلق قهرمانی‌های این‌روز ثابت کردندکه‌در شکل‌گیری آینده جنبش نقشی بس‌مهمتر وحساستررا میتوانند وبایدایفاءکنند. باشد که درتحقق آینده‌تابناک جنبش شاهدفداکاریهای هرچه بیشتر آنا ن باشیم.

ماضمن گرامیداشت خاطره‌فداکاریهای همه‌رزمندگان این روز، بویژه شهدای آن، سرگذشت یکی‌ازاین‌قهرمانان شهید را که درکتاب " یادنامه رزمندگان انقلابی وشهدای دانش‌آموز" آمده، وازسوی سازمان جوانان مجاهد " ارگان جوانان سازمان مجاهدین خلق "چاپ شده درزیر میآوریم. به امید آنکه درپاسداری ازخون‌شهداکوشا باشیم ومسئولیت خودرا دربرابر فداکاری‌شان ازیادنبریم.

یادی‌ازشهید دانش‌آموزسید مهدی فاطمی



مهدی درسال ۱۳۴۰ درتبریزمتولد شد. بعداً" به تهران منتقل گشت‌و در جریان جنبش اخیر، دانش آموز دبیرستان عدل بود. اودرمدرسهٔ خود یکی ازعناصر مؤثر دربه‌حرکت آوردن سایر بچه‌هابود. درجریان ۱۷ شهریور درمیدان شهدا ودرگیرودار درگیری، به زخمی‌ها کمک می‌کرد.

۱۷ شهریور برای مهدی بسیار انگیزنده بود. بعدازسرکوب ۱۷ شهریور ودرآغاز سال تحصیلی، که‌رژیم انتظار داشت بچه هابه مدرسه بروندو فقط به درس ومشق‌شان برسند، مهدی و مهدی های دیگر مدارس رابه‌پایگاهی برای مبارزه بارژیم تبدیل کردند.

پایگاهی برای هرچه گسترده کردن درگیری‌ها و مبارزه. مهدی به همراه چند تن دیگر، اعلامیه های‌امام‌خمینی وگروههای انقلابی‌وزندگینامهٔ انقلابیون راتکثیر می‌کرد. او دراین جهت تلاش می کرد تا مدرسه را یکپارچه به صف مبارزه بکشاند. حرکت‌مهدی دیگر حرکت احساسی نبود. اوبازی‌نمی‌کرد، بلکه باقاطعیت درتصمیم خودپیش میرفت.

ظهر سیزدهم آبان به‌خانه آمد و ناهارخواست. بعدازناهاربطرف دانشگاه حرکت کرد. آنروزمادرش‌مهدی راطور دیگری می‌دید. حالات‌مهدی‌باروزهای پیش کاملا" متفاوت شده‌بود. درعین آرامش بی‌تاب بود.

دانشگاه روزسیزدهم آبان روزمیعاد وقرار تمام انقلابیون جوان بود. روزی که"دانشگاه این سنگرآزادی" با نثار خون شهیدانی چون مهدی که جزدر طریق مبارزه ودرجنگ وگریزپایش به دانشگاه نرسیده‌بود، باردیگرهویت واقعی‌خودرانشان‌داد: "شهادتگاه".

در۱۳ آبان ۱۳۵۷ درکشتاردانشگاه گلوله‌های آمریکائی سینهٔ مهدی رانیز همچون دیگر برادرانش هدف قرارداد ومهدی شهید شد.

یادش گرامی باد

مجاهد - ۱۸، ۱۰، ۵۸

انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها، هفتمین روز شهادت برادران عسکری را گرامی داشتند.

مجاهد - سال اول - ش ۱۸ - ۵۸/۱۰/۱۹

بدنبال شهادت ناجوانمردانه برادران عسگری بدست عناصر ارتجاعی در شامگاه یکشنبه سوم دی ماه ۵۸ در زندانهای قم، مراسم بزرگداشت هفتمین روز شهادت آنان بدعوت انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی در تاریخ ۵۸/۱۰/۱۰ در دانشکدهٔ کشاورزی حنیف‌نژاد کرج‌برگزار گردید. در این مراسم هزاران تن از برادران و خواهران احمد و حسین شهید از تهران و دیگر شهرها گرد آمده‌بودند تا خاطرهٔ این شهدای رزمنده خلق را گرامی بدارند.

در این بزرگداشت ضمن محکوم کردن تیرباران برادران شهید از مبارزات گذشته برادران عسگری و پایداری آنان در مقابل فئودالها و رژیم جلاد و نیروهای راست ارتجاعی تجلیل بعمل آمد و دانشجویان با یکدیگر پیمان بستند که راه پرافتخار آنان را پیگیرانه به اتمام برسانند.

مراسم، ابتدا با تلاوتی از آیات قرآن کریم آغاز گردید و پس از خواندن پیام انجمن دانشجویان مسلمان دانشکده کشاورزی حنیف‌نژاد به مناسبت شهادت برادران عسگری یکی از دانشجویان دانشکده گزارشی از ماوقع شهادت برادران عسگری را قرائت کرد.

سپس آقای دکتر خرازی سرپرست دانشکدهٔ کشاورزی حنیف‌نژاد طی سخنانی، ضمن تجلیل از شخصیت دو شهید و اشاره به مبارزات گذشته احمد در دوران دیکتاتوری دلائل پوچی را که عناصر ارتجاعی جهت اعدام این برادران عنوان کرده‌اند، شدیدا رد کرده و اظهار داشت که ما هرگز نخواهیم‌گذاشت که خون این جوانان اینگونه بناحق پایمال شود. و در آینده نیز از هیچ کوششی با کمک دیگر استادان در این رابطه برای احقاق حقوق این شهیدان دریغ‌نمی ورزیم

در خلال برنامه‌ها دانشجویان با تکرار شعارهایی از قبیل "ساواک، سیا، ارتجاع دشمنان خلق ما"، "انقلاب انقلاب پیروز است، ارتجاع، ارتجاع نابود است"، کینه مقدس خویش را نسبت به امپریالیسم و ارتجاع نشان می‌دادند.

در پایان پس از قرائت مقاله‌ای در رابطه با مبارزهٔ ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی پیام‌های رسیده جهت مراسم بزرگداشت خوانده‌شد و مراسم در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان رسید.

اکنون به متن بیانیه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز توجه فرمائید:

بیانیه اعتراضی انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز در مورد اعدام دو تن از جوانان مبارز سروستان

بسم الله الرحمن الرحیم

در شرایطی که عملکرد دادگاه های انقلاب باید محتوای ضدامپریا- لیستی داشته‌باشد. و در شرایطی که قاتلین و عناصر وابسته به رژیم سابق یکی پس از دیگری مورد عفو واقع می‌شوند: علی بهداد بازپرس شعبهٔ ۱۲ دادرسی ارتش بجرم تحقیق از مهدی رضائی و بدیع‌زادگان و در- خواست اعدام برای آنان، مفسد فی الارض که با رعایت عفو امام! به حبس ابد محکوم شد، سرهنگ یدالله غیاثی دادیار دادرسی ارتش و عامل در- خواست اعدام برای گلسرخی و کرامت دانشیان و گروه اباذر، با رعایت عفو امام! به حبس ابد محکوم شد... (بامداد ۴ دیماه) و یا سرتیپ بازنشسته رشید نادرخانی با توجه به محکومیتهای کمتر از ۳ سال مورد عفو گردید (کیهان ۳ دیماه) - و در شرایطی که مهاجرانی‌ها و خوش‌کیشها و شیخ‌الاسلام زاده‌ها مورد عفو قرار گرفته‌اند، و در شرایطی که دادگاههای انقلاب اسلامی باید در جهت منافع خلق و با سمت‌گیری درست، تک تک مزدوران رژیم پوسیده پهلوی و وابستگان به امپریالیزم جهانی را به پای میز عدل بکشانند و در شرایطی که غرش دادگاهها باید بر علیه سرمایه داران وابسته و غارتگر باشد، غرشی دقیقاً در جهت حاکمیت مستضعفین و پس زدن امپریالیستها و مرتجعین، و در شرایطی که برای تمامی توده‌های محروممان ثابت شده‌است، که عامل تمامی بدبختیها و سیه‌روزیها و نا- رسائیهای این مرز و بوم امپریالیزم آمریکا است، و در شرایطی که...

با تأسف شاهد اعدام دو تن از جوانان مبارز مسلمان هستیم. و آنهم زمانی است که قاتلین بهترین فرزندان راستین خلق، رضائیها، بدیع‌زادگان مورد عفو واقع می‌شوند. و اینجاست که شاهین ترازوی دادگاههای انقلاب زیر علامت سؤال می‌رود. چرا که علت اساسی بوجود آورندهٔ این ماجرا همان مرتجعینی بودند که از فردای انقلاب همواره تلاش داشتند و دارند که جنگ حیدری - نعمتی در این مملکت براه بیندازند. بله همان جنگ زرگری که در خلال ۹ ماه گذشته به انحاء مختلف شاهد آن بوده‌ایم. و با کاشتن تخم تفرقه در شرایطی که ملت ما نیازمند وحدت ضدامپریالیستی - آمریکائی است، سعی دارند موجب بازگشایی و حاکمیت مجدد وابستگان امپریالیزم گردند.

بله، تأسفمان بیشتر می‌شود وقتی که بگوئیم حکم اعدام این جوانان مبارز در شیراز بتعویق می‌افتد زیرابرادران پاسدار در شیراز با درک عمیق ماجرا حکم اعدام را صحیح نمی دانند وقتی چندین بار ازمیدان اعدام خودشان را بکنار کشیده و حکم را اجرا نمی‌کنند، و با توجه به اینکه دادگاه انقلاب شیراز هم در نهایت تصمیم می‌گیرند پرونده را به دادگاه قم بفرستند، تا مجدداً در آنجا محاکمه شوند. ولی علیرغم همه نکات فوق دادگاه انقلاب قم بدون محاکمه و بررسی مجدد-حکمی که صحت و سقم آن زیر علامت سوال بوده-آنان را اعدام می‌کنند.

بنابراین از آنجائیکه از دیدگاه ما عملکرد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دادگاههای انقلاب است که به آنها اصالت و حقانیت می‌دهد، به این نحوه عملکرد دادگاه قم شدیدا اعتراض داشته و خواستار تعقیب و روشن شدن واقعیت جریان از طرف مسئولین امور بویژه دادستان کل انقلاب هستیم.

به امید از بین رفتن همه توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی.

"انجمن دانشجویان مسلمان - دانشگاه شیراز - ۵ دیماه ۵۸

بقیه از صفحه اول

آزمایش پیروزمند میلیشیا در نمایش خصائل انقلابی و مردمی

بگذار آنها را از مدرسه اخراج کنند، زیرا آنها در پی آموزش و پرورش انقلابی به هر حال صحنهٔ واقعی مبارزه را خواهند یافت.

تازه‌ای گذاشتند. میدانی که میلیشیا و انقلابی در کنار هم قدرت خلق را به نمایش می‌گذارد، میدانی که با اعلام کاندیداتوری برادر مجاهد "مسعود رجوی" گشوده می‌شود و می‌رود تا جبهه تازه و نیرومندی علیه دشمنان ناپاک خلق بگشاید و صفوف خلق را در آشفته بازار امروز فشرده‌تر و مستحکم‌تر کند. و با حضور انقلابیون اصیل سرنوشت انقلاب مظلوم ایران را از گزند و توطئه انقلابیون یکشبه مصون داشته و سلامت آنرا تضمین کند. می‌رود تا دوباره طراوت و تازگی را به انقلاب ما بازگرداند و بهار خرم آزادی را بار دیگر به خلق فداکارمان عرضه کند.

در این میان واحدهای میلیشیائی مسئولیت انتقال پیام و برنامه انقلابی "کاندیدای مجاهدین خلق" برادر مجاهد مسعود رجوی را بعهده می‌گیرند و پرستوهای بهار انقلاب می شوند، زیرا مجاهد ویارانش نه تلویزیون دارند، نه رادیو، نه تریبون آزاد و نه... آنها صدا و سیمای دیگری دارند.

نقطه اتکاء آنها خلق است و نیروهای آزاد شده‌اش، نیروهایی که سازمان یافته و در واحدهای میلیشیائی متشکل شده‌اند. همانطور که برادر مجاهدمان مسعود در "پیام به خلق" گفت:

"البته ما فکر می‌کنیم که حقیقت هرگز ملزم نشده تا فقط از طریق امواج صوتی و نورانی پخش و منتشر شود. آخر امواج دیگری هم هستند که از قلبها و ضمائر عبور می کنند." حرکت آغاز می‌شود، واحد های میلیشیائی مجهز می‌شوند، دستورات داده می‌شود و از پایگاه خارج می‌شوند تا جنبش بیافرینند.

اما آنها که با نوبی و تازگی سر ستیز دارند و با فریب و تاریک‌اندیشی منفعت می‌جویند، آنها که رو به مرگ دارند و پوسیده و ناتوان شده‌اند، آنها که از حاکمیت واقعی خلق هراسناکند و از حضور نیروهای انقلابی به وحشت می‌افتند، دشمنی و توطئه آغاز می‌کنند وبه سرکوب یاوران جوان انقلابیون دست می‌زنند. میگیرند و می‌بندند و ناسزا می‌گویند، غافل از آنکه نسل آگاه شده ما چشم به جهان دیگری گشوده است و میراث مقدس انقلاب را پاس خواهدداشت و اجازه نخواهدداد انقلاب و زندگی فردای این نسل، نسل بخون تطهیر شدهٔ ما بازیچهٔ فرصت‌طلبی و سازشکاری و واپسگرائی‌شود.

اینست رمز پیروزی انسان، این است نظم متقن و شکوه آفرینش، که در حیات اجتماعی انسان جاری است و لن تجد لسنه الله تبدیلا.

گزارش...

گزارش ۱ — ۲ برادر در حالیکه عکسهائی از مسعود را بروی مقوای بزرگی چسبانده بودند، در وسط یکی از چهارراهها ایستاده و با صدای بلند سرفصل برنامه‌های مجاهدین را اعلام می‌کردند. عده‌ای لومپن بدور آنها حلقه زده و با فحش وکتک آنها را به گوشهٔ خیابان کشاندند. سپس آنها را در کنج خیابان نگهداشته و با داد و فریاد که: اینها منافقند، جاسوسند، دزدند و... مردم را تحریک کردند. بطوریکه عده‌ای از عابرین هم ناآگاهانه شروع به دادن فحش و ناسزا کردند. برخورد برادران واقعا آموزنده بود. در زیر کتکها و تهمتها دست به افشا گری ماهیت تحریک کنندگان زدند: تا آنها که مغرضند رسوا شوند و آنها که ناآگاهند بهوش آیند. بعد با سر و صورتی خونین به جمع‌آوری تکه پاره های پوسترها پرداختند و دوباره کار خود را از سر گرفتند. اینست شکیبائی انقلابیون جوان و پریشانی و بی‌طاقتی ارتجاع.

گزارش ۲ — یک تیم میلیشیایی خواهران به هنگام کلیشه‌زنی در خیابان طالقانی مورد هجوم چند نفر اجیر شده قرارمی‌گیرند. کتک می‌خورند، وسائلشان، سطل رنگ، کلیشه و... به سرقت برده می‌شود و به سر و صورتشان و عکس کاندیدای انقلابیشان رنگ و گل می‌پاشند. فریاد اعتراض خواهران بلند می‌شود: مگر امام نفرموده‌است که در جریان انتخابات اخلاق اسلامی را حفظ کنید؟ مگر نه این است که تبلیغات برای کاندیداها آزاد است؟ چرا عکس راخراب می‌کنید از چه وحشت دارید؟

جواب معلوم است، فحش و تهمت و گاه سیلی و روسری از سرکشیدن.

برخورد افشاگرانه و رفتار انقلابی این خواهران چهره محبوب کاندیدای انقلابی "برادر مجاهد مسعود رجوی" را بر دل ناظرین و رهگذران کلیشه می‌زند، ولی ایکاش این کسانیکه جز زور و تهمت منطق دیگری ندارند، نگاهی به سرنوشت چماقداران نسل اول بیاندازند. آیا در هیچ جای تاریخ شیوه‌هایی این چنین توانسته‌است نور حق را خاموش کند؟ آیا مزدوران ساواک و حکومت نظامی، شبها به خیابان نمی‌ریختند و بروی شعارهای انقلابی رنگ نمی زدند؟ آیا به جرم پخش اعلامیه همین جوانان دلیر را دستگیر و شکنجه نمی‌کردند؟ ولی سرانجام چه شد؟ آیا خورشید پشت ابرها پنهان ماند؟ آیا آفتاب حقیقت نتابید؟

چرا پوسترهای مسعود جز چند ساعت و یا حتی کمتر از یکساعت بر روی دیوار نمی‌ماند؟ این سوالی است که یک‌برادرکارگر از خواهر دانش‌آموزی که مشغول پخش تراکت بود، پرسیده بود. و جواب خواهر اینچنین بود: برقراری حکومت عدل علی‌گونه بمذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آید. و اینها همان کسانی هستند که عکسهارا می‌کنند.

گزارش ۳ — در کنار خیابان چند نفر از دانش‌آموزان میلیشیا سرگرم توضیح برنامه‌های انقلابی کاندیدای مجاهدین خلق هستند. یک فرد معمم (که شاید از روحانی‌نمایان بوده) از راه می‌رسد و می‌گوید: اینها از اول اشکال داشتند. مثلا موقع دستگیری خودشان را می‌کشتند. مگر خودکشی حرام نیست؟

میلیشیای جوان می‌گوید: آقا شما اگر یک شلاق خورده‌بودید این حرف را نمی‌زدید. به شما خوش گذشته است. آنوقت که اینها تکه‌تکه می‌شدند شما کجا بودید؟وکجابودند؟! و اکنون هم در مقابل خطرات شما کجا هستید و کجا هستند که جانفشانی کنند؟

اختناق در مدارس

گزارش ۴ — دریکی از مدارس عده‌ای عناصر ناآگاه و تحریک شده و به سرگردگی افراد اجیرشده قصد پاره کردن پوستر بزرگی از برادر مجاهد مسعود رجوی را داشتند. میلیشیاها بدور پوستر حلقه زده و با ایجاد زنجیر ازآن محافظت می‌کنند، که در واقع محافظت از تصویری انقلابی است محافظت از سمبل تمام ارزشهای مکتبی و انقلابی.

این سنت و قانون تکامل است که فقط انقلابیون در سخت‌ترین شرایط اجتماعی در میدان‌نبرد حاضر بوده‌اند و دقیقا بهمین دلیل هم در کوران نبرد ساخته می‌شوند و همچون فولادی آبدیده می‌گردند.

در شبهای سرد دیماه زیر ریزش برف و باران و سرمای زیر صفر، کوچه و خیابان و هرجای شهر جولانگاه واحد های میلیشیا بود. در حالیکه دشمن وقتی هوا سرد می‌شود، وقتی شرایط سخت می‌شود به لانه‌اش می‌خزد. ولی میلیشیای مردمی، انقلابی است که آماده است تا هر سختی و خطری را بجان بپذیرد. خواهران و برادران بسیاری در شبهای اخیر شاید بیش از ۲ الی ۳ ساعت نخوابیده‌باشند.

معمولا ۵ – ۴ نفری با تجمع در خانه یکی از همکلاسیها، مشغول درست کردن کلیشه، تهیه تراکت یا نوشتن پلاکارد و... هستند. چند نفر می‌خوابند و چند نفر کار می‌کنند. به نوبت کشیک کار دارند. از حداقل و ارزانترین وسائل استفاده می‌کنند.

نیروهای انقلابی امکانات سرشار را بادآورده ندارند، امکانات مالیشان از طرف خلق بصورت قران قران و با انبوهی مسئولیت فراهم شده‌است. این مسئولیت چاشنی آن سخت‌کوشی و ایمان می‌شود و ضامن پیروزی واحد های انقلابی میلیشیاست.

برادر دانش‌آموزی ۱۰ تومان پول را که برای خرید شال گردن جمع آوری کرده‌بود برای کمک به امر انتخابات به سازمان هدیه کرد. کمک هایی که از مدارس می‌رسید معمولا از اسکناسهای بیش از ۱۰ تومان خبری نبود. همه اسکناسها ۲ تومانی و ۵ تومانی بود. بدنبال کار توضیحی چند تن از خواهران دانش‌آموز در یک اتوبوس، زن خدمتکاری که از سرکار برمی‌گشت با خجالت ۵ تومان به آنها داد. درحالیکه قسم می‌خورد که بیشتر از این ندارد و گرنه حاضراست همه چیزش را بدهد. و چه وقیح و فرومایه اند آنها که دسترنج خلق را به یغما می‌برند و به انقلابیون مارک دزدی می زنند. اما مردم واقعیت رامی‌بینند. در اکثر مواردی که خواهرانمان در خیابانها و یا اتوبوسها مورد تهاجم قرارمی‌گرفتند، کارگران به حمایت از آنها بر می‌خاستند چرا که حامی واقعی خود راخوب شناخته‌اند.

مدرسه قرارگاه میلیشیا درارتش خلقی

مدرسه که روزی برمبنای منطق آریامهر فقط محل درس و مشق بی محتوی بود در جریان قیام معنی واقعی خود را پیدا کرد. مدرسه میعاد گاه دانش‌آموزان مبارز شد. همپای رشد انقلابی جامعه، مدرسه به کانون و مرکز فعالیت سیاسی – سازمانی دانش‌آموزان انقلابی تبدیل شد و مسلما در چشم‌انداز حرکت انقلابی جامعه به قرارگاه نظامی واحدهای میلیشیایی تبدیل خواهدشد.

دشمن یعنی امپریالیسم و مزدوران مرتجعش براساس غریزه ضد خلقی خود سعی داشته‌اند فضای مدرسه را به دوران آریامهری‌برگردانند منطق، منطق آریامهر است و شیوه‌ها همان شیوه‌های ارتجاعی، ولی کور خوانده‌اند! و سخت در اشتباهند. دیگر دانش‌آموزان امروز دیکته‌نویسان دیروز نیستند، بلکه انقلابیون جوانی هستند که تاریخ فردای این میهن را می‌نویسند.

مرتجعین و مزدوران دیروز ساواک که امروز بخاطر وارونه جلوه دادن ارزشها و دگرگونه کردن کلمات خود را در صف انقلابیون جا زده‌اند در اجرای یک شیوه ضدانقلابی از حاکم کردن ضوابط اختناق‌آمیز ثبت نام و اعمال همه‌گونه فشار و تضییقات دریغ نکرده‌اند. دانش‌آموزان مبارز و شناخته شده ثبت نام نمی‌شوند

فعالیت سیاسی در مدارس ممنوع است کیفها گاه و بیگاه بشیوه ساواک بازرسی می‌شوند. به عناوین ساختگی و با مارک و تهمت جلوی فعالیت دانش آموزان انقلابی را سد می‌کنند و آنها را تحت فشار می‌گذارند. به دفاتر انجمن‌های انقلابی دانش‌آموزان حمله می‌کنند و سرانجام چون موفق نمی شوند باتحریک عناصر ناآگاه دانش‌آموز پلاکاردها و محصول کار دانش‌آموزان انقلابی را مورد هجوم قرار می‌دهند و نابود می‌کنند. نوع دیگر فشارها تهدید به اخراج از مدرسه است. نکته جالب اینجاست که مدیرانی که تا دیروز در زمان رژیم شاه خائن، دانش آموزان انقلابی را به جرم شرکت در تظاهرات و اعتصابات تهدید به اخراج می‌کردند، اکنون همان دانش‌آموزان را به جرم ضدانقلاب تحت فشار قرار می دهند و خود انقلابی شده‌اند. یک شبه چه تغییرات و تحولات شگرفی صورت گرفته‌است!.

بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱۲

آزمایش پیروزمند میلیشیا...

و جای تاسف است، کانونی که باید آزاداندیشی و آزادگی را به نسل فردای ما بیاموزد و او را برای سازندگی و سربلندی مهیا کند، به لوث ارتجاع و تاریک‌اندیشی آلوده شده و ذهن پاک نوجوانان معصوم از هم‌اکنون به روشهای تخریبی و تفرقه آمیز خو می‌گیرد.

پس چه کسی باید برای این استعدادهای پاک احساس مسئولیت کند و چه کسانی مسئول‌این زیان بزرگ و جنایت تاریخی خواهندبود؟

در جریان کار انتخاباتی واحد های میلیشیا نمونه‌های بسیاری دیده شده‌است که در ساعاتی که جز مسئولین کسی در مدرسه نبوده به پایگاه میلیشیاها در مدرسه (انجمن) حمله کرده و همه چیزش راخرد و همه کارشان را از بین برده‌اند. نمونه‌های بسیاری از فشار و اختناق در مدارس شاهد هستیم. دانش‌آموزان مبارز از کلاس و مدرسه اخراج می‌شوند، تهدید می‌شوند و کتک می‌خورند، چوب و فلک اینبار نه بخاطر اینکه چرا درس نخوانده‌اند بلکه به این خاطر که‌چرا مبارز و هوادار انقلابیون هستند به کار گرفته می‌شود. نمره انضباط این دانش‌آموزان صفر است. برای اینکه بهانه‌ای برای اخراج باشد. و ضمنا بدلیل صفرگرفتن در انضباط نتوانند در مدرسه دیگری ثبت نام کنند. اما چه باک آنها برخوردار از انضباطی آهنین و انقلابی هستند که ضامن پیروزی‌شان است، پیروزی بر اختناق و فشار بگذار آنها را از مدرسه اخراج کنند، کتکشان بزنند، آنچه مهم است اینست که آنها دربی آموزش و پرورش انقلابی بهرحال صحنه واقعی مبارزه را خواهند یافت.

شورانقلابی

در میدان مبارزه و در صحنه بر– خوردهای سیاسی است که خصلتها و ویژگی انقلابیون بارز می‌شود. در جریان مبارزه انتخاباتی هم ما شاهد مهمترین و برجسته‌ترین خصوصیت میلیشیاهای دانش‌آموز که شور سرشار انقلابی است بوده‌ایم. شور و تحرکی که در صحنه‌های مختلف خود را نشان داده‌است. بر مبنای همین شور انقلابی است که میلیشیای دانش‌آموز بطور اخص می‌تواند بیش از حد معمول کار کند، فشارها را تحمل کند، شرایط سخت و سرما را بپذیرد و قاطعانه در مقابل دشمن بایستد. میلیشیا و تمام محصول کارش دائما مورد هجوم و تخریب دشمن بود ولی میلیشیا خسته و مایوس نشد و کار خود راانجام‌داد.

شور انقلابی تضمین‌کننده پیروزی سنگر به سنگر میلیشیا در مبارزه انتخاباتی بود که ناچار دشمن را متوجه شیوه‌های ناجوانمردانه قتل و کشتار کرد.

همین شور و شوق صادقانه است که توان نیروهای ما را مضاعف وصحنه های نبرد خلق و امپریالیسم و ارتجاع را هرچه شورانگیزتر و گرم‌تر می‌کند.

سخن پایان

هر روز که می‌گذرد مبارزه شکل جدیدی بخود می‌گیرد و سازمانهای انقلابی و نیروهای آنها آزمایش جدیدی را پشت سر می‌گذراند.

انقلاب وارد مقاطع جدیدی می شود و انقلابیون تجربیات جدیدی کسب می‌کنند و از رشد و گستردگی بیشتری برخوردار می‌شوند.

اما بهمان میزان توطئه و تهاجم علیه آنها دامنه وسیعتری بخود می گیرد. می‌دانیم که انقلابیون آزمایش صداقت، شکیبائی و پایداری خود را نه فقط امروز بلکه پیش‌از این در برابر نظام سرکوبگر شاه پس داده‌اند؛ در دورانی که عربده‌جویان امروز نفس هم نمی‌کشیدند. انقلابیون شیوه‌های بسیار پیچیده و پیشرفته سرکوب را پشت سر گذاشته‌اند.

اما در دوران جدید از آنجا که بیش از همه حساسیت اوضاع ایران را درک می‌کنند و بیش از همه نسبت به سرنوشت انقلاب احساس مسئولیت دارند، همه جا و همیشه تهاجم و تهمت را با تحمل و بردباری پاسخ داده‌اند زیرا که می‌دانند فضای مسموم و تیره درگیری و خصومت تنها و تنها انقلاب را زیان خواهدرساند.

برای انقلابیونی، که در صحنه های نبرد پرورش یافته‌اند و در کوران جهاد و شهادت آبدیده شده‌اند مقابله بمثل کار آسانتر و شیرین‌تری است. اما سرنوشت لرزان انقلاب امروز در حال تعیین شدن است و امیدواریم فرصت تاریخی و حساسی که به بهای "صبر" و "شکیبائی" ما فراهم شده است "ازدست نرود" و فضای ناخوشایند دیگری حاکم نشود که مسلما مرتجعین برنده نخواهندبود.

پیروزباشید

دانشگاه و انقلاب (۱۲)

مجاهد - سال اول - ش - ۵۸،۱۱،۲۳

صف بندی نیروها پس از انتخابات ریاست جمهوری و در آستانهٔ انتخابات مجلس در کل جامعه و دانشگاه

در شماره قبل ضمن بررسی نتایج انتخابات ریاست جمهوری دیدیم که: پس از یکسال که ازپیروزی انقلاب ضددیکتاتوری خلق ایران می‌گذرد ، انبوهی از توده‌ها بدلیل رشدآگاهی و درک ضرورت مبارزه ضدامپریالیستی و جداشدن از نهادهای ارتجاعی و لیبرال حاکم ، آمادهٔ شرکت در جبهه متحد ضدامپریالیستی هستند . همچنین دیدیم که انبوه دیگری از توده‌ها نیز اگرچه هنوز قاطعانه به راه حل اصولی تشکل حول جبهه واحد ضدامپریالیستی نرسیده‌اند ، ولی با انتخاب خود نشان دادندکه از جریانهای ارتجاعی و لیبرال فاصله گرفته‌اند . و خلاصه در مجموع زمینه عینی چنین جبهه‌ای تقریبا آماده شده‌است . البته این یک روی سکه است .

اما از طرف دیگر ، هرچند آگاهی و آمادگی توده‌ها (بمثابه شرایط عینی) برای تشکیل یک جبهه ضدامپریالیستی لازم‌است ولی به تنهائی کفایت نمی‌کند شرط کافی آن آماده بودن شرایط ذهنی است که در وجود سازمانهای سیاسی با ویژگی‌های زیرتبلور می‌یابد :

ـ ضد امپریالیست باشند .
ـ از حد لازم وحدت تشکیلاتی و انسجام درونی برخوردارباشند .
ـ تحلیل بالنسبه درستی از شرایط اجتماعی داشته‌باشند .
ـ از پایگاه توده‌ای نسبتا وسیعی برخوردارباشند .

با توجه به ضرورتهای فوق‌الذکر ، می‌بینیم که متاسفانه از این نظر (شرایط ذهنی) اوضاع جامعه ما چندان روبراه نیست . چون درحال حاضر با کمتر سازمانی روبرو هستیم که دارای چنین ویژگیهائی باشد،چه در درون نیروهای مذهبی و چه در بین مارکسیستها،توضیح اینکه :

اولا دربین نیروهای مذهبی ، صرفنظر از سازمان مجاهدین ، چنان سازمانهائی که از پایگاه اجتماعی گسترده ، انسجام درونی ، تحلیل صحیح از شرایط ، و بالاخره موضع‌گیری درست ضدامپریالیستی ـ ضدارتجاعی برخوردار بوده و نتیجتا توان کافی برای شرکت در جبهه ضدامپریالیستی را حائز باشد ، وجودندارد .

ثانیا در بین نیروهای مارکسیست ـ از طرفی با یک جریان اپورتونیستی راست روبرو هستیم که بالکل تضاد خود را با خرده‌بورژوازی راست فراموش کرده و با چشم دوختن به موهومات راه رشد غیرسرمایه‌داری و با خیالهای وسوسه‌انگیز شرکت در حکومت ، چاپلوسی خرده بورژوازی راست را می‌کند . طبیعی است که این جریان همگام با نهاد ارتجاعی میراثی که به آن چسبیده چهارنعل به سمت گورستان تاریخی خود می‌رود .

از طرف دیگر اپورتونیسم چپ با شعارهای سکتاریستی و با مطلق کردن تضاد خود با سیستم در حاشیه جریانات قرارگرفته،و لااقل در این مقطع عملا منزوی شده‌است .

در این بین سازمان چریکهای فدائی خلق علیرغم سوابقش که یکی از جا افتاده‌ترین‌و با سابقه‌ترین سازمانهای چریکی بحساب می‌آمد،و بدین لحاظ از دیگرجریانهای مارکسیستی بطور کیفی متمایز می‌شد ، اکنون بدلائلی که‌بارزترین آنها (برخی) ضعفهای سیاسی و تشکیلاتی است، دچار تجزیه‌های پی‌درپی گردیده‌است .

این سازمان که بلافاصله پس از پیروزی قیام‌تضاد با ارتجاع را مطلق کرده بود ، در حال حاضر چنان بطور یک خطی به لیبرالیزم پرداخته و ارتجاع را فراموش کرده که بطور جدی می‌توان خطر رشد اپورتونیسم راست را در مورد آن احساس کرد . کمااینکه شاید هم-علیرغم پرهیزهای صوری و عاطفی‌اش از سمبل جریان اپورتونیستی راست ، هر روز گامهای عملی بیشتری به سمت هماهنگی محتوائی با این جریان بر می‌دارد .

البته هیچ شکی نیست که لیبرالیزم بطور استراتژیک ، تهدید اصلی بحساب می‌آید ولی نباید فراموش کرد که در شرایط خاص جامعه ما،ارتجاع جاده صاف‌کن امپریالیزم و پایگاه لیبرال آنست . بهمین علت اگر دراین مقطع به تضادمان با ارتجاع بهای کافی ندهیم ، در نهایت همان خطری که می‌خواهیم از آن پرهیز کنیم (حاکمیت تمام عیار لیبرالها) را رشد خواهیم‌داد . از این گذشته در شرایط فعلی که جریانهای ارتجاعی به جان لیبرالها افتاده‌اند ، غفلت از خطر ارتجاع در واقع افتادن در حرکتی خودبخودی و درجهت تند باداست .

با توجه به تمام‌این مسائل و با پرهیز از هرگونه ذهنیت ، می‌بینیم که برای رسیدن به یک جبهه واقعا متشکل و اصولی راهی طولانی و پرپیچ وخم در پیش داریم ، زیرا همانطور که قبلا اشاره کردیم تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی به این معنی نیست که همه گروههای موجود را در یک کیسه بریزیم و نام جبهه بر آن بگذاریم . منتهی این مشکلات و انتقادات نمی‌تواند و نباید مانع از آن شودکه در جریان عمل و در هر گام تا آنجا که میسر است و تا حدی که نقاط مشترک اجازه می‌دهد ، دست به اقدام واحد ضدامپریالیستی بزنیم . از قضا در همین مسیر است که جریانهای انحرافی منزوی شده و جریان های اصولی رشد کرده و بیکدیگر نزدیک می‌شوند .

صف بندی نیروها در دانشگاه

بدلیل آگاهی و آمادگی دانشجویان ، شرایط جوشان انقلابی کنونی همراه با تضادهای مختلف سیاسی ـ اجتماعی موجود در جامعه ، انعکاس فعال‌تری در دانشگاه پیدا می‌کند . لذا تمام دانشجویانی که بدرجاتی از نظر سیاسی فعال هستند هرکدام به نیروها و جریانهای خاص سیاسی ـ اجتماعی بستگی پیدا می کنند . بهمین دلیل اغلب سازمانها و گروهها در دانشگاه نمایندگان و طرفدارانی دارند . وجود انجمنها و سازمانهای دانشجویی با ویژگیها و عملکرد های گوناگون تبلور چنین واقعیتی‌است .

هریک از این انجمنها و سازمانها بسته به مواضعش و در رابطه با شناختی که ازماهیت ، سوابق و عملکرد سازمانهای مختلف سیاسی دارد به برخی نزدیکتر و از برخی دورتر است . اما بهرحال ضرورتها و شرایط متحول جامعه بر جریانهای مختلف دانشجویی هرچه سریعتر تاثیر می‌گذارند .

کمااینکه از مدتها قبل زمینه بالنسبه مناسبی برای وحدت ضدامپریالیستی در دانشگاه فراهم شده‌بود . چراکه اولا:این مسئله بازتابی بود از ضرورت عینی مبارزه اجتماعی‌مان (که البته دانشجویان بدلیل آگاهیشان زودتر از سایر اقشار آنرا لمس می‌کنند) . ثانیا،ضرورت فعالیتهای تنگاتنگ و مشترک صنفی و سیاسی محیط مناسبتری در مسیر این وحدت در دانشگاه بوجودآورده‌بود .

اما این زمینه را بخصوص دو عامل بیش از پیش مساعد کرد :

یکی اقدام ضدامپریالیستی دانشجویان خط امام و دیگری انتخابات ریاست جمهوری .

عامل اول باعث شد که پا به پای شور ضدامریکائی ، مسئله مبارزه با امپریالیزم و پایگاههای داخلیش ، در صدر برنامه‌های دانشگاه قرارگیرد . بطوری که من‌باب مثال نیروهای زیادی از جریانهای مذهبی که تا آنزمان بدلائل مختلف از جمله بخاطر تاثیرپذیری از جو موجود کمتر امکان موضع‌گیری‌هایی واقعااسلامی‌وانقلابی داشتنددر مسیر اصلی مبارزه ضدامپریالیستی قرارگرفتند و طبیعتا گرایش بیشتری به سمت نیروهای عمیقا ضدامپریالیست پیداکردند .

این زمینه آماده در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری تبلور عینی یافت . بطوریکه نیروهای مختلف ضدامپریالیست اعم از مذهبی و غیرمذهبی که برنامه انقلابی برادر مجاهد مسعود رجوی مورد قبولشان بود ، برای انتخاب او وارد فعالیت شدند .

بنابراین می‌بینیم که درعین حال که جریانهای مختلف دانشجوئی بازتاب نیروهای مختلف اجتماعی در دانشگاه هستند ولی در این مسیر یک گام جلوترند .

مجاهد - ۲۳، ۱۱، ۵۸ سال اول -

عواملی که میتوانند به ایجاد و تحکیم وحدت ضد امپریالیستی دانشجویان کمک کنند.

از آنجا که فعالیت در دانشگاه علاوه بر جنبه سیاسیش از بعد صنفی نیز برخوردار است، دانشجویان برای برخوردار بودن از یک حرکت صحیح سیاسی حتما باید مسائل صنفی را نیز به شیوه صحیح حل کنند. در این زمینه شوراها باید ازیکطرف نمایندگان جریانهای مختلف سیاسی را که‌کمیت قابل توجهی دارند در برداشته باشند و ازطرف دیگر تعداد نمایندگان شوراها بشکلی باید با تعداد دانشجویان وابسته به هر جریان تناسب داشته باشد. به این‌ترتیب از یکطرف به دلیل شرکت نمایندگان گرایشهای عمدهٔ سیاسی در شورا منافع و نقطه نظرهای این جریانها در نظرگرفته میشود و از طرف دیگر خواسته‌های صنفی دانشجویانی که از کمیت بیشتری برخوردارند در تصمیم‌گیریهای شورا تاثیر بیشتری میگذارند.

طبیعی است که چون مسائل صنفی و سیاسی هرگز از یکدیگر بطور کامل جدا نمیشوند، وقتی بعد سیاسی تصمیم‌گیریها رشد میکند گرایشهای مختلف سیاسی میتوانند به یکدیگر نزدیکتر شوند و با موضعگیری یکسان تمایلات سیاسی خود را تحقق بخشند.

از آنجا که فعالیت در دانشگاه علاوه بر جنبه سیاسیش از بعد صنفی نیز برخوردار است، دانشجویان برای برخوردار بودن از یک حرکت صحیح سیاسی حتما باید مسائل صنفی را نیز به شیوه صحیح حل کنند. در این زمینه شوراها باید ازیکطرف نمایندگان جریانهای مختلف سیاسی را که‌کمیت قابل توجهی دارند در برداشته باشند و ازطرف دیگر تعداد نمایندگان شوراها بشکلی باید با تعداد دانشجویان وابسته به هر جریان تناسب داشته باشد. به این‌ترتیب از یکطرف به دلیل شرکت نمایندگان گرایشهای عمدهٔ سیاسی در شورا منافع و نقطه نظرهای این جریانها در نظرگرفته میشود و از طرف دیگر خواسته‌های صنفی دانشجویانی که از کمیت بیشتری برخوردارند در تصمیم‌گیریهای شورا تاثیر بیشتری میگذارند.

طبیعی است که چون مسائل صنفی و سیاسی هرگز از یکدیگر بطور کامل جدا نمیشوند، وقتی بعد سیاسی تصمیم‌گیریها رشد میکند گرایشهای مختلف سیاسی میتوانند به یکدیگر نزدیکتر شوند و با موضعگیری یکسان تمایلات سیاسی خود را تحقق بخشند.

مسئولیت سنگین دانشجویان طرفدار سازمان

ولی مساله اصلی در مسیر وحدت ضد امپریالیستی در اقدامات مشترک سیاسی خود را نشان خواهد داد. در اینجاست که دانشجویانی که در راه سازمان مجاهدین گام‌می‌زنند به دلیل نقش تاریخی سازمان در پی‌ریزی وحدت ضد امپریالیستی، مسئولیت سنگین و پیچیده‌ای بعهده دارند. این دانشجویان باید از یکطرف ضمن حفظ اصولشان با برخورد وحدت طلبانه با دانشجویانی که از جریانهای ارتجاعی فاصله میگیرند برخوردی صحیح و اصولی داشته باشند تا هرچه بیشتر آنها را به خطوط ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی نزدیکتر کنند و از طرف دیگر در رابطه با جریانهای غیر مذهبی بیشترین بها را به دانشجویانی بدهند که صفوف خود را از اپورتونیسم چپ و راست جدا کرده‌اند.

در این میان کار توضیحی صحیح و با حوصله ضمن موضعگیری‌های صحیح در محور ضد امپریالیستی نقش بسیار زیادی دارد که نباید از آن غافل شد. سرنوشت نیروهای مختلف ضد امپریالیست در صحنه جامعه بطور عام و جریانهای ضد امپریالیست دانشجوئی بطور خاص، بطور تنگاتنگی به یکدیگر وابسته است. بنابراین هرقدر بتوانیم در محیط دانشگاه با روشهای اصولی و کار توضیحی، ارتجاع، اپورتونیسم‌راست و چپ را منزوی کنیم بیش از پیش به تشکیل‌جبهه واحد ضد امپریالیستی دانشجویی کمک کرده‌ایم. و طبیعی است که درجه نزدیکی به نیروهای اصولی‌تر کاملا بستگی به درجه جدا شدن خطوط‌آنها از جریانهای اپورتونیستی راست و چپ و مشخص‌تر شدن مرزهایشان دارد.

اکنون که در آستانه انتخابات مجلس شورا قرار گرفته‌ایم باید هشیارانه به ایجاد یک فراکسیون پارلمانی ضد امپریالیست در درون مجلس چشم بدوزیم (فراکسیونی که علیرغم تضادهای داخلی آن در واقع یک گام به پیش در جهت شکل‌گیری جبهه واحد ضد امپریالیستی بحساب می‌آید.) تا از آن‌به مثابه یک پایگاه برای پیشبرد اهداف ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی استفاده کنیم. به این منظور در این مرحله باید، اولا" : از اصل کردن منافع خاص گروهی بپرهیزیم و به‌مصالح جنبش در کل آن توجه کنیم. ثانیا" : بدون مسامحه فعالانه به میان توده‌ها برویم و آنها را در مورد شناختن کاندیداهای ضد امپریالیست و رای دادن به‌آن راهنمائی کنیم.

سازمان مجاهدین به سهم خود تلاش میکند با ارائه لیستی از کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه در تهران و سایر شهرستانها حول برنامه ۱۲ ماده‌ای اعلام شده توسط برادر مجاهد مسعود رجوی حتی‌الامکان زمینه مناسبی برای فعالیتهای انتخاباتی فراهم سازد و امیدوار است‌که به این‌وسیله موفق شود مانند مرحله قبل در این مرحله نیز گامی در جهت شکل گیری جبهه ضد امپریالیستی به پیش بردارد و در این راه به یاری تمام دانشجویان ضد امپریالیست و ضد ارتجاع چشم دوخته است.

اعلام جرم شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی شریف علیه روزنامه "آزادگان"

اخلال مجاهدین خلق در دانشگاه شریف

حدود ساعت ۲ بعد از ظهر امروز (یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۸) عده‌ای از مجاهدین خلق که در میان آنها چند دانشجوی طرفدار آنها از دانشگاه صنعتی شریف نیز حضور داشتند قصد خارج کردن تعدادی کاغذ از دانشگاه را داشتند که مورد اعتراض نگهبانان دانشگاه قرار گرفتند بدنبال پرخاشی که از طرف دانشجویان طرفدار مجاهدین خلق با نگهبانان دانشگاه به‌عمل آمد عده‌ای از کارگران و کارمندان دانشگاه نیز نزدیک در خروجی دانشگاه اجتماع کردند . در این میان نگهبانان اظهارمیداشتندکه ماشین‌متعلق به این آقایان (یک ماشین شورلت نقره‌ای رنگ) نمره جلو ندارد و درعوض درقسمت جلوی آن جای بیشتر از ۲۰ گلوله وجود دارد کهما ازداخل آن نمره‌ای بیرون آورده‌ایم وبه این جهات ماشین مشکوک و علاوه براینها کاغذهای خروجی هیچ اجازه نامه‌ای از هیچ‌مقام مسئول‌دانشگاه ندارند وبصورت دزدی از دانشگاه خارج می شود و به این ترتیب نمی توان به آن اجازه خروج‌از دانشگاه را داد . افراد مجاهدین خلق ادعا میکردند که کاغذ های مذکور (در صندوق عقب‌ماشین شورلت‌کاملا بازبودو کاغذهای مزبور تمام صندوق را پرکرده بود) متعلق‌به سازمان‌مجاهدین خلق است که ماه های پیش خریداری شده و اکنون قصد خروج آنرا دارند و می گفتند کاغذ ها سند دارد که برای آوردن آن اقدام شده است .

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی شریف کمال تاسف خود را از حوادث روز یکشنبه ۵۸/۱۱/۲۸ این دانشگاه و متعاقب آن درج گزارشی غرض‌آلود در روزنامهٔ آزادگان اعلام داشته و حقیقت امر را بصورت زیر بیان می‌دارد :

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۸ حدود ساعت ۱ بعدازظهر اتوموبیل نقره‌ای رنگی که متعلق به پدر یکی از دانشجویان این دانشگاه بوده وحامل مقادیر قابل ملاحظه‌ای کاغذ سفید متعلق به "انجمن دانشجویان‌مسلمان" دانشگاه بوده ضمن خروج از دانشگاه با ممانعت نگهبانان درب جنوبی دانشگاه روبرو می‌شود که از رانندهٔ اتوموبیل خواستار ارائه اجازه‌نامه‌ای جهت خروج کاغذها می‌شوند، پس از تماس با رئیس دانشگاه اجازهٔ خروج ماشین از طرف ایشان به نگهبانان صادر شد، ولی در این هنگام عده‌ای با ادعای اینکه این کاغذها متعلق به دانشگاه است جلوی خروج اتوموبیل را می‌گیرند و در همین حال عده‌ای از افراد مسلح کمیته‌منطقه ۸ درمحل حاضرشده‌و دو نفر از آنها مسلح به تفنگ ژ-۳ وارد دانشگاه شدند که با عکس‌العمل دانشگاهیان و رئیس دانشگاه روبرو شدند . پس از ارائهٔ قبض و سندخرید کاغذها و تائید آن بوسیلهٔ رئیس دانشگاه و روشن شدن اینکه کاغذها متعلق به‌انجمن دانشجویان مسلمان است یکی از مامورین کمیته مسئلهٔ جدیدی تحت عنوان "تحت‌تعقیب و مشکوک بودن ماشین" و اینکه‌ماشین و صاحب ماشین باید توقیف شوند، مطرح کردند، در این رابطه رئیس دانشگاه نماینده‌ای را جهت صحبت کردن با این مامور کمیته فرستادند ولی شخص مذکور با کمال بیشرمی شروع به فحاشی نسبت به نماینده و رئیس دانشگاه و جامعهٔ دانشگاه صنعتی شریف کرد و این امر می‌رفت تا درگیریهای شدیدتری را دردانشگاه ایجاد کند که با آگاهی و هوشیاری افراد دانشگاه و بخصوص رئیس‌محترم دانشگاه این توطئه‌ها خنثی شد . قابل ذکر است که حضور صاحب ماشین و تائید تعلق آن به ایشان و رفع شبهه در مورد ظاهرمشکوک ماشین خیلی موثر بود .

در رابطه با گزارش روزنامهٔ آزادگان بدینوسیله شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی شریف جعل و تحریف واقعیات را محکوم کرده و بدلایل زیر علیه روزنامهٔ آزادگان اعلام جرم می‌نماید :

۱ - شرح وقایع بصورتی که در آن روزنامه منعکس شده کاملا" خلاف واقع و یکطرفه بوده و در این زمینه با هیچیک از مقامات مسئول دانشگاه تماسی گرفته نشده، بلکه تمامی‌مطالب از قول افراد مجهول و بدون هیچگونه استنادی بیان گردیده است .

۲ - مطالبی که با تیتری‌تحریک آمیز در رابطه با سازمان مجاهدین خلق ایران و ادعای اخلال اعضای آن سازمان در این دانشگاه عنوان شده بود کاملا" غیر واقعی و غرض‌آلود می‌باشد .

۳ - نسبت دادن جملاتی‌توهین آمیز به آقای دکتر علی محمد رنجبر رئیس انتخاباتی دانشگاه در واقع توهین به جامعهٔ دانشگاه محسوب می‌شود و شدیدا" مورداعتراض تمامی اقشار دانشگاه است .

۴ - اتهام " دزدی" به رئیس این‌دانشگاه که همواره در جهت صرفه جوئی درهزینه‌های‌دانشگاه سعی می‌کرده است، اتهامی است ناجوانمردانه و بیشرمانه .

۵ - رئیس دانشگاه برخلاف ادعای آن روزنامه هیچگونه تبعیضی بین گروهها و اقشار مختلف دانشگاه قائل نبوده و عضو گروهی خاص نیستند به همین دلیل مطالب روزنامه آزادگان‌مبنی بر عضویت ایشان درگروه خاصی نادرست است .

۶ - بعداز مشخص شدن تعلق کاغذهاواتومبیل به‌انجمن‌دانشجویان مسلمان دانشگاه و تائید همگان‌نسبت دادن و طرح مسئله دزدی بودن آنها عملی قبیح و ناپسند و دور از شان مطبوعات میباشد .

شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی‌شریف
(منتخب استادان - کارکنان - دانشجویان)

۵۸/۱۱/۲۹

مجاهد ۵۹/۱/۳۰

نگاهی به اخبار و رویدادهای

هرج و مرج و آنارشی در دانشگاه‌ها

در روند هر مبارزه‌ی ضدامپریالیستی، نیروهای واپسگرا، کوشش‌های نهایتا نافرجام درجهت جداسازی مردم و نیروهای انقلابی به عمل می‌آورند، چرا که دروحدت این دو و تداوم انقلاب، نفی تاریخی خود را مشاهده می‌نمایند. واکنون که پیشتازان خلق ما می‌روند تا به همراهی مردم‌شان ویتنام دیگری برای امریکا و همدستانش بیافرینند، نیروهای راستگرا به تکاپو افتاده و سعی در منحرف کردن اذهان،از دشمن اصلی و مشغول داشتن آنان به مسائل فرعی دارند. حال آنکه بارها امام بر "شیطان بزرگ" به عنوان دشمن اصلی تاکید ورزیده‌اند.

یکی از آخرین شگردهای اینان که دست‌اندرکار انجامش هستند به راه انداختن هرج و مرج و مآلاً تعطیل دانشگاهها تحت پوشش به اصطلاح "پاکسازی" می‌باشد که نهایتا برخلاف ادعای به ظاهر انقلابی‌شان، تنها امپریالیسم و ضدخلق از آن سود می‌برند.

اما خلق مبارز و قهرمان ایران همیشه نشان داده است که به موقع صف انقلابیون را از صف عوام‌فریبان و انحصارطلبان تمیز داده و خواهدداد.

* (اول مهرماه/۵۸) ـ امام خمینی در پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی خطاب به دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور گفتند:

"... دشمنان اسلام و غارتگران کشور با توطئه ونیرنگ‌ها می‌خواهند در این سنگر عظیم که امید ملت و مرکز سرنوشت کشور است، رخنه نموده و با عمال خود شما رااز راه خود که راه حق و راه محرومین و مستضعفین است منحرف و با اخلالگری، در مراکز علم، شمارا از هدف‌بازدارند... در آغاز باز شدن دانشگاه‌ها و دانشسراها ـ دبیرستان‌ها و دبستان‌ها ـ ممکن است اشخاص یا گروه‌هائی بخواهند با اسم‌های تبلیغاتی فریبنده‌درکاردانشگاه‌ها اخلال کنند و از رفتن سر کلاس‌ها جلوگیری کنند. عزیزان‌دانشگاهی و محصلین سایر مدارس با بی اعتنائی وسردی با آن مواجه شوند و توطئهٔ آنان راخنثی‌نمایند"

* (۲۴/شهریور / ۵۸) ـ پیام مجاهدین خلق ایران به دانشجویان سراسر کشور به‌مناسبت آغاز سال جدید دانشگاهی:

"... و اما، چون در ایام حاضر نگرانی‌هائی درباره‌ی وضعیت سال‌آتی دانشگاهها ابراز می‌گردد، ما اعتصابات عمومی سراسری دانشجویی و تعطیل دانشگاهها را به صلاح ندانسته و ضمن بزرگداشت جنبش عظیم دانشجوئی، شمارا به پی‌گیری فعال جنبش خود، البته به طریق و در جهات مثبت، دعوت می‌کنم ...

بنابراین ما پیشاپیش، هر ـ گونه ماجراجوئی و هرج‌و مرج و درگیری در دانشگاه‌ها را محکوم نموده و خواستار محیط آرام و سالمی هستیم که طی آن شما بتوانید ضمن انجام فرایض علمی خود هر کلاس و دانشکده را به کانونی برای تعالیم روشنگر انقلابی و مردمی و مکتبی تبدیل سازید."

* (۱۹فروردین)، تهران، بخشنامهٔ میرسلیم به وزارت علوم (در مورد ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی در دانشگاهها و مدارس عالی): مسئولین دانشگاه ـ ها و مدارس‌عالی، از اجازه دادن به گروههای سیاسی، به هر عنوان، برای برگزاری مراسم سخنرانی، و تبلیغات سیاسی، خودداری کنند.

* (۱۹فروردین)، تهران، در دانشگاه علم‌و صنعت، اعلامیه‌ای توزیع شد، مضمون این اعلامیه‌ی بدون امضاء، پاکسازی و تصفیه، در دانشگاه بود، و از کارکنان معتقد به امام، درخواست کرده‌بود که اعلامیه را امضاء کنند

ـ در این دانشگاه، انجمن اسلامی، جلسه‌ای برگزار می‌کند؛ در این جلسه پس از انتقاد از نظام آموزشی دانشگاه، و طرح لزوم دگرگونی نظام آموزشی... نتیجه می‌گیرند، که بایددانشگاه ـ هاتعطیل شوند.

* (۲۱ فروردین)، بهشتی گروهها در طول ۱۴ ماه، با شایعه سازی و دروغ‌پردازی‌ها تحریکات کردند... طبعا تحمل این کارها میسر نیست و نتیجتا از مردم دعوت می‌کنیم که عرصه‌ی اجتماعی ما را بر اینگونه کارهائی که پیروزی مردم را به خطر می‌اندازند، تنگ کنند.

* (۲۴ فروردین)، آذربایجان شرقی، قطعنامه‌ی سمینار جامعه‌ی روحانیت آذربایجان شرقی: ۱ ـ نظارت علماء و روحانیت هر منطقه در قسمتهای فرهنگی برای جلوگیری ازتوطئه‌ها و تعلیمات ضداسلامی...

* (۲۵فروردین) ـ خامنه‌ای ـ برای تبدیل فرهنگمان، انشاءالله به یک فرهنگ مستقل وقراردادن دانشگاهها، در مسیر انقلاب، به نظر من کاملا لازم است، دانشگاهها به وسیلهٔ خود دانشجویان مسئول اداره شود، که نسبت به‌تصفیه و تهذیب وتزکیه‌اش. تدابیری اندیشیده بشود.

* (۲۵ فروردین) ـ در جلسه‌ی‌شورای آموزشی مجتمع، نمایندهٔ شورای اسلامی‌دانشجویان گفت: باید در مورد تزکیهٔ‌دانشگاه با قاطعیت عمل شود، و درصورت سهل‌انگاری مسئولین دانشکده در این مورد، ممکن است از طرف دانشجویان. مسلمان متعهد به انقلاب و اسلام!، عملی گردد.

* (۲۵فروردین) ـ دریکی از جلسات شورای هماهنگی دانشکده‌ی‌دندانپزشکی دانشگاه تهران، در تاریخ ۱/۲۴، چندتن از استادان، مسالهٔ گرفتن اتاقهای گروههای سیاسی را طرح می‌کنند در این‌جلسه یکی از استادان، می‌گوید: "اگر گروههای سیاسی، دفاترشان را پس ندهند، من استعفا می‌کنم."

* (۲۶ فروردین) ـ انجمن اسلامی‌کامپیوتر، طی اعلامیه‌ای، در رابطه با دانشگاهها، نوشته است که، برای آخرین‌بار، به این گونه گروهک‌ها، اخطار می‌ـ کنیم که از این اعمال فورا دست بردارند، در غیر این صورت، اگر دانشگاهیان‌متعهد، عکس‌العملی‌از خود نشان بدهند، مسئولیتی متوجه ما نخواهد بود و کلیه‌ی عوارض آن را، همان گروهکها باید بپذیرند.

* (۲۶ فروردین) ـ قائمشهر ـ روز بیست و سوم فروردین، تعدادی از دانشجویان‌تربیت‌معلم به همراهی برخی افراد دیگر، در محل این دانشسرا، دست به

بقیه‌در صفحه ۷

حصن می‌زنند. علت این حصن اعتراض به اخراج ۹ تن از دانشجویان این دانشسرا، بوده است. گفته می‌شود، دانشجویان اخراج شده عمدتا هوادار سازمان مجاهدین بوده‌اند.

* (۲۶ فروردین) ـ زنجان ـ روز بیست و چهارم فروردین، حکمی مبنی بر اخراج چندنفر، از خواهران هوادار سازمان‌مجاهدین در دانشسرای تربیت معلم‌زنجان صادر شده است. مقامات دانشسرا به‌این‌چند خواهر اخطار کرده‌اند. چنانچه در مقابل این‌عمل مقاومت کنند، آنها راباروراخراج خواهند کرد. قابل تذکر است، که چند روز قبل نیز، ۵ نفر از سایر دانشجویان این دانشسرا. به بهانه‌ی عدم تطبیق، با ضوابط اخراج شده‌اند.

* (۲۶ فروردین) ـ دیروز دردانشکده‌ی بیراپزشکی، نمایندهٔ انجمن اسلامی دانشجویان، در شورای دانشکده، می‌گفت که، اگر مسئولین، افراد متمایل به چپ را تصفیه نکنند، خودمان، دست به عمل خواهیم زد.

* (۲۶ فروردین) ـ نظر معاون دانشگاه تهران (دکتر صباغیان) راجع به بخشنامه‌ی میرسلیم (مبتنی بر عدم فعالیت گروههای سیاسی، در دانشگاهها): ... همین‌گروهها (ی‌سیاسی) با وجود حضور گارد، در زمان طاغوت، به فعالیت می‌پرداختند و چنانچه بخواهند به نیروهای قهریه متوسل شوند، دانشجویان یکطرف، و نیروهای پاسدار، در طرف دیگر، به سنگ‌اندازی، مشغول خواهند شد.

* (۲۷فروردین)، تهران، انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی تهران سندی که درآن طرح اشغال دانشگاهها، دفاتر گروههای سیاسی، ترسیم و مشخص شده‌بود را افشا کردند.

* (۲۷فروردین) ـ سرمقالهٔ آزادگان ـ با تبلیغات گروهها، و دستجات به ظاهرانقلابی، باید آن عمل شود، که با توطئه‌های شناخته شدهٔ جاسوسان امپریالیسم. تمامی نهادهائی که‌ روند مکتبی انقلاب اسلامی ما را می‌خواهند منحرف سازند، باید سرکوب نمود

* (۲۷فروردین) ـ تبریز ـ به دنبال سخنرانی در دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تبریز، اجتماع دانشجویان، به‌تشنج کشیده شد، و در پی آن عده‌ای‌ازدانشجویان به ساختمان مرکزی رفته، و ضمن بیرون کردن مسئولان، و کارکنان این مراکز، آنجا را به تصرف خود در آوردند. و اعلام داشتندتا تکمیل انقلاب فرهنگی، و پاکسازی در سطوح دانشجویی، و هیات علمی، و کارمندان، این مراکز را ترک نخواهند کرد.

* (۲۷فروردین) ـ دکتر باهنر در مصاحبه‌ای گفت:... ضرورت دارد که یک دگرگونی اساسی، در کل دانشگاههای ما، بوجود آید، و لو به‌قیمت‌این‌که مدتی این دانشگاهها تعطیل باشد

وی همچنین‌گفت: مساله‌ای که ابتدا وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد. معلوم شد که مساله

مجاهد ۵۹،۱،۳۰ (بقیه) ۲

درستی بوده، زیرا آن روز اعلام شده بود که فعالیت‌های سیاسی و گروهی، در محیطهای آموزشی، ممنوع باشد، اما در واقع بحث سیاسی می‌تواند وجود داشته‌باشد

* (۲۸فروردین)- قسمتی از قطعنامهٔ سمینار "رسالت‌دانشجو و دانشگاه" در دانشکدهٔالهیات: . موج افکار گوناگون سفارشی، و

سرمایه‌گذاری‌های فکری - سیاسی اجنبی، بر روی‌این‌قشر (دانشجو-یان) باعث بوجودآمدن گروه-های مختلف، و پوسیده شدن عده‌ای، از درون گشته است. بدین وسیله ما... از آنها (مردم) می‌خواهیم که.. برای جهت صحیح دادن به این‌ارکان (دانشگاه) گیج و سرگردان، قیام کنند... ما برای نجات دانشگاهها هیچ چاره‌ای نداریم، جز یک انقلاب... ما از این که دانشگاه-ها حتی معطل و یا به حال تعلیق درآیند، هیچ باکی نداریم.

* (۲۸فروردین)- تهران - امروز، عده‌ای عناصر معلوم‌الحال باتحریک عده‌ای، در صدد بر-آمدند که طرح اشغال دانشگاهها، و دفاتر گروههای سیاسی را (تحت به اصطلاح پاکسازی! و..) در رابطه با دانشگاه علم وصنعت، عملی سازند

هجوم به دانشگاه علم وصنعت یا اولین گام‌های هرج ومرج در دانشگاهها

پس‌از افشای توطئه اشغال مراکز آموزشی و دانشگاهها و چگونگی سازماندهی و شکل‌گیری و برنامه‌ریزی این توطئه، دانشجویان منتسب به‌انجمن‌اسلامی که در ابتدا خود را از این‌توطئه پاک دانسته و ضمن تکذیب این جریان واکنش‌های متفاوت نشان می‌دادند، در روز پنج‌شنبه۵۹/۱/۲۸ با استفاده از تعطیلی دانشگاه، توطئه خود را در دانشگاه علم و صنعت به اجرا در می‌آورند. شرح ماجرای دانشگاه علم وصنعت به قرار زیر است:

حدود ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۲۸ فروردین عده‌ای از دانشجویان منتسب به انجمن اسلامی به سمت درب ورودی دانشگاه هجوم آورده و قصد بستن درب و مهر و موم کردن آن را می‌کنند. این عمل با اعتراض و عکس‌العمل خواهران و برادران انجمن دانشجویان مسلمان وعده‌ی دیگری از دانشجویان و استادان و کارکنان مبارز قرار گرفته‌و قاطعانه در مقابل این کار می‌ایستند، به طوری که آنها مجبور به عقب‌نشینی می - شوند. در این میان اعضای انجمن دانشجویان مسلمان جهت جلوگیری ازهرگونه، سوء استفاده مرتجعین و پیشگیری از وقایع احتمالی، جریان ماوقع و توطئه را به مقامات مسئول مملکتی اطلاع‌می‌دهند ولی آنها ضمن بی‌اطلاعی از مساله‌وتقبیح آن، متاسفانه هیچ اقدام موثری در جهت رفع توطئه انجام‌نمی‌دهند.

به دنبال این جریان حدود ساعت ۹ عناصر فوق که از هجوم اولیه‌ی خود بهره‌ای نگرفته بودند متوسل به شیوه‌های دیگری شده و شروع به پخش اکاذیب در مورد دانشگاه بین مردم‌ناآگاه محلات اطراف می‌کنند. آنها هم چنین کارگران سادهٔ دانشگاه را نیز تحریک می‌کنند.

به دنبال این تحریکات و سوء-استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم،در حالی که گروهی مسلحانه‌از اقدام آنها پشتیبانی می‌کردند،از خلوتی دانشگاه سوء استفاده‌کرده و اقدام به‌اشغال خوابگاه خواهران که در نقطه‌ای دور دست در دانشگاه قرار دارد، می‌کنند و به دنبال آن ضمن هجوم به‌ساختمان خالی رئیس دانشگاه وشکستن شیشه‌ها (که یادآور روزهای شوم حمله‌ی گارد مزدور دانشگاه ها در رژیم محمدرضاشاهی بود)از پنجره‌وارد اطاق‌های رئیس شده و ضمن بهم ریختن وسایل و مدارک داخل آن مقداری ازمدارک موجود را از دانشگاه خارج‌می‌کنند. آنها در داخل اتاق رئیس‌درصدد تشکیل ستادی در رابطه بااشغال دانشگاه (تحت‌عنوان به اصطلاح حفظ اسناد) برمی‌آیند. در این هنگام دانشجویان همراه عده‌ای از استادان برای جلوگیری از هجوم و تخریب در محل‌حاضر می‌شوند و مسائل را پی‌گیری می‌کنند.

افرادفوق‌الذکربانصب بلندگوبر بالای ساختمان مسجد دانشگاه جهت پوشش گذاشتن به کارهای خود از نوار قرآن و اشعار مذهبی نیز استفاده می‌کردند. انجمن دانشجو-یان مسلمان همراه‌با دیگر دانشجویان چون این هجوم‌را جدی‌تر حس کردند، شروع به بستن زنجیر و حفاظت از ساختمان‌های حساس دانشگاه از قبیل ساختمان ۱۵ خرداد - ساختمان رئیس - ساختمان اداری و ساختمان‌های آموزشی نمودند.

حدود ساعت ۹/۵ عده‌ای از دانشجویان انجمن اسلامی پلاکاردی مبنی بر این که‌کمونیست‌ها دانشگاه را تصرف کرده‌اند سعی در کشاندن مردم ناآگاه به داخل دانشگاه می‌کنند. از سوی دیگر دانشجویان متعهد به همراه‌اساتید بیدار،ستادی به نام ستاد دفاع از دانشگاه، تشکیل داده و محافظت از دانشگاه درمقابل‌هجوم‌های وحشیانه را بعهده می‌گیرد. و با نصب بلندگوئی در دم درب اقدام به افشاگری در جهت آگاهی دادن مردم از این اقدامات تفرقه افکنانه می‌کنند.

اغتشاش‌گران چون با مقاومت قهرمانانه‌ی دانشجویان و بی نتیجه ماندن اقدامات مذبوحانه‌ی خود مواجه می‌شوند، عوامفریبی‌های خود را گسترش داده و شایعات را به مدارس و حتی به‌مساجد می‌کشانند و ضمن نشر اکاذیب از قبیل این که کمونیست‌ها و مجاهدین دانشگاهها را اشغال کرده‌اند از مردم می‌خواهند برای دفاع از اسلام به دانشگاه بروند و حتی به عنوان خواندن نماز وحدت سعی در کشاندن مردم به دانشگاه می‌کنند. به دنبال این‌جریانات مردم ناآگاه و تحریک شده به سوی دانشگاه می‌آیند و متاسفانه عده‌ای معمم نیز در بین آنها دیده‌می‌شود. به دنبال ایجاد آشوب در دانشگاه و ایجاد درگیری‌های موضعی بین اشغال‌گران ودیگردانشجویان، نمازبه اصطلاح وحدت اجرا می‌شود که در حقیقت‌ محتوائی جز تفرقه و توطئه نداشت. آنگاه به سمت ساختمان ۱۵ خرداد هجوم می‌برند. در این بین دانشجویان انقلابی که به هدف شوم آنها پی برده بودند،خانهٔ خود و میراث گذشتگان خود را چون نگینی درمیان گرفتند و زنجیروار دور آن حلقه زدند. مهاجمین که‌بعد از به اصطلاح نماز وحدت نیروهای تحریک شده را به‌آن سمت بسیج کرده بودند وقتی با مقاومت سرسختانه‌ی دانشجویان مواجه شدند عجز خود را نشان داده و ضمن هجوم وحشیانه چند تن از برادران را مجروح کردند ولی کاری از پیش نبردند. آنگاه اقدام‌به قطع برق و تلفن دانشگاه کردند که مبادا حقایق به‌گوش مردم آگاه برسد و در صدد دفع توطئه برآیند. با وجود این مردم آگاه که از گوشه کنار اخبار به گوشتان رسیده بود به حمایت و دفاع از دانشجویان و خانه ی آنها شتافتند و هر لحظه مردمی که به‌یاری دانشجویان می‌آمدند زیادتر می‌شدند...

مجاهد ۵۹،۱،۳۰

نظر مجاهدین خلق درباره‌ی تعطیل مراکز آموزشی

به نام خدا
و
به نام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران بدینوسیله توطئه‌ی اشغال مراکز آموزشی کشور را برابر اسناد موثقی که از جانب دانشجویان دانشگاههای مختلف ارائه شده است، اعلام و توجه تمامی مردم و مقامات مسئول کشور را نسبت به آن بر می‌انگیزد. بدیهی است در شرایط قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا و درگیری‌های مرزی عراق و ایران که طبعاً تفرقه‌انگیزان تلاش می‌کنند تا برغم پیام وحدت امام خمینی اقشار مختلف کشور را به جان هم انداخته واز اختلافات آنها سوء‌استفاده نمایند، تعطیل مراکز آموزشی را تحت هیچ بهانه‌ای خصوصاً درآستانه‌ی دومین مرحله‌ی انتخابات مجلس شورای ملی به صلاح کشور نمی‌دانیم.

بنابراین تردیدی نیست که بپا کردن آشوب وهرج و مرج و جنجال در محیط های آموزشی نهایتاً آب به آسیاب دشمن(یعنی امپریالیستها) می‌ریزد و با روح پیام امام خمینی مبنی بر استوار گردیدن نهادهای قانونی کشور در سال جدید نیز متناقض است. بنابراین اگر کسی قصد فتنه‌جویی نداشته و صرفاً چنانکه گاه گفته می‌شود بازسازی انقلابی آموزش کشور را اراده کرده است می‌تواند به خوبی آن را از طرق معقول و منطقی به پیش براند. مگر این که به رغم متهم کردن دیگران به ناسازگاری و مخالفت با نهادهای حاکم، خود معتقد باشد که در یک نظام ضد مردمی به سر می‌برد که نمی‌توان اهداف انقلابی را در آن به طور قانونی و مسالمت‌آمیز محقق ساخت.

علیهذا مجاهدین خلق ایران از رئیس جمهوری و شورای انقلاب خواستارند تا به فوریت با مشخص نمودن مواضع و مسئولیت‌های قاطع خود در قبال حوادث جاری دانشگاهها هرگونه اخلال گری را محکوم و به آن خاتمه دهند.

همچنین تا آنجا که ما می‌دانیم وزارت‌علوم با این گونه برخوردهای اخلال‌گرانه در محیط های آموزشی که‌معمولا تحت عنوان پاکسازی و تصفیه صورت می‌گیرد موافق نیست‌و بنابراین مسئولان آموزشی کشور نیز بایستی هرچه زودتر مواضع خود را در این رابطه تعیین و مسئولیت‌های قانونی خود را به عهده بگیرند.

«به‌این‌ترتیب تا روشن شدن مواضع مقامات مسئول هرگونه تعطیل مراکز آموزشی به اعتقاد مجاهدین خلق ایران محکوم و مطرود است.

«هرگونه تصمیم‌گیری درباره‌ی سرنوشت دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و اجرای امر تصفیه در آنها نیز صرفاً بایستی به گونه‌ای شورائی و از طریق شوراهای منتخب و مسئول این مراکز صورت گیرد. و برعهده شوراهاست تادر نخستین قدم نیت و هدف‌های باطن اشغال کنندگان دانشگاهها را برملا سازند»

از کلیه‌ی اساتید، کارکنان و دانشجویان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی نیز انتظار داریم که درچنین‌شرایط حساسی نسبت به سرنوشت مراکز آموزشی خود- این سنگرهای آگاهی و آزادی- بی‌تفاوت نمانند.

مجاهدین‌خلق ایران
۲۸/ فروردین/ ۵۹

انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی افشاء میکنند:

توطئه‌ی اغتشاش، آشوب و تعطیل دانشگاهها

بقیه، صفحه اول

برنامه‌ریزی و کار این گروه ۳۰ نفری، حدود ۵۰ نفر از انجمن‌های اسلامی شهرستانهای مختلف به تهران آمده و به ۳۰ نفر فوق‌الذکر در ساختمان سفارت ملحق شده و به ادامه‌ی برنامه‌ریزی مشغول می‌کردند تا شاید از این طریق بتوانند به وحدت نظر رسیده و برنامه‌ی خود را هماهنگ سازند.

مشاهده می‌شود در حالی که به فرموده‌ی امام خمینی همه‌ی سلاحها بایستی به سمت امپریالیسم آمریکا نشانه رود. سلاح این افراد به سمت جبهه‌هائی از این مملکت نشانه‌گیری شده است.

افرادی که از شهرستانهای مختلف به تهران آمده بودند از سردمداران این جریان، آشتی ناپذیر در جهت بوجود آوردن محیطی مملو از ناامنی و هرج و مرج داشتند.

شان تاکید بیشتری برای برهم زدن اوضاع دانشگاههای تهران می‌کردند.

در طول مدت طرح ریزی این برنامه عناصر دیگری نیز به جمع این افراد اضافه گردید، تا این که تعداد این افراد به حدود دویست نفر می‌رسد.

این برنامه‌ها در حالی پیش می‌رفت که شخص رئیس جمهور "آقای بنی‌صدر" با این گونه اعمال مخالف بوده و مردم را دعوت به مشارکت در چرخاندن چرخهای مملکت می‌کند.

بعد از اتمام این برنامه‌ریزی‌ها تدارکات لازم را جهت پیاده کردن طرح آماده نموده. به تهیه‌ی پلاکارد و تراکت دست می‌زنند و جمعا" حدود دویست پلاکارد تهیه می‌نمایند که پس از اشغال دانشگاهها آنها را در جاهای مختلف و مناسب نصب کنند. این پلاکاردها نیز در همان آپارتمان همه طبقه تدارک دیده شده است. همچنین این پلاکاردها تعطیل دانشگاهها تحت عنوان اصلاح نظام [illegible] سازماندهی عملیات این افراد نیز به دست ما رسید که جداگانه منتشر شد.

و در این طرح به مواردی برخورد می‌کنیم که شرح مختصر آن درصفحه‌ی ضمیمه آمده است.

این افراد حدود یک هفته است که در پی‌پیاده کردن این طرح سراسری می‌باشند ولی همان طور که فوقا" متذکر شدیم از یک طرف در اثر تضادهای شدیدی که در بین آنها حکمفرماست و از طرف دیگر چون عمل آنها پایه و اساسی نداردوصرفا" در ضدیت با نیروهای ترقیخواه و انقلابی صورت می‌گیرد، لذاست که می‌بینیم تا کنون موفق به حل تضادهای درونی خود نگردیده و قادر به پیاده کردن طرح نشده‌اند.

امید است که خلق قهرمان‌مان با هوشیاری. خون شهیدان گلگون کفن خلق را پاس دارد و اجازه ندهد که این راسگرایان انحصارطلب این چنین سرنوشت دانشجویان پیشتازی را که در مقابل رژیم شاه و گارد شاهنشاهی او جانبازی کردند، ملعبه‌ی خود قرار دهند.

طرح و کروکی سازماندهی که قرار بوده پس از اشغال و تعطیل کردن دانشگاهها پیاده شود.

طبق کروکی به دست آمده، هنگام شروع عملیات در هر دانشگاه این فرم تشکیلاتی پیاده می‌شود و کمیته‌های مختلفی که در کروکی آمده است در دانشگاهها مستقر می‌شوند و هر کدام به قسمتی از کار محوله اهتمام می‌ورزند.

چون این عمل تحت حفاظت و پوشش اصلاح نظام آموزشی و تصفیه و پاکسازی صورت می‌گیرد، ابتدا مراکز مهم در دانشگاه یعنی اتاق رئیس ، هیئت علمی دانشگاه محاصره و سپس به مراکز گروههای سیاسی فعال در دانشگاه حمله می‌شود و این مراکز وقتی به تصرف در آمد مهر و موم شده وسرورها را از دانشگاه اخراج می‌کنند و با نصب پلاکارد اشغال دانشگاه را اعلام می‌نمایند.

(صفحه‌ی ۳ بند ۵) همان طور که در اسناد مشاهده می‌شود این بار هم این عمل عجین شده با ضرب و جرح و تهدید و چماق تحت لوای اسلام پناهی و پشت نام امام. قرار است انجام گیرد. (صفحه‌ی۴فرم تشکیلاتی بند ط) و با جای دیگر سند آمده که از وظایف شورای هماهنگی آماده کردن زمینه‌ی کار قبل از شروع عملیات است (صفحه‌ی ۱ بند ۶).

اینان مگر مدعی این نیستند که از پایگاه توده‌ای وسیعی برخوردارند، پس چنین حرکاتی تحت نام امام و آماده کردن زمینه‌ی قبل از شروع عملیات چه مفهومی می‌تواند داشته باشد، اگر این طرح را در رابطه با جریاناتی که بر علیه نیروهای انقلابی میهنمان در سطح جامعه صورت می‌گیرد در نظر بگیریم (که به هیچ وجه از هم جدا و منفک نیستند) یعنی جریانات سیستماتیکی که این روزها شاهد آن در هر کوی و برزن این میهن خونبار هستیم به عمق فاجعه‌ای ضد انقلابی پی خواهیم بود که چه سان نیروهای پراکنده‌ی دانشجو در سراسر کشور طبق برنامه‌ی مشخصی گرد هم جمع شده و چنین برنامه‌ای را طراحی کرده‌اند. این نظم و انضباطی که در طرح مشاهده می‌شود، جدای از [illegible] انقلابیون نیست و مشخصا" نمی‌تواند مضمونی جز این داشته باشد چرا که درجه‌ی ترقیخواهی هر نیرو در شرایط فعلی در ضدیت با دشمن اصلی تمامی خلق‌های در بند است نه در ضدیت با انقلابیون. این نظم و انضباط و این تشکیلات در چه جهتی است و نهایتا" به سود کیست؟آیا زمانی که همه‌ی مردم بر علیه ام‌الفساد قرن برخاسته‌اند، دامن زدن به این مسائل بیانگر چه چیزی است؟

مگر این مسئله که شما اکنون به آن رسیده‌اید، (اصلاح نظام آموزشی) ما و سایر نیروهای ترقیخواه دانشگاه در همان‌روزهای پس از پیروزی قیام مطرح نکردیم. مگر تصفیه‌ی دانشگاه از عناصر وابسته‌ی به رژیم سابق خواست تمامی توده‌های دانشجو نبود و چه کسانی همان اول هم با این طرح یعنی تصفیه و اصلاح نظام آموزشی مخالفت کردند؟

پس مسئله از جای دیگری آب می‌خورد و آن هم تصفیه کردن نیروهای ترقیخواه دانشجوئی از محیط دانشگاه است تا وقتی به کلی از جامعه مطرود نشدند، جولانگاهی برای انحصارطلبی‌هایشان در دانشگاهها داشته باشند.

ولی از آنجائی که همیشه اعمال ارتجاعی دیر یا زود به ضد خودش تبدیل می‌شود، دیری نمی‌پاید که این عمل هم روال طبیعی خود را به سمت نابودی طی خواهد کرد.

انجمن‌دانشجویان‌مسلمان‌دانشگاهها
ومدارس‌عالی‌تهران

بقیه‌از صفحه۴

مجاهد شهید علی مهندوست

انسان‌های آگاه عصر ما همان ادامه دهندگان راه انبیاء هستند همانطور که آنها مسیر آزادی انسان از قید و بندهای ارتجاع و بندگی، استثمار و دیکتاتوری زمان بودند، ما هم [illegible] ندائی که ما را به خود می‌خواند، پاسخ مثبت دهیم. ندائی که از درون وجدان‌مان از درون خلق ستمدیده و از درون طبیعت و حرکت تکاملی جهان می‌شنویم...

درود براو که فکر، دانش، خانواده و سرانجام جان خود را در راه رهائی ستمدیدگان گذاشت بی‌تردید راه او تا استقرار جامعه‌ای عاری از استثمار و عاری از طبقات ادامه خواهد یافت

مقدمه‌ای بر اسناد توطئه

به نام خدا
و
به‌نام خلق قهرمان ایران

به دنبال اخباری که این روزها شایع شده مبنی بر این که نیروهائی قصد ایجاد آشوب و برهم زدن دانشگاهها را دارند. انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی برای جلوگیری از بروز هرگونه اغتشاش و ناآرامی در دانشگاهها و حفظ وحدت و یکپارچگی صفوف خلق به پیگیری این ماجرا و روشن کردن دقیق این امر پرداخت در نتیجه‌ی تلاشها و کوشش‌های برادران و خواهرانمان سندی از کروکی سازماندهی این عده دانشجو که قصد اشغال ،برهم‌زدن و نهایتا تعطیل دانشگاهها را داشتند به دستمان رسید.

از آنجائی که هرگونه هرج و مرج و آشوب در این شرایط جز به نفع امپریالیسم نخواهد بود و شخص رئیس جمهوری با برهم زدن دانشگاهها مخالف است . لذا این سند را در اختیار عموم هم‌میهنان عزیز قرار می‌دهیم ، تا از بروز حوادث نامطلوب‌و زیانبار پیشگیری شود.

این سند که از مقر این‌عده دانشجو به دست آمده است، نشان دهنده‌ی کروکی سازماندهی عملیاتی است که قصد انجام آن را داشته‌اند با مطالعه خود سند به برنامه‌ریزی و گسترش عملیاتی که قصد انجام آن را داشته‌اند پی خواهید برد.

این عده که مدعی جز اشغال برهم زدن و تعطیل دانشگاهها را نداشته‌اند. فعالیت‌های خود را از چندی قبل شروع کرده بودند. که ماجراهای آن در اطلاعیه‌های بعدی به اطلاع عموم خواهد رسید.

انجمن‌های دانشجویان مسلمان
دانشگاهها و مدارس‌عالی

متن تایپ شده‌ی اسناد

بنام خدا

محرمانه ـ الف

(در این‌قسمت سند یعنی بالای صفحه اول آن فرم‌تشکیلاتی آینده دانشگاه‌که‌مورد نظرطراحان‌توطئه‌بوده، ترسیم‌شده‌است ماکلیشه‌این‌فرم‌ویکی دیگر از صفحات سند را در پائین‌همین‌صفحه‌ازنظرتان میگذرانیم)

وظایف شورای هماهنگی :

۱ـ اجرای دقیق طرح تشکیلاتی و نظارت بر کار کمیته‌ها و ... (ازطریق تشکیل جلسات شورای هماهنگی)
ـ هماهنگ کردن کمیته‌ها از نظر کارهای اجرائی و نیروی انسانی مورد نیاز (از طریق‌تشکیل‌جلسات شورای هماهنگی.)

۲ـ تغییر محل کار افراد در بعضی کمیته‌ها برای این که خسته نشوند و بتوانند در تمام زمینه‌ها فعال شوند، مخصوصا تعویض افراد انتظامات.
تذکر: پیشنهاد می‌شود از همه‌افرادی که در دانشگاه فعالیت می‌کنند (البته دانشجویان) در حفاظت و پاسداری استفاده شود. طبق یک برنامه‌ریزی دقیق.

۳ـ نظارت و کنترل کلیه عملیات در دانشـــگاه.

۴ـ حفظ اموال دانشگاه تا زمانی که آنها را به صاحبانش تحویل دهیم.

۵ـ تهیه اسامی کسانی که باید "کارت" بگیرند و در کمیته‌ها و در رابطه با دانشگاه فعالیت کنند.

۶ـ آماده کردن زمینه کار قبل از شروع عملیات. (به لحاظ تدارکات مورد نیاز و آماده کردن جو تبلیغاتی دانشگاه و منطقه)

۷ـ شورای هماهنگی هر دانشگاه در مورد کل حرکت. موضعگیری و اعلام نظر در مورد موضوعات جدید به عنوان سخنگوی انجمن‌ها و سازمان‌ها را ندارد ولی می‌توانند اطلاعاتی در مورد وضع دانشگاه خودشان در اختیار خبرنگاران قرار دهد. و همچنین در مورد موضعگیری‌ها و نقطه نظرات ستاد مرکزی که قبلا اعلام شده است، می‌توانند صحبت کنند.

ترکیب پیشنهادی شورای هماهنگی:

مسئولین کمیته‌ها بهاضافه یک نفر یا دو نفر رابط بخش اطلاعات و اخبار در کمیته روابط عمومی با شورای هماهنگی، برای رساندن اخبار و اتفاقاتی که در دانشگاه خودشان واقع شده و همچنین ارائه مطالبی که از ستاد مرکزی دریافت شده است.

۱) روابط عمومی.

روابط عمومی دو بخش دارد:

الف.بخش ارتباطات:

۱ـ ارتباطات داخل‌دانشگاه. جمع‌آوری اخبار و گزارشات در سطح دانشگاه و منطقه و ارائه‌ی آنها به‌بخش اطلاعات داخل

۲ـ ارتباطات خارج دانشگاه. و همچنین برقراری ارتباطات با ستاد مرکزی برای دادن‌گزارشات ...در بخش اطلاعات و دریافت اطلاعات تصمیمات آنها.

ب ـ *بخش اطلاعات و اخبار*: بررسی و تنظیم و تحلیل گزارشات و اخبار جمع‌آوری شده و رساندن آنها به ستاد مرکزی توسط بخش ارتباطات و همچنین دریافت اطلاعات و تصمیمات ستاد توسط بخش ارتباطات

تذکر: ارتباط هر دانشگاه با ستاد مرکزی از طریق رابط و شماره تلفن‌های تعیین شده مخصوص آن دانشگاه انجام می‌گیرد .هر چند دانشگاه با یک شماره تلفن درستاد مرکزی در تماس خواهند بود. البته باید سعی شود مطالب خیلی مهم، از طریق رابط و بطور حضوری باشد.

[illegible]

وظایف روابط عمومی:

۱ـ برقراری ارتباط دائم با ستاد مرکزی و کمیته‌های دانشگاه خودش برای مبادله خبرها.

۲ـ دادن کارت به افراد طبق لیستی که توسط شورای هماهنگی تهیه شده است و کنترل کارت‌ها و رفت و آمد جلوی درب ورودی دانشگاه

۳ـ رساندن پیام‌های دریافت شده از ستاد مرکزی به کمیته و یا بخش مربوطه در دانشگاه.

تذکر: بخش اطلاعات و اخبارچون کلیه اخبار داخل و خارج دانشگاه را در اختیار دارد در صورت لزوم می‌توانند به بقیه کمیته‌ها برای رفع اشکالات و بهبود وضع آنها رهنمودهائی ارائه دهد.

۲ـ وظایف کمیته انتظامات وحفاظت:

۱ـ برقراری نظم در دانشگاه و حفاظت از ساختمان‌ها و اموال عمومی دانشگاه، در تمام مدت شبانه روز.
تذکر: این کار می‌بایستی تا زمانی که ستاد مرکزی وجودش را لازم می‌داند ادامه یابد.
تذکر: در صورتی که برای حفاظت نیرو کمک بود می‌توان‌از طریق روابط عمومی از ستاد مرکزی نیروی کمکی درخواست کرد.

۳ـ وظایف کمیته تبلیغات:

۱ـ تامین‌خوراک تبلیغاتی دانشگاه و منطقه چه قبل از عملیات و چه در ادامه کار. برای هر دانشگاه یک منطقه‌ای در نظر گرفته شده است که همراه این‌طرح ارائه‌داده می‌شود.

۲ـ تهیه نوار سرود، شعار، قرآن و مقاله‌های ایدئولوژیک ـ سیاسی و ارائه آن توسط بلندگو در جلوی درب دانشگاه. حداقل برای یک هفته اول عملیات. (از صبح‌تاشب). باید سعی شود که جو جلوی دانشگاه در دست‌ماباشد تا بتوانیم آن را کنترل کنیم.

۳ـ گذاشتن جلسات سخنرانی و توجیه کاری که کرده‌ایم و ذکر اهمیت آن در سرنوشت انقلاب، در سخنگوی جلو درب دانشگاه.
تذکر: ترتیب سخنرانی‌ها و دعوت از سخنران‌ها برای ایجاد هماهنگی در سطح شهر توسط ستاد مرکزی صورت می‌گیرد.

۴ـ گذاشتن کتابفروشی جلوی درب (بیرون دانشگاه و یا داخل دانشگاه بستگی به موقعیت آن دارد)..
تهیه کتاب‌هائی در مورد نظام آموزشی و اهمیت فرهنگ اسلام و آموزش در انسان.

۵ـ نصب پلاکارد در محل‌های مشخص شده از قبل در دانشگاه و منطقه قبل از عملیات و یک مقداری صبح روز عملیات.
تذکر: یک سری از پلاکارتها از قبیل اعلام اشغال دانشگاه در تبلیغات مرکزی تهیه شده روز قبل از عملیات به دانشگاهها...می‌شود. اما هر دانشگاه باید سعی کند حد اقل پلاکارتهای مورد نیاز خود را که شعارهایش تهیه شده، خود بنوسد لیست شعارها و سخنان منتخب امام ضمیمه این ورقه است.

۶ـ شناسائی مساجد منطقه از قبل و دعوت از مردم در روز عملیات با توضیح دادن حرکت انجام شده در مساجد و اماکن عمومی

۴ـ کمیته عملیات سازندگی:

۱ـ بخش نیروهای آزاد شده ـ که مسئولیت نام‌نویسی و فهرست بندی نیروهای آزادشده را به‌ترتیب شایستگی فکری و کارآمدی و تخصص آنها برای بکار گیری افراد در نهادهای انقلاب، ارگان‌های دولتی، جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی بسیج‌می‌باشد .البته‌برنامه‌ریزی این مطلب می‌بایستی در سطح کل تهران و ایران حل شود در این مورد می‌توانند طرح‌ها و پیشنهادات خود را به ستاد مرکزی ارائه دهند.
الف- بخش تحقیقات که تهیه لیست استادان و کارمندان هر دانشگاه و فهرست‌بندی آنها وارائه به ستاد مرکزی قبل از شروع عملیات تشکیل جلسات و سمینارهائی طبق برنامه‌ـ ریزی آماده شده از قبل برای جانشین کردن سیستم و نظام آموزش، و پرورش در دانشگاه شناسائی و تهیه لیست کارکنان تاسیسات دانشگاه و مستخدمین مورد نیاز از قبل و ارائه این لیست افراد به روابط عمومی برای این که این افراد در روز عملیات بتوانند وارد دانشگاه شوند. با دادن کارت عبور موقت به آنها.

۵ـ تدارکات.

الف ـ تایپیست در هر دانشگاه و دستگاه تایپ.

ب ـ دستگاه تکثیر و مسئول تکثیر و کاغذ آماده.

ج ـ دوربین عکاسی و فیلمبرداری همراه مسئولین و وسایل لازم تمام وقت آماده.

د ـ خطاط و وسایل خطاطی (مقوا ـ ماژیک ...) و طراح در صورت امکان

هـ ـ بلندگو دستی ـ ضبط رادیو ـ نوار آمپلی‌فایر شب قبل در محل نصب و تنظیم گردد.

و ـ نوار سرود ـ شعار ـ و گروه سرود با سرودهای آماده

ز ـ اطلاعات دم درب با میزوصندلی و تشکیلات لازم ـ (میز...)

ح ـ طناب کلفت ـ چوب پلاکارد ـ پارچه ـ تابلوی ـ چسب کاغذی ـ مایع و غیره ... تیچی ـ کاتر

ط ـ عکس امام در اندازه‌های مختلف به تعداد زیاد.

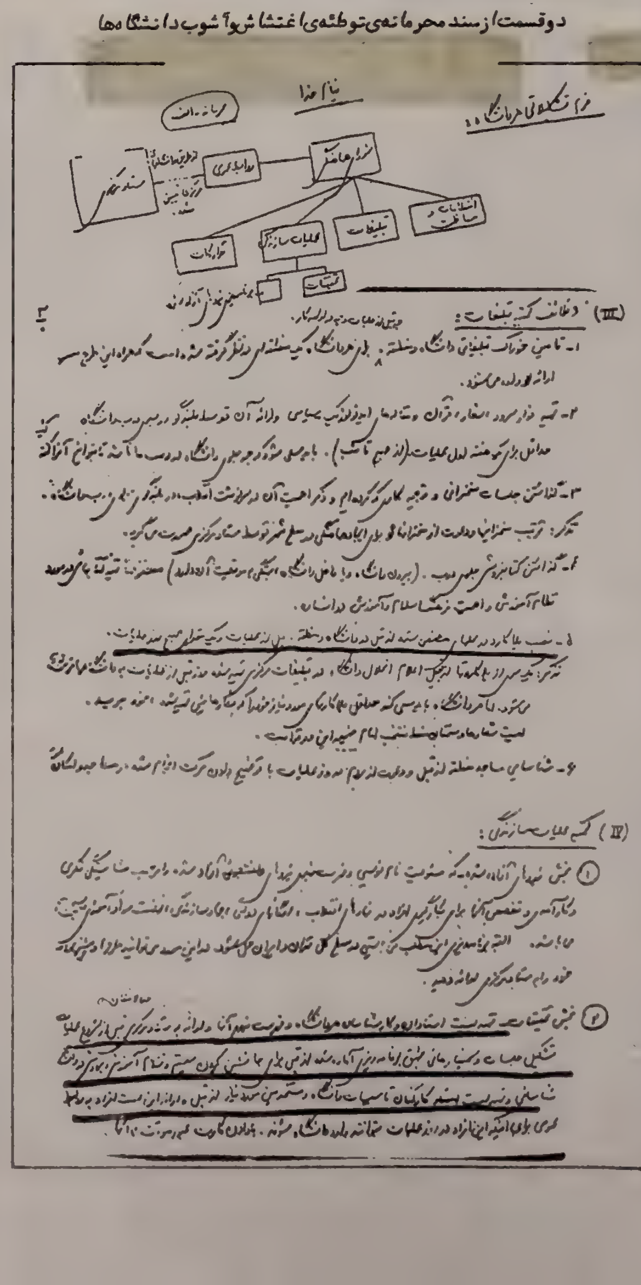
ی ـ امکانات خواب و خدمات ـ برای کسانی که شب‌ها در دانشگاه می‌خوابند.

ک ـ نصب پلاکاردهای تعیین شده در محل مشخص در شب قبل از عمل و یا صبح زود.

ل ـ تعیین محل شورای هماهنگی ـ تبلیغات ـ انتظامات ـ روابط عمومی و تهیه شماره تلفن و تعیین محل دعوت و پاسخ به جذب نیروها، نزدیکی درب ورودی

م ـ محلی برای نیروهای ذخیره.

دوقسمت از سند محرمانه‌ی توطئه‌ی اغتشاش و آشوب دانشگاهها



مجاهد شماره ۴۴ مورخ ۳۰/فروردین/۱۳۵۹

انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی افشاء میکنند:

توطئه‌ی اغتشاش، آشوب و تعطیل دانشگاهها

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

استکبارا فی‌الارض و مکرالسیئی ولا یحیق المکرالسیئی الا باهله.

اخبار پراکنده‌ای که طی مدت یک ماه پیش، از این طرف و آن طرف به گوش می‌رسید توجه انجمن‌های دانشجویان مسلمان را به خود جلب کرد، چرا که این حرکتها از یک توطئه‌ی در شرف تکوین بر علیه دانشگاه‌ها خبر می‌دادند. که برای کشف علت واقعی این تحرک‌ها، برادران و خواهران ما فعالانه به پیگیری امر پرداختند.

به دنبال اعلامیه‌ای که توسط گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران منتشر شد، حساسیت ما نسبت به این مسئله بیشتر گردید. در این جریان به ساختمان هفت طبقه‌ای در پشت سفارت راه پیدا کردیم که با صحبت و گفتگو با افراد این جریان به این اطلاعات دست یافته و متوجه شدیم که این جریان از بیست روز پیش شروع به شکل گرفتن کرده است و ماجرا به شرح ذیل می‌باشد:

افراد آغاز کننده‌ی این جریان بعضی از عناصر انجمن‌های اسلامی دانشگاهها بوده‌اند. سردمداران این جریان ابتدا ده نفر بوده و پس از چندی حدود ۲۰ نفر دیگر به جمع آنها اضافه می‌شود.

اهداف این افراد ظاهرا" اصلاح نظام آموزشی و تصفیه و پاکسازی محیط دانشگاهها!! بود. ولی در اصل توطئه‌ای بود بر علیه دانشگاهها که عملا" طی سالهای اختناق و بعد از انقلاب، سنگر آزادی و آزادگی بوده است، چرا که پاکسازی دانشگاهها و اصلاح نظام آموزشی مساله‌ای است که از اول انقلاب مورد خواسته‌ی همه‌ی دانشجویان متعهد بوده به اضافه‌ی این که تنها مجرایی که برای حل این مسائل صلاحیت دارد شوراها می‌باشند که می‌بایستی مجدانه این امر را پی‌گیری بکنند، در صورتی که این افراد می‌خواستند با تعطیل کردن و به اغتشاش کشاندن دانشگاه و با مخفی شدن پشت این شعار هدفهای خود را پیاده کنند. در طی

بقیه در صفحه ۳

مجاهد ۵۹,۱,۳۱

نشریه مجاهدین ★ خلـق ایـران

سال اول ـ شماره ۴۵ ـ یکشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۵۹ ـ تکشماره ۵ ریال

حمله‌ی سراسری بـه دانشگاهها



نیروهای مرتجع در حال حمله به سنگر آزادی در پشت میله‌های دانشگاه تربیت معلم دیده می‌شوند یکی از رهبران فالانژها بالای میله‌ها است. آنها درب دانشگاه را از جا کنده‌اند. دانشجویان قهرمان هم در خانه‌ی خود ایستاده و از آن دفاع می‌کنند

***

به دنبال حمله و هجوم آشوبگران به مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها در سراسر کشور جمعه ۲۹ فروردین ماه دانشگاه تربیت معلم در تهران مورد هجوم وحشیانه و فاشیستی چماق به دستان و اغتشاش ـ گران قرار گرفت. دانشگاه تربیت معلم پس از ساعت‌ها مقاومت قهرمانانه‌ی دانشجویان و به جای گذاشتن ده‌ها مجروح و زخمی، بالاخره در نیمه‌های شب در حالیکه افراد انجمن اسلامی و چماق بدستان به داخل ساختمانها و کتابخانه‌ی مرکزی حمله‌ور شده بودند، به اشغال آشوبگران درآمد.

اغتشاش گران پس از به اشغال درآوردن دانشگاه تمامی دانشجویان مستقر در دانشگاه را که برای دفاع از خانه‌هایشان در دانشگاه گرد آمده بودند به شکل وحشیانه‌ای از دانشگاه بیرون کردند.

شرح ماوقع حمله‌ی فاشیستی راست گرایان به دانشگاه تربیت معلم

بقیه در صفحه ۲

عملیات مجاهدین خلق در اردیبهشت ۵۳ به مناسبت سالروز شهادت ۵ مجاهد خلق

سی و یکم فروردین سالروز شهادت پنج مجاهد دلیر خلق و نیز انفجار مقرگارد دانشگاه صنعتی (شریف) به دست مجاهدین خلق است. سازمان در اردیبهشت سال ۵۳ طی جزوه‌ای درباره‌ی انفجار مقرگارد، مبرم‌ترین وظایف جنبش دانشجوئی را خاطر نشان ساخت. این جزوه در آن سالهای خفقان و وحشت، رهنمود جالبی برای دانشجویان مبارز بود. به‌یاد شهاب‌های شبهای تیره‌که‌با پرتوشان دل تاریکی را شکافتند، بهتر آن دیدیم که عین آن جزوه را در این جا بیاوریم، روشن است که وظایف و رهنمودهای طرح شده در این جزوه، برای جنبش دانشجوئی آن زمان است.

۱

* * *

همزمان با اوج‌گیری مبارزات دانشجوئی و سمت‌گیری مشخص سیاسی آن علیه دیکتاتوری پلیسی – نظامی دست نشانده‌ی حاکم بر ایران و تائید فعال جنبش مسلحانه که خود نشانه‌ی بلوغ سیاسی جنبش دانشجوئی در ایران به شمار می‌رود، یک واحد چریکی از سازمان مجاهدین خلق ایران در عملیات نفوذی خویش در نیمه‌ی شب ۳۱ فروردین ۵۳ موفق به کارگذاری بمب تخریبی و نیرومندی در مقر گارد دانشگاه صنعتی که مورد محافظت شدید

بقیه‌در صفحه ۲

به قرار زیر می‌باشد:

روز جمعه ۲۹ فروردین ماه پس از پایان نماز جمعه، تعدادی افراد فالانژ که جمعیت آنان به بیش از صد نفر بالغ نمی‌گردید، در حالی که مردم را تحریک می‌کردند. به سوی دانشگاه تربیت معلم به حرکت درآمدند. آنها پس از رسیدن به مقابل دانشگاه تربیت معلم با سنگ و چوب به صفوف دانشجویانی که برای حفاظت از دانشگاه زنجیر بسته بودند، حمله کرده و آن گاه درب ورودی دانشگاه تربیت معلم را که در خیابان مبارزان واقع است از جا کنده و به درون دانشگاه حمله‌ور می‌شوند.

در این میان درگیری شدیدی بین دانشجویان مستقر در دانشگاه و فالانژیستها رخ می‌دهد، دراثرپرتاب پی در پی سنگ از طرف فالانژیستها تمامی شیشه‌های ساختمان‌ها خرد شده بود و علاوه بر آن، از آن‌جا که درب ورودی دانشگاه هم شکسته شده بود، تنها راه مقاومت در برابر این هجوم ضد دانشجوئی پناه بردن به پشت بامها و مقاومت از آن جا بود. در اثر این حمله عده‌ی زیادی از دانشجویان منجمله برخی ازاعضای انجمن دانشجویان مسلمان به شدت زخمی و مجروح شدند. تعدادزیادی از مجروح‌شدگان امکان بیرون‌رفتن از دانشگاه را نداشتند و در داخل دانشگاه تحت درمان قرار گرفتند. و بقیه‌ی مجروحین (حدود ۱۵نفر) به بیمارستان امیراعلم منتقل شدند.

فالانژیستها تا آنجا که می‌توانستنداز نزدیک شدن آمبولانسها و انتقال مجروحین به بیمارستانها جلوگیری به عمل‌آوردند. در یک مورد آنها آمبولانسی‌را که برای انتقال مجروحین آمده بود با چماق و چوب و سنگ مورد هجوم قرار داده‌به طوریکه آمبولانس مجبور به ترک محل شد.

با شدت گرفتن حمله و هجوم فالانژها دانشجویان ضمن تماسی با سپاه پاسداران از آنان خواستند که‌به محل آمده و از شدت گرفتن درگیری جلوگیری کنند. همچنین انجمن دانشجویان مسلمان ازطریق بلندگو مرتبا دعوت به آرامش می‌کرد و از حمله‌کنندگان می‌خواست که از اطراف دانشگاه پراکنده شوند.

دانشجویان به افرادیکه در بیرون دانشگاه‌بودند پیام می‌فرستادند دراین پیامها دانشجویان اعلام می‌کردند که دانشگاه خانه‌ی ماست، تهاجم با چماق به خانه‌ی ما چه معنائی دارد؟ چرا شما از قوانین و مصوبات مقامات مسئول مملکتی اطاعت نمی‌کنید؟ طبق تصمیمات شورای انقلاب سه روز به دفاتر گروههای سیاسی مهلت داده شده است. این حملات تماما به نفع آمریکاست .وامریکا از این مسئله خوشحال خواهد گشت. اما فالانژیستها گوششان به این پیامها بدهکارنبود، و هم‌چنان به پرتاب سنگ مشغول بودندبراثرشدت‌یافتن حملات، دانشجویان به داخل ساختمان‌ها رفتند .تا ساعت حدود ۸ تعداد کل زخمی‌شدگان به حدودصد نفر رسیده بود. و در این هنگام با مستقر شدن پاسداران در اطراف دانشگاه آرامش مختصری در محل حاکم شد ولی فالانژیستها حاضر نمی‌شدند اطراف‌دانشگاه را ترک کنند آنها اظهار می‌داشتند تادانشجویان را از دانشگاه بیرون نریزیم این جارا ترک نخواهیم کرد.

درساعت ۸/۵نماینده‌ای ازسپاه پاسداران منطقه‌ی ۶ به داخل‌دانشگاه آمد و از دانشجویان خواست که دانشگاه راترک‌کنندوی اظهارداشت: اگر شما بیرون نروید ما و مامورین محل را ترک کرده و خودتان‌می‌دانید و چماقداران.

حدود ساعت ۹/۵ در حالیکه افراد مسلح در اطراف دانشگاه مستقر بودند، تعدادی ازعناصر فالانژازدرب غربی ساختمان مرکزی به داخل حمله کرده و در این میان افراد مسلح گاز اشک‌آور پرتاب می‌کردند.

در ساعت ۱۱ شب بعد از اینکه تعدادی ازحملات فالانژیستها همراه با پرتاب گازاشک‌آور افراد مسلح به داخل ساختمانها توسط دانشجویان خنثی شده بود.

اوضاع هر لحظه متشنج تر می‌شد، در این بین ناگهان مینی‌بوسها وارد دانشگاه می‌شوند ،این‌مینی‌بوسها چماقداران جمع‌آوری شده را با خود به داخل می‌آوردند. و با پرتاب گاز اشک آور به مقدار خیلی زیاد، حمله را آغاز می‌کنند. دانشجویان قهرمانانه تا آنجا که توان داشتند از سنگر آزادی دفاع کردند. شلیک گاز اشک‌آور به داخل ساختمانهاتا حد خفگی دانشجویان ادامه یافت گازاشک آور آنقدر زیاد بود که به خانه‌های اطراف دانشگاه سرایت کرده وآنها را نیز ناراحت کرده‌بود. حمله بسیار شدید بود، دانشجویان در حالی که گازهای اشک‌آور آنها را به شدت آزار می‌داد، از در و دیوار دانشگاه به بیرون می‌پریدند.

عده‌ای از دانشجویان در کتابخانه‌ی مرکزی اجتماع کرده بودند که‌افرادمسلح‌همراه با چماق‌بدستان و انجمن اسلامی‌ها با هجوم به کتابخانه همگی آنها را به باد کتک گرفته و خارح کردند.

در حدود ساعت یک بعد از نیمه شب، تقریبا" تمامی دانشجویان را از دانشگاه بیرون کردند. در این هنگام دانشجویان تظاهراتی بر علیه چماق داران وبه دفاع از دانشگاه به راه انداختند، که به شکل بی‌رحمانه‌ای سرکوب گردید. و تعداد زیادی از دانشجویان در این حمله زخمی و مجروح شدند.

درحال حاضر داشگاه‌تربیت معلم‌در اثر هجوم آشوب گران تبدیل به خرابه‌ای گشته است، درها و پنجره‌های‌اکثر ساختمانها وکلاسهای درس شکسته شده، دفاتر انجمنهای دانشجوئی به کلی بهم ریخته‌است شدت گاز اشک آور به قدری است‌که ورود به داخل برخی ازطبقات ساختمانها غیرممکن است.

آثار به جای مانده از حمله‌ی آشوبگران به دانشگاه تربیت معلم شباهت بسیار نزدیکی به آثاری‌دارد که‌مزدوران گارد دانشگاه درحمله‌ی خود در تاریخ خرداد ۵۷ به‌خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران به‌جای گذاشتند.

آری، عده‌ای چماقدار می‌خواهند با سرکوب دانشجویان انقلابی سکوت و ظلمت را بر دانشگاه تحمیل کنند و این در حالی است که در پیشاپیش آنها انجمن‌های اسلامی راه گشای این سرکوب در محیط دانشگاه شده اند. ولی مرتجعین باید بدانند که هرگز نخواهند توانست، خروش انقلابی

مجاهد ۲۱،۱،۵۹ (بقیه) ۲

دانشجویان قهرمان را که درسیاه‌ترین دوران دیکتاتوری از سنگر آزادی دفاع کردند، با چماق و سرکوب خاموش کنند، توطئه‌های آنان بالاخره در آینده‌ای نه‌چندان دور در پیشگاه خلق رسوا خواهد شد.

آزادی؟

درحالیکه صحنه‌ی سیاسی ما هنوز ازساواک و سیا پاک‌نشده وحتی یک‌فهرست هم‌دراین باره‌نداده‌اند و نمی‌دهند، درحالیکه قراردادها وروابط استعماری‌هنوزبه طوررسمی‌درجای خود باقی است ودرحالی که . . . چگونه‌می‌توان ازانقلاب فرهنگی‌دم زد؟

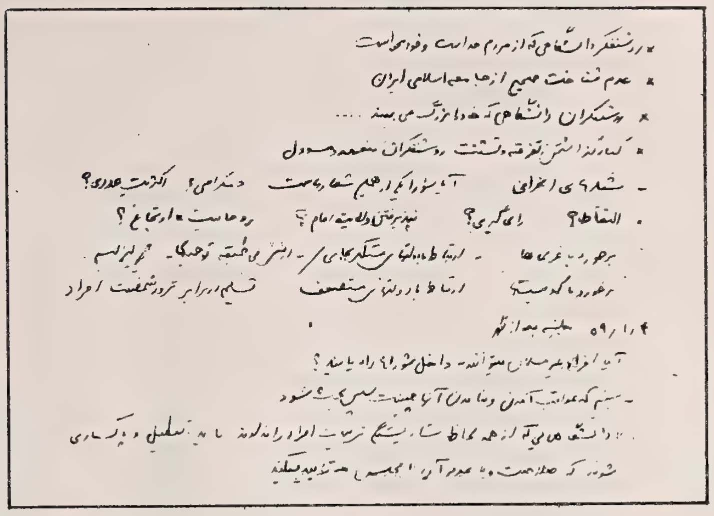
دانشگاه چه در سال‌های قبل از انقلاب و چه در جریان انقلاب و بعداز آن پیوسته سنگر مقدم آزادی بوده است. لزومی ندارد که مبارزات خونین دانشگاه از ۱۶ آذر تا ۱۳ آبان و تا همین دیروز را که چماقداران در آن می‌زدند و می‌سوزاندند و می‌بردند را یادآور شویم. کما این که احتیاجی نیست بگوئیم که قدرتمندان کنونی تا چه پایه قدرت خود را مرهون خون دانشجویان قهرمان ما هستند. و لابد کسی فراموش نکرده است که همه‌ی اقشار و نیروهای ضد شاه وقتی که هیچ پناهگاهی نبود به دانشگاه رو می‌کردند. منجمله تحصن روحانیون در مسجد دانشگاه را در آخرین روزهای دوران شاه به یاد داریم...

اکنون چه شد که دوباره دانشگاه‌ها "لانه‌ی فساد" نامیده می‌شوند؟ آیا فی‌الواقع چنان که ادعا می‌شود، هدف یک پاکسازی انقلابی و انقلاب فرهنگی است؟ مشکل بتوان چنین چیزی را باور کرد در حالی که صحنه‌ی سیاسی ما هنوز از ساواک و سیا پاک نشده و حتی یک فهرست هم در این باره نداده‌اند و نمی‌دهند، در حالی که قراردادها و روابط استعماری هنوز به طور رسمی در جای خود باقی است و در حالی که ... چگونه می‌توان از انقلاب فرهنگی دم زد؟ مگر این که آن انقلاب فرهنگی نیز چیزی باشد، نظیر همان مانورهای قدرت‌طلبانه‌ی به اصطلاح ضد امپریالیستی! بعضی احزاب که آن قدر تو خالی است که چه در قطع نفت و چه در بلوکه کردن ذخائر ارزی و چه در قطع رابطه، خود امپریالیسم پیشقدم می‌شود. از سوی دیگر مدارک موثقی که دانشجویان دانشگاه‌ها منتشر کرده‌اند نشان می‌دهد که این رشته سر دراز داشته و به اوائل اسفند (وشاید هم قبل از آن) می‌رسد. به این معنی که گروه‌های فشار (مطابق مدارکی که در همین شماره‌ی مجاهد خواهید دید) با یک سازماندهی و برنامه‌ریزی دقیق قصد تصرف دانشگاه‌ها و تصفیه‌ی همه‌ی کسانی را داشته‌اند که با آقایان حاضر به همکاری نیستند. و البته هیچ کس نمی‌تواند تقارن این گونه پاکسازی‌ها را با انتخابات نادیده بگیرد. بخصوص که در یکی از صفحات برنامه‌ریزی‌های فوق‌الذکر می‌خوانیم: "دانشگاه‌هائی

مجاهد ۳۱، ۱، ۵۹ (بقیه) ۴

که از هر لحاظ شایستگی تربیت افراد را ندارند باید تعطیل ... شوند که صلاحیت و یا عدم آن را مجلس تاءیید می‌کند. "

در جای دیگر نیز بعد از عبارت "شعارهای انحرافی" سئوال می‌شود که "آیا شورا یکی از همین شعارهاست؟"



البته مطابق گزارش جلسه‌ی صبح چهارم فروردین 'کسانی که دارای افکار غیر اسلامی هستند ولی هیچ گونه توطئه و سنگ اندازی نمی‌کنند، مشمول این اصل (تصفیه) نمی‌شوند ...

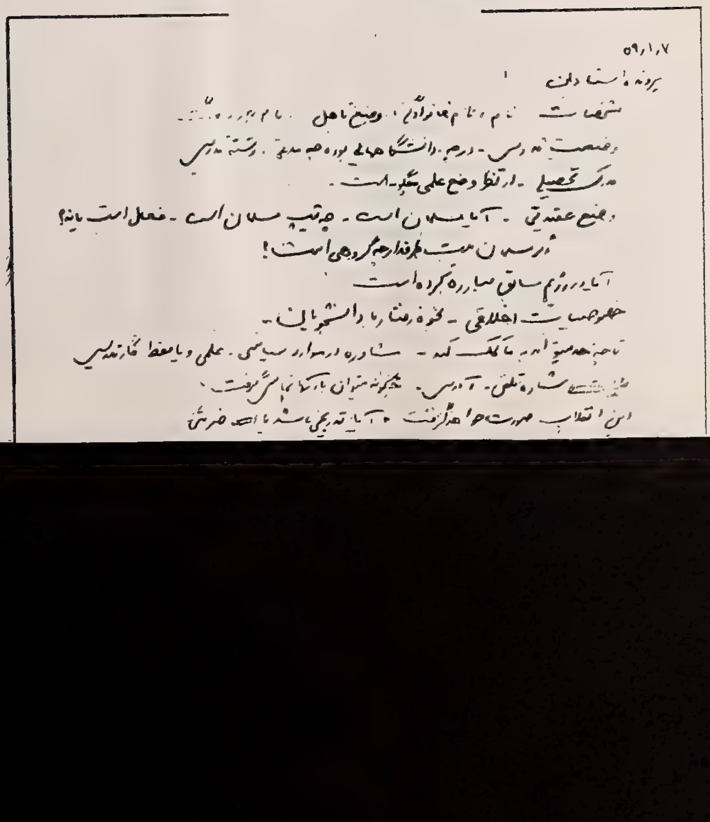
سپس در تاریخ هفتم فروردین با یک فرم تشکیل پرونده، برای استادان مواجه می‌شویم که طی آن از وضع عقیدتی هر استاد و این که: "آیا مسلمان است؟ چه تیپ مسلمان است؟ فعال است یا نه؟ اگر مسلمان نیست طرفدار چه گروهی است؟ ... تا چه حد می‌تواند به ما کمک کند؟ ......"

و در پایان با این جمله مواجه می‌شویم که: "این انقلاب صورت خواهد گرفت. آیا تدریجی باشد یا ضربتی؟"

بقیه در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول

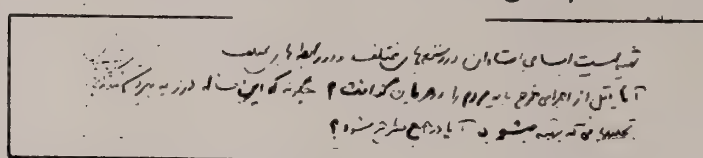
سرنوشت آزادی؟



مجاهد ۵۹٫۱٫۲۱ ([illegible]) ۵

←

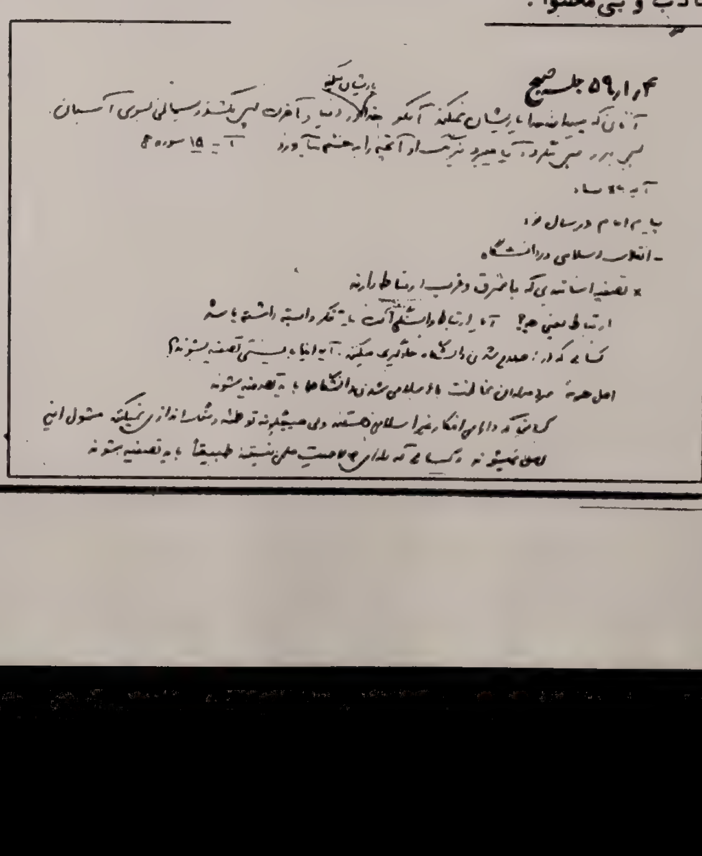
شگفت انگیزتر از همه اینست که روزنامه‌ی ارتجاعی معلوم‌الحال که گردانندگانش خود سر نخ بسیاری از چماقداری‌ها هستند، بار دیگر مردم!! گرا شده و در شماره‌ی دیروز خود از حمله‌ی مجاهدین .... به مردم صحبت می‌کند. صرف نظر از این که فراموش نکرده‌ایم در دوران گذشته نیز وقتی درگیری و حادثه‌ای پیش می‌آمد، قلم‌ها و بلندگوهای معلوم‌الحال آن دوران نیز فی‌المثل می‌نوشتند که مارکسیست‌های اسلامی به مردم حمله و تیراندازی کردند ... توجه روزنامه‌ی ارتجاعی معلوم‌الحال را به مدرک افشا شده توسط دانشجویان جلب می‌کنیم. مطابق این مدرک در جلسه‌ی برنامه‌ریزی بعد از ظهر ۶ فروردین این مساٴله مطرح بوده که: "آیا قبل از اجرای طرح باید مردم را در جریان گذاشت؟ چگونه که این مساٴله بیرون درز نکند؟ ...." به این ترتیب فکر می‌کنیم که بیش از این لزومی به تشریح مردم گرایی‌های این چنینی روزنامه‌ی جمهوری نباشد. فقط این که در نوبت بعدی بایستی بیشتر مواظب باشند که این گونه مردم گرایی‌ها!! قبل از وقت به بیرون درز نکند!


لیست اسامی استادان در رشته‌های مختلف در رابطه با [illegible]
آیا قبل از اجرای طرح باید مردم را در جریان گذاشت؟ چگونه که این مسأله درز به بیرون [illegible]
[illegible]

با این تفاصیل چنان که در اخبار مطبوعات نیز به وضوح منعکس است هدف اصلی "پاک سازی دانشگاه‌ها از عوامل مضره" است. (به مطبوعات پنج شنبه گذشته و مطبوعات صبح شنبه تهران مراجعه‌کنید) و البته معلوم است که در منطق پنجه بکس و چماق "مضره" و "مضله" و "ضاله"، به سادگی می‌تواند به هر آن چه تعبیر شود که با انحصار ـ طلبی منافات دارد.

صریح‌تر بگوئیم هر گونه اختناق در محیط دانشگاه‌ها، هر گونه تخطی به سرنوشت آزادی‌های انقلابی را محکوم می‌کنیم. از نظر ما "فساد" تنها با خفقان و ترور آزادی‌های انقلابی میسر است.

یک انقلاب فرهنگی واقعی، به ویژه انقلابی که طی آن عنصر استعماری و استبدادی و ارتجاعی از کل نظام اجتماعی و فرهنگی ما پاک شود، بسیار مقدس و دوست داشتنی است. اما نباید فراموش کرد که این تنها و تنها از طریق شوراها (و نه محافلی که خبرهای داخلی آن نبایستی قبل از وقت به مردم درز کند) امکان پذیر است. و تازه در این جا هم سخن از شوراهای واقعی و مردمی است، نه شوراهای کاذب و بی‌محتوا.


۵۹٫۱٫۴ جلسه صبح
[illegible]
[illegible]
[illegible]
- انقلاب اسلامی در دانشگاه
[illegible]

مجاهد ۵۹/۲/۱

۱

نگاهی به اخبار و رویدادهای دنیا

گروههای فشار، چه‌کسانی هستند؟

اگر، امپریالیسم، علیرغم فشارهائی که، با اوج گرفتن شورضد‌امپریالیستی خلق ایران، بر او، اعمال می‌شود، فقط به اقداماتی، از قبیل قطع رابطه‌ی سیاسی، و یا مطرح کردن مرحله‌ای تحریم اقتصادی یا محاصره‌ی دریایی، می‌پردازد، به این دلیل است که به سازش در درازمدت امیدوار است.

ضدیتی سیستماتیک، و همه جانبه، با نیروهای انقلابی درون جامعه چراغ سبزی است به امپریالیزم، چرا که اساسا مبارزه‌ی ضدامپریالیستی، لزوما وحدت نیروها را می‌طلبد نه تفرقه و تشتت آنها را. و دقیقا به همین علت است که امپریالیسم، با اولین نمودهای این ضدیت‌ها، طراح سیاست‌های پیچیده‌اش، (برژینسکی) را به میدان می‌فرستد، تا ما را به خطراتی بزرگ، به غیر از آمریکا، متوجه نماید.

امپریالیزم که زمانی، با حمایت از محمدرضاپهلوی، سنگفرش خیابانها، دانشگاهها و چوبه‌های اعدام را از خون جوانان مبارز این مرزوبوم، گلگون می‌کرد، حال شاهد چماقداری، علیه جوانانی است که از گذشته‌ها علیه شیطان بزرگ (امریکا) می‌جنگیده‌اند. و از این روست که همین جوانان، با برچسب‌های "گروه فشار"، "ضدانقلاب" "عامل امریکا"، "منحرف" و... مواجه شده و بیشترین زخم‌ها را، زیر باران چوب و چماق و بعضا اسلحه، متحمل می‌شوند، و سردمداران چماقداری، یدک‌کش عنوان "انقلابی"! و خواستار به اصطلاح، دگرگونی نظام آموزشی! هم هستند.

* (۳۰ فروردین)، جمهوری اسلامی: ازسوی شورای انقلاب، سه روز به گروههای فشار، مهلت داده شد...

* (۲۱ فروردین)، بهشتی: گروهها، در طول ۱۴ ماه، با شایعه‌سازی و دروغ پردازی‌ها، تحریکات کردند... طبعا، تحمل این‌کارها میسر نیست، و نتیجتا، از مردم، دعوت می‌کنیم که عرصهٔ اجتماعی ما را براینگونه کارهائی که پیروزی مردم را به خطر می‌اندازند، تنگ کنند.

* (۲۹ فروردین)، خامنه‌ای در نماز جمعه گفت: این‌گروههائی که در دانشگاهها لانه کرده‌اند و علیه حکومت اسلامی مشغول ضربه زدن هستند، باید دانشگاهها را تخلیه کنند. اگر تخلیه نکنند اگراین مراکز را که مراکز فسادی شده‌است به صاحبان اصلیش، تحویل ندهند، خود ملت خواهد رفت و این مراکز را پاکسازی خواهدکرد...

* خبرگزاری پارس (۲۸ فروردین)، تبریز ـ به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس، عصر دیروز گروههای مختلف دانشجویان دانشگاه تبریز، پس از راهپیمائی برای پاکسازی محیط دانشگاه، از عوامل ضدانقلاب، به دفاتر، و کتابخانه‌های گروه‌های سیاسی، حمله کردند و پوسترها و پلاکاردها ونشریات و کتب سیاسی مربوط به گروههای مختلف دانشجویان را درهم ریختند و پاره کردند.

* خبرگزاری پارس (۲۹ فروردین)، تهران: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم وصنعت ایران، از امروز این دانشگاه را، تعطیل اعلام کرد و خواستار تصفیه وپاکسازی دانشگاه شد.

جمعی دیگر از دانشجویان که بیشتر از اعضاء انجمن دانشجویان مسلمان، پیشگام و دموکرات بودند، مخالفت خود را با بسته شدن دانشگاه اعلام داشتند.

* (۲۹ فروردین)، کاشان: انجمن اسلامی دانشکده‌ی علوم محمودشامخی کاشان، آن دانشکده را اشغال کردند. امام جمعه‌ی شهر نیز در خطبه‌ی نماز جمعه عمل دانشجویان اشغالگر را تائید و مردم را برای راهپیمائی به طرف دانشکده، دعوت نمود.

* (۲۹ فروردین)، اراک پس از سخنان امام‌جمعه‌ی این شهر، در خطبه‌ی نماز جمعه، پیرامون تصفیه‌ی دانشگاهها، نیمه شب، افراد انجمن اسلامی به داخل مدرسه‌ی عالی ریخته و آن را اشغال می‌کنند، آنها روز شنبه با بلندگو از مردم شهر دعوت می‌کنند تا برای پاکسازی به آنجا بروند، هم‌اکنون نیروهای انتظامی، از ورود سایر دانشجویان، به دانشکده جلوگیری می‌کنند.

* (۲۹ فروردین)، مشهد پس از یک تجمع، در مقابل دانشکده‌ی پزشکی مشهد، و تحریک مردم، عده‌ای به سمت این دانشکده حمله می‌کنند، مهاجمین درب دانشکده را، باز کرده، کلیه‌ی مراکز فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را بهم، می‌ریزند و عکس‌ها و پوسترها، و کتاب‌ها را پاره کرده و بعضی را نیز به‌آتش می‌کشند. آنها، سپس به سمت دانشکده‌ی ادبیات رفته و تحت عنوان فتح دانشکده، اعمال مشابهی را در آنجا نیز انجام می‌دهند.

* (۲۹ فروردین)، کرمان محمدجواد حجتی کرمانی، در نماز جمعه‌ی کرمان گفت: این حق مردم و روحانیت است که در همه چیز نظارت داشته باشند... ما گروه‌گرائی را در نطفه خفه‌خواهیم کرد، و جلو انحرافات را در هر طبقه و قشری که هست‌می‌گیریم.

* خبرگزاری پارس (۲۹ فروردین) تهران ـ باهنردر پایان جلسه‌ی شورای انقلاب درباره‌ی اوضاع دانشگاه‌ها، به خبرنگاران گفت: ... به هیچ وجه عملکرد دانشگاهها، از نظر محتوای برنامه و از نظر سیستم متناسب با ظرفیت انقلاب، و نیاز اجتماعی انقلاب‌مان، نیست‌و به این ترتیب این مسئله باید، در اولویت قراربگیرد، منتهی باید مسئله را بررسی کرد که اگر در

مجاهد ۵۹,۲,۱ (بقیه ۲)

جریان بازبودن‌دانشگاهها، نشود یک تغییر اساسی، در برنامه داد، بهتر اینست که مدتی دانشگاهها تعطیل باشد تابخوبی بشود به تغییر نظام پرداخت...

وی در باره‌ی تشنج اخیر در دانشگاهها گفت: این تشنج، می‌گویند شروع شده اول باید اصل قضیه را تعقیب کرد و این مسائل تبعات قضیه است، اگر چنانچه اصل تغییر نظام ضرورت داشته باشدشاید این‌نوع درگیریها، طبیعی باشد... اصل وجود یک جریان تند انقلابی برای تغییر نظام، این نوع صف‌بندی و اختلاف نظر و اختلاف رای را ایجاد می‌کند.

بقیه‌در صفحه ۳

* (۲۹ فروردین)، کرج بعد از اتمام نمازجمعه، عده‌ای با چوب چماق وبعضا اسلحه ساختمان پیراپزشکی را اشغال می‌کنند، انجمن اسلامی اعلام می‌کندکه هیچکس جز انجمن اسلامی‌ها! و سپاه و کسانی که خانه‌شان در دانشکده است حق ماندن ندارند.

_ افراد چماق بدست به سمت دفاتر سیاسی دیگر گروه‌ها حمله می‌کنند، و علیرغم زخمی شدن تعدادی از دانشجویان باز هم به مقاومت ادامه می‌دهند.

* (۲۹ فروردین)، بابلسر عده‌ای به مدرسه‌ی عالی بابلسر حمله کردند آنها قبلا هم به روستائیان اطراف‌گفته بودند کمونیست‌ها، دانشگاه را گرفته‌اند و حتی روحانیون را کشته‌اند، یکی از روحانیون طی سخنانی به مهاجمین پیشنهاد کرد که سپاه به نمایندگی از طرف مردم، داخل دانشکده بشود، به دنبال آن عناصر سپاه مسلحانه وارد دانشکده شدند، ساعتی بعد در اثر برخوردی بین دانشجویان، و عناصر غیرمسئول وتحریک شده تعدادی زخمی‌شدند. حملات به حدی وحشیانه بود که یکی از همین عناصر از مردم خواهش می‌کرد که با خواهران دینی اینطور رفتار نکنید.

* (۳۰ فروردین)، حزب جمهوری اسلامی از مردم خواست به یاری دانشجویان تسخیرکنندهٔ دانشگاهها بشتابند.

* (۳۰ فروردین)، یکی از اعضاء انجمن اسلامی تربیت معلم گفت: مسئله‌ی گروهها در دانشگاه و حتی در سطح جامعه با حل مسائل دانشگاهها حل خواهدشد.

* (۳۰ فروردین)، دانشگاه تربیت معلم: ... هنوز بوی گاز اشک‌آور، از گالری‌ها وسالنهای دانشکده، به مشام می‌رسد.

* (۳۰ فروردین)، دانشگاه ـ ها ومدارس عالی متحدین، صنعتی اصفهان، صنعتی شریف تربیت معلم، علم وصنعت، موسسه‌ی علوم بانکی، موسسه‌ی آمار و انفرماتیک، بیمه، توان بخشی، کامپیوتر، مهدی‌رضائی بابلسر، مشهد، شیراز، تبریز، کرمان و ... به تسخیر انجمنهای اسلامی و سازمان‌های‌دانشجویان دانشگاه‌ها درآمد.

* (۳۰ فروردین)، اطلاعیهٔ جامعه‌ی اسلامی دانشگاهیان ایران ... این حرکت اصیل اسلامی می‌رود که با بستن و تعطیل دانشگاهها امکان طرح‌ریزی و پیاده‌کردن نظام آموزشی صحیح را در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی بوجود آورد.

* (۳۱ فروردین)، سرمقالهٔ جمهوری اسلامی: ... یک نظام سیاسی، چقدر باید احمق باشد که همه‌ی کوشش خود را در جهت لغو قراردادها، و محو روابط اقتصادی و سیاسی، با قدرت‌های سلطه‌جوی امپریالیستی به کار گیرد، در حالی که امپریالیزم در داخل نظام فرهنگی آن لانه کرده‌باشد... تو آقای دولت، که در مرزها با سرسپردگان امپریالیزم می‌جنگی، ... وقتی که مار، در آستین تو آشیانه کرده، مانور دریایی تو، در آستانه‌ی خلیج فارس تنها صدای شیطان بزرگ رابه قهقهه‌ای چندش‌انگیز، بلند خواهدکرد و توباید مبارزه‌را ازآستینت شروع‌کنی

* (۳۰ فروردین)، مهدوی کنی: در شورای‌انقلاب، این مسئله تصویب شد، که پاسداران و ماموران انتظامی در موقع بروز حوادث ناگوار درداخل‌دانشگاهها بدون اسلحه وارد می‌شوند و از تشنج جلوگیری می‌کنند. اما در موارد خیلی بحرانی، می‌توانند با خود اسلحه هم داشته‌باشند.

مجاهد ۵۹،۲،۱

۱

انقلاب فرهنگی (البته به مدد چماق) از دیدگاه روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

مدتی پیش روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، پیشنهاد داده بود که تعدادی از ستون‌هایش را در اختیار ما قراردهد تا در قبال درفشانی‌های قبل از انتخابات ایشان علیه مجاهدین، نظرات‌مان را در آن ستون‌ها عرضه کرده و بدین ترتیب کمبود تیراژ مجاهدرا جبران کند!!

و اکنون زمان آن رسیده است که ما به‌تلافی این بزرگواری (البته از پیش رد شده) سرمقاله‌ی ۳۰ فروردین دوستان جمهوری‌خواه را مجددا برای عموم مردم ایران چاپ نموده و مقداری هم در اطراف آن توضیح بدهیم و نقادی کنیم. امیدواریم در سالروز شهادت چند مجاهد خلق، که منجمله خون همانها نیز راه دُرفشانی‌های امروز را بر دوستان جمهوری‌خواه هموار کرده است، اگرهم کسانی از مردم ایران و به ویژه قشر جوان و دانشجو از این سرمقاله محروم مانده باشند، اکنون به این وسیله در جریان قرارگیرند. و اینک عین سرمقاله‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی:

بسوی انقلاب فرهنگی

موج‌های انقلاب اسلامی همچنان شادمانه به پیش می‌روند و گردباد برخاسته انقلاب، از درون‌سو و برون سو برج و باروهای پوسیده و مقاوم در مقابل ارزش‌های انقلاب اسلامی را ویران می‌سازند.

[illegible] در هر قدمی، آگاهی‌های تازه‌ای می‌اندوزند وهمگام با این آگاهی‌ها با تجربه‌های می‌آغازند. و امت اسلامی آن توان را بدست آورده است که از هر شکست و با پیروزی پندی بیاموزد، و آن آموخته را وسیله‌ای گرداند برای پرش به سمت هدفی والاتر. مردم بارها آزموده‌اند و هنوز باز می‌آزمایند که گره‌های به ظاهر ناگشودنی، با شرکت فعال آنها، و حضور مداومشان در صحنه‌ی نبرد گشاده می‌گردد. و این همه‌ی باور خلق را به‌نیروی لایزال الله‌که با اتکاء به او، به سمت او در حرکتند می‌افزاید و می‌شکوفاند. راستی را که تجربه‌ی انقلاب، تجربه عرفانی نیز هست. و بیرون کشیدن یسرها از عسرها چونان لذت مناجاتی می‌نماید که در میان خواب و بیداری در سحرگاهان به گوش می‌رسد.

امروز نیز چون دوران خون و شهادت و روزهای رنگین گشتن اسفالت خیابان‌ها با خون خلق، همچنان عطر انقلاب در هر کوی و برزنی به مشام می‌رسد. و در همه‌جا چه درآنجا که پاسداری به گلوله‌ی ضد انقلاب در کردستان به خون می‌غلطد و چه در جائی که به یمن این انقلاب، یک درجه دار ارتشی برای ستیز خود با ضد انقلاب معنائی می‌یابد و چه هنگامی که خلق آثار جنایت و در عین ذلت و خواری آمریکا را در جسد مطهر آن دانشجوی شهید که آمریکا به عنوان سوغات تمدن خود فرستاده است می‌بینند، خلق بوی عطر ماورائی، انقلاب را که گوئی از باغهای سرسبز بهشت وزان گشته است استشمام می‌کند.

وقتی انسان‌هائی از خط مرگ عبور کردند دیگر شری وجود ندارد و هر چیز که از دوست می‌رسد نیکوست و این همان معنا و جوهر انقلاب است و همین باور و احساس هم هست که محیط مادی را دگرگون می‌سازد و از تکنولوژی وسیله‌ای برای شکوفائی استعدادهای وجودی انسان می‌آفریند. نظام قدرتمندی چون رژیم محمدرضاخانی را سرنگون می‌سازد و نظامی تازه پی می‌افکند. و همین معنا و جوهر انقلاب است که خلق را قادر می‌سازد، با صبر و هوشیاری و آمادگی، ولی شادمانه، و بی‌ترس، در انتظار یورش‌های بیشتر آمپریالیسم درانتظار بنشینند چرا که این باور بدو می‌گوید بالاخره و در هر حال پیروزی از آن‌اوست. در این جا تاریخ نه چون صحنه‌ی تکامل ابزار تولیدی که صحنه‌ای از فیضان پی در پی لطف خدا به‌مومنین است. و همین برداشت از تاریخ هم هست که سکینه آن خصلت خدائی را بر قلوب تشنه مومنین می‌باراند. غلبه بر ترس از مرگ و بافتن معنائی تازه برای زیستن و برای تاریخ و جامعه در روی این کره خاکی، اینست همان ملات محکمی که خلق را چنین یگانه و متحد چون صفی از پولاد در مقابل توطئه‌های شرق و غرب بسیج می‌گرداند. بسیج ایمانی همانطور که امام اشاره کردند بالاترین بسیج است.

در دو روز گذشته با همین روح خلق که از تصرف لانه‌ی جاسوسی تجربه‌های بسیار آموخته است در پی دست زدن به‌تجربه‌های تازه برآمده است که اهمیتش شاید کمتر از آن نباشد. مگر نه آنکه دانشگاه‌های ایران، در طول یکسال گذشته عوض آن که بازوئی در خدمت انقلاب باشد تحت پوشش رعایت دمکراسی ((بدون آن که این لفظ به غایت مبهم تعریف گردد و معلوم شود چه فرقی بین دمکراسی از نوع کارتری آن و دمکراسی استالینی!! و دمکراسی در مفهوم اسلامی آن‌وجود دارد) به صورت مامن و ماوای ضد انقلاب در آمده است؟ مگر نه آن که اگر لانه‌ی جاسوسی با کمک ۵۰ تا ۶۰ جاسوس سعی در ساختن سریلی برای ورود مجدد امپریالیسم در ایران داشت؟ دانشگاه‌های ایران به علت عدم تصفیه و با حضور فاشیست‌هائی که بیش از همه از دمکراسی داد می‌زنند نقش لانه جاسوسی را تکمیل می‌کرده است؟ و تحلیل دقیق این نهاد نشان خواهد داد که ساخت دانشگاه‌ها (که بدون هیچ تغییری مرده ریگ رژیم محمدرضاخانی است) ساختی است که عمدتا می‌تواند در خدمت امپریالیسم عمل کند و جز دگرگونی عمیق، نه تنها هماهنگی بین این نهاد و دیگر نهادهای جمهوری اسلامی وجود نخواهد داشت بلکه دانشگاه با حفظ همان

انقلاب فرهنگی (" با به مدد چماق") روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

شاه محمدرضا خائن خواسته ... سرپلی برای رجعت امپریالیسم به ایران بخواهد ...
دانشگاه‌های ایران در رژیم ... رضاخانی به‌عملکرد دانشگاه ...
الف ـ دانشگاه‌های ایران ...

بقیه‌در صفحه ۲

بقیه از صفحه‌ی اول

دوران طاغوت وسیله‌ای بودند: برای تربیت کادرهائی که برای گرداندن اقتصاد وابسته، سیاست وابسته، فرهنگ شاهنشاهی، و تبلیغات شاهنشاهی ندان‌ساز بود. کافی است بدانیم که یکی از پایگاهها و زادگاه‌های دیوانسالاران وفادار رژیم سابق دانشگاه‌های کشور بودند. و کسب منزلت دانشگاهی زمینه‌ای برای کسب منزلت‌های اجتماعی و سیاسی دیگر در دستگاه جهنمی محمد رضا بود ـ و برای همین منظور هم بود که معمولا رژیم سابق، آموخته‌ترین و نوکرترین چهره‌های خود را در راس این مهم می‌گماشت. علم و اقبال و نهاوندی وو... همه روسای دانشگاه‌ها که بودجه‌ی عظیمی از پول مستضعفین را می‌بلعیدند بودند. و امید داریم خوانندگان به یاد داشته باشند که اندیشمندان آریامهری چون نهاوندی‌ها و کاظم ودیعی‌ها و احسان نراقی‌ها از داخل همین دانشگاه‌ها گلچین می‌شدند.

ب ـ دانشگاه‌های ایران (و بیشتر موسسات‌علمی فوق دیپلم) وظیفه‌ی تربیت کادرهائی را برای کمک به صنایع مونتاژ به‌عهده داشته و از این راه تضمینی برای ادامه صدور سرمایه و صنایع مونتاژ در کشور ما محسوب می‌گردیدند. علت دلبستگی آمریکا و فرانسه و آلمان به دانشگاههای ایران بیشتر از عوامل اقتصادی فوق سرچشمه گرفت و یک تحلیل اقتصادی ساده نشان خواهد داد که برای گسترش بورژوازی کمپرادور تا چه حد این دانشگاه‌ها نقش حساس به‌عهده داشتند و بدون آنها سلطه‌ی اقتصادی امپریالیسم بر کشورمان امکان‌پذیر نمی‌بود.

ج: دانشگاه‌های ایران یک دستگاه عظیم برای مغزشوئی بهترین جوانان و مستعدترین آنها بودند... و در حقیقت این دانشگاه‌ها بودند که نظام ارزشی غربی را به عنوان سوغات برای ملت به‌ارمغان می‌آوردند. ریخت و پوشش، اعتقادات و باورهای قشر عظیمی از دانشجویان که سخت از معیارهای غربی متاثر بودند از طریق ادارات کارخانه‌ها، وسایل ارتباط‌جمعی به توده‌ها منتقل می‌گشت و "راسس،این تئوریسین کثیف و دانشمند! ما که سالها در ایران تحقیق کرده است، با یک مطالعه‌ی جامعه شناختی جامع و دقیق (در کتاب نخبگان سیاسی در ایران) نشان داده است که چگونه با میراندن نهادهای سنتی آموزش‌واحیاء این نهاد جدید، رژیم پهلوی از دوران رضاخانی ارزش‌های غربی را به جامعه‌ی ایران منتقل می‌ساخته و همراه آن، کادرهای مورد لزوم خود را برای چرخاندن دستگاههای سیاسی و اقتصادی از این کانال تامین می‌کرده‌است. آماری که او در کتاب خود ارائه می‌دهد وجداولی که مطرح می‌سازد حاکی از یکی از هول‌انگیزترین جنایاتی است که برای توده‌ها هنوز تشریح نگردیده است.

د: دانشگاه‌های ایران، نقش بسیار اساسی در اسلام‌زدائی فرهنگ ایرانی به عهده داشته‌اند و برای این هدف معمولا از دو شیوه استفاده شده است.

۱ـ جایگزین کردن ارزش‌های متاثر از جامعه‌ی سرمایه‌داری غربی جای ارزش‌های اسلامی ۲ـ ترویج ایده‌های تنگ‌نظرانه و فاشیستی ناسیونالیستی که در آن جاودانگی نظام شاهنشاهی و نیز عنصر نژاد مایه‌ی اصلی بوده است. بگذریم که در تمام دانشگاه‌ها معارف اسلامی چون مقوله‌ای درحد باستان شناسی و نبش قبر تلقی می‌گردیدو ...

با توجه به تمامی آنچه گفته شد نمی‌توان گفت‌که رژیم سابق در برنامه‌های خود صد در صد موفق بود چرا که دانشگاه در طول سالیان دراز اختناق، یکی از سنگرهای مبارزه‌ی خلق‌های دلیر ما بر علیه رژیم خونخواره، شاه بود ولی این ستم ستیزی عده‌ای از دانشجویان، قبل از آن که متاثر از ساخت و ماهیت دانشگاهها باشد ناشی از ستم‌ستیزی فطری و آگاهانه‌ی دانشجویانی بود که با دردها و رنج‌های توده‌ها آشنا بودند و به خاطر خصلت‌های اساسی خود نمی‌توانستند در مقابل زور و ستم رژیم و استعمار سکوت کنند. و ما شاهد بودیم که یارگیری گروه‌های مبارز مسلح برای مبارزه با دشمن بیشتر دردرون دانشگاه‌ها صورت می‌گرفت و دستگاه امنیتی شاه نیز بیش از همه خود را برای مقابله با دانشگاه آماده ساخته بود. (که حسابش غلط از آب‌ در آمد و انقلاب از مساجد جوشید!!) ولی تذکر بالا بدین معنا نیست که کلیت این نهاد درجهت مطامع امپریالیست‌ها و حفظ نظام سابق، نظم داده نشده باشد. پیروزی انقلاب، لزوم زیر و روئی همه‌ی نهادها منجمله دانشگاه‌ها را آشکار ساخت. و از همان روز اول محسوس بود که برای همسازی دانشگاه، با انقلاب نه تنها باید تصفیه‌ای عمیق در آنجا صورت گیرد بلکه ساخت آن که برای هدف دیگری تنظیم یافته بود باید ویران شود و شالوده‌ای تازه که هماهنگ با آرمانها برآمده از انقلاب باشد بنیاد گردد.

ولی انقلاب فقط مشکل فوق را نداشت که مشکل‌ها فراوان بود. سدهای بسیاری در راه انقلاب بود که می‌بایستی ویران می‌گشتند و بناهائی تازه که باید بنا می‌شدند و مساله دانشگاه‌ها یکی از آنها بود و دل‌مشغولی‌های زیادی نیروهای مومن ـ انقلاب و درگیری آنها در صحنه‌های متنوع این کار را به عقب انداخت. و البته در اینجا از نقش مماشات دولت موقت که خود جهان را بیشتر از دریچه‌ی معیارهای غربی می‌نگریست نمی‌بایستی فراموش گردد.

و دراین میان، فرصت‌طلبان چپ که نتوانسته بودند در درون توده‌ها پایگاهی برای فعالیت‌های خود پیدا نمایند دانشگاه را پایگاه عملیات ضد انقلابی خود قرار دادند (البته در این بین خصلت‌های روشنفکرانه آریامهری که سخت در میان این گروهها هنوز حضور دارد موثر بود) دانشگاه خود همانطور که شمردیم زمینه‌ای مساعد برای رشد و تولید این گروهکها داشت. استادان وکادرهای غیر مومن به انقلاب که انقلاب سخت منافع آنها را در خطر افکنده بود و متفکران شاهنشاهی که برایشان ارجی و قربی در نظام تازه متصور نبود متحد بالقوه این‌نیروهای به اصطلاح اپوزیسیون بودند تحلیلی که ما در مقاله" چه کسانی به چه کسانی رای دادند" آوردیم در این مقام می‌تواند کمک‌کند چه پشتوانه‌های گروهی و فرهنگی و اقتصادی عده‌ای از استادان و کادرهای دانشگاهی سخت متاثر از معیارهای دیوان سالاران نخبه و نیز از بورژوالیبرال‌هائی بود که اینان چون‌ایدئولوگ‌هائی‌برای آنها کار می‌کردند و اتفاقا تعریفی که ایمان همین دو دسته‌ی فوق) از دموکراسی بدست می‌دادند با آن نوع‌دموکراسی که گروهکها برای گسترش فعالیت‌های خود بدان نیازمند بودند مطابقت داشت. و این اتفاقی‌نیست که بزرگترین مبحثی که دائم در "جامعه ملی دانشگاهیان" مورد بحث قرار می‌گرفت و ازسوی تئوریسین‌های مارکسیست مورد تایید واقع می‌گردید در مورد دمکراسی بود. و در اینجا نیز ماوحدت شگفت انگیز افکار متمایل به جبهه‌ی ملی (راست آمریکائی) تا چپ‌ترین شاخه‌ی مارکسیست‌ها را متحلی می‌بینیم، و غربزده‌های مذهبی هم در این همان حلقه‌ای از زنجیر را تشکیل می‌دادند و امیدوارم اصطلاح جمهوری دمکراتیک اسلامی" از یادمان نرفته باشد) ـ واین همه باعث گشت که گروهکهای معلوم‌الحال برای حلق، با شیوه‌های ساخته شده مارکسیستی، با انحصارگری و هو و جنجال و فرصت‌طلبی و خدعه و نیرنگ و گاهی خشونت، دانشگاه‌ها را از متن اصلی مبارزه توده‌ها با امپریالیسم جدا سازند. و این در حالتی بود که دانشجویان مومن به‌هویت اسلامی انقلاب و معتقد به شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" در جهاد سازندگی و سایر نهادهای انقلابی، دشوارترین وظایف را بر دوش گرفته بودند. دوری این دانشجویان از دانشگاه میدان را برای ترکتازی گروهک‌ها آماده ساخت و دل مشغولی آنان منجر به این گشت که گروهکها توانستند با حفظ همان ساخت طاغوتی قبلی‌دانشگاهها این محیط را پایگاهی برای تهاجم خود به سمت نظام تازه تولد یافته جمهوری‌اسلامی قرار دهند. شوراهای به اصطلاح دانشجویی که تشکیل شد عمدتا با تبانی چریک‌های فدائی خلق و پیکاری‌ها و مجاهدین خلق، ... دانشجویان معتقد به خط امام را در اقلیت قرار دادندو کم کم با دسیسه و توطئه و هیاهو امکان هرنوع فعالیت آزاد و دمکراتیک به‌عنوان واقعی آن را از دانشجویان سلب کردند. و همین! جدائی گام به گام دانشگاه از انقلاب بود که ملت نمی‌توانست آن را تحمل نماید. اما بی‌شرمی را تا بدانجا رساندند که هنگام انتخاب دانشجو برای یکی از دانشکده‌های هنری، تمام جوانان معتقد مسلمان را تصفیه کردند و با تقریب ۹۹ در صد کسانی را اجازه‌ی ورود به دانشکده دادند که یا مارکسیست و یا آمادگی مارکسیست شدن را داشت. آنچه در دانشگاه تبریز به هنگام سخنرانی حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی رخ داد یک استثناء نبود بلکه قاعده بود. ولی زبان‌درازی ردیلانه‌ی چندتا از این گروهکها به رهبر کبیر انقلاب در هفته‌ی اخیر زمینه را برای هرگونه دگرگونی‌آماده ساخت. آنها با این کار کثیف خود به امت یکپارچه و خون‌های دهها هزار شهید توهین کرده بودند و آنان به شکل عینی همدستی خود را با آمریکا و مطبوعات کثیف جهان‌سرمایه‌داری برای حمله به رهبری انقلاب نشان داده بودند، گرچه گذشته بی افتخار یکسال گذشته آنان شکی برای مقابله نمی‌گذاشت

* * *

امروز انقلابی در دانشگاه‌ها آغاز گشته است و مسلما همین انقلاب تا زیر و روئی کامل این نهاد باید ادامه یابد هر نوع تعلل و تسامح و هر نوع عقبگردی در مقابل کسانی که خلق را سر می‌برند و دائم از خلق سخن می‌رانند و دمکراسی را می‌ستایند و عکس استالین بر در و دیوار دانشگاه‌ها می‌چسبانند و هم از فضای دموکراتیک دم می‌زنندو هر صدای مخالف را خفه می‌کنند اشتباهی است‌که خلق دلیر ما آن را نخواهدبخشید چشمهای نگران خلق اکنون به دانشجویان مومن از سوئی و به مقام‌های اجرائی از سوی دیگر دوخته شده‌است و ما می‌دانیم که دانشجویان دست از خواسته‌ی خود برنخواهند داشت و ملت پشت‌سرآنان ایستاده است ولی اگر شورای‌انقلاب بخواهد تساهلی در این زمینه نشان دهد با قهر توده‌ها مواجه خواهد گشت و اعلامیه‌ی دیروز شورای انقلاب خوشبختانه نشان می‌دهد که شورای‌انقلاب متوجه‌مسئولیت سنگینی که در این زمینه بر دوش‌دارد شده‌است.

درحاشیه‌ی سرمقاله‌ی روزنامه‌ی جمهوری اسلامی

قبل از هرچیز بایستی به تفاوت فکری عمیق خودمان با اینگونه نویسندگان اشاره کنیم. چنانکه در آغاز سرمقاله‌دیده‌می‌شود،موج اشغال دانشگاهها (که مدارک آن را تا حدودی در مجاهد دیده‌اید) در حالی که برای‌ما تاسف و ناراحتی به همراه دارد، برای این آقایان "شادمانه" است.

یک بار دیگر هم ما این طرز تلقی‌های‌به‌کلی‌متفاوت را همین چند روز پیش به وضوح آزمودیم. بازهم در حالی که ما از پیام کارتر به امام تاسف و ناراحتی داشتیم، اینان خوشحال شدند...

پس‌جای شگفتی نیست که در حالی‌که نویسنده‌ی سرمقاله، تجربه‌ی اخیر در دانشگاهها را تجربه‌ای عرفانی تلقی می‌کند،ما درآن ردپای شیطانی ببینیم. و همچنانکه بارها گفته‌ایم بازهم تکرار می‌کنیم که پی‌ریزی یک نظام آموزشی انقلابی یک چیز است و تجربه‌ی جدید چماقداری چیز دیگر. و بازهم بگوئیم که تنها کسانی می‌توانند از پس یک انقلاب واقعی فرهنگی برآیند که ابتدا انقلاب سیاسی، اقتصادی و نظامی ... را به درستی به فرجام رسانیده باشند.

وانگهی این دیگر خیلی بیشرمی می‌خواهد که کسی با عبوراز روی خون شهیدان دانشگاه به‌آلاف و اولوف برسدو بعدهم بنویسد که "دانشگاههای ایران... نقش لانه‌ی جاسوسی را تکمیل می‌کرده‌است و تحلیل دقیق این نهاد نشان خواهد داد که ساخت دانشگاهها ساختی است که عمدتا می‌تواند درخدمت امپریالیزم عمل‌کند"، و سرانجام تصریح کند که دانشگاه جز سرپلی برای رجعت امپریالیسم به ایران نخواهدبود.. علیهذا به پاس جانفشانی‌های بی‌حد ومرز دانشگاه که تنها یک صحنه‌ی آن در تلویزیون تمامی ایران را تکان داد،ناگزیریم که بگوئیم! دوستان‌عزیز! این تنها شما نستید که اکنون اینگونه با دانشگاه دشمن شده‌اید، چراکه به دلیل پیشتازی و پیشاهنگی عنصر انقلابی دانشجو در سراسر جهان و در تمامی تحولات انقلابی دنیای کنونی، از قضا بسیاری دیگر نیز به شدت از دانشجو و دانشگاه متنفرند. زیرا که نه تنها توپ و تانک، بلکه دروغ و ریا و سالوس و عوامفریبی نیز بر او اثر ندارد! زیرا که آگاه است. طینت نیروهای ضد دانشجو نیز برای تمامی جهانیان در همه‌ی کشورها شناخته شده‌است. و به راستی که پس‌آهنگ و عقب‌ماندگان تاریخ هرگز ازپیش آهنگ دل خوشی ندارند. وانگهی چطور شد که از این به قول شما "سر پل رجعت امپریالیزم" بیش از همه امپریالیست‌ها و شاه متنفر بودند و به همین دلیل آنهمه نسبت به آن انتقام‌جوئی و کینه‌کشی کردند. ترکیب زندانیان سیاسی رژیم طاغوتی (آنموقع که بسیاری "دوستان" منزل تشریف داشتند و هنوز انقلابی و ضدامپریالیست نشده بودند) و ترکیب شکنجه‌شدگان و آنهائی که شهید شدند جای هیچ تردیدی در این حقیقت باقی نمی‌گذارد و لابد "دوستان" فراموش نکرده‌اند که بسیاری آقایان در سخت‌ترین شرایط در کدام محل سرپناه و تحصن می‌جستند. بنابراین چنانکه استحضار دارید و خیلی هم دلخورهستید، دانشجویان و دانشگاهیان ما همان هستند که بودند یعنی به استثنای سرپل‌های شما و متحدان‌تان در دانشگاه نه به جاه رسیده‌اند و نه به مقام. لذا تنها چیزی که فرق کرده اینست که شما به مشروطه‌تان رسیده‌اید و دیگر هیچ نیازی به دانشجوی انقلابی ندارید. وباید به نوعی خودتان را ازشر آنها خلاص کنید و اینست که اکنون پیشاهنگ انقلاب را به غوطه‌ور بودن در ارزش‌های آریامهری متهم می‌نمائید. حال آنکه چنانکه عرض شد شما و نظایرتان هنوز منزل تشریف داشتید و اگر نگوئیم که همه‌تان "سپاس" گذار آن ارزش‌ها بودید، لااقل "انشاءالله بز است" می‌گفتید، که پیشاهنگ دانشگاهی بر آن ارزش‌ها خروج کرده و از جان مایه گذاشته بود. گذشته از اینها چطور می‌شود که سراسر یک جامعه و حتی آگاه‌ترین و فداکارترین قشر آن اینچنین به لوث ارزش‌های آریامهری آلـــوده شـــده باشد و دوســـتان از راه رســـیده همچـــون طـاووس علیـــین، "جنت مکــــان" و " خـــلد آشیان " این طـــور طـــیب و طاهـــر مانده باشـــند و راستی اگـــر این طور اســـت شـــما در کـــدام عالم بزرگ شدید که اینطور سمبل انقلاب و اسلام و طهارت و تقوی (البته از نوع دست‌نخورده‌ی آن!) باقی مانده‌اید؟!

به راستی آیا شما که اینقدر از عنوان نمودن اصطلاح جمهوری دموکراتیک اسلامی رنجه شده و طرح آن را از جانب برخی دانشگاهیان گناه کبیره یافته‌اید، می‌دانید که پدر طالقانی نیز در آن اوایل چنین پیشنهادی داده‌بود؟

و اما در ناشیگری نویسنده همین بس که با سطحی‌نگری تمام سوختن خود از دست دانشگاه را حتی در همین مقاله هم آشکار نموده و خودش زحمت تحلیل از ما کم نموده و اعتراف کرده‌است که از کجاها داغدار است:

۱ ـ از دست رای‌های مخالفین دانشگاهیش که به قول خود ایشان قبلا در مقاله‌ی "چه کسانی به چه کسانی رای داده‌اند"، در همین روزنامه مورد تحلیل قرار گرفته و طی آن روشن شده‌است‌که حضرات از اعتماد روشن‌ترین وآگاه‌ترین اقشار مردم دیگر بی‌بهره‌اند. صریح‌تر بگوئیم در مقاله‌ی مزبور "دوستان" جمهوری‌خواه،علیرغم همه‌ی تقلبات و شانتاژها و افشاگری‌ها علیه کاندیدای مجاهدین،بازهم از ۵۳۰ هزار رای به وحشت افتاده و مرقوم فرموده بودند که این آراء، وزیرزادگان است. وزیرزادگانی که برابر نوشته‌ی امروز معلوم می‌شود که‌بیشتر همان دانشگاهیان! هستند که رای و نظر آنها اینچنین برخی‌راجریحه‌دار کرده‌است!

حال آنکه‌خودشان هم میدانند که از عمده‌ی اختلافات جامعه‌ی انقلابی دانشگاهیان به طور اعم و مجاهدین به طور اخص، با آقایان!، همیشه کوتاه آمدن آقایان! در مقابل وزراء و وزیرزادگان سابق و اربابان امپریالیست آنها بوده‌است. وانگهی چرا وزیرزادگان یاحتی‌ساواکی‌هائی! راکه به ما رای داده‌اند شما دوباره اینطور با شتاب به همکاری دعوت می‌کنید؟ البته در ورای این "جانماز آب کشیدن" های ریاکارانه بر همگان روشن است که درد اصلی شما برخورداری ما از اعتماد کامل دانشجویان، یعنی عالی‌ترین کیفیت اجتماعی موجود است. چرا که همه می‌دانند شما بیشترین آراء خود را با سوءاستفاده از بیسوادی رای‌دهندگان بیسواد بدست آوردید.

۲ ـ دومین مورد برملا شده، دلخوری شما از مسئله‌ی شوراهاست و از آنجا که آقایان پایگاهی در میان اقشار آگاه ندارند، نتیجه این می‌شود که گویا مجاهدین با پیکار و فدائی تبانی کرده و ۹۹٪ شوراها را برده‌اند. و البته طی این مدت بسیار آزموده‌ایم که هرچه بر وفق مراد انحصارطلبان نباشد، یا تبانی است یا توطئه، ویا نفاق و زندقه!

و حالا به این ترتیب روشن می‌شود که چرا پدرطالقانی می‌گفت که صدها بار تشکیل شوراها را خواستار شده و آقایان نکردند. چرا که می‌گویند اگر شوراها تشکیل شود دیگر ما چکاره‌ایم؟!... و می‌دانند که بازهم به قول پدر طالقانی اگر شوراهای واقعی‌تشکیل شود بایستی مجددا سایه‌شان را کم بفرمایند! و این مطلب با یکی از مضامین اسناد افشاء شده در رابطه با طرح اشغال دانشگاهها توسط دانشجویان، (که در همین شماره‌ی دیروز مجاهد به چاپ رسید) بی‌ارتباط نیست، آنجا که می‌پرسد "آیا شورا یک شعار انحرافی نیست؟"

بنابراین امروز نیز برایمان آشکار می‌شود که چراآقایان از شورای مادر یا همان مجلس شورای ملی که تنها با برگزاری یک انتخابات واقعا آزاد اصالت می‌یابد، نگرانند چراکه ورود کاندیداهای انقلابی‌وترقیخواه به آن،چه بسا که مانع بشود که‌آنچه می‌خواهند بکنند و بعد هم با قایم شدن در پس نام‌امام و انقلاب به هر که غیر خودشان مارک ضدانقلاب بزنند. حال‌آنکه هرجا چیزی به نفع خودشان باشد ایرادی در آن نمی‌بینند. جای هیچگونه بیم تبانی و تقلب نیز نمی‌رود.

آخرین نکته‌ی جالب توجه در سرمقاله‌ی کذائی، تهدید تلویحی شورای انقلاب است که: "اگر شورای انقلاب بخواهد تساهلی در این زمینه (اشغال و سرکوب دانشگاه، منظور است) نشان دهد با قهر توده‌ها مواجه خواهدگشت..."

و روشن است که اگر تهدید به قهر از جانب‌ما بود،چه حرفها که نمی‌زدند حرفهائی که کمترین آن چنانکه در سرمقاله‌ی کذائی‌می‌بینیم تهدید، تبانی، تزویر و... است.

****

مجاهد ۲،۲،۵۹

۱

اعلامیه‌ی اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌های تهران درباره‌ی حوادث اخیر در دانشگاه‌ها

ملت مبارز ایـــران
مقام ریاست جمهوری
شورای انقـلاب

رونوشت به روزنامه‌های : آزادگان ، اطلاعات انقلاب اسلامی بامداد ، جمهوری اسلامی ، کیهان ، خبرگزاری پارس ، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران .

ما اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های تهران در این لحظات خطیر وظیفه‌ی خود می‌دانیم تا در رابطه با مسائلی که بر دانشگاه می‌گذرد ، هشدار دهیم و از یکایک مردم شریف و مبارز ایران طلب می‌کنیم ، که هشیارانه مراقب باشند .

مهمترین ویژگی لحظه‌ی کنونی انقلاب ما اوج‌گیری چشمگیر و با شکوه مبارزات ضد امپریالیستی مردم مبارز میهن ماست و هر آن کس که در دل به این انقلاب عشق می‌ورزد ، وظیفه دارد تاتمامی توانش را در جهت تداوم چنین مبارزه‌یی به کار گیرد . در این رهگذر باید کلیه‌ی نهادها و نیروهایی که در صف مقدم پیکار مقدس با امپریالیسم پرتوان و بی‌محابا مبارزه کرده‌اند ، تقویت گردند ، باشد که با اتحاد و همبستگی تمامی اقشار مردم همه‌ی سلاح‌ها به سوی امپریالیسم نشانه رود .

تاریخ پر افتخار مبارزات ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری دانشگاه‌های ایران بر هیچ کس پوشیده نیست . از ۱۶ آذر تا ۱۳ آبان‌چه بسیارند برگهای خونین تاریخ این رزم پیگیر و قهرمانانه! و بر این رهگذر است که تقویت دانشگاه‌ها به عنوان سنگری مبارز علیه امپریالیسم وظیفه‌ی بی‌چون و چرای کلیه‌ی ارگان‌های جامعه است .

شاید آن چه گفته شد پر واضح باشد ولی متاءسفانه چنین به نظر می‌آید که بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب در مورد دانشگاه‌ها به این حقایق توجه ننموده است .

ما خود صادقانه بر این امر معترفیم که نظام موجود دانشگاهی به نحوی هنوز دنباله‌ی نظام وابسته‌ی گذشته است و از این رو محتاج دگرگونی‌های بنیادی است .

ما خود آگاهیم که نقش عمده‌ی دانشگاهها در گذشته برآوردن نیاز مردم محروم ، شکوفان ساختن اقتصاد کشور وتعالی دانش بشری وارزشهای انسانی نبوده است . بلکه دانشگاهها به طور عمده نظام سرمایه‌داری وابسته‌ی گذشته را توجیه می‌کرده‌و به باز تولید آن می‌پرداخته‌اند .

ما نه تنها بدین حقایق معترفیم ، بلکه از همان ابتدای انقلاب این نقاط نظر را به انحاء گوناگون طرح و عنوان کرده‌ایم ، و در صدد چاره برآمده‌ایم و به‌استقبال هر گونه پیام و نظر مساعد در این زمینه شتافته‌ایم .

البته چنین‌تحول‌عظیمی‌محتاج پایه‌های مادی چندی است که تا به حال فراهم نیامده‌اند که از اهم آنها سیاست و برنامه‌ی اقتصادی دولت است . به نظر نمی‌آید که اهداف و اولویت‌های اقتصادی ، اجتماعی دولت هنوز به طور روشن و دقیق عرضه شده باشد ، تا دانشگاه جای خویش را در تحقق آنها بیابد .

بدیهی است که اگر می‌توانستیم بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب را فقط و فقط به عنوان طرح لزوم تغییرات بنیادی در نظام آموزشی تلقی کنیم ، جای بسی مسرت و خوشحالی بود ، اما چنین استنباطی ، به خصوص با در نظر گرفتن خطبه‌های نماز امام‌جمعه‌ی تهران که در آن جنبه‌ی ایدئولوژیک مسئله عمده بود ، به نظر محق نمی‌آید .

دور از انصاف نیست اگر تصور شود که بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب وجو حاکم بر اطراف آن،به دانشگاه‌ها صرفا" به مثابه‌ی ابزاری جهت پیکاری ایدئولوژیک نگریسته است . مسئله بر سر آنست که چه کسی در آن تفوق و برتری حاصل کند .

این گونه نگرش ، این خطر را در پی دارد که در مورد این سئوال چه‌نهاد و کدام نیرو برای ایجاد تغییرات بنیادی مطلوب در دانشگاه‌ها اصلح است ، به خطا رفته و احیانا" دچار تنگ نظری گردیم .

چنین نگرشی ممکن است به نظر تحریک آمیز جلوه کند ، و باعث گردد تا هدف اصلی که همانا شکوفا ساختن استعدادها و افزایش قدرت تولید است ، در گرماگرم یک پیکار ایدئولوژیک به خاک سپرده شود .

بگذارید تا به‌طور موجز نقاط نظر خود را یاد آور شویم :

۱ ــ نظر داشتن‌به رشد مادی و معنوی جامعه و تامین امکانات انسانی آن مهمترین وظیفه‌ی‌دانشگاه است . و غفلت از این وظیفه،دانشگاه را از ماهیت واقعی‌اش تهی می‌سازد . چنین رشدی شرطی لازم برای رها شدن از قید وابستگی است .

۲ ــ نظام فعلی دانشگاهی بدون تغییرات بنیادی نمی‌تواند ماهیت واقعی خویش را بیابد ، باید خاطر نشان سازیم که چنین تغییراتی نمی‌تواند جدا از برنامه‌های اقتصادی دولت و کوشش واقعی وی در جهت رهایی از وابستگی میسر باشد .

۳ ــ هر گونه تغییرات بنیادی در نظام دانشگاهی محتاج مشارکت بی‌دریغ و همه جانبه‌ی تمامی اقشار دانشگاهی است . چنین مشارکتی تنها در شکل شورایی کار امکان‌پذیر است . شوراهای هماهنگی دانشگاهی که در ابتدا به صورت طبیعی و خود جوش خویشتن را در صحنه‌ی واقعیت عرضه نموده‌اند ، از بزرگترین دست ــ آوردهای انقلاب ما می‌باشند . کسانی که از نزدیک در دانشگاه‌ها مشغول کارند ، می‌دانند که ادامه‌ی کار دانشگاه‌ها بدون این شوراها امکان‌پذیر نیست .

مجاهد ۵۹،۲،۲ (بقیه ۲)

این که دانشگاه‌ها پس از انقلاب از آرامترین و فعالترین نهادها بوده‌اند، خود گواهی بر مدعای ماست.

به طور خلاصه باید بگوییم که مناسب‌ترین وسیله جهت تغییرات بنیادی در نظام آموزش عالی، تزکیه و پاکسازی، توزیع و بکار گماردن نیروهای موجود در دانشگاه‌ها، شوراهای هماهنگی می‌باشد.

البته منظور از شوراهای هماهنگی شورایی است، منتخب از دانشجویان، کارکنان و اساتید.

صحت ادعای فوق از این جهت نیز به خوبی آشکار است که یکایک جانشین‌های متصور برای انجام مقاصد بالا از جمله دانشجویان و استادانی که در برخی از سازمان‌های اسلامی متشکل‌اند، خود جزئی از نیروهای تشکیل دهنده‌ی شوراهای موجود هستند. چنانچه شوراها را به این دلیل که تا به حال موفق به تحقق مقاصد فوق نبوده‌اند، اصولا" قادر به چنین کارهایی ندانیم، بایستی به طریق اولی همین قضاوت را در مورد جانشین‌های احتمالی شورا نیز صادق بدانیم.

۴ ـ دانشگاهیان و به خصوص دانشجویان ازارتباط بین رشد مادی و معنوی جامعه و نحوه و میزان بهره‌وری اقشار مختلف از چنین رشدی آگاهند. آنها می‌دانند که برخی مناسبات تولیدی محیط زیست و بقای امپریالیست است. از این روست که آنان تشنه‌ی آگاهی سیاسی‌اند. بدین جهت دانشجویان طالب محیطی آزاد برای تبادل افکار سیاسی در دانشگاهند.

ما اعتقاد راسخ داریم که آزادی بیان و اندیشه وبرخورد آراء و عقاید تا آن جا که به آموزش لطمه نزند، باید محترم شمرده شود. تشخیص این که از چه نقطه‌یی به بعدچنین آزادی‌هایی مخل‌آموزش است، باید بر عهده‌ی شوراهای دانشکده‌ها گذارده شود. لازم به تذکر است‌که آزادی‌های موجود تا به حال چنین لطمه‌ای به برنامه‌های آموزشی وارد نکرده‌اند.

با توجه به مطالب فوق، نظر به مسئولیت خطیری که در قبال جامعه بر عهده ماست، به صراحت خاطر نشان می‌سازیم که تحدید آزادی‌های دانشگاهی، و نیز ایجاد تغییرات در دانشگاه‌ها از مجرایی جز شوراهای واقعی نه تنها برای دانشگاهیان قابل قبول نیست، بلکه عملی هم نمی‌باشد.

چنانچه در دل به رشد نیروهای مادی و معنوی جامعه و به مبارزه‌ی پیگیر و متحد ضد امپریالیستی به منظور قطع ریشه‌های وابستگی عشق می‌ورزیم، باید کوشش کنیم تا مسائل دانشگاهی را با در نظر گرفتن دو نکته‌ی فوق‌الذکر حل کنیم.

لذاست که تقاضا داریم بیانیه‌ی اخیر شورای انقلاب تنها به عنوان پیشنهادی به شوراهای دانشگاه‌ها تلقی شود و نه به عنوان دستوری لازم‌الاجرا.

به امید آن که مبارزات ضد امپریالیستی مردم‌مبارز ما هر چه پیگیرتر ادامه یابد، و به امید شکوفایی هر چه بیشتر نیروهای مادی و معنوی جامعه.

مجاهد ۴۷
مورخه ۱۳۵۹/۲/۲

پیام رئیس جمهور درباره‌ٔ تشنجات روزهای اخیر

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

مقصود شورای انقلاب از تصمیم متخذه،عادی کردن وضع و برعهده‌ی دولت گذاشتن تغییرات بنیادی نظام آموزشی بوده است. در این دو سه روز گروه‌هایی به این عنوان که رئیس جمهوری و شورای انقلاب از مردم خواسته‌اند، ستادهای گروه‌ها را تخلیه کنند، افراد را در برابر دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی و مراکز فعالیت گروه‌های سیاسی در خارج دانشگاه جمع می‌کنند و برخوردهایی بوجود می‌آورند،که منجر به ضرب و جرح،و بیشتر از آن شده و می‌شود. اینست که مراتب زیر را به اطلاع عموم می‌رساند:

۱ ـ برابر اطلاعیه و توضیحات چند گروه دانشجویی، این گروه‌ها تصمیم شورای انقلاب را اجرا کرده و می‌کنند. بنابراین تا صبح روز سه‌شنبه هیچ نیازی به اجتماع مردم نیست واگر ضرورت اقتضا کرد که مردم گردآیند،موضوع به اطلاع عموم خواهد رسید. بنابراین هر گونه اجتماع و ایجاد درگیری در دانشگاه‌ها و خارج آن عملی ضد

بقیه‌در صفحه ۲

انقلابی تلقی می‌شود.

۲ ـ در خارج دانشگاه،اقدام به هر گونه تجمع و حمله به مراکز سازمان‌های سیاسی، توطئه برضد دولت انقلاب و تضعیف جبهه‌ی داخلی ما در برابر آمریکای سلطه‌گر است. هر محلی که خارج از دانشگاه تصرف شده،باید فورا" تخلیه گردد.

۳ ـ مردم کشور باید مراقب امنیت محل کار خود باشند وبدانند اجرای تصمیمات مقامات تعیین شده از سوی مردم،شرط ادامه‌ی انقلاب و پیروزی آن است.

رئیس جمهور منتخب مردم
ابوالحسن بنی‌صدر

مجاهد ۲ /۲ /۵۹

بیانیه‌ی اعضای هیئت علمی دانشگاه

درباره‌ی حمله اوباش به دانشگاه تربیت معلم

به نام خدا

بیانیهٔ اعضای هیئت علمی دانشگاه

حملهٔ گروههای فریب‌خورده به دانشگاه تربیت معلم بعد از ظهر روز جمعه ۲۹ فروردین‌ماه که تا پاسی پس از نیمه شب در دانشگاه ادامه داشت، منجر به قتل یک نفر، تخریب و آتش‌سوزی کتابخانه‌ی مرکزی و بعضی از آزمایشگاه‌ها شد. آنها خسارات جبران ناپذیری وارد کردند و دانشجویان را که از خانه‌ی خود دفاع می‌کردند، مورد حمله قرار دادند و بیش از پنجاه نفر را زخمی کردند.

آنها بدون رعایت دستور امام و بیانیه‌ی شورای انقلاب در مورد دانشگاهها با این عمل خود می‌خواهند مبارزه‌ی ضد امپریا ـ لیستی مردم ایران را منحرف نموده و به این گونه بین مردم تفرقه ایجاد نمایند.

ما اعضای هیئت‌علمی دانشگاه تربیت معلم با توجه به مسئولیت خود در برابر انقلاب شکوهمند مردم ایران خواهان بازسازی اصولی دانشگاهها هستیم، همانطور که از اولین روزهای پس از انقلاب خود خواستار آن بوده‌ایم.

ما این حرکت را که به وسیله‌ی عده‌ای ناآگاه و بی‌فرهنگ در جهت منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا است، شدیدا محکوم می‌کنیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا و مزدورانش

۵۹/۱/۳۰

مجاهد ۵۹/۲/۳

اعلامیه‌ی استاد محمد تقی شریعتی، استاد علی تهرانی و برادر طاهر احمدزاده راجع به حملات اخیر دانشگاهها

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خواهران و برادران مسلمان هموطنان عزیز. آنچه در ایام اخیر در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشورمان رخ داد که از آنجمله در مشهد مقدس از جمعه ۲۹ فروردین آغاز شد و تاکنون ادامه دارد و به مرکز علمی و آموزشی هم محدودنماند و به محل سازمانها نیز گسترش پیدا کرد به شدت موجبات نگرانی اینجانبان رافراهم نموده است. چگونه نگران نباشیم در حالیکه وطن ما از ناحیه‌ی شیطان بزرگ آمریکا در محاصره‌ی اقتصادی و نظامی قرار گرفته و حکومت‌فاشیستی بعث عراق مرزهای غرب کشورمان را مورد تجاوز قرار داده و نیروهای اهریمنی جهانی علیه انقلاب اسلامی ما همدست شده‌اند و مقابله ومواجهه با این همه‌شیاطین جز با وحدت‌کلمه و اتحاد همه‌ی نیروها با هر مسلک و مرام و نژاد و قومیت امکان ندارد و با این همه‌نیروهای ما در داخل کشور دربرابرهم صف آرائی نموده و بر خلاف آیه‌ی قرآن: *(ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم)* سوره ۸ آیه ۴۸ عمل کند.

آری نگرانیم و در حیرتیم که چرا ما شیعیان علی (ع) هشدارش را فراموش کرده‌ایم که فرمود: *فتواکلتم و تخاذلتم حتی‌شنت علیکم الغارات و ملکت علیکم الاوطان)*. خطبه‌ی ۲۷

عزیزان به خاطر اسلام، به احترام خون شهیدان برای حفظ وطن صحنه‌ی منازعه و اختلاف را رها کنید و به ریسمان وحدت خدائی چنگ بزنید وصف متحد توحیدی ضدامپریالیستی را تحکیم بخشید که همه‌ی مسلمانان و مستضعفان جهان چشم به ما دوخته‌اند که چگونه عمل خواهیم کرد. خدانکند که مورد سرزنش امامما‌ن علی (صلوات الله‌علیه) قرار گیریم که می‌گفت: *(کلامکم یوهی الصم‌الصلاب، وفعلکم یطمع فیکم الاعداء)* خطبه‌ی ۲۹

والسلام علیکم ۵۹/۱/۳۱

استاد محمد تقی شریعتی‌مزینانی — استاد علی تهرانی ــ طاهراحمدزاده

جشن کتاب سوزان در مشهد

ابراز نگرانی برادر طاهر احمدزاده از اقدامات اخیر مسئولین درباره‌ی دانشگاهها

برادربنی‌صدر ـ رئیس جمهورمحترم
رونوشت شورای انقلاب
رونوشت روزنامه‌ی اطلاعات

بدون اینکه بخواهم واردبحث در اصل تصمیم شورای انقلاب مبنی بر مهلت سه روزه در مورد دانشگاهها که دیروزاعلام‌گردید بشوم باطلاعتان می‌رسانم که از دیروز عصر و امروز صبح (شنبه) گروههای تجهیز شده از ناحیه‌ی حزب جمهوری به مراکز دانشگاهی مشهد حمله‌ور شده و با چاقو و چماق به جان جوانان افتاده و جشن کتاب سوزی راه انداختند که هم اکنون (ساعت ۱۴) ادامه دارد.

آیا شما و دیگر اعضاء شورای انقلاب اگر واقعا می‌خواستید که در پایان مهلت سه روزه تصمیم مقتضی اتخاذ کنید چرا نمی‌بایستی درهمین اعلامیه موکداً به مردم اخطار شود که احدی حق ندارد تا پایان مهلت سه روزه دست به اقدام بزند جز اینکه نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوشت انقلاب ابراز نمایم. دیگر عرضی ندارم.

۵۹/۱/۳۰
طاهر احمدزاده

مجاهد ۳,۲,۵۹

اطلاعیه‌ی شورای دانشگاه مشهد

مجاهد ۴۸ مورخ ۵۹,۲,۲ ص ۲

اطلاعیهٔ شورای دانشگاه مشهد پیرامون وقایع اخیر دانشگاه

جلسه‌ی شورای دانشگاه مشهد در ساعت ۲۱ روز یکشنبه ۳۱ فروردین‌ماه ۱۳۵۹ در اطاق سرپرست محترم دانشکده‌ی پزشکی امام رضا، برای رسیدگی به وقایع تاسف آور اخیر در دانشگاه مشهد تشکیل گردید. دراین جلسه، نخست سرپرستان دانشکده‌ های مخالف، تصمیمات شورای استادان هر دانشکده را در رابطه با این وقایع اعلام داشتند. شورای دانشگاه پس از بحث و گفتگو مراتب زیرا را به اتفاق آراء به تصویب می‌رساند:

۱ــ شورای دانشگاه مشهد نهایت تاسف خود را از این که شورای انقلاب بدون هیچ مشورتی با مسئولان دانشگاه‌های کشور تصمیماتی این چنین خطیر را اتخاذ نموده‌است اعلام می‌دارد.

۲ــ شورای دانشگاه مشهد معتقد است که اقدامات اخیر که تحت عنوان انقلاب فرهنگی صورت می‌گیرد، هم از نظر زمان‌انتخاب‌شده که‌مبارزه‌ی ضد امپریالیستی ملت ما در اوج خود بوده است وهم از جهت شیوه‌ی اجرا که موجب هتک حرمت دانشگاه‌ها و دانشگاهیان یعنی پیشقدمان جنبش ضد استبدادی ایران را فراهم آورده بسیار نامطلوب می‌داند.

۳ــ شورای دانشگاه مشهد اعتقاد راسخ خود را به حفظ حریم آزادی‌های سیاسی که خونبهای شهیدان جاوید ایران است‌چه در محیط دانشگاه‌ها و چه در سراسر کشور اعلام می‌دارد.

۴ــ شورا به ضرورت یک دگرگونی بنیادی و همه‌جانبه در نظام آموزشی کشور به منظور انطباق کامل آن با شرایط انقلابی جامعه‌ی ما در محیطی سازنده و توام با مسئولیت اعتقاد کامل دارد. این دگرگونی‌ها منحصرا باید به دست دانشگاهیان صورت گیرد.

۵ــ شورای دانشگاه هتک حرمت مقام محترم ریاست انتخابی دانشگاه مشهد را که توسط آقای استاندار خراسان صورت گرفته و هم‌چنین بحاوز آشکار به حریم مقدس دانشگاه را که توسط ناآگاهان تحریک شده انجام پذیرفته،شدیدا تقبیح کرده از مسئولان مملکت می‌خواهد تا هرچه زودتر از دانشگاه مشهد اعاده حیثیت به عمل آید.

۶ــ اعضای شورای دانشگاه، با دلی داغدار شهادت فرزند مبارز خود، شکور(شکرالله) مشکین قام عضو شورای دانشجوئی را به تمام جامعه‌ی دانشگاهیان ایران تسلیت می‌گوید.

۷ــ شوراضمن‌محکوم‌کردن تمـام این اقدامات ناروا تعقیب و مجازات مسببین این حوادث، به ویژه قاتلان برادردانشجوی خود را مصرا درخواست می‌کند.

به مناسبت بزرگداشت خاطره‌ی آن شهید،از تاریخ سه شنبه۲ اردیبهشت ماه ۵۹ به مدت سه روز اعلام سوگواری می‌کند. در این سه روز دانشگاهیان در محل کار خود حاضر خواهند بود. ولی از تدریس در کلاس‌ها خودداری خواهندورزید.

بدیهی است کلاس‌های درس این دانشگاه از تاریخ شنبه ۶ اردیبهشت ماه به روال عادی خود ادامه خواهد یافت.

۸ــ شورای دانشگاه با توجه به مشکلاتی که دانشکده‌های مختلف در امر آموزش خود با آن مواجهاند، اجرای ضرب‌الاجل شورای انقلاب را در مورد اختتام کار امتحانات کلیه‌ی واحدهای آموزشی در ۱۵ خرداد ماه ۱۳۵۹ عملی نمی‌داند، بدیهی است که دانشگاه پس از کسب نظر شورای آموزشی نظر خود را در این باب متعاقبا اعلام خواهد نمود.

مجاهد ۵۹,۲,۳

۱

نگاهی به اخبار و رویدادها

در پشت پرده چه میگذرد؟

با اوج‌گیری شور و توان ضد امپریالیستی توده‌ها، همواره شاهد عملکردها و جریاناتی بوده و هستیم که بی‌توجهی به آنها وعدم کوشش در شناخت ماهیت عوامل و گردانندگانشان، موجبات ساده‌انگاری نسبت به تاکتیک‌های پیچیدهٔ امپریالیسم را فراهم خواهد نمود و طبعا نمی‌توان کمکی به حل مشکلات و مسائل این مرحله از مبارزه بکند.

چگونه است که آقای برژینسکی (مشاور امنیتی کارتر)، در همین اواخر برای ملت ما دل می‌سوزاند و از دشمن‌های خطرناک داخلی و خارجی برحذر می‌دارد؟ چرا در این شرایط که مردم به همراه نیروهای انقلابی می‌روند تا راه یک مبارزه‌ی ضد امپریالیستی تمام عیار را بگشایند، یورش به دانشگاه و حمله به دفاتر گروه‌های سیاسی درسطحی‌وسیع و با برنامه‌ای ازقبل طراحی‌شده، جامه‌ی عمل‌می‌پوشد؟ در زمانی که عوامل "ساواک و سیا" در هر گوشه‌ی ایران، مشغول توطئه چینی بر ضد مردم و انقلاب هستند، حمله به نیروهای انقلابی چه مفهومی می‌یابد؟

گویا فراموش کرده‌ایم که امپریالیسم، برای به شکست کشاندن خلق‌ها از تمام تجاربی که طی سالیان دراز کسب نموده است، بهره می‌جوید! آیا این عوامل "ساواک و سیا" نیستند که آزادانه در ایران مشغول بازسازی شبکه‌های خود هستند تا از آن طریق، هرچه بیشتر، درگیری‌ها و دشمنی‌ها را دامن بزنند؟ آیا نمی‌بینیم که چگونه عوامل راستگرا با عمل‌کردهای ارتجاعی‌شان، آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و چاقوی او را تیزتر می‌کنند؟ با عمل‌کردهائی که دقیقا ذهن مردم را به جای متوجه کردن به دشمن اصلی، به روی مسائلی دیگر می‌برند تا مگر چند صباحی دیگر- به خیال رسیدن به امیالشان- سرپا بمانند

اگر جریانات را دقیقا مورد ارزیابی قرار دهیم متوجه می‌شویم که چرا صحبت از بوی کودتا به میان می‌آید. پی می‌بریم که چرا و از طرف چه کسانی قوانین نقض می‌شود. و نیز درک خواهیم کردکه جریانات اخیر، نه برای تغییرات فرهنگی، که برای انحراف‌ازمبارزه‌ی ضد امپریالیستی و سرکوب نیروهای انقلابی است.

* خبرگزاری‌پارس (۲۹ فروردین) - انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، از امروز، این دانشگاه را، تعطیل اعلام کرد، و خواستار تصفیه، و پاکسازی دانشگاه شد.

* (۳۱ فروردین) - سرمقالهٔ انقلاب اسلامی- بنی صدر: در شرایط فعلی که ما در همه‌جا، با مشکلات فراوان، رو به رو هستیم، و محاصره‌ی اقتصادی واقعیت پیدا کرده است، حتی بر مخالف روا نیست، دولت را تضعیف کند. آنها که خود را معتقد به این انقلاب می‌دانند، باید اصرار ورزند که هر کاری از مجرای قانونی و از طریق مقام قانونی انجام پذیرد تا دولت بتواند بر امور مسلط گردد.

* خبرگزاری‌پارس (۳۱ فروردین) - باهنر: ... شاید پیشنهادی را که دانشجویان می‌دهند، که دانشگاهها بخواهد کار عادی خود را ادامه دهد، طبعا، همه‌ی نیروهای دانشگاهی و دانشجویی و فعال، سرگرم مسائل جاری خواهند بود و نمی‌توانند به طور جدی فکری برای تغییر نظام بکنند.

* (۱ اردیبهشت) - انجمن اسلامی دانشکدهٔهنرهای تزئینی، انحلال این‌دانشکده‌را اعلام داشت

* (۱ اردیبهشت) - جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم: ... شما دانشجویان مسلمان... با یک عمل انقلابی، مراکز آموزشی را، برای دگرگونی آماده نمودید، تا به یاری خدا، آن پایگاه‌های علم و عمل، که در رژیم طاغوتی توجیه کننده‌ی‌سیاست‌های استعماری، و اخیرا توسط گروه‌های فشار دمکرات‌مآب، ستاد ضد انقلابی‌های‌چپ‌نما برای بازگرداندن امپریالیسم، به ایران درآمده بود، پاکسازی گردد... جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم ضمن ستایش از دانشجویان قهرمان مسلمان، و اقدام خدا و خلق‌پسندانه‌ی‌آنان، حمایت همه‌جانبه‌ی خودرا، از عمل انقلابی آنان، اعلام می‌دارد.

* (۳۰ فروردین)- سرمقاله‌ی انقلاب اسلامی - بنی صدر: هر عملی به نام "انقلاب فرهنگی" که انحراف از این عمل تعیین کننده، و وحدت تصمیم‌گیری باشد، ضد انقلابی، و قطعا مخالف با اسلامی کردن فرهنگ است... دست زدن به هر کاری، که وحدت تصمیم‌گیری

را، برهم زند، بازی کردن با سرنوشت انقلاب، و کشور است . . . ای مسلمانان، ای جوانان، به شما باید راست گفت، انقلاب و کشور به‌جد، در خطر است و اگر امروز نظم و انضباط اسلامی، رعایت نگردد، فردا بسیار دیر خواهدبود

* (۱ اردیبهشت) ـ انجمن اسلامی دانشسرای عالی فنی‌کرمان: دانشجویان مسلمان متعهد، و معتقد به امامت امام، تصمیم گرفتندکه جهت تدوین یک نظام اسلامی در دانشگاه‌ها، دست به اقدامات جدی بزنند.

* (۱ اردیبهشت) ـ ستاد و سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز، دانشکده‌های ادبیات، و علوم مهندسی و پزشکی این دانشگاه را تصرف کردند.

* (۱ اردیبهشت) پیام آیت‌الله ربانی شیرازی (عضو شورای نگهبان): در این موقعیت حساس سرنوشت‌ساز، دانشجویان عزیز، ستاد دانشجویان مسلمان، در راه پاکسازی دانشگاه از عناصر ضد انقلاب توطئه‌گر، قدم مثبتی برداشته‌اند، و مصمم هستند، دانشگاه‌را از وجود این گونه عناصر بزدایند، وظیفه‌ی شما، مردم مسلمان انقلابی است، که در حمایت و کمک آنها، کوششی جدی بعمل آورید.

* خبرگزاری پارس (۳۱ فروردین) ـ پیام سید عبدالحسین دستغیب، امام جمعه‌ی شیراز: از دانشجویان غیور و مسلمان، که دانشگاه شیرازرا از عناصر ضد انقلاب پاکسازی نموده، کمال تشکر را دارم، و عمل آنها را بر حسب سرافرازی مسلمانان و تقویت انقلاب اسلامی، و انجام آرزوی . . . ملت می‌دانم.

* (۳۱ فروردین) ـ انقلاب اسلامی ـ بنی صدر: . . . چگونه می‌خواهید، دولتی را که‌خودی در مرکز کشور، او را به‌چیزی نمی‌شمرد دشمن در مرزها، جدی بگیرد . . . حل مشکل تغییرات فرهنگی‌نیز، با این روش‌ها، ممکن نمی‌گردد . . . بر ماست که با صراحت بگوئیم وقتی نیروهائی که انقلاب کرده‌اند، خود به قانون و قراری که بوجود آورده‌اند، پای‌بند نشوند، بوی کودتا جو را آکنده خواهد کرد.

* (۱ اردیبهشت) ـ مشهد: در حمله‌ی اوباش به مرکز مجاهدین یکی از اعضای سازمان مجاهدین، به‌نام شکرالله مشکین‌فام، به‌شهادت رسید و مرکز مجاهدین تخلیه‌شد.

* (۳۱ فروردین) ـ اطلاعیهٔ انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی: با تاکید بر حقوق قانونی، صنفی و سیاسی خود، بر حسب اعلامیه‌ی مورخ ۵۹/۱/۳۰ شورای انقلاب، به منظور ممانعت از هرگونه توطئه، مراکز خود را ترک می‌کنیم.

* (۱ اردیبهشت)، پیام بنی صدر: . . . در این دو سه روز گروه‌هائی، به این عنوان که رئیس جمهوری و شورای انقلاب، از مردم خواسته‌اند، ستادهای گروه‌ها را تخلیه کنند، افراد را در برابر دانشگاه‌ها، و موسسات عالی، و مراکز فعالیت‌گروه‌های سیاسی، در خارج دانشگاه جمع می‌کنند، و برخوردهائی بوجود می‌آورند، که منجر به ضرب و جرح، وبیشتر از آن شده و می‌شود . . . هرگونه اجتماع و ایجاد درگیری، در دانشگاه ها، و خارج آن عملی ضد انقلابی، تلقی می‌شود . . .

اقدام به هرگونه تجمع، و حمله به مراکز سازمان‌های سیاسی، توطئه بر ضد دولت انقلاب، و تضعیف جبهه‌ی داخلی ما، در برابر امریکای سلطه‌گر است. هر محلی که، خارج از دانشگاه تصرف شود، باید فورا تخلیه گردد.

* (۱ اردیبهشت) ـ اطلاعیه ستاد هماهنگی آموزش و سازماندهی ارتش بیست میلیونی، در باره ی انقلاب فرهنگی: دانشجویان و دانشگاهیان عزیز: . . . بیائید تا این‌مکان مقدس (دانشگاه) را از لوث وجود انگل‌های وابسته به شرق یا غرب پاک نموده، و شرط تزکیه را بر اصل تعلیم، مقدم داریم

اعضای آموزش دیده‌ی ارتش ۲۰ میلیونی، . . . آماده‌اندکه . . . هرچه زودتر، به کمک دانشجویان و دانشگاهیان متعهد، و مسئول شتافته، و با حضور در نزد شما، ستادهای عملیاتی گروه‌ها، یا گروهک‌های وابسته را، که فاقد پایگاه‌های مردمی می‌باشند، از مراکز آموزشی، بر چینند.

* (۱ اردیبهشت) ـ سرمقالهٔ انقلاب اسلامی: . . . گرداننده‌ی جناحی از یک گروه سیاسی، به دستیاران خود تعلیم داده است، که نباید گذاشت، بنی صدر موفق شود.

بدین قرار، عده‌ای در پشت نشسته‌اند، تا کنترل حرکت را در دست بگیرند، و به خیال خود، با تعطیل عمومی کشور، شرایط ناکامی بنی‌صدر را، فراهم بیاورند آنها که از پشت سر می‌خواهند "انقلاب فرهنگی" چین را در ایران کپی کنند، وگمان‌می‌کنند . . .

ناقص

بقیه‌در صفحه ۳

مجاهد ۵۹٫۲٫۲

۱

مجاهدین خلق ایران نسبت به تعطیل عمومی همه دستگاههای آموزشی، اداری، نظامی، سیاسی و اقتصادی کشور هشدار می‌دهند

***

به‌نام خدا

و

به‌نام خلق قهرمان ایران

نظر به فتنه‌ای که توطئه‌گران در شرایط حساس کنونی کشور پیرامون مسئله‌ی دانشگاهها برانگیخته و طی آن از طریق انحلال دانشگاهها، قصد به آشوب کشانیدن کشور و سرکوب نیروهای انقلابی را دارند، و از آنجا که این اقدامات نهایتا جز میدان دادن به بهره‌برداری‌های امپریالیستی نیست، مجاهدین خلق ایران روشنگری نکات زیر را برای عموم مردم قهرمان‌مان ضروری می‌دانند:

۱ — سازمان مجاهدین خلق ایران هیچگونه ستاد یا مرکز فعالیت سیاسی برای اعضاء خود در هیچ یک از دانشگاهها و مدارس عالی کشور نداشته و ندارد. و اگر چنین نمونه‌ای موجود است، هرکس که مدعی است می‌تواند به فوریت افشاء نماید.

۲ — سیاست یکجانبه‌ی پخش اخبار مربوط به انحلال دانشگاهها در رادیو و تلویزیون از نظر ما اکیدا محکوم است. مخالفت بسیاری از نیروها با هدف‌های فتنه‌جویانه‌ی تهاجم به دانشگاهها یا مطلقا عنوان نمی‌شود و یا فقط با چندکلمه‌ی نارساسمبل می‌شود.

۳ — در حالی که بسیاری اخبار بی‌اهمیت و جزئی فورا منتشر می‌گردد، خبر شهادت برادر مجاهدمان شکراله مشکین‌فام و مجروح شدن بیش از ۴۰۰ تن از اعضاء و هواداران‌مان در مشهد، آنهم در خارج از دانشگاه و حین حمله به دفتر مجاهدین تا این ساعت سانسور شد. و همچنین از اعلامیه‌های محکوم کننده‌ی شخصیت‌ها و اصناف و اقشار مختلف مشهد نیز در رادیو تلویزیون خبری‌نیست.

۴ — تخلیه‌ی دانشگاهها از مراکز گروههای دانشجوئی نباید و نمی‌تواند در مورد انجمن‌هائی که هم‌اکنون بسیاری از دانشگاهها و مدارس عالی و منجمله مرکز دانشگاه‌تبریز را اشغال نموده‌اند، عملی نشود. بنابراین اینگونه انجمن‌ها نیز بایستی تا صبح سه‌شنبه (فردا) کلیه‌ی مراکز مربوطه را ترک نمایند، والا نظیر همین حق دقیقا برای سایرین نیز محفوظ خواهدبود. لذا ما امیدواریم که در فضائی که واژه‌های مقدس انقلاب و انقلابی‌گری و اسلام و "انقلاب فرهنگی" به سادگی و سهولت تمام، استعمال می‌شوند، جایی برای هیچ نوع "نور چشمی‌گری" باقی نماند.

تاکید می‌کنیم که از یک نقطه نظر انقلابی راستین، فتح! به اصطلاح قهرمانانه‌ی دانشگاهها در هیچ کجای جهان و به ویژه در شهرهای سرزمین مادری، نه تنها افتخاری ندارد، بلکه مضحکه‌ای بیش نیست. چرا که فتح انقلابی راستین در حل مسائل جدی سیاسی و اجتماعی است که آگاه‌ترین اقشار یک کشور زودتر از همه به آنها پی می‌برند. مسائلی که طبعا هیچگاه با حمایت چماقدار و قداره‌بند قابل حل نیست.

مجاهد ۵۹،۲،۳ (بقیه) ۲

۵ ـ ما ضمن تاکید مجدد بر ضرورت یک انقلاب واقعی فرهنگی در کل نظام آموزشی و اخلاقی کشور که طبعا در آن هیچ‌جایی برای ارزش‌های ریاکارانه و سرمایه‌داری نبوده و همچنین کتاب سوزان و چماق‌داری وسرکوب نیروهای انقلابی تحت عنوان "انقلاب فرهنگی"! را نمی‌پذیرد ، متذکر می‌گردیم :

در حالی که هنوز ریشه‌های سیاسی ـ اجتماعی و اقتصادی امپریالیزم امریکا در این کشور باقی است ، دم‌زدن از انحلال دانشگاهها تحت عنوان "انقلاب فرهنگی"، به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست . به همین دلیل مجاهدین خلق‌ایران از کلیه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان قهرمان کشور تقاضا می‌کند که به فرض تحریم دانشگاهها از جانب هر فرد یا گروه و انجمنی ، همچنان در نهایت استواری در محیط آموزشی حضور یابند .

۶ ـ ما پیشاپیش نسبت به گسترش زمزمه‌ی تعطیل دانشگاهها ، به کل نظام آموزشی و اداری و تولیدی و ارتشی کشور، به مقامات مسئول هشدار می‌دهیم . به عبارت دیگر مسئله دقیقا اینست که به دنبال تعطیل دانشگاهها به دلیل "نظام طاغوتی حاکم بر آنها" این مطلب با ارجحیت زیادتری به تمام نظام تولیدی، آموزشی ، ارتشی ، انتظامی ، تحصیلی و اداری و سیاسی کشور نیز قابل گسترش خواهد بود که بازهم پیشاپیش نسبت به آن هشدار می‌دهیم . بدیهی است که ما همچون گذشته خواستار دگرگونی انقلابی و بنیادی تمام نهادها و نظامات طاغوتی پیشین کشور هستیم . لکن میان یک تحول انقلابی و واقعا اسلامی و مردم‌گرا باتلاش‌های هرج‌ومرج طلبانه که جز به منظور سرکوب نیروهای انقلابی طراحی نشده‌اند ، تفاوت بسیار است .

مجاهدین خلق ایران
۵۹/۲/۱

مجاهد ۵۹،۲،۶

۱

دانشگاه، همچنان سنگر آزادی برجای خواهد ماند.



دانشگاه تهران: خون‌ها ریخته می‌شود ،دیوارها فرو می‌ریزد ، اما سنگر آزادی هم چنان پابرجا خواهدماند.

چند روزی از اوج‌گیری توطئه‌ی گسترده‌ای که دانشگاه به‌عنوان اولین قربانی آن طرح‌ریزی شده بود، نگذشته است. توطئه‌ای که صرف نظر از ابعاد گسترده و عمیق خود (که نیاز به بررسی مفصل دارد)، جوهر و مضمون ارتجاعیش، ضدیت تمام عیار با عنصر آگاهی و دشمنی تمام عیار با قشر آگاه جامعه که به خوبی راه اصیل انقلاب را باز یافته است.بود.

بقیه‌در صفحه ۲

عمق فاجعه را وقتی‌درمی‌یابیم که گویی دشمن اصلی خلق محروم و رنجدیده‌ی ما یعنی آمریکا که این روزها تمامی هم و غم خود را مصروف توطئه علیه انقلاب ایران کرده است، به کلی فراموش شده است. و مرتجعین به حق دشمن اصلی خود را انقلابیون و عنصر آگاهی بخش دانشگاه یافته‌اند. تا حائی که دانشگاهی که در جریان انقلاب ازطرف توده‌ها، سنگر آزادی نام گرفته بود، این بار کانون فساد و پایگاه امپریالیزم نامیده شد.

طبق برنامه‌ای که از اسفندماه طراحی شده بود، قرار بود، انجمن‌های اسلامی به عنوان بازوی اولیه‌ی اجرائی آن به کار گرفته‌شوند، قصد داشتند که تحت پوشش دروغین تغییر نظام دانشگاهی و انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها را به آشوب و خاک و خون بکشند، تا مقدمات قدم‌های‌بعدی توطئه فراهم شود. و در این راه به انواع و اقسام توطئه‌های ارتجاعی، متوسل شدند.

آن چه که در این جا قابل توجه‌است، اینست که‌این درگیری‌ها به نفع چه کسانی است، آن چه مسلم است به نفع استحکام درونی جبهه‌ی خلق و نهایتا" انقلاب ایران نخواهدبود. ذیلا" گزارش هر چند فشرده و مختصر از این‌حمله‌ی گسترده به دانشگاه‌ها و مدارس عالی را ارائه می‌دهیم:

توسل به اسلحه در مدرسه‌ی عالی ترجمه مفیدی

در حمله به این مدرسه، انجمن اسلامی مدرسه از ابتدا با پشتیبانی از سلاح‌های ام-۲، یوزی و کلت ،عملیات متهورانه٬!! خود را شروع کرد. ساعت ۱۱ بعدازظهر پنج‌شنبه دانشکده را به اشغال خود درآوردند، وقتی با ورود سایر دانشجویان مواجه شدند، ابتدا به تهدید دانشجویان پرداختند و با سلاح‌های گرم، اقدام‌به شلیک تیر هوائی کردند، سپس دانشجویان را دستگیر کرده و کاروان اسرا!! به راه انداختند.....

دفاع قهرمانانه‌ی خواهران دانشجو دردانشگاه متحدین

مرتجعین چماقدار که در شب جمعه با مقاومت قهرمانانه‌ی خواهران دانشجو روبرو شده بودند، و تا ساعت ۹ صبح نتوانسته بودند، کاری از پیش ببرند، ناچاربا شایعه سازی و توسل به عوامفریبی.عده‌ای از افراد ناآگاه ونک را بسیج کرده و وقیحانه به زنجیر خواهران حمله‌کردند ولی پس از ضرب و جرح‌های فراوان باز موفق به درهم شکستن مقاومت آنها نشدند،لذا از درهای دیگر و از بالای دانشگاه به طرف داخل سرازیر شدند. مهاجمین چماقدار پس از این که دانشگاه را محاصره‌کرده و با ممانعت از ورود و خروج،دانشجویان را در داخل دانشگاه زندانی کردند، خوابگاهی را نیز که در بیرون دانشگاه قرار داشت، محاصره کردند و خواهران دانشجو را سرگردان گذاشتند. در این حمله،مهاجمین کلیه‌ی تلفن‌هارا قطع کردند....

هجوم‌به مدرسه‌ی عالی علوم بانکی دهها‌زخمی‌ومجروح به‌جای‌گذاشت.

ساعت ۸/۵ بعد از ظهر جمعه حدود ۲۰ نفر از اعضای انجمن اسلامی با همراهی ۱۵۰ نفر چماق بدست با سنگ و چاقو و چماق به دانشجویانی که در طول روز از مدرسه حفاظت می‌کردند، حمله کردند.

در این حمله که در حضور پاسداران مستقر در محیط، انجام شد، ده‌ها نفر از خواهران و برادران دانشجو مجروح شدند، که مهاجمین حتی مانع از انتقال مجروحین به بیمارستان می‌شدند....

در حمله‌ی بعدی در ساعت ۵ بعدازظهر روز شنبه‌مهاجمین مبادرت به پرتاب گاز اشک آور کردند و وحشی‌گری را به اوج خود رساندند، که دانشجویان برای پیشگیری از وقوع حوادث ناگوارتر در ساعت ۷ بعد از ظهر دانشگاه را ترک کردند.

درحمله به مدرسه‌ی عالی پارس مهاجمین تغییرلباس می‌دادند.

پس از این‌که در روز جمعه مدرسه‌ی عالی پارس به اشغال انجمن اسلامی در آمد دانشجویان همراه با رئیس دانشگاه نتوانستند از طریق مذاکره مهاجمین را قانع کنند وناچار وارد مدرسه شدند.

ساعت ۱/۵ بعد از ظهر عده‌ای اوباش و چماق بدست‌به‌دانشجویان هجوم بردند، در این هجوم که ساختمان‌های مدرسه زیر رگبار گلوله قرار گرفت و کتابخانه درهم شکسته شد. مهاجمین از گاز اشک آور و تهوع‌آور نیز به وفور استفاده می‌کردند. به خاطر بسته بودن محیط تعداد زیادی از دانشجویان دچار حالت خفگی و بیهوشی شدند. و سرانجام در زیر رگبار مشت و لگد و چوب و چماق از محوطه خارج شدند. جالب توجه بود که در طول این تهاجم عده‌ای گاه در لباس پاسدار و گاه در لباس چماق بدست ظاهر می‌شدند.....

برای تعطیل‌مجتمع‌عالی تکنولوژی انقلاب درب سالن را جوشکاری کردند.

روز جمعه عده‌ای از اعضای انجمن اسلامی با پخش شایعات و اکاذیب ارتجاعی سعی در متشنج کردن اوضاع کردند، و پس از نصب پلاکارد و بلندگو با وسائلی که از قبل تدارک دیده بودند، اقدام به جوشکاری درب ورودی سالن ورزش نمودند.....و سرانجام به‌همراهی عده‌ای از چماقداران با چاقو و قمه و کلت به دانشجویان حمله برده و همه را از دانشکده اخراج نمودند.....

مدرسه‌عالی بیمه:

نیمه‌های شب جمعه حمله‌ی عناصر راستگراو اشغال مدرسه‌ی‌عالی شروع می‌شود. لیکن با فعالیت‌انجمن دانشجویان مسلمان و مقاومت سه‌روزه‌ی آنان و تحمل توهین‌ها وضرب وشتم‌های بسیار از انجام توطئه جلوگیری می‌شود.

مدرسه‌ی‌عالی کامپیوتر:

اولین هجوم مهاجمین در ساعت ۱۲ روز جمعه با جمعیتی حدود ۳۰۰ نفر آغاز می‌شود. وتا روز شنبه ادامه یافته تا بالاخره ساختمان اداری به اشغال انجمن اسلامی در می‌آید. هجوم مجددی درساعت ۱۱ صبح انجام می‌گیرد که سایر دانشجویان برای ممانعت از تخریب دانشکده و گستردگی توطئه اقدام به ترک مدرسه می‌نمایند.

مجاهد ۵۹،۲،۶ (بقیه ۲)

چماقداران سرپرست دانشکده‌علوم تغذیه را غیرمسئول دانستند :

هجوم در ساعت ۶/۴۵ به بخش اداری دانشکده شروع می‌شود ۱۲۰ چماقدار به پشتیبانی انجمن اسلامی درجلوی درمستقر می‌شوند . درپاسخ اعتراض سرپرست دانشکده سرپرست . سپاه پاسداران منطقه از اقدام مهاجمین حمایت کرده‌و سرپرست دانشکده را غیرمسئول می‌خواند وسپس هجوم چماقداران با تیراندازی پاسداران آغازمی‌شود که‌به اخراج‌کلیه‌ی دانشجویان منجر می‌شود .

دانشگاه کرمان :

روز جمعه ۲۹فروردین اعضاء انجمن اسلامی به نام دانشجویان پیروخط امام دست به اشغال دانشگاه کرمان زدند . این حمله قبل از نماز جمعه صورت گرفت بنحوی که بتوانند پس ازنماز جمعه مردمی را که برای نماز آمده بودندبه دانشگاه‌بکشانند بعداز خاتمه‌ی نماز ، نمازگزاران و درپیشاپیش آنان روحانیون به طرف دانشگاه حرکت کرده و به این ترتیب دانشگاه تصرف می‌شود .

دانشگاه شیراز :

درحمله‌ی چماق بدستان به دانشگاه شیراز به خوابگاه دانشجویان عشایری و .. شصت نفر مجروح می‌شوند ، و به ۵۰ خانه حسارت وارد می‌آید . حمله‌ساعت ۳/۵ با سنگ و چوب وکوکتل مولوتوف آغاز می‌شود ولی با مقاومت دانش‌جویان و دانش‌آموزان روبرو می‌گردد اوج حمله درساعت ۷ بعدازظهر بود که ماموران انتظامی‌نیز به حمایت چماقداران‌صفوف‌دانشجویان را درهم شکسته و ساختمانها و خوابگاههارا به اشغال درآوردنددراین درگیری تعداد ۳۰۲ نفر (به گفته‌ی مقامات) دستگیر و زندانی شدند .

دانشگاه‌تهران : ۵۸/۲/۱

از صبح ، گروهی چماق بدست درخیابانهای اطراف دانشگاه ، شعار می‌دادند . زدوخوردها باحمله‌ی این گروه به دانشجویان مستقر درخیابان ۱۶ آذر آغاز شد و دنباله‌ی آن به دانشگاه کشیده شد . دراین بین قسمتی از نرده‌های ضلع غربی دانشگاه شکسته شد . از بلندگوی دانشجویان پیشگام‌پیامهائی پخش می‌شد که از پاسداران می‌خواست تیراندازی نکنند .وبه آرامش دعوت می‌نمود . آتشهایی که برای خنثی کردن گاز اشک‌آور روشن‌شده بودو سنگرهائی که برای پناه گرفتن در مقابل شلیک گلوله‌ها ساخته شده بود ... مجموعاً"روزهای‌انقلاب‌راتداعی‌میکرد مردمی که با مشاهده‌ی‌صحنه‌ها متاثر شده بودند حرکت چماق به دستان را محکوم نمودند .

این درگیریهاتا اواخر شب ادامه داشت . وحدود ۵۰۰ زخمی ، تعداد کشته‌ها بنا بر اقوال مختلف از ۵ تا ۲۰ نفر ذکر شده است ، از نیمه شب به‌بعد، پس ازتماسهایی که صورت گرفت دانشجویان پیشگام با تضمین امنیت جانی دانشگاه را ترک کردند درحالیکه هنگام خروج نیز خطر حمله به‌آنها وجود داشت ،

مدرسه‌ی عالی دماوند :

صبح روز جمعه ۲۹ فروردین اعضای انجمن اسلامی مدرسه‌ی‌عالی دماوند واقع در ازگل ، به همکاری عناصر چماق‌بدست و با تحریک‌افراد ناآگاه ساختمان این مدرسه رااشغال کردند درجریان این‌حمله‌دانشجویان این مدرسه را که مخالف تعطیلی و اشغال مدرسه بودند پس ازضرب وشتم از دانشکده اخراج نمودند .

دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی :

صبح روز ۵ شنبه ۲۸ فروردین دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به تصرف اعضای انجمن اسلامی درآمد ، این افراد پس از تصرف ساختمان ورود دانشجویان به دانشکده جلوگیری نمودند .

کرج :کشاندن‌نمازگزاران به‌دانشگاهها

حدود ۳۰۰۰ نفر ازمردمی را که برای برگزاری نمازجمعه به امامت حجت‌الاسلام شریفی آمده بودندپس از نماز به‌سوی‌مدرسه‌ی عالی‌ریاضیات واقتصادکرج می‌کشانند و با بسیج چماق‌بدستان در میان نمازگزاران آنها را به جان دانشجویان می‌اندازند .

پس از سرکوب دانشجویان و اشغال این مدرسه، این عده به‌سوی ساختمان شماره‌ی ۲ گسیل می‌شوند این درگیری ۶ ساعت ادامه داشت که به مجروح شدن تعداد بسیاری از دانشجویان منجر شد .

دانشگاه مشهد :

از روز جمعه اعضای انجمن‌های اسلامی این دانشگاه به بسیج چماق بدستان اجیر شده و بعضا افراد ناآگاه و تحریک شده به ساختمانهای دانشگاه هجوم می‌برندو باضرب و شتم دانشجویان و مجروح کردن بسیاری از دانشجویان ، دانشگاهها را اشغال می‌نمایندچنانکه درشماره‌های قبل شرح ماجرا گذشت این افراد پس ازاشغال دانشگاه با کمک پاسداران به مراکز سازمان مجاهدین حمله‌ور شدند که این درگیریها به شهادت شکرالله مشکین‌فام و مجروح شدن بیش از ۵۰۰ نفر منجر شد .

نگاهی به اخبار و رویدادها

چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می‌ورزند؟

تاریخ این مرز و بوم، همواره با خون فرزندان قهرمان خلق نوشته شده، که بی‌شک یکی از خونین‌ترین فصل‌های آن را تاریخ مبارزات دلیرانه‌ی دانشجویان انقلابی تشکیل می‌دهد، دانشجویانی که در تمامی سال‌های پس از ۲۸ مرداد، یعنی سال‌های حاکمیت خفقان و دیکتاتوری، دانشگاه را به مثابه‌ی سنگر خروشانی از مقاومت و مبارزه علیه استبداد و استعمار درآورده، و در ارتقاء مبارزات خلق می‌کوشیدند. ۱۶ آذر، مشخصا" سمبلی از کوشش‌های خستگی‌ناپذیر آنان است.

آغاز جنبش مسلحانه،به عنوان عالی‌ترین تجلی مقاومت خلق، بر جنبش دانشجویی تاءثیر قاطعی گذاشت، که مضمون آن، ارتباط فعال جنبش دانشجوئی با جنبش مسلحانه‌ی پیشتاز و نزدیکی بیشتر آن با حرکت‌های توده‌ای و فراهم‌نمودن چنان زمینه‌ای بود که موجب شد، جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ها پیوند خورده و در به ثمر رساندن انقلاب سهم شایسته‌ی خود را ادا کند.

براستی چه نیروهایی در خالی کردن "سنگر آزادی" تلاش می‌نمایند؟ دفاع از این "سنگر" با منافع چه کسانی منافات دارد؟ سرکوب مدافعان آن، آب به آسیاب چه کسی می‌ریزد؟ آیا این وسیله‌ای برای انحراف اذهان از وابستگی‌های استعماری نیست؟ این وابستگی‌ها با منافع چه کسانی گره خورده، که برای حفظ آن حتی حاضرند، خون دلیرترین و رزمنده‌ترین فرزندان خلق را بریزند؟ آیا چه کسانی از وحدت پیشتاز و خلق دچار خسارات هنگفت! می‌شوند؟ ...... و آیا نمی‌دانند که علیرغم تمامی تشبثات و دست و پا زدن‌های دم مرگ، "سنگر آزادی" هیچ‌گاه خالی نخواهد ماند؟

* (اول مهر ۵۸) – پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی: ...سلام بردانشجویان و استادانی که درسال‌های طولانی اختناق، با محرومیت‌هاوشکنجه‌ها و ناراحتی‌های روحی و جسمی مواجه، و با شجاعت و شهامت در مقابل استبدادها و قلدری‌ها ایستاده و تسلیم قدرت‌های شیطانی نشدند.....

* (اول اردیبهشت ۵۹) – تهران: قطعنامه‌ی راه‌پیمائی انجمن‌های اسلامی دانشجویان: ....اصیل‌ترین پایگاه فرهنگی امپریالیسم آمریکا، دانشگاه است و تا زمانی که این پایگاه درهم کوبیده نشود، نمی‌توان به عدم حضور آمریکا در درون ایران مطمئن بود. لذا با تمامی توان سعی در انهدام ،این‌پایگاه‌داخلی شیطان بزرگ خواهیم کرد... جو سیاسی موجود، تنهاونتنها مولود و معلول نظام حاکمه بردانشگاه ـ هاست‌و انقلاب اساسی در نظام دانشگاهی خود بخود جو ناسالم را سالم و پاک خواهد کرد.

* خبرگزاری پارس (۲ اردیبهشت) – تهران: اطلاعیه‌ی جامعه‌ی پزشکی حزب جمهوری اسلامی: ..سردمداران فرهنگ شاهنشاهی و مبلغین و مدرسین نظام فرهنگی آمریکا درموءسسات دانشگاهی، بقاء خود را در آن دیدند که با چرخش سریع و با ماسک چپ گرائی و چپ نمائی، دانشگاه‌های کشور را به صورت سنگری علیه ملت مسلمان ایران درآورند، تا آن جا که انجمن‌های اسلامی دانشجویان را از کلیه‌ی حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مانند دوران رژیم شاهنشاهی محروم ساختند.

* (۳ اردیبهشت) – یکی از مسئولین حزب جمهوری: ... مدتها بود که حوصله‌ی‌دانشجویان وفادار به جمهوری اسلامی از جنجال گروه‌ها در دانشگاه‌ها سر رفته بود و همیشه به ما مراجعه می‌کردند و دنبال چاره بودند، اما کسی به حرفشان گوش نمی‌داد به هرحال باید تکلیف این گروه‌ها در دانشگاه روشن می‌شد.

* (۲ اردیبهشت) – اهواز: بعد از سخنرانی "جنتی" امام جمعه‌ی اهواز، گروه‌هایی به ستاد دانشجویان حمله کردند. به دنبال این درگیری، "جنتی" در یک پیام رادیوئی از مردم‌مسلمان اهواز خواست که به یاری مردم مسلمان درگیر شده در دانشگاه بشتابند. به گزارش خبرگزاری پارس، در این‌درگیری ۷ نفر کشته و بیش از صد نفر زخمی شده‌اند. جراحات مجروحان براثر اصابت گلوله و یا ضربات کارد و سنگ بوده است.

*(۳۱ فروردین) – پیام سپاه پاسداران رشت: جوانان رشید دانشجو... شروع به تصرف و تصفیه‌ی دانشگاه‌ها نموده‌اند.. پس از پایان‌مهلت (سه‌روزه) شما مردم مسلمان رشت...برای نجات اسلام، توطئه‌مزدوران وابسته به غرب و شرق را در دانشگاه گیلان در نطفه خفه کنید ... وظیفه‌ی شما فقط تخلیه‌ی دانشگاه از عوامل مزدور نیست، بلکه تصفیه‌ی شهر از عناصرضد‌اسلامی نیز بر دوش توانای شما سنگینی می‌کند.

* (۲ اردیبهشت) – رشت: گروهی به همراهی "هادی غفاری" با دادن شعارهای مختلف‌وتاکید پاک سازی دانشگاه، به سوی دانشگاه گیلان حرکت کردند. در مقابل دانشگاه گیلان، بین گروه‌های سیاسی مستقردردانشگاه و راه‌پیمایان زدو خورد شدیدی درگرفت. در این درگیری ۵ نفر کشته و بیش از هزار نفر مجروح شدند. پس از این حادثه، "هادی‌غفاری" طی یک سخنرانی در تلویزیون گیلان گفت:... چون گروه‌های سیاسی دانشگاه را ترک نکرده بودند، مردم غیور، ...خود دانشگاه گیلان را از دست عناصر ضد انقلابی خارج ساختند.

* (۳ اردیبهشت) – تیتر صفحه‌ی اول روزنامه‌ی آزادگان: ملت ما با قدرت دانشگاه را از وجود ساواکی‌ها و فرزندان معدومین دادگاه انقلاب پاک کرد.

* (۳۱ فروردین) سر – مقاله‌ی جمهوری اسلامی: یک نظام سیاسی چقدر باید احمق باشد، که همه‌ی کوشش خود را در جهت لغو قراردادها و محو روابط اقتصادی و سیاسی با قدرت‌های سلطه‌جوی امپریالیستی به کارگیرد در حالی که امپریالیسم در داخل نظام فرهنگی آن لانه کرده‌باشد.

* (۲ اردیبهشت) – جامعهٔ

بقیه‌در‌صفحه ۱۱

(بقیه ۲)

مجاهد ۵۹،۲،۶

چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می‌ورزند؟

بقیه از صفحه ۱۲

روحانیت و دفتر حزب جمهوری اسلامی خرم‌آباد: ... خلع ید توطئه‌گران سودجو و مزدوران چپ‌نما و منافقین تحریم کنندهٔ قانون اساسی، و تعطیل نمودن ستادهای عملیاتی این گروه‌های فاسد ضد جمهوری اسلامی ایران از مراکز علم و تحقیق موجب کمال رضایت ... گردید. آمادگی خود را جهت آمدن به تهران محو آثار این پلیدان وابسته به امریکا و شوروی ... اعلام می‌داریم.

* (۲اردیبهشت) ـ اطلاعیهٔ واحد دانشجوئی حزب جمهوری اسلامی: ... حال که غالب شورش‌های ضد اسلامی ... در دانشگاه شکل می‌گیرد، ضرورت انقلاب فرهنگی انکار ناپذیر است

* (۱۳ آبان ۵۸) ـ پیام واحد دانشجوئی حزب جمهوری اسلامی به مناسبت روز دانش‌آموز: ... در چنین روز الهی، تو دانش آموز انقلابی، همراه با برادران و خواهران دانشجویت، برای اعتراض به ادامه‌ی حیات رژیم منفور، در میعادگاه عشق، یعنی به دانشگاه، سنگر آزادی و حق خواهی، حاضر شدی ... امپریالیسم و ایادی مزدور آن، در کمین‌آنند تا از هرگونه زمینه‌ی مساعدی برای به آشوب کشیدن نظم جامعه و در نهایت، تعطیل نمودن مراکز فرهنگی و تولیدیمان استفاده کنند.

* (۱ اردیبهشت) ـ باهنر: با تعطیل دانشگاه‌ها بسیج بیشتر نیروها برای تغییر بنیادی امکان‌ـ پذیر خواهد شد.

* (۳۰ فروردین) ـ سرمقالهٔ "حزب جمهوری اسلامی": ... مگر نه آن که دانشگاه‌های ایران ... به صورت مامن و ماوای ضد ـ انقلاب در آمده است؟ ... دانشگاه با حفظ همان ساخت محمدرضاخانی خود، جز سرپلی برای رجعت امپریالیسم به ایران نخواهد بود ... گروهک‌ها توانستند با حفظ همان ساخت طاغوتی قبلی دانشگاه‌ها، این محیط را پایگاهی برای تهاجم خود به سمت نظام جمهوری اسلامی قرار دهند ... امروز انقلابی در دانشگاه‌ها آغاز گشته است ... چشم‌های نگران خلق اکنون به دانشجویان مومن از سویی و به مقام‌های اجرائی از سوی دیگر دوخته شده است و ما می‌دانیم که دانشجویان دست از خواستهٔ خود بر نخواهند داشت و ملت پشت سر آنان ایستاده است ولی اگر شورای انقلاب بخواهد تساهلی در این زمینه نشان دهد با قهر توده‌ها مواجه خواهد گشت

* (۱اردیبهشت) ـ سرمقالهٔ "انقلاب اسلامی": ... آنها که از پشت سر می‌خواهند "انقلاب فرهنگی" چین را در ایران کپی کنند و گمان می‌کنند، بنی‌صدر "لیوشائوچی" است و با این انقلاب، او را از سر راه بر می ـ دارند و یا ضعیف می‌کنند، آشکارا به وطن خود خیانت می‌کنند ... تغییر نظام آموزشی، باید با تغییر عمومی نظام اجتماعی همراه باشد ... این آشفتگی‌ها تنها به کار تسویه حساب‌های داخلی و برخورد قدرت می‌خورد و مردم کشور باید هشیار باشند.

* (۲ اردیبهشت) ـ سرمقالهٔ "انقلاب اسلامی" ... قصد این بوده که دانشگاه را تعطیل و موج تعطیل را به همه‌جا بکشانند و به این ترتیب به‌بنی‌صدر ... ضربه وارد کنند ... پاره‌ای عوامل حزب جمهوری اسلامی، هرجا می‌توانند با کینه و بغض شدید علیه بنی صدر به تبلیغات مخرب می‌پردازند ... همه‌جا القاء می‌کنند که مسئولیت همه‌ی اشتباهات و نارسائی‌های گذشته و حال‌ه‌بنی‌صدر است! ... به این ترتیب روشن می‌شود که آنچه در این چند روزه رخ داده است، چیزی جزیک توطئه‌ی آشکار همه ـ جانبه برای ضربه زدن به رئیس جمهور و ساقط کردن وی نبوده است.

* (۲ اردیبهشت) ـ تهران شورای سرپرستان دانشکده‌های دانشگاه تهران: ما اشغال دانشگاه‌ها و ورود قوای انتظامی را به آن‌و رو به رو قرار دادن جوانانی را که در واژگون ساختن نظام پیشین، سهم مهم و اساسی داشته‌اند، به صلاح نظام آموزشی و شایسته‌ی آرمان‌های اسلامی و انسانی نمی‌دانیم و ضرب و شتم دانشجویان را محکوم می‌کنیم. دانشگاه تهران، از انقلاب ایران و مردم ستم‌دیده و آگاه آن لقب سنگر آزادی را آسان بدست نیاورده است و این اهانت را که نظام حاکم بر این موسسهٔ علمی در خط منافع امپریالیسم آمریکاست نمی‌پذیرد.

اعلامیه‌ی انجمن دانشجویان مسلمان لندن

در رابطه با توطئه‌های اشغال دانشگاهها و مدارس عالی

بنام خدا

اکنون که مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ما علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی شیطان بزرگ آمریکا در مرحله بسیار حساس و بحرانی قرار گرفته هر گونه حرکتی که باعث انحراف مبارزه گردد در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا می باشد، دانشگاه که در اوج نهضت خلقمان برای سرنگونی رژیم آریامهری محکمترین سنگر مبارزه مردم قهرمان ما بود، پس از پیروزی انقلاب و در هم شکستن حکومت طاغوت، همچنان به پیمانی که با خلقمان بسته بود وفانمود. و مبارزه ضد امپریالیستی را سر لوحه فعالیت سیاسی خود قرار داد. ارتجاع که با کوتاه نظری خاص خود همواره از حرکت انقلابی می ـ هراسد و مرگ خود را نزدیکتر می بیند، این باربرای در هم کوبیدن نیروهای انقلابی، انجمنهای دانشجویی را هدف قرار داد. یورش به دفاتر دانشجوئی و کتابخانه دانشجویان و ضرب و جرح بهترین فرزندان انقلاب آبی است که به آسیاب خصم ریخته می شود و آمریکای جنایتکار را در پیاده کردن طرح های ضد مردمی اش یاری می دهد.

انجمن دانشجویان مسلمان لندن ضمن محکوم کردن این عمل ارتجاعی و انحصارطلبانه، خواستار ادامهٔ فعالیت آزادانهٔ دانشجویان می باشد.

انجمن دانشجویان مسلمان لندن
۳۱ فروردین ۱۳۵۹

مجاهد ۵۹ ،۲ ،۶

چه کسی پاسخگوی خون و ضرب و شتم هزاران دانشجوست

* * *

هنوز به درستی نمی‌دانیم که آیا می‌توان توطئه‌ی تعطیل دانشگاه‌ها را کاملا" شکست خورده تلقی نمود؟

روزهای اول وقتی "مجاهد" اسناد را بر ملا نمود، کمتر کسی باور می‌کرد. به همین دلیل برخی نیروها نیز در آغاز افشاگری و اعتراض را چندان ضروری نمی‌یافتند. و گمان می‌کردند که مسأله چیز مبرمی نیست .....

اما در یک نگاه به سر مقاله‌های اکثریت مطبوعات کشور در روزهای اخیر، دیگر به خوبی می‌توان دریافت که خیلی چیزها روشن شده است: خبرهای "پس پرده"، "توطئه"، "بوی کودتا" و....

راستی هم اگر قبول کنیم که انقلاب راستین فرهنگی، انقلابی در ارزش‌ها و بینش‌ها و خلقیات و خلاصه دگرگونی در اعماق ضمیر قلب انسانی است، کدام آدم منصفی نمی‌پذیرد که با تنها چیزی که این امر خطیر میسر نیست، چوب است و چماق و ژ - ۳ و تهدید و افترا. و عجیب است که کسانی که از موضعی اسلام پناهانه به شدت مادی‌گری و ماده‌گرایی را محکوم می‌کنند، معنویات را هم به ضرب چماق می‌خواهند تغییر بدهند.

اگر چه اکنون روشن است که پاکسازی و تصفیه‌ی دانشگاه تنها بهانه‌ای بیش نبوده و غرض اساسا" این بوده است که حسب‌المعمول با سوء استفاده از نام اسلام و انقلاب و امام میدان را از حریف پاک کننـد.

لیکن امروز در این جا قصد کنکاش بیشتر در این باره نداریم. و سئوال چیز دیگریست.

به راستی پاسخگوی این همه خونها و جراحت‌ها که در سراسر کشور برجای مانده کیست؟ و چه کسی پاسخگوی ضرب و شتم هزاران دانشجوی قهرمان در سراسر کشور است؟

و بیائید این بار از این سئوال ساده نگذریم. آخر گناه آنها که [کش]ته شدند و یا مجروح و یا مضروب، چه بوده و چیست؟

آیا اینست شیوه‌ی تبلیغ اسلام راستین؟ هرگز!

آیا اینست طرز عمل مردمی و شورایی؟

آیا این طرز عمل در هیچ یک از مرام‌های توحیدی و انسانی توجیه پذیر است؟

آیا ....

اکنون چقدر خوبست که آنهاکه برنامه‌ریزی کردند و نقشه‌کشیدند و بلوا و فتنه به راه انداختند، پا پیش گذارنـد و از عقیده و کردار خود دفاع کنند. مخصوصا" توجه می‌دهیم که بر حسب تجارب یک سال گذشته، هر وقت که قدم درستی بر علیه امپریالیزم و به منظور احقاق حقوق مردم برداشته شد، هیچ گروه صادقی نبود که از دل و جان حمایت نکند. و دلیلی هم ندارد که اگر شما براستی قصد دگرگونی واقعی نظام یا نهادی طاغوتی را، داشته باشید، نیروهای مؤمن انقلابی به جدال برخیزند. و به خدا سوگند که در هیچ کجای جهان خون ریزی و فتنه و آشوب در دانشگاه‌ها، اسباب افتخار و سفید رویی نیست، زیراکه به هرحال (ولو به طور نسبی) زنده‌ترین، فعال‌ترین و آگاه‌ترین نیروهای یک ملت را در دل خود جای داده است.

پس بگذارید، مخصوصا" رو به آن دسته از خواهران وبرادران ناآگاهی که ناخواسته به این ماجرا کشانده شده‌اند باز هم بپرسیم، براستی مسئول این همه تفرقه و ضرب و جرح و خون‌ریزی و اتلاف وقت چه کسانی هستند و چرا........؟ و در این میان چه کسانی سود اصلی را برده‌اند؟

اگر از این سئوال به سادگی صرف نظر نکنیم چراغ راهنما و "بنیه"ی ارزشیابی برای طی طریق بدون اعوجاج و انحراف در آینده دریافت داشته‌ایم. پس سلام بر هر آنکـه روشنایی و هدایت جویـد.

مجاهدین خلق ایران هرگونه نورچشمی گری در دانشگاه‌ها را محکوم می‌کنند

بنا به اخبار مندرج در مطبوعات روز ۴شنبه انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم از تخلیه‌ی دانشگاه خودداری ورزیده وگفته است که ما تحویل گیرنده‌ی دفاتر سایرین هم هستیم ونه تحویل دهنده!! ضمن اینکه بدین ترتیب روشن می‌شود که همین عناصر مجاری تحویل دهها شهید وهزاران زخمی و دهها هزار مضروب حوادث اخیر دانشگاهها هستند، بار دیگر هر گونه توطئه‌ای از این قبیل را محکوم وبفوریت خواستار خاتمه‌دادن به هرگونه نورچشمی گری در دانشگاهها هستیم.

جای شگفتی است که عده‌ای که خود شعار تحدید آزادی گروههای دانشجوئی را ابداع کرده‌اند چگونه به‌خود اجازه می‌دهند که خود از حقوق انحصاری استفاده کنند

نامه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم به دادستانی کل انقلاب

ریاست محترم دادستانی کل انقلاب

محترما به عرض می‌رساند.

[به]دنبال درگیری‌های روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ وهجوم عناصر چماقدار به دانشگاه تربیت معلم، عده‌ی زیادی از برادران و خواهران ما مجروح شدند ما ضمن مراجعه و پی‌گیری وضع مجروحین، با کمال تاسف با جسد بی‌جان فردی برخورد کردیم که مطابق اظهارات مسئولین بیمارستان توسط یک ماشین بلیزر شماره نشده، متعلق بـه کمیتـه‌ی منطقـه‌ی ۶ به بیمارستان سینا منتقل و جسد را مقابل بیمارستان رها کرده وبدون اینکه تحویل بدهند از محل دور شده‌اند، روی جسد در ناحیه‌ی صورت و گوش آثار کبودی دیـده شده و بدن و لباسش خیس‌بوده است، که این‌وقایع کم و بیش در روزنامه‌های عصر دیروز منعکس شده است.

اینک با توجه به مراتب بالا[ی] مرگ را مشکوک نموده است، از آن مقام می‌خواهیم که با پیگیری هرچه سریعتر این قضیه، روشن کنند کـه اولا آیا ایـن قتـل ارتباطـی بـه درگیری‌های روز جمعه داشته باشد و ثانیا این که این قتل از طرف چه عنصر یـا عناصـری اتفـاق افتاده است.

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم.

۵۹/۱/۳۱

مجاهد ۵۹،۲،۶

دانشگاه‌تهران : ۵۸/۲/۱

از صبح، گروهی چماق بدست درخیابانهای اطراف دانشگاه، شعار می‌دادند. زدوخوردها باحمله‌ی این گروه به دانشجویان مستقر درخیابان ۱۶ آذر آغاز شد و دنباله‌ی آن به دانشگاه کشیده شد. دراین بین قسمتی از نرده‌های ضلع غربی دانشگاه شکسته شد. از بلندگوی دانشجویان پیشگام پیامهائی پخش می‌شد که از پاسداران می‌خواست تیراندازی نکنند. وبه آرامش دعوت می‌نمود. آتش‌هایی که برای خنثی کردن گاز اشک‌آور روشن‌شده بود و سنگرهائی که برای پناه گرفتن در مقابل شلیک گلوله‌ها ساخته شده بود ... مجموعاً "روزهای انقلاب‌راتداعی میکرد مردمی که با مشاهده‌ی‌صحنه‌ها متاثر شده بودند حرکت چماق به دستان را محکوم نمودند.

این درگیریهاتا اواخر شب ادامه داشت. وحدود ۵۰۰ زخمی، تعداد کشته‌ها بنا بر اقوال مختلف از ۵ تا ۲۰ نفر ذکر شده است.

از نیمه‌شب‌به‌بعد، پس‌ازتماسهایی که صورت گرفت دانشجویان پیشگام با تضمین امنیت جانی دانشگاه را ترک کردند درحالیکه هنگام خروج نیز خطر حمله به‌آنها وجود داشت.

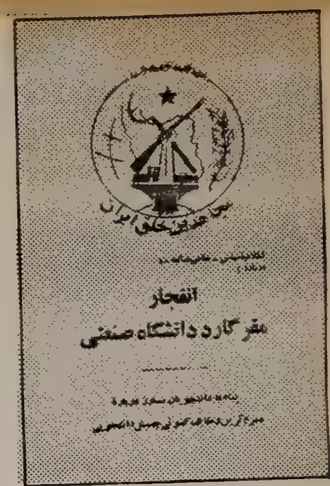
مدرسه‌ی عالی دماوند :

صبح روز جمعه ۲۹ فروردین اعضای انجمن اسلامی مدرسه‌ی‌عالی دماوند واقع در ازگل، به همکاری عناصر چماق‌بدست و با تحریک‌افراد ناآگاه ساختمان این مدرسه رااشغال کردند درجریان این‌حمله‌دانشجویان

مجاهد
شماره ۴۹
۵۹/۲/۲۶

عملیات مجاهدین خلق در اردیبهشت سال ۵۳ به مناسبت سالروز شهادت پنج مجاهد خلق

در فروردین ۵۳ سازمان مجاهدین خلق مقر گارد دانشگاه صنعتی را که وظیفه‌ی سرکوب دانشگاه را عهده‌دار بود، منفجر کرد. و به دنبال آن بیانیه‌ای منتشر کرد. قسمتی ازاین بیانیه را در شماره‌ی ۴۵ مجاهد ملاحظه کردید و اکنون ادامه‌ی آن را می‌خوانید.



از این رو دانشگاه‌ها و مدارس علمی که بزرگ‌ترین مظهر و زادگاه این روشنفکران در ایران به شمار می‌روند، پرچم مبارزه‌ی ضد استعمارزی - ضدسلطنتی خود را برافراشتند. بی‌جهت نیست که ما بلافاصله بعد از کودتا و حاکمیت ارتجاع مزدور و دست نشانده‌ی پهلوی شاهد اصیل‌ترین و عمیق‌ترین جنبش‌های دانشجوئی هستیم اشاره به اصالت و عمق این جنبش به خصوص از این نظر اهمیت دارد که تئوریسین‌های خودفروخته‌ی بورژواری و عمال پلیسی طبقه‌ی حاکه همسه خواسته‌اند با عنوان کردن اراجیفی از قبیل "هیجانات دوران جوانی و روح سرکش و ناآرام جوانان" و یا "گرایش جهانی جوانان به سمت آنارشی‌گری (هرج و مرج امپریالیستی" بودهو منشی بد انگیزه‌های عمیق انقلابی و تاریخ پر افتخار مبارزات مردم خوش است پرده‌پوشی نماید. به هر حال تظاهرات و مقاومت‌های دلیرانه‌ی دانشجویان در ۱۶ آذرماه ۳۲ یعنی فقط چهارماه بعد از سلطه‌ی رژیم دیکتاتوری فاشیستی شاه (۲۸ مرداد همان سال) در مخالفت با سفر توطئه آمیز نیکسون معاون رئیس‌جمهور وقت امریکا و همچنین اعتراض به افتتاح مجدد سفارت انگلیس را می‌توان اولین موج از سلسلهٔ امواج پرتوان نهضت دانشجوئی به شمار آورد. البته زمینه‌های تاریخی جنبش دانشجوئی را می‌توان در شرکت فعالانه‌ی دانشجویان در مبارزات احزاب ملی سال‌های بعد از جنگ، در حمایت و پشتیبانی از نهضت ملی کردن نفت و پشتیبانی و شرکت فعال در قیام خونین ۳۰ تیر نیز به خوبی مشاهده نمود. به طوری که به اتکاء وجود چنین ریشه‌هائی است که جنبش دانشجوئی می‌تواند بلافاصله بعد از سرکوب نیروهای ملی در ۲۸ مرداد و فقط چهارماه بعد از آن (۱۶ آذر ۳۲) اولین عکس‌العمل مبارزه‌جویانه‌ی خود را بروز دهد. اما مراد ما در اینجا فقط بررسی کوتاه تاریخچه‌ی این جنبش، بعد از سال‌های ۳۲ است که جنبش دانشجوئی به علت سلطه‌ی مجدد دیکتاتوری و اختناق پلیسی مضمون اساسی و شکل ویژه‌ی خود را در تاریخ مبارزات مردم ما احراز می‌کند. خون پاک و جوشان سه دانشجوی قهرمان، شریعت‌رضوی، بزرگ‌نیا، قندچی، که درین روز به دست جلادان خونخوار رژیم شاه ریخته می‌شود، همچنان الهام بخش مبارزات دانشجوئی سال‌های بعد ایران می‌گردد. تشکیل سازمان

امنیت و تدابیر ضدخلقی آن درین سال‌ها (سال ۳۵) نمی‌تواند از تداوم مبارزات دانشجوئی این دوره جلوگیری نماید. مقاومت‌ها و اعتراضات روشنگرانه و افشاگرانه‌ی دانشجویان به خصوص طی سال‌های ۴۰ از جمله:

اعتصابات ۱۵ بهمن ۳۹ علیه انتخابات قلابی شاه پشتیبانی از تظاهرات معلمین در ۱۲ اردیبهشت ۴۰ که به شهادت دکتر خانعلی انجامید، تظاهرات پرشور دانشجویان دانشگاه تهران و دانش آموزان مبارز دبیرستان‌ها از جمله دبیرستان‌های دارالفنون، علمیه‌ی مروی در بهمن ۴۰ که مهدی کلهر از مدرسه‌ی علمیه‌ی تهران در آن به شهادت می‌رسد و بالاخره جنبش‌های متوالی سال ۴۱ که در بهمن همان سال به تظاهرات وسیع دانشجوئی علیه "رفراندوم فریبکارانه‌ی شاه" می‌انجامد؛ همگی از مضمون مشخص سیاسی برخوردار بوده و موضع انقلابی و افشاگرانه‌ی آنان را دربرابر توطئه‌ی جدیدی که از طرف امپریالیزم امریکا تحت عنوان "انقلاب سفید" در شرف تکوین بود نشان می‌دهد.

سرکوب خونین مردم قهرمان ما در ۱۵ خرداد ۴۲ و کشتار بهترین جوانان میهن‌مان توسط نیروهای امنیتی و نظامی شاه خائن، از جمله کشتار دانشجویانی که فعالانه به جنبش خلق پیوسته بودند؛ باز هم نتوانست حرکت فزاینده‌ی مبارزات دانشجوئی را متوقف سازد. به طوری که در بهمن ماه ۴۵ فقط بعد از یک دوره‌ی رکود سه ساله‌ی اعتصابات موسوم به "اعتصابات شهریه" در دانشگاه تهران، خیزش مجدد این مبارزه را در سراسر دانشگاه‌ها اعلام می‌کند.

تظاهرات وسیع ضدصهیونیستی که با اعلام همدردی و همبستگی وسیع ضد صهیونیستی که با اعلام همدردی و همبستگی مردم و دانشجویان با جنبش آزادیبخش فلسطین توام بود همچنین حمله‌ی دانشجویان به کانون دانشجویان وابسته به انجمن ایران و امریکا، اعتصابات سراسری سال ۴۹ ازجمله اعتصابات آذرماه مربوط به مخالفت با کنفرانس سرمایه‌گذاران آمریکائی در ایران ... نقاط اوج پروسه‌ی رشد مبارزات دانشجوئی را طی سال‌های ۵۰ - ۴۵ نشان می‌دهد. در اعتصابات و تظاهرات فعال سال ۴۸ که علیه گرانی بلیط اتوبوس صورت می‌گیرد، جنبش دانشجوئی کاملا با آنی‌ترین و نزدیک‌ترین منافع مردم تماس برقرار کرده و به مبارزه‌ی آنان می‌پیوندد.

دانشجویان با اتخاذ تاکتیک پرتحرک "تجمع-حمله - تفرق" که از قبل مورد توافق قرار گرفته‌بود، پلیس را در نقاط مختلف شهر غافلگیر کرده و خیابان‌ها را به صحنه‌ی مبارزه‌ی خشونت‌آمیز خود با رژیم تبدیل می‌کنند. مردم به حمایت از فرزندان خود برمی‌خیزند و رژیم شاه وحشت‌زده در مقابل چنین اتحادی عقب می‌نشیند و مبارزه‌ی مردم به پیروزی می‌رسد. همه جا در اغلب محافل مردمی در مدارس جنوب شهر، در قهوه‌خانه‌ها در خانه‌های تنگ و مخروبه‌ی جنوب شهر، در گودها و سرکوره‌های آهک پزی، صحبت از مبارزه‌ی پرشور دانشجویان به نفع مردم زحمتکش

و رنجدیده‌ی وطن ماست. یکبار دیگر مردم جنوب شهر خاطره‌ی دانشجویانی را به یاد می‌آوردند که در بهار ۴۰ به ساختن نهر فیروزآباد برای

دانشگاه، سازمان داده شدند. بورژوازی وابسته و در راس آن رژیم شاه مزدور می‌خواست دانشجویان را بر سر یک دوراهی "سازش یا نابودی" قراردهد. یا به خدمت سرمایه‌داری درآمده نیرو و فکر خود را در اختیار مزدوران غارتگر جهانی قراردهند و ازین راه ریزه‌خوار خوان استثمار سرمایه‌داری گردند و یا درمقابل وحشیانه‌ترین سرکوب خونین پلیسی و شدیدترین خشونت ضدانقلابی بورژوازی قرارگیرند.

در واقع سرمایه‌داری در حالی که در دستی سکه‌ی پول و در دست دیگر چماق سرکوب خونین خویش را تکان می‌داد، در مقابل دانشجویان مبارز و قهرمان ما ظاهر شد. اما جز عده‌ی معدودی از به اصطلاح روشنفکران و تحصیل‌کردگانی که با پشت کردن به مردم زحمت‌کش خود، نوکرصفتانه خود را به بهای زندگی تهوع‌آور خرده‌بورژوائی که سرمایه‌داری خونخوار از ثمره‌ی استثمار میلیون‌ها خلق زحمت‌کش برایشان فراهم کرده‌بود، فروختند. اکثریت عظیم دانشجویان و روشنفکران ما با اوج‌دادن مبارزه‌ی شرافتمندانه‌ی خود با سیاسی‌تر کردن هرچه بیشتر جنبش انقلابی خویش، مشت محکمی به دهان شاه و رژیم مزدور و دست نشانده‌اش کوبیدند.

رابطه‌ی متقابل جنبش دانشجوئی و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی خلق

بدین ترتیب جنبش دانشجوئی با درهم شکستن توطئه‌های جدید رژیم وتحت تاثیر جنبش مسلحانه‌ی

اصطلاح اصلاحی رژیم و فشار استثمار وحشیانه‌ای که بورژوازی وابسته به امپریالیزم بر طبقات و اقشار زحمت‌کش خلق وارد می‌نماید، امکان یافت که:

اولا- شعارهای مبارزاتی خود را که از درخواست‌های صنفی از قبیل "تحصیل مجانی و حذف شهریه" یا "برکناری رئیس دانشگاه" شروع شده بود، به‌سرعت تا سطح شعارهای سیاسی - دانشجوئی روز مانند "استقلال وآزادی سیاسی دانشگاه‌ها" "حق مداخله و نظارت دانشجویان در انتخاب روسا ومدیران دانشکده‌ها" و بالاخره به سطح سیاسی‌ترین شعارهای ضدامپریالیستی "مرگ بر سپیدی انقلاب" "مستعمره بودن بس است"، "دهقانان در سایه‌ی انقلاب! نابود شدند" ارتقاء دهد.

ثانیا- خود را در سطح دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور سراسری نماید. در واقع این خصوصیت یعنی سیاسی‌تر شدن و سراسری گشتن جنبش دانشجوئی خود نشانه‌ی آمادگی شرایط انقلابی و جزئی از موقعیت رو به رشد انقلابی ایران به شمار می‌رود.

اعتصاب شهریه که از دانشگاه تهران آغاز شده‌بود، با حمایت فعال دانشجویان سایر دانشگاه‌ها ازجمله دانشگاه تبریز و پلی‌تکنیک تهران

روبرو شد و به سرعت به یک جنبش سراسری البته با شعارهای مختلف تبدیل می‌شود که سراسر سال ۴۶ را در برمی‌گیرد.

تظاهرات پرشور چند ده هزار نفری دانشجویان و راهپیمائی پرشکوه آنان در همین سال در مراسم یادبود تختی، قهرمان مبارز خلق، بلوغ مبارزات دانشجوئی را تا حد همبستگی و قدرت تشکل قابل توجهی تثبیت می‌سازد. ازین هنگام به بعد جنبش دانشجوئی ایران، حتی یک لحظه هم از حرکت باز نمی‌ایستد. اعتصابات بزرگ معروف به "اعتصاب اتوبوس" در اواخر سال ۴۸، ما افشاء کنند.

اوج‌گیری مبارزات دانشجوئی و برنامه‌های امپریالیستی رژیم شاه در دانشگاه

هم‌زمان با اوج‌گیری مبارزات دانشجوئی و پیدایش گروه‌ها و هسته‌هائی که اشکال مخفی و سازمان یافته‌ی کار را پذیرفته و عمدتا در جهت تدارک مبارزه‌ی مسلحانه‌قرار گرفته بودند، طراحان مزدور سیاست ارتجاعی طبقه‌ی‌حاکمه‌ی ایران نیز توطئه‌ی جدیدی را تحت عنوان "انقلاب آموزشی" طرح‌ریزی کردند که عمدتا بعد از اجتماع سردمداران

مجاهد . ۵۹،۲،۶ ش ۴۹

خائن ارتجاع حاکم ایران و در راس آن شاه در رامسر به مرحله‌ی اجرا درآمد.

در واقع هدف اصلی "انقلاب آموزشی" عبارت بود از تغییر سیستم آموزشی کشور درجهت ساختن کادر فنی – اداری، برای سرمایه‌داری وابسته و رو به رشد ایران و همچنین سرکوب جنبش دانشجوئی. بدین منظور رژیم به دو اقدام مهم و فوری ذیل دست زد:

۱ – وابسته ساختن دانشجویان به زندگی مصرف و اشاعه‌ی فرهنگ امپریالیستی و فساد در بین آنها و نتیجتا تبدیل آنها به مهره‌های ماشین سرمایه‌داری.

۲ – ایجاد فشار و اختناق بیشتر پلیسی توسط استقرار گارد شهربانی در دانشگاه، دستگیری‌های وسیع دانشجوئی و اعمال سیاست ارعاب و وحشت در دانشگاه‌ها.

برنامه‌های به اصطلاح "تامین رفاه دانشجویان" بورسها و کمک‌های مالی و صندوق‌های وام دانشجوئی درکنار بیرحمانه‌ترین سرکوب و خفقان پلیسی، درکنار استقرار تدریجی گارد وحشی شهربانی در جنبش‌های توده‌ای.

در واقع این تاثیرپذیری و ارتباط فعال به دلیل رشته‌های متعددی که جنبش مسلحانه‌ی پیشتاز را به جنبش دانشجوئی پیوند می‌دهد، کاملا طبیعی و قابل توجیه به نظر می‌رسد. جنبش مسلحانه‌ی ایران که نتیجه‌ی تکامل مبارزات طولانی خلق ما و مبتنی بر تجارب تاریخی حاصل از آنست، می‌بایست و این طبیعی بود که رابطه‌ی مشخص و فعالی با جنبش دانشجوئی ایران به عنوان جزئی از پراتیک مبارزه‌ی اجتماعی همین مردم برقرارکند.

تجربه‌ی صادق‌ترین عناصر دانشجوئی در پراتیک مبارزات دانشجوئی نیز استراتژی مبارزه‌ی مسلحانه را به عنوان تئوری‌ای که قوانین حاکم بر واقعیات اجتماعی ما توانسته‌است به درستی منعکس سازد تائید می‌نمود. این معنی که بازتاب شرایط اجتماعی در زندگی روابط اجتماعی این قشر وانعکاس آن در محیط دانشگاه، یعنی بازتاب دیکتاتوری و سرکوب وحشیانه‌ی پلیسی و استثمار و ستم بی‌حد طبقاتی و همچنین تاریخ مبارزاتی او همگی عواملی بودند که پشتوانه‌ی عینی را برای صحت این نظریات، ارائه می‌دادند.

ازین جاست که جنبش دانشجوئی هرچه بیشتر حول مبارزه‌ی مسلحانه و حمایت از پیشتازان مسلح خلق، سازمان می‌یابد. روشنفکران انقلابی و دانشجویان مبارز، عالیترین خواست‌ها و آرمان‌های انقلابی خویش را در وجود سازمان‌های چریکی پیشتاز، متجلی می‌بینند و عملیات چریکی این سازمان‌ها با پشتیبانی فعال مبارزین دانشگاه‌ها حمایت می‌شود. تظاهرات پرشکوه اردیبهشت ماه ۵۰ به خاطر بزرگداشت شهدای قهرمان جنگل و به خون کشیده شدن کارگران زحمت‌کش جهان‌چیت، تظاهرات

بقیه در صفحه ۶

سال‌های ۵۳ و ۵۴ بود. سال‌های اوج مبارزات قهرمانانه‌ی پیشتازان خلق، هر روز درهای بند سیاسی گشوده می‌شد و مجاهدین و مبارزین با اندامی خونین و مجروح و چهره‌هایی از شکنجه و سلول رنج کشیده اما، مغرور وارد بند ۱ سیاسی زندان مشهد می‌شدند. یک روز نزدیکی‌های ظهر صدای قفل و زنجیر در آهنین بند ۱ بلند شد و دو سه نفر تازه وارد را آوردند، با چهره‌هایی درهم کوفته و اندامی که آثار شکنجه‌ی شدید در نفر اول. همه را خشمناک و در عین حال مغرور می‌کرد... در بین تازه واردین یکی از همه درهم کوفته‌تر بود، پاهای خونین و ورم کرده و صورت کبود و خندانش در وهله‌ی اول همه را جذب می‌کرد... اسمش شکرالله بود، شکرالله مشکین فام..." از بچه‌های سرسخت و مقاومی بود که ساواک از دستش عاجز شده بود... در رابطه با سازمان مجاهدین خلق و پخش و تکثیر کتابها و اعلامیه‌های سازمان و کتابهای آیت‌الله خمینی دستگیر شده بود... ساواک به دو علت حساسیت زیادی روی او پیدا کرده بود، اول این که موقع دستگیری فکر کرده بود، او برادر مجاهد شهید رسول مشکین‌فام است به دلیل این که علاوه بر همفکری، همنام او هم بود و دوم اعلامیه‌هایی که ساواک از آنان بدست آورده بود، اولین بار به وسیله‌ی آنان پخش شده بود و ساواک فکر می‌کرد، گروه شکرالله شاخه‌ی مجاهدین در مشهد است، این بود که او را تا حد مرگ شکنجه کرده بود ولی "شکور" قهرمانانه و با عشق به خدا و توده‌های محروم همه را تحمل کرده بود ... همان روزهای اول صداقت انقلابی و تقوای شکرالله همه را جذب کرده بود... آخر آن روزها، روزهایی بود که اپورتونیست‌ها سازمان را تا حد تلاشی برده بودند، و بازتاب این مبارزه در زندان خیلی شدید بود، ولی شکرالله از همان روزهای اول با تکیه بر اسلام انقلابی و اصیل چون کوه مقاومت کرد و در جمع مجاهدین خلق و اسلام اصیل آن چنان قاطع و مردانه از سازمان مجاهدین و دست – آوردهای انقلابی و اسلامی آن دفاع کرد که خیلی‌ها را به شگفتی آورد.

بسیاری از سردمداران پر مدعای ضد مجاهد فعلی، آن موقع در زندان بودند و از مقاومت مجاهدین خصوصا" شکرالله و تقوای اسلامی وی در مقابل اپورتونیست‌ها شگفت‌زده و خوشحال؟!

روزها از پس هم می‌گذشت و شکرالله هر روز نشان می‌داد که تا چه حد عمیقا" به اسلام و مجاهدین وفادار است... یک روز صبح زود بود... شکرالله در طبقه‌ی سوم بند، پشت میله‌ها راه می‌رفت و زیر لب "سرود خون" را حفظ می‌کرد... وقتی که کارش تمام شد... برافروخته و ملتهب بود... گفتم شکور خیلی سر حالی ... خندید و گفت: تو فکر این سرودم که چطور در تاروپودش بوی خون و شهادت پیچیده و بعد از این هم چقدر

بقیه در صفحه ۱۱

اعلامیه‌ی انجمن دانشجویان مسلمان لندن در رابطه با توطئه‌های اشغال دانشگاهها و مدارس عالی

بنام خدا

اکنون که مبارزات ضد امپریالیستی خلق قهرمان ما علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی شیطان بزرگ آمریکا در مرحله بسیار حساس و بحرانی قرار گرفته هر گونه حرکتی که باعث انحراف مبارزه گردد در خدمت منافع امپریالیسم آمریکا می باشد، دانشگاه که در اوج نهضت خلقمان برای سرنگونی رژیم آریامهری محکمترین سنگر مبارزه مردم قهرمان ما بود، پس از پیروزی انقلاب و در هم شکستن حکومت طاغوت، همچنان به پیمانی که با خلقمان بسته بود وفا نمود. و مبارزه ضد امپریالیستی را سر لوحه فعالیت سیاسی خود قرار داد. ارتجاع که با کوتاه نظری خاص خود همواره از حرکت انقلابی می‌هراسد و مرگ خود را نزدیکتر می بیند، این باربرای در هم کوبیدن نیروهای انقلابی، انجمنهای دانشجویی را هدف قرار داد. یورش به دفاتر دانشجوئی و کتابخانه دانشجویان و ضرب و جرح بهترین فرزندان انقلاب آبی است که به آسیاب خصم ریخته می شود و آمریکای جنایتکار را در پیاده کردن طرح های ضد مردمی اش یاری می دهد.

انجمن دانشجویان مسلمان لندن ضمن محکوم کردن این عمل ارتجاعی و انحصارطلبانه، خواستار ادامهٔ فعالیت آزادانهٔ دانشجویان می باشد.

انجمن دانشجویان مسلمان لندن
۳۱ فروردین ۱۳۵۹

نگاهی به اخبار و رویدادها

چه کسانی، با دانشگاه و دانشگاهیان دشمنی می‌ورزند؟

تاریخ این مرز و بوم، همواره با خون فرزندان قهرمان خلق نوشته شده، که بی‌شک یکی از خونین‌ترین فصل‌های آن را تاریخ مبارزات دلیرانه‌ی دانشجویان انقلابی تشکیل می‌دهد، دانشجویانی که در تمامی سال‌های پس از ۲۸ مرداد، یعنی سال‌های حاکمیت خفقان و دیکتاتوری، دانشگاه را به مثابه‌ی سنگر خروشانی از مقاومت و مبارزه علیه استبداد و استعمار درآورده، و در ارتقاء مبارزات خلق می‌کوشیدند. ۱۶ آذر، مشخصا" سمبلی از کوشش‌های خستگی‌ناپذیر آنان است.

آغاز جنبش مسلحانه، به عنوان عالی‌ترین تجلی مقاومت خلق، بر جنبش دانشجویی تاثیر قاطعی گذاشت، که مضمون آن، ارتباط فعال جنبش دانشجوئی با جنبش مسلحانه‌ی پیشتاز و نزدیکی بیشتر آن با حرکت‌های توده‌ای و فراهم‌نمودن چنان زمینه‌ای بود که موجب شد، جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ها پیوند خورده و در به ثمر رساندن انقلاب سهم شایسته‌ی خود را ادا کند.

براستی چه نیروهایی در خالی کردن "سنگر آزادی" تلاش می‌نمایند؟ دفاع از این "سنگر" با منافع چه کسانی منافات دارد؟ سرکوب مدافعان آن، آب به آسیاب چه کسی می‌ریزد؟ آیا این وسیله‌ای برای انحراف اذهان از وابستگی‌های استعماری نیست؟ این وابستگی‌ها با منافع چه کسانی گره خورده، که برای حفظ آن حتی حاضرند، خون دلیرترین و رزمنده‌ترین فرزندان خلق را بریزند؟ آیا چه کسانی از وحدت پیشتاز و خلق دچار خسارات هنگفت! می‌شوند؟ ...... و آیا نمی‌دانند که علیرغم تمامی تشبثات و دست و پا زدن‌های دم مرگ، "سنگر آزادی" هیچ گاه خالی نخواهد ماند؟

* (اول مهر ۵۸) – پیام امام خمینی به مناسبت آغاز سال تحصیلی: ...سلام بردانشجویان و استادانی که درسال‌های طولانی اختناق، با محرومیت‌ها و شکنجه‌ها و ناراحتی‌های روحی و جسمی مواجه، و با شجاعت و شهامت در مقابل استبدادها و قلدری‌ها ایستاده و تسلیم قدرت‌های شیطانی نشدند.....

* (اول اردیبهشت ۵۹) – تهران: قطعنامه‌ی راه‌پیمائی انجمن‌های اسلامی دانشجویان: ....اصیل‌ترین پایگاه فرهنگی امپریالیسم آمریکا، دانشگاه است و تا زمانی که این پایگاه درهم کوبیده نشود، نمی‌توان به عدم حضور آمریکا در درون ایران مطمئن بود. لذا با تمامی توان سعی در انهدام، این پایگاه داخلی شیطان بزرگ خواهیم کرد... جو سیاسی موجود، تنها و تنها مولود و معلول نظام حاکمه بردانشگاه – هاست و انقلاب اساسی در نظام دانشگاهی خود بخود جو ناسالم را سالم و پاک خواهد کرد.

* خبرگزاری پارس (۲ اردیبهشت) – تهران: اطلاعیه‌ی جامعه‌ی پزشکی حزب جمهوری اسلامی: ..سردمداران فرهنگ شاهنشاهی و مبلغین و مدرسین نظام فرهنگی آمریکا درموءسسات دانشگاهی، بقاء خود را در آن دیدند که با حرخش سریع و با ماسک چپ گرائی و چپ نمائی، دانشگاه‌های کشور را به صورت سنگری علیه ملت مسلمان ایران درآورند، تا آن جا که انجمن‌های اسلامی دانشجویان را از کلیه‌ی حقوق انسانی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مانند دوران رژیم شاهنشاهی محروم ساختند.

* (۳ اردیبهشت) – یکی از مسئولین حزب جمهوری:... مدتها بود که حوصله‌ی دانشجویان وفادار به جمهوری اسلامی از جنجال گروهها در دانشگاه‌ها سر رفته بود و همیشه به ما مراجعه می‌کردند و دنبال چاره بودند، اما کسی به حرفشان گوش نمی‌داد به هرحال باید تکلیف این گروه‌ها در دانشگاه روشن می‌شد.

* (۲ اردیبهشت) – اهواز: بعد از سخنرانی "جنتی" امام جمعه" اهواز، گروه‌هایی به ستاد دانشجویان حمله کردند. به دنبال این درگیری، "جنتی" در یک پیام رادیوئی از مردم مسلمان اهواز خواست که به یاری مردم مسلمان درگیر شده در دانشگاه بشتابند. به گزارش خبرگزاری پارس، در این درگیری ۷ نفر کشته و بیش از صد نفر زخمی شده‌اند. جراحات مجروحان براثر اصابت گلوله و یا ضربات کارد و سنگ بوده است.

*(۳۱ فروردین) – پیام سپاه پاسداران رشت: جوانان رشید دانشجو... شروع به تصرف و تصفیه‌ی دانشگاه‌ها نموده‌اند.. پس از پایان‌مهلت (سه‌روزه) شما مردم مسلمان رشت...برای نجات اسلام، توطئه‌مزدوران وابسته به غرب و شرق را در دانشگاه گیلان در نطفه خفه کنید ... وظیفه‌ی شما فقط تخلیه‌ی دانشگاه از عوامل مزدور نیست، بلکه تصفیه‌ی شهر از عناصرضد-اسلامی نیز بر دوش توانای شما سنگینی می‌کند.

* (۲ اردیبهشت) – رشت: گروهی به همراهی "هادی غفاری" با دادن شعارهای مختلف‌وتاءیید پاک سازی دانشگاه، به سوی دانشگاه گیلان حرکت کردند. در مقابل دانشگاه گیلان، بین گروههای سیاسی مستقردردانشگاه و راه‌پیمایان زدو خورد شدیدی درگرفت. در این درگیری ۵ نفر کشته و بیش از هزار نفر مجروح شدند. پس از این حادثه، "هادی‌غفاری" طی یک سخنرانی در تلویزیون گیلان گفت:... چون گروههای سیاسی دانشگاه را ترک نکرده بودند، مردم غیور، ...خود دانشگاه گیلان را از دست عناصر ضد انقلابی خارج ساختند.

* (۳ اردیبهشت) – تیتر صفحه‌ی اول روزنامه‌ی آزادگان: ملت ما با قدرت دانشگاه را از وجود ساواکی‌ها و فرزندان معدومین دادگاه انقلاب پاک کرد.

* (۳۱ فروردین) سر – مقالهٔ جمهوری اسلامی: یک نظام سیاسی چقدر باید احمق باشد، که همه‌ی کوشش خود را در جهت لغو قراردادها و محو روابط اقتصادی و سیاسی با قدرت‌های سلطه‌جوی امپریالیستی به کارگیرد در حالی که امپریالیسم در داخل نظام فرهنگی آن لانه کرده‌باشد.

* (۲ اردیبهشت) – جامعهٔ

بقیه‌درصفحه۱۱

مجاهد ۲،۶، ۵۹ - ش ۴۹

نامه انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم به دادستانی کل انقلاب

ریاست محترم دادستانی کل انقلاب

محترمابه عرض می‌رساند.

بدنبال درگیری‌های روز جمعه ۵۹/۱/۲۹ وهجوم عناصر چماقداربه دانشگاه تربیت معلم، عده‌ی‌زیادی از برادران و خواهران ما مجروح شدندما ضمن مراجعه و پی‌گیری وضع مجروحین، با کمال تاسف با جسد بی‌جان فردی برخورد کردیم که مطابق اظهارات مسئولین‌بیمارستان توسط یک ماشین بلیزر شماره نشده، متعلق به کمیته‌ی منطقه‌ی ۶ به بیمارستان سینا منتقل و جسد را مقابل بیمارستان رها کرده وبدون اینکه تحویل بدهند از محل دور شده‌اند، روی جسد در ناحیه‌ی صورت و گوش آثار کبودی دیده شده و بدن و لباسش خیس‌بوده است، که این‌وقایع کم و بیش‌در روزنامه‌های عصر دیروز منعکس شده است.

مرگ را مشکوک نموده است، از آن مقام می‌خواهیم که با پیگیری هرچه سریعتر این قضیه، روشن کنند که اولا آیا این قتل ارتباطی به درگیری‌های روز جمعه داشته یانه؟ و ثانیا این که این قتل از طرف چه عنصر یا عناصری اتفاق افتاده است.

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم.

۵۹/۱/۳۱

تغییر نظام آموزشی به حریم مقدس دانشگاه ، و دانشکده و بیمارستان رامحکوم می کنیم . ما معتقدیم این حرکت نه در جهت تغییر نظام آموزشی ، بلکه دقیقا در جهت محدود کردن آزادیهای‌دموکراتیک، دانشکده و دانشگاه است .... "

بخش دیگری از اعلامیه مزبور با مضمون زیر می باشد: " ... ما با تعطیل کردن دانشکده و دانشگاه مخالفیم و آنرا به نفع امپریالیسم و ایادی داخلی آن می دانیم ... "

همچنین بدنبال دستگیر و زندانی شدن عده‌ای از مبارزین توسط سپاه ، خانواده‌هایی که ازوضع فرزندان خود بی اطلاع بودند اجتماع نموده و خواستار روشن کردن وضع آنها و آزادی شان گردیدند. لیکن مسئولین به جای پاسخ به خواسته‌ی بحق آنان عده ای چماقدار راجهت سرکوبی آنها فرستاده و خانواده‌ها را مجبور به ترک آنجا می کنند.

مسئولین که قصد داشتند بعضی از خواهران راآزاد نمایندبا مخالفت آنها روبروشده‌اند.این خواهران ضمن مبادرت به اعتصاب غذا، اعلام کردندتاآزادی کلیه‌ی برادران زندانی ، از زندان بیرون نخواهند رفت . همچنین خبرهای رسیده از زندان عادل آباد، حاکی است که کلیهٔ دستگیرشدگان اخیر دست به اعتصاب غذا زده و خواستار توضیح مقامات راجع به علت دستگیری آنان توسط سپاه شده‌اند .

ساعت حدود ۱۳/۳۰ روز یکشنبه نیز عده‌ای چماقدار به مرکز امداد پزشکی (وابسته به‌دانشگاه) حمله ور شده و قصد تصرف آنرا داشتندکه‌دراثر مقاومت و اعتراض دانشجویان ، پزشکان و کارکنان آن مجبور به عقب نشینی می گردند.

درضمن والدین نسرین رستمی خواهری که در خوادث‌اخیر شیراز به علت اصابت گلوله شدیدا مجروح شده است ، شکوائیه‌ای به مقامات نوشته و در آن نسبت به مجروح شدن دخترشان اعلام جرم کرده‌اند.

ملایر:

روز ۵۹/۲/۱ حدود ۲۰۰ نفر از اوباش‌وعناصرناآگاه‌تحریک‌شده به انجمن جوانان مسلمان ملایر حمله می‌کنند که با مقاومت برادران هوادار انجمن و اعضای خانواده‌های آنهاروبرو گشته‌و پس از شکستن شیشه‌ها و پرتاب کوکتل مولوتف ناچار به ترک محل مذکور می‌گردند. سپس عده‌ای از عناصر مذکور نیز به دفتر انجمن دانش‌آموزان مسلمان یکی از دبیرستان‌های دخترانه، حمله‌ور شده و خسارت‌هایی به آن وارد می‌نمایند

در جریان درگیری‌های فوق بیش از ۳۰ نفر از هواداران انجمن‌های مذکور مجروح گردیده‌اند.

درحاشیه حوادث دانشگاه‌ها

طبق خبرهای رسیده بعدازظهر روز یکشنبه ساعت ۳ سردمداران چند گروه مسلح در یکی از باغات در اطراف تهران جلسه‌ای داشتند دراین جلسه هماهنگ کردن عملیات این گروهها مورد بررسی قرار گرفت‌هرکدام از این گروهها، عصرهمان روز درمینی‌بوس از عناصر وابسته‌به یکی از این دسته‌ها برای شرکت در درگیریهایی دانشگاه‌ها به تهران اعزام شد، کلیه‌ی عناصر مسلح به سلاح گرم بودند.

از سرویس خبری "مجاهد":

درشهرستانها چه می‌گذرد ...؟

اهواز:

بدنبال حرکتهای اخیر درسطح دانشگاه‌ها، شورای سرپرستی دانشگاه اهواز اطلاعیه‌ای صادر کرده وطی آن ضمن تاکید بر وحدت نیروها در قبال امپریالیسم، خواستار جلوگیری از تشنج در محیط پاک‌دانشگاه و به خاک وخون کشیده شدن جوانان بی‌گناه شده است. همچنین هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اهواز نیز طی اعلامیه‌ای خاطرنشان کرده‌اند که اقدام اخیر شورای‌انقلاب در زمانیکه کشور عزیز ما درگیر مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی داخلی و تهاجم همه‌جانبه‌ی امپریالیسم آمریکا و کشورهای متحد آن می‌باشد، درجهت منافع و مصالح انقلاب خونین مردم مانخواهد بود. دراین اعلامیه ضمن محکوم کردن هرگونه فشار علیه فعالیتهای دانشجوئی و حمله‌ی گروههای تحریک شده و غیرمسئول به محیطهای آموزشی گفته شده که در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز به دلائل خاص از جمله جاری شدن سیل و مشکلات اداری و دیرشدن کلاس‌ها، تکمیل برنامه‌ی آموزشی در مهلت کوتاه تعیین شده از طرف شورای انقلاب برای دانشجویان و هیئت علمی این دانشکده امکان پذیر نخواهد بود وآنها را با مشکلات حل نشدنی مواجه خواهد ساخت.

کاشان:

بدنبال تحریکات روزهای اخیر، ساعت ۹/۵ شب سی و یکم فروردین، حدود ۲۰۰ نفر از اوباش، به کتابخانه‌ی حنیف‌نژاد واقع در محله‌ی سنگسر هجوم می‌برند. هواداران سازمان با شناخت انقلابی مقابل کتابخانه زنجیر ایجاد کرده و با شعار مرگ بر آمریکا زنده باد اسلام سعی درجلوگیری از هجوم اوباش به کتابخانه می‌کنند، پس از چندلحظه اوباش با تهاجم خوددرب کتابخانه را وحشیانه خراب کرده،

تعدادی از فروشندگان مجاهد حمله کرده و آنها را به شدت مضروب می‌کنند. هم‌چنین روزسی‌ویکم نیز این عده به سردمداری ناظمیان، قربان‌مرادی و علی‌مهدوی به‌تعداد دیگری فروشندگان مجاهد،حمله کرده و آنها را مضروب می‌کنند. شدت ضربات به‌حدی بوده که برادران به بیمارستان منتقل می‌شوند. آنها همچنین تهدید می‌کنند که روز دوشنبه کار را یکسره خواهندنمود.

مسجدسلیمان:

روز ۳۱ فروردین در ساعت ۵/۵ بعدازظهر به مناسبت سالگرد شهادت ۷ تن از اعضای سازمان مراسمی درمسجدسلیمان برگزار شد. در این مراسم که بیش از ۱۰۰۰ تن شرکت کرده‌بودند، برادر مجاهد محمدباقر بیگدلی‌کاندیدای‌نمایندگی از اهواز سخنرانی‌کرد. او ضمن تجلیل از شهدای مجاهدین خلق، برلزوم وحدت مردم برای مبارزه علیه امپریالیسم تاکید نمود.

همدان:

حدود ۸ ماه قبل جمعی از جوانان متعهد و مسئول محله‌ی گازران همدان با همکاری اهل محل اقدام به تاسیس کتابخانه‌ی قدس در مسجد این محله می‌نمایند. این کتابخانه با فراهم کردن کتب سودمند و ترتیب سخنرانی و نمایش اسلاید، نقش زیادی در ارتقا آگاهی جوانان محله‌داشته است. تا اینکه در هفته‌های گذشته عوامل واپسگرا طاقت نیاورده و با یورش به این کتابخانه که تا این مدت با پول توجیبی بچه‌ها به کارش ادامه می‌داده، تعطیل می‌نمایند. اعضای شورای کتابخانه‌ی قدس،طی اطلاعیه‌ای، از مقامات مسئول پرسیدند؟ چه کسانی هستند که مراکز فکری و اسلامی را می‌بندند و با آنها مخالفت می‌کنند؟

مجاهد ۵۹,۲,۷

۱

مجاهد شماره ۵۰ مورخ ۵۹,۲,۷

سخنی با دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاهها و مدارس عالی (۱)

بالاخره پس از چند روز ناآرامی‌های خشونت‌آمیز و خونین در دانشگاههای سراسر کشور به نظر می‌رسد که اینک این موج اغتشاش و آشوب که محیطهای آموزش عالی کشور را فراگرفت (و البته از آنهم فراتر رفت) اگر هم تمام نشده‌باشد لااقل فروکش کرده و فرصتی برای یک ارزیابی و بازنگری مجدد به آنچه‌که گذشته پیش آمده‌باشد. ویرانی‌ها و خرابی‌های وسیع بجا مانده از این موج،و صدها بلکه هزاران زخمی و مجروح و دهها نفر کشته، مضافا بر آثار زیانبار اجتماعی و سیاسی آن چیزی است که به این ارزیابی ارزش خاص خود را می‌بخشد و حتی آن را ضرورتی موکد می‌سازد.

در این نوشته قصد ما بر این است که با طرح مطالب و مسائلی به خصوص دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاهها (و همچنین سازمانهای‌دانشجویان‌مسلمان) را به این ارزیابی فراخوانیم. علت اینکه ما این دانشجویان را مخاطب قرار داده‌ایم این است که صرفنظر از دست‌های موجود در پشت صحنه، این انجمن‌های اسلامی بودند. که ظاهرا "مبدع" و مبتکر و مجری این ماجرا تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" و "دانشگاه اسلامی" شدند و موجب بروز چنان حوادثی گشتند و البته ما، دانشجویان "عضو" این‌انجمنها را مخاطب قرارداده‌ایم، چرا که به نظر ما قاعدتا این خواهران و برادران دانشجو (صرفنظر از مسئولین و گردانندگان این انجمنها) باید آمادگی بیشتری جهت این بررسی وارزیابی داشته باشند.

این خطاب و دعوت همچنین مبتنی بر رعایت این نکته است که یک دانشجو به هر حال عضوی از محیط دانش و آگاهی و روشنفکری جامعه است، و می‌تواند از چنان ذهنی پویا و حقیقت‌جو برخوردار باشد، (یعنی قاعدتا هست) که صرفنظر ازجهت‌گیری‌های اولیه‌ی فکری وسیاسی، اشتباهات و الزامات و خطوط نادرست را هر چه

هشدار مجاهدین خلق در مورد تعطیل مدارس سراسر کشور

به‌نام خدا

و

به‌نام خلق قهرمان ایران

به دنبال شکست تلاش‌های انحصارطلبان برای به تعطیل کشاندن کلیه‌ی دانشگاههای سراسر کشور و قراردادن توده‌های مردم رودرروی دانشجویان دانشگاهها، به نظرمی‌رسد که این بار مدارس به عنوان هدف این اقدامات تفرقه‌افکنانه انتخاب شده‌است.

مطابق آنچه مطبوعات اعلام کرده‌اند، آقای پرویز علی آبادی رئیس آموزش و پرورش قائم‌شهر با یک اولتیماتوم تهدید کرده‌است که مردم را برای فیصله‌دادن مسائل به مدارس دعوت خواهدکرد. و این امر با توجه به سوابق مساله،در واقع تهدید مدارس و حمله و ضرب و شتم محسوب می‌گردد.

مجاهدین خلق‌ایران به این وسیله هشدار می‌دهندکه در شرایطی که امپریالیسم امریکا از هرنوع توطئه برای ضربه‌زدن به خلق بپاخاسته‌ی ایران فروگذار نمی‌کند، این نوع اقدامات تفرقه‌افکنانه که در واقع تلاشی است برای به تعطیل کشاندن کلیه‌ی مدارس سراسر کشور هیچ ثمری جز آب ریختن به آسیاب امپریالیسم ندارد.

مجاهدین خلق از مقامات مسئول و به خصوص شخص ریاست جمهور تقاضا می‌کنند که با رسیدگی هرچه سریع‌تر به این مساله از بوجودآمدن کانون‌های نوین آشوب و به تعطیل کشیده‌شدن مدارس جلوگیری نمایند.

۵۹/۲/۵ - مجاهدین خلق ایران

سخنی با دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاهها و مدارس عالی

مجاهد ۷،۲،۵۹ (بقیه) ۲

بقیه از صفحه اول

زودتر دریابد ، و با غلبه بر آن جهت گیری و خط خود را تصحیح کند . به علت همین دینامیسم است ، که دانشجو می‌تواند به سرعت با ارزیابی نتیجه‌ی عملکردهای خود و فکری که در پشت این عملکردها قرار دارد ، پرده‌های عصبیت و قشری‌گری را که میراث گذشته‌هاست در ذهن خود بدرد و حق و حقیقت را پذیرا شود .

به هر حال اکنون که‌گرد و خاک صحنه‌های نبرد فتح دانشگاه‌ها ! فرو نشسته است ، ببینیم که ماجرا چه بود و ما به دنبال‌چه بودیم و چه چیزی بدست آورده‌ایم و به چه قیمتی ؟

برای این ارزیابی می‌توان سوالات مختلفی را طرح کرد . مثلا حول محورهای هدف ، وسیله و نتیجه .

براستی آیا هدف چه بود ؟ انقلاب فرهنگی ؟ دانشگاه اسلامی ؟ آیا به راستی هدف انقلاب فرهنگی بود ؟ چه تصویر وتصوری از این انقلاب فرهنگی و دانشگاه‌اسلامی‌وجوددارد ؟ این دانشگاه اسلامی چگونه دانشگاهی است ؟ چه طرح و تصویر روشنی از آن ارائه شده است ؟

آیا هدف تصفیه‌ی دانشگاهها از عناصر وابسته و بقایای رژیم سابق بود ؟ و آیا این افراد معلوم‌ومشخص‌اند و مثلا لیستی از آنها موجود است ؟ (ازانتشار لیست ساواکی ها که تاکنون دریغ شده است . وحتی بعضی فرموده‌اند که انتشار لیست اسامی ساواکی‌ها به مصلحت نیست !)

یا اینها فقط شعار ظاهر کار بود و هدف در واقع چیزدیگری بود که طراحان آن در پشت صحنه قرار داشتند . مثلا آیا هدف تصفیه‌ی گروههای سیاسی و به ویژه مجاهدین خلق نبود ؟ آیا هدف این نبود که موج فتح و تصرف از مراکز دانشگاهی به سوی دفاتر و مراکز سازمان مجاهدین خلق هدایت شود (به‌نظیر آنچه در مشهد اتفاق افتاد)و بهر قیمتی ؟ ! آیا هدف (البته بزعم طراحان) از بین بردن‌پایگاههای گروههای سیاسی (وبه‌ویژه مجاهدین) در دانشگاهها نبود ؟ تا مثلا این گروهها پایگاههای‌خودرا (که‌بزعم آقایان فقط دردانشگاههاست) از دست بدهند وآنگاه راه تصفیه وذبح آنها هموار شود (البته بازهم بزعم طراحان) .

ویاآیا هدف ،البته هدف طراحان پشت صحنه و حزب‌نشین حتی‌گسترده‌ترازاین ،یعنی‌به‌آشوب‌کشیدن‌تمام مملکت‌جهت‌ماهی گرفتن از آب گل‌آلود (البته یک ماهی بسیارگنده !) مثلا یک کودتا گونه ؟ ! و مستاصل کردن وبرانداختن رئیس‌جمهورنبود ؟

و آنگاه راه رسیدن به‌این هدف‌ها (هرکدام که فی‌الواقع هدف بود) چه بود ؟ تعطیل دانشگاه‌ها،تهاجم به دانشگاهها،به آشوب کشیدن و ایجاد درگیری و کشت و کشتار ؟ ! برچیدن مراکز و دفاتر گروههای دانشجویی ؟ ! حمله به مراکز سازمانهای سیاسی درخارج دانشگاه ؟ ! وارد کردن دسته‌های چماقدار و چاقوکش و تفنگدار و هفت‌تیر بند به میدان . . . . . ؟ ! همراه با موجی از تبلیغ برای باصطلاح انقلاب فرهنگی و دانشگاه اسلامی و موجی از تبلیغات برضد دانشگاه و دانشگاهی از قبیل اینکه دانشگاه لانه‌ی فساد است ،دانشگاه پایگاه امپریالیسم است‌و . . . . .که ازطرف تئوریسین‌های دانشمند و نوآور ! با استفاده از هر فرصتی بعمل آمد،از نمازهای جمعه تا صفحات روزنامه بسیار آبرومند و انقلابی و جمهوری خواه ! برای ساختن زمینه‌های مناسب جهت براه انداختن ماجرا و رسیدن به هدف . وبالاخره نتیجه‌ی بدست آمده چه بود ؟

اما اگر هدف انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادی در نظام آموزش عالی و ایجاد باصطلاح دانشگاه اسلامی بود (که لااقل‌توده‌ی دانشجویان عضو انجمنهای اسلامی با این شعارها توجیه شده وبه حرکت درآمدند) آیا این خواهران و برادران دانشجو می‌دانستند و می‌دانند که منظور از این انقلاب فرهنگی و دانشگاه اسلامی چیست ؟ آیا به شما تصویر روشنی از این مفاهیم داده شده بود و شما دقیقا می‌دانستید که دنبال چه هستید و چه چیزی را می‌خواهید جایگزین چه چیز دیگری بکنید ؟ لابد قبول دارید که حرکت یک دانشجو باید ملازم با دانش وآگاهی باشد،دانشجو باید در روشنی گام برداردودر ابهام حرکت نکند . آیا براستی این مسائل برای شما روشن بود ؟ آیا به شما گفته بودند که ،فرهنگ ناوابسته و اسلامی و دانشگاه اسلامی که تبلیغ می‌شد دارای چه ویژگیهائی است وچگونه سیستمی است‌البته منظور نه‌حرفها وشعارهای کلی بلکه طرح و شمای معین عملی و قابل پیاده شدن است .

بدون شک‌هیچ نیروی مترقی و انقلابی با انقلاب فرهنگی و ایجاد دگرگونی بنیادی (البته دگرگونی انقلابی وروبه‌جلو) در نظام آموزشی و دانشگاهی مخالفتی ندارد،اما به شرط اینکه اولا تصویر روشنی از چنین حرکتی داشته باشیم وثانیا باشرایط و الزامات آن آشنا باشیم وثالثاو مهمتر اینکه چنین قصد و حرکتی را به‌شائبه‌های فرصت طلبانه سیاسی آلوده نکنیم و آن را وسیله برای نیل به‌اهداف انحصارطلبانه و ارتجاعی وبرای تصفیه حسابهای گروهی وشخصی قرار ندهیم .

راستی چرا یکدفعه انقلاب فرهنگی از اولویت خاص و حق‌تقدم برخوردار شدآیا منشا تمام مشکلات کنونی جامعه درنظام دانشگاهی است ؟آیا انقلاب درزمینه‌های دیگر یعنی درزمینه‌های سیاسی ، اقتصادی و نظامی به پایان و یا به یک نقطه‌ی موفقیت قاطع رسیده ؟ و یاحتی در بعضی زمینه‌ها واقعابه‌نحورضایت بخشی شروع شده‌است ؟ تا پرچم انقلاب فرهنگی برافراشته شود ؟ آیا مسالهٔنان وگوشت ومسکن و بهداشت مردم در حد رضایت بخشی حل شده‌اند ؟ یا ریشه‌ی این مشکلات هم در نظم کنونی دانشگاهها است ؟

راستی چرا انقلاب فرهنگی در این مقطع یعنی بازهم درآستانه‌ی مرحلهٔ دوم انتخابات‌مجلس شورای ملی علم شده‌است ؟

بدون شک شما حداقل هماهنگی وملازمت انقلاب درزمینه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی را منکر نیستید.حال آیا به نظر شما درست است که برای یک انقلاب همه‌جانبه درکلیه‌ی این زمینه‌ها،حرکتی برانگیخته شود و عده‌ای تمام نهادهای جامعه را درهم بریزند ویا متوقف بکنند ؟ یا مثلا کارگرها یعنی کارگرهائی که طالب یک انقلاب اقتصادی و اقتصادی ناوابسته به امپریالیسم هستند و احیانا به آن اولویت نیز می‌دهند،خود راسا به‌توقف و تعطیل کارخانه‌ها و مراکز اقتصادی‌اقدام کنند ومراکز دیگری را مورد حمله و هجوم قرار بدهند ؟ و یا آیا شما نظیر چنین حرکتی را در ارتش تجویز می‌کنید ؟ شمایکه مدعی قبول داشتن دستگاه وحمایت قاطع از نظم حاکم واز قانون و دولت و شورای انقلاب هستید :

راستی شما چند درصددانشجویان دانشگاههاراتشکیل‌می‌دهید ؟ آیا رای و نظر دیگر دانشجویان در نظر شما فاقد هرگونه احترامی است ؟ آیا شما می‌خواهید انقلاب فرهنگی و دانشگاه اسلامی را به‌جبر و زور بر همه‌ی دانشجویان دانشگاهها تحمیل کنید ؟ و آیا شوراهای دانشگاههاو حتی مقامات مملکتی (همان مقاماتی که شما بهرحال آنها را قبول دارید) در این‌زمینه نباید نقشی ایفا کنند ؟ آیا گمان نمی‌کنید که چنین حرکتی به نام اسلام نتواند هیچ کمکی به مقبولیت و مطلوبیت چهره‌ی اسلام بکند وبلکه موجب دفع و دور کردن دیگران از اسلام بشود ؟ آیا شما برای دیگر گروههای دانشجوئی نیز چنین حقی قائلید که به جبر و زور نظرخودشان را بر کلیه‌ی دانشجویان تحمیل کنند ؟ یا شما برای خود و انجمنهای اسلامی خودتان موقعیت ویژه‌ای (مثلا موقعیت نورچشمی‌ها) را قائل هستید ؟

وآنگاه این انقلاب فرهنگی برای ــ پی‌افکندن دانشگاه اسلامی ازچه راهی می‌گذرد ؟ حمله واشغال و تصرف دانشگاهها و اعلام تعطیل و انحلال بدون هیچگونه به‌حساب آوردن دیگران ،بدون داشتن هیچگونه طرح مشخصی از نظم دانشگاهی مطلوبی که باید جایگزین شود،آیا این یک اقدام کور ، و یک حرکت زورگویانه وهرج‌و مرج طلبانه نیست ؟ راستی شما درامر تصرف بعضی دانشگاهها چگونه موفق شدید،چه نیروهائی به یاری شما شتافتند ؟ آیا بدون چوب و چماقها و دشنه‌ها ی آنها و بدون تفنگها که از شما حمایت کردند می‌توانستید ؟لااقل با خویشتن صداقت داشته باشید . آیا می‌دانید که مثلا درمشهد درحمله به دانشگاه جهت تصرف آن ، ازبرخی کارگران ناآگاه سلاح استفاده شده است ؟آیا می‌دانید که‌یک‌تشکیلات وابسته به یک حزب،روز چهارشنبه ۲۷ فروردین دستور بسیج کلیه‌ی نیروهای چماق بدست راصادر کرد و تجویز نمود که بعضی ها باید مسلح به سلاح گرم باشند ؟ آیا می‌دانید که یکی از مسئولین همان حزب به افراد خودش تعلیم می‌داد ، که دانشگاهها باید حتما تعطیل بشوند و به آنها رهنمود می‌دادند که به‌هر قیمتی باید دانشجوها را از دانشگاه بیرون راند وروی اخراج کامل استادان پافشاری نمود (وتازه بعداز دستور شورای انقلاب مبنی بر لزوم بازبودن دانشگاهها تا ۱۵ خرداد) .

آیا این است راه و رسم انقلاب فرهنگی ؟ صرفنظر از پشت‌پرده در روی صحنه هم ببینید که چه نیروهائی از اقدامات شماحمایت کردند،آیا دوآتشه‌ترین حمایت کننده،همان روزنامه‌ی جمهوری نبود ؟ آیا مطمئن هستید که در پشت این حمایتها با شعار انقلاب فرهنگی هیچ شائبه‌ی سیاسی قدرت پرستانه و فرصت‌طلبانه‌ای نخوابیده‌بود ؟ آیافکر نمی‌کنیدکه‌چرا و چگونه شعار انقلاب‌فرهنگی شمابلا فاصله‌به‌مساله تصفیه‌ی‌گروه‌های‌دانشجوئی هوادارگروههای‌مختلف‌سیاسی تبدیل شد ؟

مجاهد ۵۹,۲,۷

۱

مجاهدین خلق ایران با اعلام آمادگی همه جانبه علیه امپریالیستهای امریکائی، قطع همه‌ی تحریکات و درگیری های داخلی را خواستارند

به نام خدا

و

به نام خلق قهرمان ایران

و قلت لکم اغزوهم قبل ان یغزوکم. فوالله ما غزی قوم قط فی عقر دارهم الا ذلوا

(علی علیه السلام)

و به شما گفتم پیش از آنکه آنها به جنگ شما بیایند شما به جنگشان بروید. پس به خدا سوگند هرگز با قومی در میان خانه و دیارشان جنگ و تجاوز نشد مگر آن که خوار گشته باشند.

تجاوز نظامی امپریالیست‌های آمریکائی به میهن ما، بار دیگر ضرورت حداکثر آمادگی و بسیج تمام نیروهای خلق را علیه آنان صرفنظر از هرگونه اختلافات گروهی و قومی و عقیدتی به اثبات می‌رساند.

مجاهدین خلق ایران ضمن اعلام آمادگی همه جانبه‌ی خود در این مسیر، تذکر موارد زیرین را نیز به منظور تحقق همین بسیج تمام عیار توده‌ای لازم می‌بینند:

۱ـ تجاوز نظامی آمریکای امپریالیست بار دیگر این حقیقت را که صدها و هزاران بار از جانب ما مورد تاکید قرار گرفته مد نظر قرار می‌دهد که هرگونه تفرقه‌اندازی و دامن زدن به اختلافات و تضادهای فرعی از هر قبیل که باشد جز در خدمت دشمن (امپریالیسم) نیست. و چنین است که کارتر، سردمدار امپریالیست‌ها بلافاصله پس از وخیم خواندن اوضاع داخلی ایران به تجاوز نظامی تصمیم گرفته است. از این نظر بسیار جالب توجه است که تجاوز امپریالیست‌های آمریکائی به خاک میهن ما درست در شرایطی صورت می‌گیرد که سراسر کشور را موج درگیری‌های داخلی فراگرفته است. شرایطی که به قول علی (ع) طمع دشمن را برانگیخته و وحدت همه‌ی جناح‌های آن را، علیه ما موجب شده است. و به راستی هم وقتی صحنه‌ی داخلی ایران مملو از این همه تفرقه اندازی‌های عقیدتی و سیاسی است، چرا که امپریالیست‌ها تماما برای محاصره‌ی اقتصادی و سیاسی و نظامی ما متحد نشوند. اینجاست که علی(ع) فریاد می‌زند که:

والله یمیت القلب و یجلب الهم اجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم.

و به خدا سوگند که اجتماع و وحدت عمل (دشمنان) بر مواضع باطلشان در برابر تفرقه و اختلاف شما بر حقوق (ضد

امپریالیستی)تان،دل را می‌میراند و اندوه بر می‌انگیزد.

۲ـ مساله‌ی دانشگاهها وموج تفرقه و خشونتی که برانگیخت،یکی از مهمترین موارد درگیری است. البته اتاق‌های تمامی گروه‌های مورد نظر دانشجوئی در سراسر کشور به رغم حقوق صنفی ،واجتماعی و سیاسی انکار ناپذیرشان، تخلیه شده است. باشد که راه هرگونه ماجراجوئی انحصار طلبانه‌ای که می‌رفت با مشغول کردن اذهان مردم به درگیری‌های دانشگاه، دست امپریالیست‌ها را بیش از پیش در این کشور آزاد گذارد، مسدود گردد. لکن برخی تحریکات و فتنه‌گری‌های پر از دروغ روزهای اخیر،مبین تفرقه‌اندازی‌ها و جنگ افروزی‌های بازهم بیشتری است. از این رو درست در حالی که محیط دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور به سمت آرامش پیش می‌رود مجاهدین خلق ایران نهایت تاسف خود را از تحریکات فوق‌الذکر اعلام و باز هم از تمام نیروهای آگاه و ترقی‌خواه حد اکثر هوشیاری در این مورد را طلب می‌کنند. بدیهی است مفاد اعلامیه‌های رئیس جمهوری در مورد حفظ آرامش و احترام به حقوق سیاسی و اجتماعی همه‌ی احزاب و سازمان‌ها بایستی از جانب کلیه‌ی نیروها رعایت گردد.

در این مورد از رئیس جمهوری نیز انتظار می‌رود که به هرج‌و مرج طلبان و برهم زنندگان آرامش دانشگاه‌ها بفهمانند که پیش بردن کشور به جانب جنگ داخلی،بیش از همه خود آن‌ها را متضرر خواهد نمود. متذکر می‌گردیم که ما به گواهی همه‌ی مقامات مسئول حداکثر اهتمام و خویشتن‌داری را در حفظ نظم و آرامش دانشگاه‌ها مبذول داشته‌ایم. و از این حیث دیگر قابل قبول نیست که کسانی بخواهند چه با سخنرانی و چه با سفر به این شهر و آن شهر مجددا دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور را به صحنه‌ی جنگ و برخورد تبدیل کنند. به خصوص که اکنون روشن شده است که درگیری در دانشگاه‌ها جز به سود مطامع امپریالیستی نبوده و صرفا به مثابه‌ی ابزاری به منظور منحرف کردن اذهان عمومی و دستگاه‌های مسئول از مساله و مسئولیت‌های

بقیه‌در صفحه ۳

اساسیشان که همانا ریشه‌کنی همه‌جانبه‌ی امپریالیستها باشد بکار گرفته‌شده است.

۳ـ کردستان صحنه‌ی دیگری از نهایت اوج‌گیری درگیری‌های داخلی ماست. به اعتقاد مجاهدین خلق ایران،حل اساسی مساله‌ی کردستان تنها و تنها در گرو احقاق حقوق خود مختاری داخلی و به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت مردممان در آن خطه بوده و از طریق عملی نمودن هرچه سریعتر مفاد پیام تاریخی مورخ ۲۶ آبان امام خمینی میسر است. و اساسا پس از آن می‌توان مرز روشنی میان انقلاب و ضد انقلاب در منطقه ترسیم نموده و موضع دقیق هر نیروئی را مشخص ساخت. از این حیث چون بنا به جمیع واقعیات سیاسی و اجتماعی موجود تا احقاق حقوق اساسی مردم کرد هیچ پایان و حد و مرزی بر این درگیری‌ها (به رغم نوسانات موضعی) متصور نیست، ما بار دیگر به خاطر بهروزی هموطنان کردمان و نجات کل انقلاب از هرگونه مطامع و توطئه‌های امپریالیستی تحقق هرچه سریعتر مفاد پیام امام خمینی را مقدم بر هر اقدام دیگر (که طبعا به پیچیدگی و دخالت اوضاع می‌افزاید) خواستاریم.

۴ـ چون تردیدی نیست که آمریکا تنها به اتکاء شبکه‌ی گسترده‌ی جاسوسی خود در ایران و همکاری سازمان جاسوسی انگلیس توانسته است تدارک حمله‌ی نظامی به کشور ما را ببیند،باز هم برای صدمین و هزارمین بار تکرار می‌کنیم که بدون افشاء و الغاء جمیع قراردادها و روابط و شبکه‌های جاسوسی و منجمله ساواک، مبارزه‌ی ضد امپریالیستی هیچ عمقی نداشته و تنها در سطح به شعر و شعار و راهپیمائی محدود شده و چه بسا به مثابه‌ی ابزاری برای‌تصفیه‌ـ حساب‌های سیاسی در داخل کشور به کار می‌رود. بنابراین اکنون که روشن می‌شود که بدون حمایت شبکه‌های داخلی،احتمال هرگونه برنامه‌ریزی و نقشه‌کشی برای ایران منتفی است، دیگر هرگونه تردید و تاخیر در افشاء و الغاء موارد مزبور گناهی نابخشودنی بر علیه

مجاهد ۵۹٫۲٫۷ (بقیه) ۳

تاریخ و انقلاب ایران محسوب شده و روسیاهی ابدی را در پیشگاه خالق و خلق باعث می‌شود. تعجبی ندارد که در شرایط حضور این شبکه‌ها، هر روز می‌توان به سادگی بسیج ضد امپریالیستی را به جانب نیروهای انقلابی منحرف ساخت و حتی خود آن‌ها را هم برچسب به اصطلاح امپریالیستی زد! به عبارت دیگر اجازه می‌خواهیم تا در پیشگاه تمام مردم ایران، این حقیقت را برملا کنیم که دلیل غفلت از تهاجم آمریکا و عدم آمادگی کامل در مقابل آن، هیچ چیز جز مشغول شدن و مشغول نمودن به اختلافات و درگیری‌های فرعی که برخی سردمداران دسته‌بندی‌ها در آن ید بسیار طولانی دارند نیست. پس بگذارید ما به خلقمان شکایت کنیم که چرا در حالی که امپریالیست‌ها در صدد آمادگی برای پیاده شدن در خاکمان بودند، بجای آمادگی و تهاجم برعلیه آنها، دانشگاه‌ها مورد هجوم قرار می‌گیرد؟

۵ – بااینهمه مجاهدین‌خلق‌ایران بااعتقادی‌راسخ‌تر ازهمیشه نهایت‌آمادگی‌خودرابرای هرگونه‌هماهنگی وهمکاری‌درخطوط ضدامپر- یالیستی‌باکلیه‌ی‌مقامات‌وارگان‌های‌مسئول‌به‌پیشگاه خلق‌قهرمان‌ایران و شخص‌امام‌خمینی‌اعلام‌می‌داریم. وبااستناد به‌این‌گفته‌ی‌وحدت‌طلبانه‌ی امام‌خمینی‌که "هرچه‌فریاد دارید برسر آمریکا بکشید" بار دیگرخاتمه‌وقطع هرگونه‌تحریکات ودرگیری‌های‌داخلی‌را آرزو می‌کنند.

مرگ بر امپریالیسم آمریـــکا

زنده باد وحدت ضد امپریالیستی تمام خـــلق

مجاهدین خلق ایران ۵/ اردیبهشت/ ۵۹

مجاهد ۵۹/۲/۸

مجاهد شماره ۵۱
۵۹/۲/۸

نامه شورای مدیریت دانشگاه به امام جمعه تهران

بنام خدا

در استعفانامه‌ی خود به تاریخ ۵۹/۲/۳ اعلام کردیم، حقایق را هرچه‌زودتر به اطلاع امام و امت خواهیم رساند، اینک آمادگی کامل خود را برای روشن شدن واقعیت‌ها به هر شکل از جمله مناظره‌ی تلویزیونی و یا مصاحبه‌ی مطبوعاتی اعلام می‌داریم، ولی با توجه به حمله‌ی نظامی و ناجوانمردانه‌ی امپریالیسم کثیف و جهانخوار آمریکا که با یک برنامه‌ی کاملا" تنظیم شده صورت گرفت، چون نمی‌خواهیم ضد‌انقلاب فرصت کوچکترین سوءاستفاده از موقعیت فعلی در تضعیف ارگان‌های تصمیم‌گیری مملکت را پیدا کند، فعلا" برای حفظ انقلاب عظیم اسلامی از بیان واقعیت‌ها خودداری کرده ولی آمادگی کامل داریم، هر زمان که اتهام زنندگان از جمله آقایان سیدعلی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی اعلام آمادگی نمایند، حقایق را به اطلاع امام و امت که بهترین قضاوت کنندگان هستند، برسانیم. تا خادم از خائن‌بازشناخته شود. *و ان وعدک‌الحق و انت احکم الحاکمین.*

مدیریت سابق دانشگاه تهران

مجاهد:

ضمن‌ابراز تاءسف از نحوه‌ی برخورد غیر منصفانه،با مدیریت دانشگاه تهران و همه‌ی استادان بردباری که در طول ۱۴ ماه گذشته همه‌ی رنج‌ها را به جان خریده و فریادها و اعتراضاتشان به انواع و اقسام قانون شکنی‌ها و دخالت‌های ناروا حتی در حد استعفاء نیز به جایی نرسیده:

اولا" ـ از پیشنهاد مناظره‌ی رادیو تلویزیونی‌استادان‌وطرح‌همه‌ی حقایق این دوره در پیشگاه مردم ایران قویا" پشتیبانی نموده و مصرا" آن را خواستار می‌شویم.

ثانیا" ـ نیروهای انقلابی و مردم آگاه ایران به رغم هر گونه ایراد به کل نظام‌آموزش عالی زحمات و رنج‌های استادان را هیچ گاه فراموش نخواهند نمود، نام چنین استادانی عزیز و غیرتمند نیز که خود در زمره‌ی نخستین معترضین به کل نظام آموزش عالی بوده‌اند، بی‌تردید به خاطر پایمردی در مقابل چماق و چماقداری و حفاظت ازحرمت و شرف سنگر آزادی در سر لوحه‌ی تاریخ دانشگاه خواهد درخشید.

سخنی با دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاهها و مدارس عالی (۲)

درشماره‌ی قبل طی سخنی با دانشجویان عضو انجمن‌های
سلامی گفتیم که آیا می‌دانید هدف از تصفیه‌ی دانشگاهها چه بود ؟
یا انقلاب فرهنگی که شما تنها مجری آن بودید چگونه تحقق می‌یابد ،
یاانقلاب فرهنگی با هرج‌ومرج وچماق قابل پیاده شدن است ، اینک
ه بقیه‌ی مطالب توجه بفرمائید .

آیا با برچیدن مراکز و دفاتر
سها و سازمانها وکلا تشکلهای
نف دانشجوئی‌از دانشگاه ،انقلاب
نگی ودانشگاه اسلامی‌تحقق
ذیرد ؟ وچرا ؟مگرشماترس ووحشتی
ین تشکلها دارید ؟ آیا گمان
سید که با برچیدن آنها و احیانا
ایجاد جو اختناق دردانشگاه
وانید با آنها مقابله و خودتان
پیشرفت کنید ؟ مگر شما طرفدار تبلیغ
وبحث آزاد از طریق "حکمت‌وموعظهٔ
حسنه" نیستید ؟ آیا گمان می‌کنید با
اعمال فشار و ایجاد اختناق می‌توان
به جنگ افکار و ایدئولوژیها رفت ؟
آیا این امر نمی‌تواند نشاندهنده‌ی
فقرفکری، فرهنگی‌وایدئولوژیک شماباشد؟
عضو یکی از انجمنهای اسلامی
(تربیت‌معلم – جمهوری‌اسلامی ۳۰
فروردین) اظهار می‌دارد"مامعتقدیم
گروههای سیاسی چون حیات‌اجتماعی
خود را به همین اطاقهای موجود در
دانشگاه وابسته می‌دانند و پایگاه
مردمی ندارند بخودی خود اطاقها را
ترک نمی‌گویند و با تعطیل دانشگاه
نمی‌توانندموافق باشند" و بدین
ترتیب از نظر وی (نظرانجمنهای
اسلامی) باتعطیل دانشگاه‌ها (که
لازمه‌ی انقلاب فرهنگی موردنظرشان
است) گروهها مجبور می‌شوند که
اطاقها و مراکز خود را ترک کنند واز
آنجا که پایگاه مردمی ندارندباخروج
از دانشگاه،حیات اجتماعی خود را
از دست می‌دهند ؟ آیا راستی چنین
است آیا این منطق درستی است ؟اگر
گروهی پایگاه‌مردمی نداردچه‌ضرورتی
دارد که برای‌جلوگیری از فعالیت‌آن
در دانشگاه، دانشگاه را به تعطیل
کشاند ؟ وانگهی شما که لابد باعتقاد
خودتان دارای پایگاه مردمی هستید
چرا نمی‌خواهیدبا دایر بودن فعالیت
دانشگاهها ، توده‌ی دانشجو را نیز
جذب کرده و با بسط دادن پایگاه –
های خود به محیط های‌روشنفکری،آن
را نیز تسخیر کنید ؟ (بخصوص که
اطاقها و امکانات شما نیزاگر بیشتر
نباشد ،کمتر از دیگران نیست) آیا
نمی‌توانید ؟ واگر نمی‌توانید، چرا ؟
و اگر نمی‌توانید، مطمئن باشید که
با برچیدن مراکزتشکلهای دانشجوئی

بقیه‌در صفحه ۲

۵۹/۲/۸

مجاهد ۵۹/۲/۸ (تقه ۲)

بقیه از صفحه اول

سخنی با دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی دانشگاهها و مدارس عالی (۲)

در دانشگاه ها و باتعطیل کردن دانشگاه‌ها نیز به جائی نمی‌رسید.

و بازمطمئن باشید که اگرگروهی دارای ماهیتی مترقی ،مردمی و رشدیابنده باشند، نمی‌توان با بستن درهای دانشگاهها بر روی‌آن از رشدش جلوگیری نمود. بدون شک چنین گروهی نیروها و پایگاههای خود را درهرکجا که باشند پیدا می‌کند. آیا به یاد دارید که دررژیم شاه مبارزات دانشجوئی و حرکات انقلابی سازمانهای پیشتاز که‌عمدتا متشکل از روشنفکران و دانشجویان بودند، از طرف ایدئولوگ‌هاو تئوریسین‌های رژیم چگونه توجیه می‌شد؟ آیا نمی‌گفتند که‌عده‌ای روشنفکر بریده از مردم و فاقد پایگاه در بین توده‌ی‌وابسته به بیگانه و یا در بهترین صورت دستخوش احساسات و شورجوانی؟

البته واقعا ممکن است که گروهی فاقد پایگاه مردمی باشد که در آن صورت برای برخورد با آن به هیچ وجه به چنین تدابیری (آنهم از طرف گروههائی که پایگاه مردمی دارند) نیاز نیست واگر هم گروهی دارای پایگاه مردمی باشد بدون‌شک در محیطهای روشنفکری نیز دارای پایگاه خواهد بود و با چنین‌تدابیری نیز چنانکه گفته شد نمی‌توان با آن مقابله کرد و رشد آن را حلوگرفت.

اما آیا گمان نمی‌کنید که طراحان پشت پرده،از براه‌انداختن این جریان قصد داشتند که شما را سپر بلا و وسیله قرار داده و خود به مطامع سیاسی‌خودبرسند.آیا ازبررسی جریان و مسیری که حوادث داشت طی می‌نمود،نمی‌توان داوری کرد که تصفیه‌ی مجاهدین و تصرف وانهدام دفاتر و مراکز سازمان مد نظرطراحان پشت پرده بود ؟آیا می‌دانید که در برخی شهرستانها جریان‌حوادث چگونه بود و مثلا در مشهد چه‌اتفاقی افتاد؟ می‌توانید شرح وقایع مشهد را در نشریه‌ی مجاهد بخوانید.چماق ـ داران و چاقوکشان حرفه‌ای در معیت تعدادی از کارگران ناآگاه سلاخ اجیر شده همراه با بعضی از مرتجعین و تحت ارشاد یکی از مقامات مسئول استان و با حمایت بعضی ارگانهای مسلح پس از فتح دانشگاه مراکز مجاهدین رامورد یورش قرار دادند و با سوءاستفاده از موضع‌گیری وبرخورد انسانی هزاران نفر از هواداران سازمان (که دستور داشتند ازدرگیری وبرخورد متقابل بپرهیزند) بااستفاده از انواع سلاح‌های سردوگرم قریب پانصد تن را مجروح و مصدوم نمودند و مغز یکی از اعضای سازمان را هم با گلوله داغان کردندومراکز سازمان را تصرف نموده و به تحریک آنها پرداختند...

البته اگر توطئه‌ی طرح ریزی شده‌ی کارگردانان پشت صحنه و مسئولین حزب نشین و چادرگزین تماما" توفیق می‌یافت، قرار بود، چنین جریانی در سایر شهرستانها نیز عینا" طی شود. می‌بینید که انقلاب فرهنگی از چه مسیری قرار بود، بگذرد؟ آیا شما واقعا" چنین می‌خواستید؟ آیا برای انقلاب فرهنگی باید مغز مشکین‌فام‌ها را داغان نمود؟ آیا برای انقلاب فرهنگی باید از روی اجساد مجاهدین خلق عبوز کرد؟ و اگر شما دانشجویان چنین نمی‌خواستید، بدانید که کارگردانان پشت صحنه هدفی جز این نداشتند. اطلاعات موثق ما (که شاید در موقع مناسب در اختیارتان قرار گیرد)، حاکی از اینست‌که هدف اصلی از این موج فتنه و آشوب،تصفیه‌ی مجاهدین خلق بود. و معلوم نیست که چرا مدعیان انقلاب و اسلام که به‌زعم خود با حزب فراگیرشان در قلب توده‌های میلیونی مردم جای دارند، این چنین قصد نابود کردن مجاهدین را کرده‌اند. راستی،آیامجاهدین این ـ قدر ترسناک شده‌اند؟ مجاهدین که به ادعای‌شما پایگاهی در بین مردم ندارند، چقدر خوب است که‌آقایان فکر نابود کردن مجاهدین را از سر بیرون کنند. آیا تجربه‌ی سالیان کافی نیست، تا شما را به این حقیقت رهنمون شود، که مجاهدین را دیگرنمی‌شود از بین برد؟ البته می‌توان مراکز مجاهدین را تصرف نمود، می‌توان آنها را دستگیر و زندانی کرد، می‌توان هر گونه تهمت وافترا بدانها واردنمود، می‌توان‌آنهارا به رگبار بست، می‌توان مغز مشکین‌فام‌ها را با گلوله داغان نمود، اما مجاهدین را نمی‌توان از بین برد. پرچم مجاهدین دیگر بر روی زمین نخواهد افتاد، و اگر پرچمداری‌بر زمین افتد، هر لحظه دست دیگر و تواناتری آن را برمی‌افرازد. لازم نیست، دورتر برویم و به زمان شاه برگردیم، همین یک سال‌گذشته را بنگرید. مطمئن باشید، هر ضربه‌ای که به مجاهدین بزنید. سرانجام به خودتان بر می‌گردد،وبرای مجاهدین فقط رشد و کمال به بار می‌آورد. و این از ماهیت متکامل‌و رشد یابنده‌ی مجاهدین و ایدئولوژی آنها برمی‌خیزد، از ماهیت سازمان و حرکتی که منطبق با نوامیس هستی و در جهت خداو خلق است. و با هیچ نیروئی نمی‌توان در برابر پیشرفت و تحقق حقیقت ایستاد. پس بیائید از فکر تصفیه‌ی مجاهدین در گذریدو هیچ خونی را بی‌گناه و به ناحق بر زمین نریزید، البته بدیهی است که در این جا مخاطب ما،همان پشت ـ صحنه‌ای‌ها هستند و نه‌دانشجویان.

و اما آیا می‌توانست هدف از این ماجراها به آشوب کشیدن تمام مملکت برای اجرای بعضی نقشه‌های کودتاگرانه و شخص رئیس جمهور باشد؟ چرا که رئیس جمهور در سرمقاله‌ی روزنامه‌ی انقلاب اسلامی از "بوی‌کودتا" سخن گفت. و هم چنین در سرمقاله‌ی روزنامه‌ی انقلاب اسلامی دوشنبه اول اردیبهشت، حکایت شده است که: گرداننده‌ی جناحی‌از یک‌گروه‌سیاسی به‌دستیاران خود تعلیم داده است، که نباید گذاشت بنی‌صدر موفق شود، و برای موفقیت‌در این کار لازم است که: غیر مستقیم مانع انجام گرفتن کارها بشویم، و وانمود کنیم که او رئیس ـ جمهوری و مسئول امورکشور است و نارسائی‌ها از اوست و....."

در این زمینه علاوه بر اشارات فوق شاید بتوان دلایل دیگری بر این‌که هدف شخص رئیس جمهور بود، اقامه کرد و مثلا" این واقعیت که این ماجراها و حوادث در غیاب رئیس جمهور شروع شد.اما به هر حال شاید نتوان پذیرفت که درست در همین مقطع و ازخلال‌این‌ماجراها طراحان پشت پرده ،رئیس جمهور را هدف قرار داده بودند، اما می‌توان چنین قصدی را یک هدف نهائی و نقشه‌های اجرا شده را قدمی در این راه تلقی نمود و نیز قابل انکار نیست که وقتی اوضاع این چنین آشفته می‌شود ورشته‌ی امور ازهم می‌گسلد، وقتی این چنین،نیروهای مختلف را در مقابل هم قرار می‌دهند، و تضادهای درونی را مشتعل می‌سازند، وآشوب به راه می‌اندازند، به راحتی ممکن از این میان،دستهای ناپاک دشمنان مترصد و در کمین خلق،از آستین بدرآمده و فجایع وحشتناک بیافرینند. هم چنین با قاطعیت می‌توان پذیرفت که در چنین‌شرایطی ضد انقلاب،ایادی امپریالیزم، و پس مانده‌های رژیم،میدان خوبی برای مانور و تحرک ضد انقلابی و هرچه آشفته‌تر کردن اوضاع برای به تحلیل بردن نیروهای مردم درجهت‌سلطه‌ی مجدد امپریالیزم و اجرای مقاصد شوم خود بدست می‌آورند. و چه بسا که خود سرنخ این قبیل اغتشاشات و آشفتگی‌ها را در دست داشته باشند. در جریانات اخیر هم به طوری که دیدیم، در همان ایام کارتر از وخامت اوضاع در ایران صحبت کرد، و اینک‌هم که‌ماجراجوئی و تجاوز نظامی آمریکا در ایران بر ملا شده‌است، سئوالات مهمتری را می‌توان مطرح نمود، که باید جدا" مورد توجه دانشجویان مسلمان عضو انجمن‌های اسلامی قرار گیرد ومنجمله این که آیا سرنخ قضایای اخیر دانشگاه‌ها به نحوی موذیانه و با مکانیسمی بسیار پیچیده و مرموز در دست آمریکا نبوده است، تا باایجاد اغتشاش وآشوب زمینه را برای تجاوز خود آماده کند؟

به هرحال هدف هر چه باشد (که بدون‌شک هدفی سالم وانقلابی نبود)، می‌توان با قاطعیت گفت، که دنبال کنندگان چنان هدفی بازهم از پای نخواهند نشست و بازهم برای تحقق مقاصد شوم خود دنبال طرح توطئه‌ها و نقشه‌های جدید خواهند بود. تا این بار با دست‌آویز قرار دادن کدام شعار و به جلو انداختن کدام نیروها، ماجراهای جدید بیافرینند. و بازهم می‌توان امیدوار بود، که به علت هشیاری و آگاهی مردم توطئه‌ها موفق نشوند، اما بدیهی است که بهای سنگین آن را این خلق رنجدیده و ستم کشیده باید بپردازد، هم چنان که در جریانات اخیر،این بها را، در شکل انبوهی از ویرانی و صدها مجروح و ده‌ها کشته پرداخته است.

اما اینک به طوری که گفته شد، دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی، از آن جا که پیشقدم و پیشاهنگ روی صحنه‌ی حوادث اخیر بودند،دربرابر این ویرانی‌ها و کشته‌ها و مجروحین مسئولند. اینک این دانشجویان باید ببینند که از این ماجرا چه نتیجه‌ای به دست آمده است؟ آیا شما توانستید، کوچکترین کمکی، بر وحدت صفوف خلق بکنید؟ یا آن را هر چه متشتت‌تر و پراکنده‌تر کردید؟ شما تا این نقطه در همان محیط دانشگاه چه نتیجه‌ای به دست آورده‌اید؟جز این که صف بندی و قطب بندی بین دانشجویان را عمیق‌تر کرده و فاصله‌ها را خونین نموده‌اید؟ آیا شما توانستید بین نیروهای دانشجو و قشر روشنفکر محیط تفاهم و حسن نیت ایجاد کنید، یا بدبینی و سوء ظن را دامن زدید؟

آیا شما در دانشگاه‌ها به برقراری جوی آزاد کمک کردید یا محیط دانشگاه را به سمت‌حاکمیت اختناق سوق دادید؟ و بالاخره شما در برابر این خون‌های ریخته شده چه پاسخی دارید؟

و بالاخره حالا هم مدعی هستید که نظرات و اهداف و خواسته‌هایتان توسط بالاترین مقامات کشور و به خصوص شورای انقلاب تحریف شده است؟ پس برای شما چه باقی می‌ماند و شما چه‌چیزی بدست آورده‌اید؟ جز این که زمینه‌ساز این همه ویرانی و خون‌ریزی و کشتار شده‌اید؟ حالا بیندیشید که آیا شما به صورت یک وسیله و دستاویز مورد استفاده واقع نشده‌اید؟ و حالا لختی بیندیشید.....

* * *
*

مجاهد - سال اول - ۵۹/۳/۱۷ - ش ۸۲

سخنان برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع استادان دانشگاهها و مدارس عالی

آخرین قسمت

در شماره‌های گذشته، بخش‌هائی از سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوی را که در جمع استادان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایراد شده بود، درج کردیم، اما متأسفانه به علت تراکم مطالب نتوانستیم ادامه‌ی این سخنرانی را در همان تاریخ بیاوریم لیکن به دلیل تقاضای گروهی از خوانندگان، که خواستار به پایان رساندن بقیه‌ی این سخنرانی بودند اکنون قسمت پایانی این سخنرانی را از نظرتان می‌گذرانیم.

***

آغاز توده‌ای شدن

موقعیت ویژه‌ی ما [illegible] می‌شود که از یک طرف به [illegible] رشد و خصیصه‌های [illegible] ویژگی [illegible] این ویژگی [illegible] جائی که خودم در خراسان [illegible] واقعاً خبری جز فشار و [illegible] و بعضی وقت‌ها [illegible] کمیته کننده است [illegible] اگر گروه کوچکی بودیم که هنوز [illegible] کمی خودش را دارد (مثلا [illegible] فکری)؛ این قدر مسئله [illegible] حساسیتی که رویمان [illegible] فقط به دلیل رشد روشنفکری [illegible] آغاز توده‌ای شدن [illegible] و همه می‌دانیم [illegible] یک سازمان انقلابی در هر جای جهان از مرحله‌ی توده‌ای شدن [illegible] دیگر نمی‌شود نابودش کرد [illegible] سازمان فتح فلسطین. یعنی جنبش توده‌ای شد. می‌شود [illegible] خواهند شد و ما الان رشدمان در حدی است که برای امپریالیزم خطرناک بوده و در نظر آنها در مرز خط قرمز هستیم مرزهای خطر و [illegible] های داخلی اش که اگر از آن [illegible] دیگر کاری نمی‌شود کرد. این [illegible] دلیل کثرت فشارها. حساسیت‌ها [illegible] و این را بارها گفته‌ام که اگر می‌توانستند مقامات رسمی با صراحت اعلام کنند واقعاً هیچ [illegible] شرکت در انتخابات [illegible] طبیعی است می‌دانند [illegible] خواهند شد [illegible] اجازه را نمی‌دهد

مرز بین انقلاب وضد انقلاب

سازمان ما امروز در معرض [illegible]

جهادهای ویژه‌ای هستیم که صرفاً در این مرحله از رشدمان برایمان قابل فهم است همانطور که خودتان بهتر می‌دانید در مدارج و مراحل مختلف تکاملی مثلاً در مرز دنیای بی‌جان و ذی‌جان، مسائل متفاوتی مطرح است. در مرز بین جان و بی‌جان [illegible] ویژه‌ای حکمفرمائی می‌کند امروز ما این را احساس می‌کنیم و به دلیل همین شرایط هم هست که هم مسئولیت‌مان سنگین است و هم فشارهایش همانطور که گفتم اگر ابعاد کوچک می‌بود بار آنچنان خطرآمیز و حساس نبود. کما اینکه اگر از این مرحله‌ی کنونی رد می‌شدیم باز هم بسیاری از حمله‌ها را نداشتیم [illegible] تمام بحرانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است که در [illegible] شرایط اجتماعی سیاسی فعلی [illegible] شرایط [illegible] در همه‌جا و هرروز دیده می‌شود [illegible] مثلاً بروند توضیح بدهند که من جاسوس نیستم. من دزد نیستم. چرا؟ برای این که کثرت عرصه‌ی افراد انقلابی بعد از انقلاب در این روزها طبیعتاً مرز بین انقلاب و ضد انقلاب، جنبش و ضد جنبش را مخدوش می‌کند. ما از این دو حال [illegible] آینده‌ی ما، و نه فقط گروه ما، بلکه [illegible] کل جنبش انقلابی ایران، کل انقلاب ایران، کل سرنوشت مردم ایران تا آنجائی که به ما مربوط می‌شود [illegible] یعنی گروه ما مربوط می‌شود. از دو خط خارج نخواهد بود. یا بایستی ما وارد فضا و آسمان و دنیای جدیدی از فعالیت بشویم، یا تکامل [illegible] پیدا بکند همینطور [illegible] جنبش انقلابی و [illegible] خلق و یا این که خاموش خواهند کرد. یا بایستی به اصطلاح دست و پای‌مان قطع و جلوی رشدمان گرفته شود و یا آنجا پس زده بشویم که به حد قابل قبولی برسیم و دیگر حساسیتی روی ما نباشد.

و امروز من صرفاً برای گزارش این حقیقت به محضر شما آمدم. نه فقط شرایط سیاسی- اجتماعی‌مان حساس است بلکه جنبش انقلابی تا آنجائی که به ما مربوط می‌شود موقعیت بسیار ویژه‌ای را در تاریخ تکاملی خودش طی می‌کند.

شاه آری، رجوی نه!

قبلاً [illegible]، دیکتاتوری شاه دست ما را از [illegible] توده‌های مردم [illegible] کوتاه کرد. حالا مردمان را صدا می‌کنیم، و اما این پیدایش در سر راه خودش به سدهای بسیار عظیم و جدی برخورد می‌کند

اگر می‌بینید که اینجا می‌نویسند شاه بله، مثلا مجاهدین نه (عکسی را که از تابلوی یکی از سینماهای شیراز برداشته شده است و در روی آن نوشته شده: شاه بله، رجوی نه نشان می‌دهد) از اینجا سرچشمه می‌گیرد. والا آخر، به هر حال ما [illegible] مسئول یک جریان تلقی [illegible] حالا با [illegible] با چماقداری [illegible] و امثالهم.

یک سازمان انقلابی متعلق به تمام مردم ماست

از طرف دیگر باز هم به دلیل این که یک سازمان انقلابی با تمام [illegible] نه جریانی متعلق به یک فرد یا گروه بلکه متعلق به تمامی خلق و بخصوص آگاه‌ترین و هوشیارترین قشرش هست، به دلیل این که همه‌ی پسرها یا دخترها، یا افراد این سازمان، برادران و خواهران خود شما هستند. باز هم من بایستی به منزله‌ی یک گزارش در عملکرد این چند ماهه‌مان (ده پانزده ماهه‌ی بعد از انقلاب) به اطلاع شما برسانم که ما تا به حال، یعنی تا به این لحظه موفق شده‌ایم از خیلی از دام‌ها بگریزیم و مسیر رشد خودمان را باز هم [illegible] بکنیم. اما از این به بعد مسأله فراتر از این است که فقط منحصر به خود اعضاء و هواداران بشود. یک کوشش دسته‌جمعی می‌خواهد، چون مربوط به یک تفکر عام و یک جنبش مردمی است. بسیاری از سیاست‌ها بودند که می‌خواستند دست ما را آن چنان ببرد که تا مدتها از دامن توده‌ی مردم دور بمانیم. ما سعی کردیم با اصل و فرع کردن مسائل انقلابی این خطر را سد بکنیم و به همین دلیل امروز در معرض این تهدیداتی که گفتم هستیم. [illegible] صحبت را کوتاه کنم، معمولاً سازمان‌های چریکی در گوشه و کنار جهان به خصوص در آمریکای لاتین که زادگاه بسیاریشان هست، در شرایط نسبتاً دموکراتیک که قرار می‌گیرند برایشان آرامش دادن بسیار مشکل است، ذوب می‌شوند. من دقیقاً نمی‌دانم، یعنی تا آنجائی که می‌دانم به نمونه‌ای برخورد نکردم که بتواند سازمانی از زیر شرایطی بسته به شرایط باز با توجه به تمامی حقایق و دیکتاتوری [illegible] آگاهی‌ها با همه‌جا [illegible]

هم درست نکنند [illegible]، چرا؟ برای این که قلمرو انقلاب، توده‌های مردم هستند و توده‌های مردم هم در رابطه با انقلاب یعنی، دهقانان، [illegible]، [illegible]، عقب‌تر از آن چیز هست که دوری و نزدیکی‌اش معیار سنجش پیشرفت‌های انقلابی است. و به همین دلیل بود که امروز من در جمع شما ضروری می‌دانستم که گزارشی از کل وضعیت جامعه و لو به اختصار به عرضتان برسانم و بگویم که ما در چه جائی هستیم و چرا در مجلس شرکت می‌کنیم، و از شما بخواهم که حمایتمان بکنید. موقعی که انتخابات ریاست جمهوری بود به خصوص من این کلمه را توضیح دادم، به اعتقاد ما تنها جائی که می‌شود رسما از آن تقاضای حمایت کرد، شما هستید و اگر شما نباشید چه کسی است؟ برای این که خود شما حاملان نور و روشنائی و دانش هستید. برای این که مسأله فقط به ما مربوط نیست. مگر غیر از این است که باید نخستین اخگرهای آزادیخواهی، نخستین درسها و الهاماتش را در بسیاری موارد خود شما به ما دادید. پس حالا بین خودتان و این برادران و خواهران و فرزندان مجاهدتان در مورد جریان دانشگاهها که گفتم و باز هم می‌گویم [illegible] انقلاب ما نه فقط [illegible]

زمینه‌ی اقتصادی - اجتماعی و سیاسی- نظامی، بلکه دقیقا بایستی در زمینه‌ی فرهنگی هم مصداق داشته باشد. اما بحث بر سر تلقی انقلابی و اسلامی و مردمی از انقلاب فرهنگی است، که البته موضوع بحث جداگانه‌ایست و دوم در باره‌ی روشهایش است، از لحاظ روش شناختی. همه می‌دانیم که روشهای حصول به شیئی از قضا خودش تعیین کننده کم و کیف این دریافت هم هست. به عبارت دیگر نمی‌شود روش را از مضمون و محتوی چیزی که به دنبال دریافتش هستیم جدا کرد. اینجاست که دقیقا ما امروز علیرغم همه‌ی فشارها از [illegible] و تلاش برای رفتن به مادر شوراها یعنی مجلس شورای ملی دفاع می‌کنیم و به همین دلیل هم از شوراهای مردمی در همه‌جا و به خصوص در دانشگاه‌ها حمایت می‌کنیم شورا عنصر لازم و قطعی خودش را که آگاهی است به طریق اولی دارد. بنابر این چه کسی شایسته‌تر برای انجام این انقلاب است؟ مسلما شما برای هر نوع طرحخواهی با سایر نهادهای انقلابی آماده هستید. مسلما شما برای هر مشورتی با فکرهای مختلف اجتماعی آماده هستید. و در این تردیدی نیست. پس چه می‌ماند. پس بر خود شماست که بایستی جایتان را جارو کنید، نوسازی کنید و در آن نظم نوینی را بنا کنید

آراء مردم وتجدید عهد دوباره

یکی از مواردی هم که ما برای آن امروز به یک مبارزه‌ی سیاسی (برای دستیابی به سنگرهای پارلمانی) دست زده‌ایم همین است یا حتی اگر کرسی بدست نیاوریم این مهم نیست زیرا خود آراء مردم [illegible] همه حامی هستند. چرا که خود آراء هم برای بسیاری از ضربات، [illegible] هستند، و این همان کوشش و تلاش دسته‌جمعی است که امروز و فردا باید به آن [illegible] داشته باشیم

آنچه می‌ماند این که من آرزو بکنم و از همه واجب‌تر در اینجا از جانب همه‌ی خواهران و برادران مجاهد تجدید عهد بکنم با شما که عنصرهای روشنائی و علم را در ملت‌های ما کاشتید و تا آنجائی که بفهمیم و تا آنجا که در توانمان هست، مسیر حسینی و علوی را ادامه خواهیم داد و در این مسیر از هر ایثار و فداکاری که وظیفه‌مان ایجاب کند سعی می‌کنیم دریغ نکنیم

متشکرم

مجاهد ۸۷
۲۴ خرداد ۱۳۵۹

خبرهائی در مورد توطئه‌ی تعطیل خوابگاهها

سخنگوی انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی اظهار داشت :

به دنبال هشدارهای گذشته در مورد توطئه‌های تهاجم به خوابگاهها ، ایجاد زمینه برای متشنج کردن و بهم‌زدن جو ، در چند روز اخیر شاهد نمونه‌هایی از چنین تحریکاتی بوده‌ایم که مجددا توجه مقامات مسئول را به این موارد جلب می‌کنیم و از آنها می‌خواهیم هرچه صریح‌تر در مورد خوابگاهها و تحریکاتی که علیه آنها می‌شود ، موضع خود را اعلام کنند . در این نمونه‌ها شاهد عملیات ایذائی از طرف سرمایه‌داران فراری و عناصر مشکوک ،فعال شدن عناصر ساواکی شناخته شده ، مزاحمت‌های گاه وبیگاه افرادی با لباس پاسدار و عموما بدون حکم ، و سلب مسئولیت کردن مقامات اجرائی از خودشان و گاه آماده کردن زمینه‌ی تخلیه . . . هستیم که همگی موید مطالب فوق و هشدارهای قبلی می‌باشد ، نمونه‌هایی از این دسیسه‌ها به شرح‌زیر است :

● بعد ازظهر دوشنبه ۳/۱۹ و صبح ۳/۲۰ در دو نوبت ، چند عدد فشنگ نو و براق در باغچه‌ی خوابگاه مدرسه‌عالی پارس پیدا می‌شود . دیده شده‌است که‌این فشنگ‌ها را به نحو مشکوکی در داخل خوابگاه انداخته‌اند . بلافاصله پس از آن‌چند نفر برای بازرسی خوابگاه به آنجا مراجعه می‌کنند .

● روز گذشته ۳/۱۹ ، سه نفر که یکی از آنها خود را از طرف وزارت آموزش و پرورش معرفی می‌کند ، به خوابگاه مدرسه عالی بهداشت مراجعه کرده و مدعی می‌شوند که از طرف بنیاد ، برای دیدن ساختمان آمده‌ایم . در تلفنی که دانشجویان خوابگاه به بنیاد مستضعفین می‌زنند آنها می‌گویند : اگر این افراد حکم دارند به آنها اجازه‌ی ورود دهید . ولی چون آنها حکمی نداشتند ، دانشجویان مانع ورودشان به آنجا می‌شوند .

● یکشنبه صبح ساعت ۱۱ ، صاحب سرمایه‌دار خوابگاه لاله (دانشگاه صنعتی) که مصادره شده است ، به محل خوابگاه آمده و سر و صدا به راه انداخته است . وی سعی دارد با بسیج عوامل خود ، خوابگاه را از دانشجویان پس بگیرد . نظیر مورد فوق در خوابگاه‌های مصادره شده دیگر نیز مشاهده شده که سرمایه‌داران و صاحبان قبلی آن ــ که اخیرا فعال شده‌اند ــ در صدند به هر قیمتی دانشجویان را اخراج کرده وساختمان‌ها را پس بگیرند .

● عده‌ای ازدانشجویان‌وابسته‌به انجمن اسلامی‌مدرسه‌ی عالی ترجمه گفته‌اندما برای‌این به‌جهاد نرفته‌ایم‌که . . . ایستادن و خوابگاه را تخلیه کردن،خود جهاد است ، یک نفر از سپاه ، کاغذی به دانشجویان ارائه کرده که در آن رئیس دانشکده طی نامه‌ای به سپاه متذکر شده ، خوابگاه را دیگر نمی‌خواهیم و مسئولیتی نسبت به آن نداریم . دانشکده فعلا بسته‌است و تمام کادرهای آن به مرخصی رفته‌اند .

● دانشکده‌ی پیراپزشکی بسته است و اطلاعیه‌ای از طرف سرپرست دانشکده مبنی بر تخلیه‌ی خوابگاه تا ۲۲ خرداد نصب کرده‌اند . همچنین یکشنبه به خاطر عدم پرداخت پول از طرف مسئولین ، برق خوابگاه را برای چندمین‌بار قطع کردند .

● چندشب قبل ، در مقابل خوابگاه‌خواهران دانشکده‌ی‌آماروانفرماتیک‌دونفر به‌تعقیب خواهران‌می‌پردازندخواهران نیزبه‌کلانتری‌اطلاع‌داده آن دو نفر مزاحم را بازداشت کرده ، می‌برند . روز بعد آن دو نفر بین همسایگان به هتاکی و افتراهای‌ضداخلاقی برعلیه خواهران ساکن خوابگاه می‌پردازند .

● در خوابگاه‌مدرسه‌ی عالی ادبیات ، تلفن‌های تهدیدآمیزی می‌شود که تا دوشنبه بایستی اینجا را تخلیه کنید .

● چند روز قبل در مقابل خوابگاه پسران دانشکده‌ی طالقانی که مصادره‌ای است ، یک کیف محتوی وسایل زنانه انداخته بودند . اینکار در تاریخ ۳/۱۶ با انداختن لباس زنانه بدرون خوابگاه تکرار شده‌است .

● در روزهای یکشنبه ۳/۱۸ و دوشنبه ۳/۱۹ ، مصطفی واعظ تهرانی که رئیس سابق تربیت بدنی دانشگاه علم و صنعت بوده و از ساواکیهای اخراج شده از دانشگاه می‌باشد ، رفت‌وآمدهای مشکوکی به دانشگاه داشته‌است .

● روز سه شنبه ۳/۲۰ ، عده‌ای از طرف بنیاد مسکن طرح امام (واگذاری‌خانه‌های‌خالی‌به‌مستضعفین) به خوابگاه مدرسه‌ی عالی ادبیات مراجعه کرده و خواستار تخلیه می‌شوند ، آنها می‌گویند فقط کسانی که برگه‌ی اشتغال به کار دارند می‌توانند در خوابگاه بمانند . در ضمن یک‌نفر از افراد فوق اظهار داشته وزارت علوم و قسمت رفاهی دانشجویان از خود در قبال خوابگاهها سلب مسئولیت‌کرده‌اند .

● سرپرست دانشکده‌ی پیرا ــ پزشکی مجددا جهت تخلیه‌ی خوابگاه خواهران‌اخطار و مهلت تخلیه را تا ۲۲ خرداد تعیین کرده است . وی متذکر شده است که در صورت عدم تخلیه ، دانشجویان را توسط‌کارگران دانشکده اخراج خواهند کرد .

● روز سه شنبه (۳/۲۰) ، صاحب خوابگاه دانشکده‌ی طالقانی به اتفاق کمیته‌ی ۶ و با حکم دادستانی جهت تخلیه‌ی خوابگاه مراجعه می‌کنند ولی هنگام مشاهده‌ی مقاومت دانشجویان رفته ومی‌گویند پنجشنبه بر می‌گردیم . لازم به‌تذکر است که ضمن مراجعه‌ی دانشجویان به بنیاد مسکن جهت تعیین اجاره‌ی رسمی ساختمان ، آنها ۵ روز مهلت به صاحب ساختمان می‌دهند که‌وی بیاید و مشروع یا غیر مشروع بودن مالکینش را مشخص کند .

پاسخ شورای انقلاب نیکاراگوئه ...

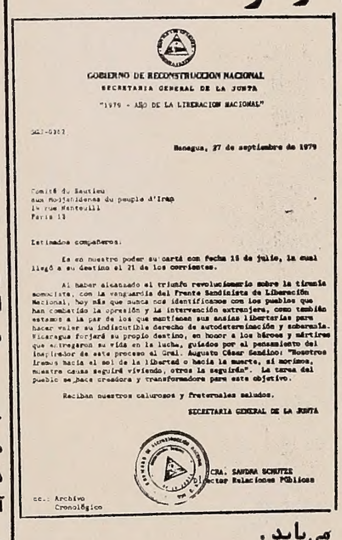
بقیه‌ازصفحه‌اول

انقلابی برعلیه دیکتاتوری سوموزا دست یافته‌ایم ، امروز بیش از هر زمان دیگر خود را ، با خلقهائی که برعلیه اختناق و تجاوزات خارجی مبارزه کرده‌اند ، نزدیک و همسان می‌بینیم . در عین حال خود را در کنار کسانی می‌دانیم که در مبارزه برای آزادی و تحقق حقوق حقه ، استقلال و سیادت خود ، پایدارند .

نیکاراگوئه از برکت وجود قهرمانان و شهدائی که جان خود را فدای این مبارزه به رهبری افکار الهام‌بخش این جریان انقلابی یعنی "ژنرال ساندینو" نمودند ، خود حاکم بر سرنوشتش خواهدبود . "اگوستو سزار ساندینو" گفته بود : "یا به سوی خورشید آزادی یا به سوی مرگ خواهیم رفت . چنانچه بمیریم هدف ما در زندگی دیگران که راه ما را ادامه خواهندداد جامه‌ی عمل خواهدپوشید" . به این ترتیب است که نقش خلق ، تکامل و خلاقیت می‌یابد .

سلامهای گرم وبرادرانه‌ی مارابپذیرید

دبیرخانهٔ کل شورای انقلاب
دبیرروابط عمومی
ساندارا شوتز


GOBIERNO DE RECONSTRUCCION NACIONAL
SECRETARIA GENERAL DE LA JUNTA
"1979 - AÑO DE LA LIBERACION NACIONAL"

SGJ-0362

Managua, 27 de septiembre de 1979

Comité de Soutien
aux Moujahidines du peuple d'Iran
14 rue Monteuill
Paris 12

Estimados compañeros:

Es en nuestro poder su carta con fecha 16 de julio, la cual llegó a su destino el 21 de los corrientes.

Al haber alcanzado el triunfo revolucionario sobre la tiranía somocista, con la vanguardia del Frente Sandinista de Liberación Nacional, hoy más que nunca nos identificamos con los pueblos que han combatido la opresión y la intervención extranjera, como también estamos a la par de los que mantienen sus ansias libertarias para hacer valer su indiscutible derecho de autodeterminación y soberanía. Nicaragua forjará su propio destino, en honor a los héroes y mártires que entregaron su vida en la lucha, guiados por el pensamiento del inspirador de este proceso el Gral. Augusto César Sandino: "Nosotros iremos hacia el sol de la libertad o hacia la muerte, si morimos, nuestra causa seguirá viviendo, otros la seguirán". La tarea del pueblo se hace creadora y transformadora para este objetivo.

Reciban nuestros calurosos y fraternales saludos.

SECRETARIA GENERAL DE LA JUNTA

CRA. SANDRA SCHUTZE
Director Relaciones Públicas

cc.: Archivo
Cronológico

مجاهد سال اول
ش ۹۴ - ۵۹/۴/۱

رهنمودهائی برای دانش‌آموزان

برخورد انقلابی با تعطیلات تابستان

تابستان از راه رسیده‌است و سه ماه تعطیلی سعی دارد طبق روال معمول خود رخوت و رکود را بر شهرها و نیروهایش حاکم سازد. در کنار این تمایل عمومی، یک جریان قوی و محکم و سخت‌کوش با این موقعیت، برخوردی انقلابی دارد و با رخوت و رکود آن، به مبارزه برخواسته است. اساسا چنانچه بخواهیم از دیدگاه انقلابی به سه ماه تعطیلی نگاه کنیم آنچه به طور مقدم مطرح می‌شوداینست که چگونه بایستی با آن برخورد کنیم.

به لحاظ ایدئولوژیک کلیه‌ی امکانات و اشیائی که دوروبر ما هستند در خدمت رشد و تعالی انسانند. نوع برخورد با پدیده‌های پیرامونمان تعیین‌کننده‌ی رشد و یا انحطاط ماست. بنابراین براساس دیدگاه انقلابی ما بایستی با بهره‌گیری از هرآنچه پیرامونمان هست در جهت رشد و ارتقاء انسانی خویش بکوشیم. چنین دیدگاهی به ما حکم می‌کند که با هر امکانی اینطور برخورد کنیم، که آیا بدرد انقلاب می‌خورد؟ در جهت انقلاب‌است؟ و... این مضمون

بقیه‌درصفحه‌ی ۳

ص ۳

و جوهر برخورد انقلابی با امکانات است. طبیعی است وقتی با چنین دیدی با امکانات برخورد کردیم دیگر امکانی تلف یا حرام نمی‌شود و از هر چیزی درجای و به اندازه‌ی خودش استفاده می‌شود.

تعطیل تابستان نیز به نوبه‌ی خود فرصت و امکانی است که بایستی با آن انقلابی برخورد کرد. برخورد غیرانقلابی با تعطیلات، برخوردی است که در آن تنبلی، بیکاری، کم‌تحرکی، خواب و احیانا ولگردی برنامه‌ی روز را پرمی‌کند. در حالی که برای یک انقلابی جوان چون درس و مشق در کار نیست، و چون مشغله‌ی درس‌خواندن‌و مدرسه رفتن وجود ندارد، با دست بازتر خواهد توانست به برنامه‌ی انقلابی‌اش بپردازد.

تعطیلات تابستانی سال های اخیر

تابستان سال ۵۷ را بیاد آوریم، آتش زیر خاکستر بود. گرمای تابستان دانه‌های سرخ آتش را برای پائیز و زمستان سرخ می‌کرد، شهرها در انتظار جرقه بودند. جرقه زده شد و شهرها آتش گرفت. کوچه و خیابان، لاستیکهای مشعل، راه‌بندان، باروت و دود و زخمی و شهید و فریاد انقلابیون، همه و همه محصول شیرین و پربار بذرافشانی و انتظار تابستان ۵۷ بودند.

تابستان ۵۷ نقطه‌ی عطفی دیگر در تاریخ مبارزات دانش‌آموزان ـ بطور خاص ـ بود. رژیم شاه برای سه ماه تعطیلی برنامه‌ریزی کرده‌بود و روی آن حساب می‌کرد. می‌خواست بااستفاده از رکود و رخوتی که در تابستان برقرار می‌شود، جنبش را افت بدهد. و اگر می‌توانست افتی ایجاد کند، دستش باز بود که مانورهای مختلفی انجام دهد.

ولی تابستان، فعالتر از بهار بود. دانش‌آموزان از سه ماه تعطیلی به بهترین نحو استفاده کردند. مدارس بازماند و قرارگاه انقلابیون جوان شد، و دیدیم که چه شد: قیام ۲۲ بهمن و پس از آن اولین بهار آزادی.

انقلاب ضددیکتاتوری پیروز شده‌بود، و برای عده‌ای عافیت‌جو و مرتجع، مبارزه و انقلاب تمام شده‌بود و تمام هوش و حواسشان متوجه‌ی قدرت‌طلبی و انحصار آن بخودشان شد؛ طبعا ضدیت با نیروهای انقلابی و منجمله سازمان مجاهدین.

ولی برای دانش‌آموزان انقلابی ما، در سایه‌ی درک عمیق از مفهوم انقلاب و در سایه‌ی رهنمودهای سازمان‌های انقلابی، مرحله‌ی پیچیده‌تر مبارزه‌ی ضدآمریکائی آغاز می‌شد، که طبعا خوش‌آیند مرتجعین وسازشکاران نبود.

دانش‌آموزان، باید خود را برای پیمودن راه پرپیچ و خم تداوم مبارزه ضدامپریالیستی آماده می‌کردند و چه فرصتی بهتر از تعطیلات تابستان برای کسب این آمادگی؟:

اولین تابستان پس از بهار آزادی پرجنب‌وجوش‌تر و حساس‌تر بود. باکلاسهای آموزشی و اردوهای سازندگی، نیروهای جوان. آگاهی سیاسی و توان سازندگی خویش را ارتقاء و خود را به عنوان رزمندگان تداوم انقلاب تربیت کردند.

در جریان تداوم انقلاب، ارتجاع و ضدانقلاب همواره مانع و سد تراشیدند، کشتند و تهمت زدند اما ما دانش‌آموزان انقلابی رشد کردیم وآن‌ها به انحطاط افتادند.

روزهای سال را بشمارید و تقویم را ورق بزنید وسیر افول ارتجاع و در مقابل، رشد وجاافتادگی انقلابیون را ببینید.

تابستان، اردوگاه آمادگی

مرتجعین در سال تحصیلی‌ای که پشت سر گذاردیم، تلاش‌هایی در جهت عقیم کردن مدارس به عمل آوردند، ودیدیم که انقلاب را تمام ـ شده اعلام کرده و حکم تعطیل فعالیت‌های سیاسی درمدارس را صادر کردند. هرچند هیچکس به این یاوه‌ها گوش نداد، هرچند کتک خوردیم، و اخراج شدیم و آنها برای منحرف کردن اذهان، انجمنها و کانونهای سیاسی فرمایشی و نورچشمی در مدارس ساختند، ولی یک چیز برای ما مهم و اصل بود: انقلاب تعطیل‌بردار نیست". البته پایبندی به‌این شعار، و تداوم اصولی انقلاب فداکاریهای بسیاری‌رااز همه‌ی انقلابیون و منجمله از دانش‌آموزان می‌طلبید. که الحق این نسل جوان انقلابی از دادن قربانی دریغ نکرده و فداکاری را به اوج رساند. برای فروش مجاهد کتک خورد، دستگیر شد و مورد توهین قرارگرفت. برای نگهبانی از مراسم سخنرانی و... آزار و اذیت چماق و مجروح را تحمل کرد. و بالاخره، در آستانه‌ی تابستان امسال همکلاسهای قهرمان ما "ناصر محمدی" و "مصطفی ذاکری" به کاروان پرافتخار شهدای مجاهد، پیوستند. تمام این فداکاریها توطئه‌های تعطیل فعالیت سیاسی در مدارس و جدائی درس از سیاست را باشکست مواجه کرد. به این ترتیب ما به مبارزه‌ی خویش ادامه دادیم تا حال که به سه ماه تعطیلی رسیده‌ایم.

ارتجاع به این دل خوش دارد که تعطیل تابستان، فعالیت انقلابی مدارس را جبرا هم که شده به تعطیلی می‌کشاند و یا به حداقل می‌رساند. و به خیال خودش از شر انقلابیون جوان در امان‌می‌ماند. ولی بدون شک این هم خیال خامی است. آخر مگر نه اینست که امسال دانش‌آموزان انقلابی با چشم خویش دیدند که امپریالیزم امریکا در سایه عملکردهای مرتجعین وسازشکاران به خود جرئت دخالت نظامی در ایران داد؟ و مگر نه اینست که ضد انقلاب وقیحانه شبکه‌های ساواک و سیا را می‌خواهد سازمان دهد و خون شهدای بخون خفته‌ی خلق را پایمال سازد؟ و مگر نه اینست که انقلابیون صدیق و منجمله مجاهدین خلق فردای پیروزی انقلاب در مورد آمریکا و ایادی داخلی‌اش هشدار دادند و هم‌اکنون پیش‌بینی آنها به واسطه‌ی عملکردهای غلط دست اندرکاران درست ازآب‌درآمده‌است؟ پس باید برای تداوم مبارزه‌ی ضد امپریالیستی و برداشتن هرنوع مانعی که بخواهد جلوی این حرکت را بگیرد آماده‌شد.

ما به طور درازمدت به سمتی می‌رویم که ناچاریم برای حفظ ارزش‌های انقلابی و گرانقدر شهدائی چون "مصطفی" و "ناصر"، و تمامی شهدای خلق خونهای بیشتری بدهیم ما شرایط به غایت سخت‌تری در پیش داریم. شرایطی که از حالا باید خودمان را آماده‌ی مقابله با آن کنیم بنابراین تابستان امسال برای تمام انقلابیون به ویژه جوانان "اردوگاه آمادگی" است.

از لحظه لحظه‌ی اوقات تابستان بایستی درجهت تربیت و آمادگی خودمان در تمام زمینه‌ها استفاده کنیم و خسته نشویم.

باید توان "ایدئولوژیک ـ سیاسی" خودمان را همراه با تربیت نظامی و آمادگی بدنی، افزایش دهیم و هرچه بیشتر در جهت کسب آمادگی‌ها برای یک "مبارزه‌ی انقلابی" برعلیه امپریالیزم جهت تحقق آرمانهای انقلابی مکتبمان بکوشیم و مطمئنا ما پیروزیم.

در زیر رهنمودهائی در رابطه با استفاده‌ی انقلابی و درست از تعطیلات تابستان بطور خلاصه و محوری می‌آوریم که حتی‌الامکان در فرصتهای بعدی در این زمینه بیشتر توضیح خواهیم داد.

رهنمودهای این مرحله:

۱ ـ تشکل و ارتباطات خود را با سایر همرزمان حفظ کنید.

۲ ـ مطالعات ایدئولوژیک ـ سیاسی را به طور فعال ادامه دهید.

۳ ـ از هر امکانی برای تربیت و ارتقاء روحیه‌ی نظامی استفاده کنید ورزش و کوهنوردی را حتما به خدمت مبارزه‌ی حرفه‌ای خویش بگیرید.

۴ ـ از طریق روزنامه، رادیو تلویزیون و اجتماعات گوناگون در جریان آخرین تحولات سیاسی روز باشید.

۵ ـ نسبت به مسائل مختلف اجتماعی که به نوعی به سرنوشت انقلاب مربوط می‌شود، حساس باشید

۶ ـ رابطه‌ی فعال خویش را با بستگان و فامیل حفظ کنید.

۷ ـ تا می‌توانید از عاطل ماندن مدارس و امکاناتی ازاین دست جلوگیری کنید و از طرق منطقی، پایگاههای خویش را حفظ کنید

۸ ـ نسبت به خطرات و تهدیدات بالفعل نسبت به انقلابیون و انقلاب خونبارمان هوشیار و حساس باشید. "ان اخا الحرب الارق".

پیروزباشید.

مجاهد ۲۵,۹,۵۹

اظهارات خلاف واقع آقای موسوی تبریزی

انجمن دانشجویان مسلمان تبریز در مورد اظهارات خلاف واقع آقای موسوی تبریزی و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی اطلاعیه‌ای صادر کرده‌اندکه نظر شما را به قسمت‌هایی از آن که در زیر می‌آید جلب می‌کنیم:

مردم مبارز، همشهریان آزاده و قهرمان

همانطور که می‌دانید بدنبال افشای مساله‌ی شکنجه عده‌ای کوشیدند تا با عوامفریبی و تبلیغات بی‌اساس مساله‌ی شکنجه را غیرواقعی جلوه دهند و منجمله آقای موسوی حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز و نماینده‌ی مجلس. برای چندمین بار اخلاق اسلامی! خویش را به نمایش گذاشته و وجود شکنجه را در دادگاهها و زندانهایشان منتفی اعلام کرده‌اند و گفته‌اند یک نفر ادعا کند که شکنجه شده؟!

... مردم قهرمان تبریز بخوبی شاهدند هربارکه برادران ما به میان مردم رفته‌اند با حمله و هجوم ایادی اوباش و مسلح مواجه شده و منجمله در سراسر ماه مبارک رمضان دسته دسته دستگیر شده و در زندانها مورد آزار و انواع شکنجه‌ها قرار گرفته و در بعضی موارد با حضور شخص آقای موسوی تبریزی مضروب و مجروح شدند.

آقای موسوی مثل اینکه فراموش کرده‌اند که حدود ۱۵۰ نفر از خواهران و برادران پس از دستگیری در ماشین و حین انتقال به زندان با فحش و لگد مواجه شده و سپس مورد انواع شکنجه‌های غیرانسانی قرار گرفته و مجبور شدند روی پنجه‌های پا بایستند و درحالی که دستها را پشت گردن گرفته بینی‌شان را به دیوار تکیه دادند، در همان حال با باطوم و شلاق و مشت و لگد پذیرائی شدند... ویاهمان زندانیان چند شب در سلولهای انفرادی نیمه‌ساز بسر بردند و در حالی که رطوبت و سردی جانکاهی از در و دیوار سلول می‌بارید از داشتن حداقل وسایل گرم کردن خویش محروم بودند، آیا شکنجه غیر از اینهاست؟

همشهریان قهرمان!

بیاد دارید که در جریان حملات ناجوانمردانه‌ی ارتجاعی به مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق - مرکز تبریز، مامورین رسمی و قانونی! مسئول آنجا را بعد از دستگیری در خارج شهر مورد ضرب و شتم قرار دادند و بدن مجروح و خونین اورا نیمه‌شب رها کردند و رفتند.

... سند دستگیری و شکنجه بهرام صادقی در کمیته‌ی ۳۰ و رها کردن پیکر نیمه جان او در کنار جاده، دستگیری و شکنجه‌ی حسین حق‌وردیان و صدها نمونه‌ی دیگر به همراه مدرک مربوط به شکنجه موجود است که بعضی از این موارد به تائید پزشکی قانونی نیز رسیده است و در بعضی از آنها آقای موسوی خود شاهد مجروح شدن و کتک خوردن خواهران و برادران ما در زندانهای رسمی و غیررسمی و دادگاه بوده‌اند. بنابراین ما اصلا انتظار نداریم که آقای موسوی بیاید و بگوید که شکنجه در کار بوده است.

انجمن دانشجویان مسلمان - دانشگاه حنیف‌نژاد.
۲۳/آذر/۵۹